



# آوای ماندگار زنان

ماریا دارو

آوای ماندگار زنان

مؤلف : ماریادارو

حق طبع و تکثیر محفوظ مؤلف است

مرجع و سال طبع : کاتادا « 2008 » میلادی

ادرس ناشر:

Printed by  
Page One Printing

622A Circle Drive East  
Saskatchewan city of Saskatoon

phone : ( 306 ) 244- 8085

Copyright Maria Daro 2008

ALL Rights reserved.  
Do not reproduce in any form without  
prior written permission of author.

اهداد

به خواهران گرامی هموطنم که با شهادت ودلیری قبل از  
جنگ در شرایط عقب مانده جامعه با بیمارهای نستی و بیسوادی  
سنت شکنی کردند و دست به کار های فرهنگی زدند و  
خواهرانیکه در شرایط جنگ های خانماسوز در انجام کاری  
ارزشمند فرهنگی با وجود خطرات جانی و حیاتی لحظه نی دریغ  
نورزیدند ، با محبت فراوان تقدیم می نمایم .  
ماریا دارو

**Maria Daro**

**City of Saskatoon  
Saskatchewan  
Canada**

2008

### اظهار سپاس و تشکر

با سپاس و احترام از محترم دکتور **صیورالله سیاه سنگ** که با یک دنیا محبت و حوصله مندی در تصحیح این کتاب با ریزه کارهای دقیقانه کم و کاستی های کتابم را ثقیل دانش داده اند منموند و محنت گذارم.  
با حرمت فراوان

### از دانشمند محترم دکتور احسان الدین نصیرزاده

دوست سرزمین ایران که بار هنرمودهای عالمانه صادقانه شان در نوشتن این کتاب مرا یاری رسانیدند و بیشتر از ده ها کتاب آئین نگارش را بدسترسم قرار داده اند ، اظهار سپاس و شکران مینمایم.

### از محترم محمد نعیم رفاه

هنرمند با شهرت و سابقه دار وطن ما که خاطرات دوره کارشان در تیاتر افغانستان را " در جریده درد دل مردم در امریکا به نشر رسیده بود" بدسترسم گذاشتند و هم چنان با حوصله مندی به سولاتم ذریعه تلفون جواب اراهم و مرا رهنمائی نمودند ، اظهار سپاس و شکران مینمایم .

### از محترم عزیزالله هدف

هنرمند تیاتر ، سینما ، رادیو ، تلویزیون افغانستان که با گذشت ، برده باری و لطف فراوان در نوشتن این کتاب مرا در پیدا کردن هنرمندان کمک کرده اند و تمام سولاتم را در رابطه با سوابق تیاتر ، ذریعه تلفون صادقانه جواب اراهم کردند و همچنان تاریخ تیاتر ترجمه و نگارش شاد روان عبدالحق «واله» را در اختیارم قرار دادند ، اظهار سپاس و تشکر مینمایم.

### فرزندان عزیزم !

شما که شب و روز در نوشتن این کتاب با من دست همکاری داده اید ، منموند هستم و از خداوند جلیل برای تان عمر طویل با صحت و سعادت تنما میدارم .

### ماریادارو

سال دو هزار و هشت میلادی



## سردروازه ...

نوشتن به هریک از زبانهای مردم افغانستان بخشی از مبارزه فرهنگی است. تنها از همین دیدگاه میتوان برگهای میان دو پشته کتاب کنونی را دست آورد ارجناک خواند.

بانو ماریا دارو در رسته های برونمرزی نام نا آشنا نیست. زیرا سالهاست برای چند سایت در بخشهای هنر و فرهنگ مینوسد و آگاهی های دست اول را به خوانندگان پیشکش میکند.

شناخت او از هنرمندان، گویندگان، سخنوران و دست اندرکاران دستگاه رادیو، تلویزیون، تیاتر و سینمای افغانستان برمیگردد به سه دهه پیش که خود نیز همکار بسیار از آنها بود.

به دنبال اشوب ها و آشفتگیهای فزاینده سیاسی، بیگناهان فراوان داغان شدند، رشته های زیادی گسستند و گسسته های زیادی به هرسو پراکنده فتادند، چنان که گویی مهره های گلوبندی بر فراز تپه بلندی ازهم پاشیده باشند.

هنوز هریکی شتابنده تر از دیگر خواسته یا نا خواسته تا دور دستها میرود، بدون آنکه واپسین ایستگاه ویا حتا سوسوی چراغی از آن در چشم انداز کسی پیدا باشد.

در روزگاری که آدم نمیتواند خود را در آینه بیابد، ماریا دارو به یاد همکاران پیشین می افتد و میخواهد از آنها بشنود، بخواند و افسانه های شان را گرد آورد. چه گام ارزنده تر از این؟

«آوادی ماندگار زنان» را میتواند کلکسیون از خیال و خلوص و خاطره نامید. این همه گفته ها و گفتتیهها فشردگی نمیپذیرد. باید آن را خواند تا بار دیگر آوای ماندگار بانوان نامدار کشور را شنید و به یاد آورد که چرا میگفتند:

مه قربان سردروازه میشم  
صدایت میشنوم ایستاده میشم  
صدایت میشنوم از دور و نزدیک  
مثال غنچه گل تازه میشم

در پایان باید گفت: این کتاب از چندین نگاه «به» است، ولی میتواندست «بهتر» باشد.  
با بهترین آرزوها.

صبور الله سیاه سنگ  
کانادا، برگریزان دو هزار و هشت

آوای ماندگار زنان

مؤلف : ماریا دارو

تصحیح : دکتور صبور الله سیاه سنگ

خدمات کمپیوتری : داؤد دارو

صفحه آرائی : اسمعیل دارو

تدارک منابع و مدارک : ابراهیم دارو

دیزاین پشتی کتاب : دکتور صبور الله سیاه سنگ

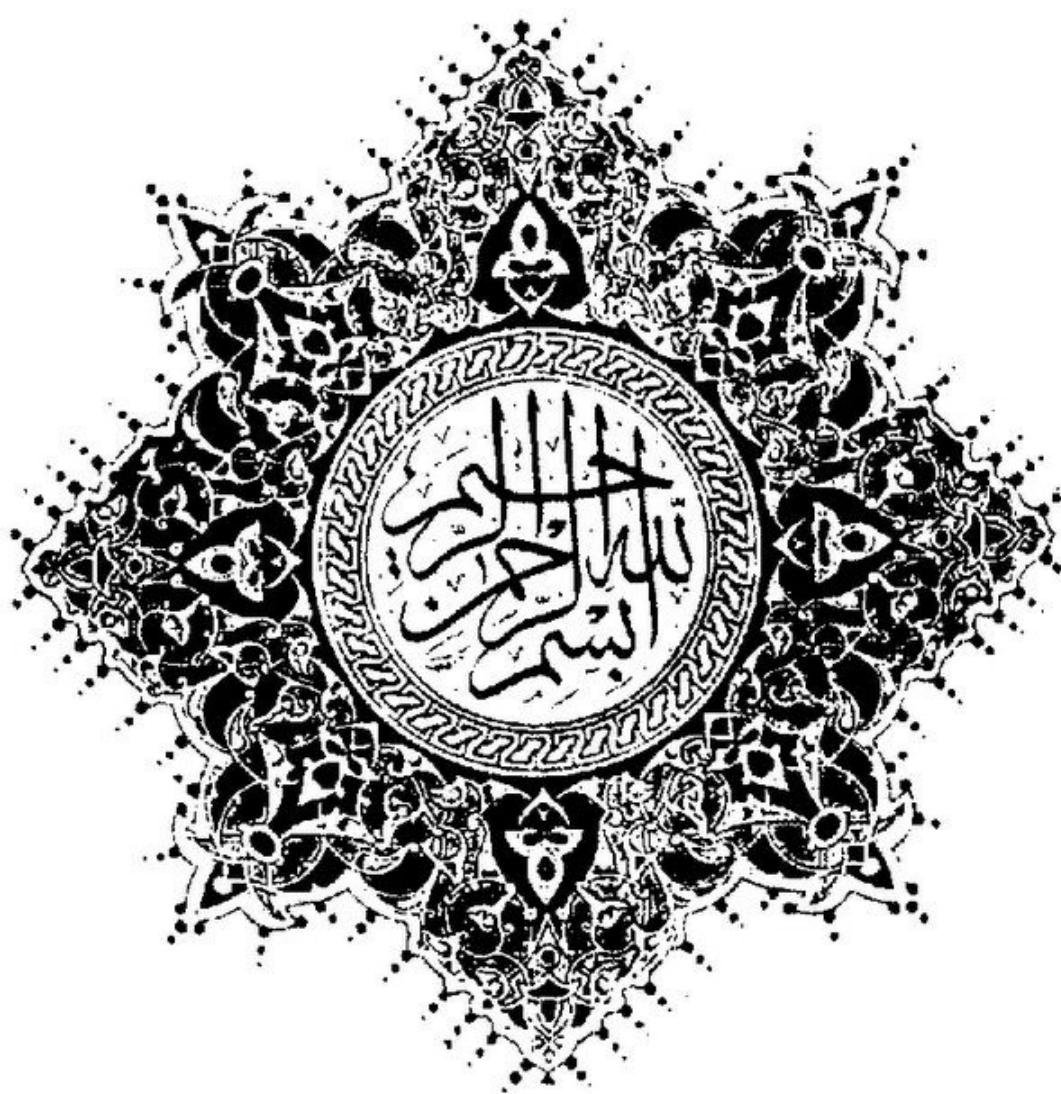
مرجع و سال طبع : کانادا «2008» میلادی

## فهرست مندرجات

| شماره   | عنوان                                          | صفحه |
|---------|------------------------------------------------|------|
| 1.....  | سرآغاز سخن                                     | 5    |
| 2.....  | بخش نخست                                       | 8    |
| 3.....  | انگستان- شکسپیر و عصر ملکه الیزابت             | 13   |
| 4.....  | رونق تیاتر در آلمان                            | 16   |
| 5.....  | گویتِه                                         | 18   |
| 6.....  | نهضت زنان در افغانستان                         | 22   |
| 7.....  | ایجاد اولین تیاتر رسمی .....زمان شاه امان الله | 26   |
| 8.....  | پوهنی ننداری                                   | 28   |
| 9.....  | تیاتردر ولایت هرت                              | 30   |
| 10....  | شهری « شاری » ننداری کابل                      | 32   |
| 11....  | لشکر ننداری                                    | 36   |
| 12....  | زینب ننداری                                    | 37   |
| 13....  | تیاتر ولایت کندهار                             | 40   |
| 14..... | کابل ننداری «افغان ننداری»                     | 42   |
| 15....  | خانم حبیبه عسکر                                | 45   |
| 16....  | خانم پروین صنعتگر                              | 48   |
| 17....  | خانم مخفی حسینی کابلی                          | 53   |
| 18....  | خانم زلیخا نگاه                                | 59   |
| 19....  | خانم سایره اعظم                                | 65   |
| 20....  | خانم زرغونه آرام                               | 69   |
| 21..... | خانم نورتن نورانی                              | 79   |
| 22....  | خانم مزیده سرور                                | 81   |
| 23....  | خانم ملیحه احراری                              | 83   |
| 24....  | خانم رابعه « پورنا » مستمندی                   | 86   |
| 25....  | خانم شریفه دانش                                | 89   |
| 26....  | خانم شهید صایمه مقصودی                         | 91   |
| 27....  | خانم پوهنیار زلیخا « اکرم » نورانی             | 94   |
| 28....  | خانم خدیجه « ضیایی » پروین                     | 99   |
| 29....  | خانم محبوبه « وحید » جبّاری                    | 105  |
| 30....  | خانم زلیخا « بگرامیوال » فخری                  | 111  |
| 31....  | خانم میمونه غزال                               | 114  |
| 32....  | خانم زرغونه « گردش » رفاه                      | 117  |
| 33....  | خانم ستوری منگل                                | 119  |
| 34....  | خانم خورشید نور                                | 124  |
| 35....  | خانم استاد ایلزا افضلی                         | 130  |
| 26....  | خانم حمیده عبدالله « شیرین گل پرسوز »          | 135  |
| 27....  | خانم هما مستمندی                               | 138  |

|     |                                                           |         |
|-----|-----------------------------------------------------------|---------|
| 140 | خانم عادلہ ادیم                                           | .... 28 |
| 143 | خانم طاهرہ روشنګر                                         | .... 29 |
| 143 | خانم شہید حکیمہ                                           | .... 30 |
| 144 | خانم شاپری «نغمہ»                                         | .... 31 |
| 145 | خانم فریما                                                | .... 32 |
| 146 | خانم یاسمین یارمل                                         | .... 33 |
| 150 | خانم گل مکى «فتانہ»                                       | .... 34 |
| 151 | خانم رابعہ احمدی «ہما»                                    | .... 35 |
| 154 | خانم رنا «محرابی» بکتاش                                   | .... 36 |
| 161 | خانم سیما ترانہ                                           | .... 37 |
| 163 | خانم صابرہ «ابراہیمی» آرش                                 | .... 38 |
| 166 | خانم مارینا گلہاری                                        | .... 39 |
| 168 | خانم نسیمہ «رنا»، حمیرا اکرمی و ریتا اکرمی                | .... 40 |
| 168 | دربارہ سینما افغانستان                                    | .... 41 |
| 170 | ایجاد رادیو «کوټی لندنی»                                  | .... 42 |
| 176 | محمد داوود اولین ریس جمهور افغانستان و ایجاد تلویزیون ملی | .... 43 |
| 179 | خانم کوثر نورانی                                          | .... 44 |
| 186 | خانم لطیفہ کبیر سراج                                      | .... 45 |
| 192 | خانم جمیلہ زمان انوری                                     | .... 46 |
| 205 | خانم مستورہ شال                                           | .... 47 |
| 206 | خانم رقیہ حبیب ابویکر                                     | .... 48 |
| 210 | خانم شہلا جیلانی                                          | .... 49 |
| 212 | خانم شفیقہ حبیبی                                          | .... 50 |
| 221 | خانم شکریہ رعہد                                           | .... 51 |
| 234 | خانم فریدہ «عثمان» انوری                                  | .... 52 |
| 239 | خانم انیسہ «لطیف» درانی                                   | .... 53 |
| 244 | خانم خورشید عطایی                                         | .... 54 |
| 248 | خانم شیرین محمود                                          | .... 55 |
| 250 | خانم نفیسہ محمود                                          | .... 56 |
| 259 | خانم نسیرین محمود                                         | .... 57 |
| 266 | خانم تورپیکي «سنگین» خادم                                 | .... 58 |
| 270 | خانم کریمہ «غزل» ویدا                                     | .... 59 |
| 274 | خانم فریدہ «شایان» پاکتین                                 | .... 60 |
| 275 | خانم پلوشہ فقیری                                          | .... 61 |
| 278 | خانم زرغونہ «عطا» ژواک                                    | .... 62 |
| 283 | خانم سیما «عثمان» شادان                                   | .... 63 |
| 286 | خانم جمیلہ «وردک» شفق                                     | .... 64 |
| 291 | خانم رجنی «کمار» پران                                     | .... 65 |
| 295 | خانم دکتور شریفہ شریف                                     | .... 66 |
| 297 | خانم زکیہ کھزاد                                           | .... 67 |
| 300 | خانم ثریا «امیرزی» پکتیانی                                | .... 68 |

|     |                               |          |
|-----|-------------------------------|----------|
| 302 | خانم نبیله همایون             | .... 69  |
| 303 | خانم نیره «راهی» همایون       | .... 70  |
| 305 | خانم صفیه اشکریز              | .... 71  |
| 308 | خانم فاطمه «جمال» صیامی       | .... 72  |
| 313 | خانم مینه بکتاش               | .... 73  |
| 317 | خانم زهره یوسف داوود          | .... 74  |
| 325 | خانم آمنه «زیرک» زمان         | .... 75  |
| 328 | خانم پروین هاشم منصور         | .... 76  |
| 333 | خانم جلیله توخی               | .... 77  |
| 337 | خانم سهیلا اصغری وردک         | .... 78  |
| 340 | خانم لطیفه قریشی              | .... 79  |
| 341 | خانم زرغونه رسا               | .... 80  |
| 344 | پروگرام های ملیت های برادر    | .... 81  |
| 346 | خانم انابت «ایماق» اکبری      | .... 82  |
| 348 | خانم ماری «امید» سرخابی       | .... 83  |
| 350 | خانم سارا بیابانی ابراهیم خیل | .... 84  |
| 358 | خانم ثریا صدیق                | .... 85  |
| 361 | خانم مستوره یوسفی             | .... 86  |
| 365 | خانم جمیله مجاهد              | .... 87  |
| 375 | خانم زهره قیام                | .... 88  |
| 376 | خانم فوزیه شهاب               | .... 89  |
| 383 | خانم الیس نیکزاد ناشر         | .... 90  |
| 388 | خانم رشیده آمو                | .... 91  |
| 389 | خانم فریبا شمال               | .... 92  |
| 392 | خانم نجیبه خلیل               | .... 93  |
| 396 | خانم فوزیه میترا              | .... 94  |
| 401 | خانم لطیفه «ایر» نورستانی     | .... 95  |
| 403 | خانم سهیلا «نثار» بسام        | .... 96  |
| 406 | خانم لیلما احمدی              | .... 97  |
| 409 | خانم زکیه «اشکریز» حقپرست     | .... 98  |
| 414 | خانم شنکی «یوسف» گردیزی       | .... 99  |
| 418 | خانم عادلّه «شاداب» صفازاده   | ... 100  |
| 422 | خانم زرغونه فقیریار           | .... 101 |
| 424 | ایجاد شعبات ضروری             | .... 102 |
| 429 | سرانجام                       | .... 103 |
| 436 | خلص زندگینامه مولف            | .... 104 |
| 437 | پایان .....                   | 105      |



## بنام آنکه روح در قالب جان آفرید

سر آغاز سخن در باره تیاتر و هنرمندان تیاتر اهل فرهنگ و ادب و تعریف مختصر از مشکلات تیاتر جهان و افغانستان و معرفی هنرمندان تیاتر بوده به ادامه ان پیدایش رادیو، سینما و تلویزیون و معرفی نطقان انات افغانستان پرداخته میشود. افغانستان باستانی ما با افتخارات بی مانند در قلب آسیا قرار داشته، که در تاریخ کهن بنام آریانای کبیر، خراسان پهنور و فعلا بنام افغانستان پر غرور و باشهامت در همه دنیا یاد میشود. پایتخت های این سرزمین در گذشته کاپیسا، کندهار بود و فعلا کابل میباشد.

سرزمین افغانستان و شهکاری های مردمش را در تمام جهان به گونه های مختلف تعریف کرده اند، میتوان گفت که مادر وطن ما نه تنها مردان با شهامت بلکه شیرزنان با شهامت، پر غرور و سربلند را نیز در آغوشش پرویش داده است.

زنان افغان مانند مردان افتخارات تاریخی دارند. شهامت زن افغان در ادوار تاریخ، چه در قدم و چه در قلم چشمگیر بوده است اما قسمیکه شاید و باید از کار و پیکار شان در تاریخ یاد اوری گردد، چنین اقدامی بعمل نیامده است.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

از حماسه آفرینی زنان نظر به فرهنگ کهن سنیتی، بی سوادی و عدم رشد دموکراسی، در اسناد تاریخی کشور انعکاس داده نشده است.

شهامت، ایثار، فداکاری، وطن پرستی و غرور جز از افتخارات کشور ماست مگر تنها مربوط مردان نبوده بلکه متعلق به زنان کشور نیز می باشد.

از انجاییکه زنان را همیشه مستور پنداشته شده اند بناً افتخارات شان نیز تحت پوشش قرار گرفته است.

آزادی زنان در افغانستان سیر بس طولانی را پیموده است و به مخالفت ها برخورد کرده است.

نهضت زنان افغان از سال (1298) شمسی (1919) میلادی که کشور ما از استعمار بریتانیا (انگلیس) آزاد گردید، شروع میشود شاه امان الله اولین پادشاه ترقی خواه که خمار آبادی و ترقی وطن بود، میدانست که بدون سهم گیری زنان، کشور جنگ زده و ویران را نمی توان آباد ساخت، بناً حقوق زنان را که عبارت بود از حق مساوی سواد و کار یعنی اشتراک نیم نفوس کشور در اجتماع را سر آغاز نهضت اعلان نمود.

اما دشمنان ترقی و پیشرفت کشور با استفاده از رسوم سنتی پروسسته دموکراتیک را تحت سوال قرار دادند و با استفاده شعار دفاع از مسایل مذهبی نهضت دموکراسی را از بین بردند.



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

با آنکه در طول تاریخ زنان افغان در حصار خانه بسر میبردند مگر با همان قیودات سنتی هم دوش با مردان دست بکار های ارزشمند زده اند از تربیه طفل گرفته تا امور منزل، کار های دستی، به کار های شاقه رزاعتی و غیره پرداخته اند و در اقتصاد خانواده های شان سهیم بودند.

اما متأسفانه گذارش از کار نامه های ایشان در دست نیست به جز بعضی قصه های افاقی و چند شاعر بسیار محدود از جمله زنان که بعضی مکاتب بنام های شان نام گذاری گردیده است و بس.

روی این دلیل کتاب حاضر را برای ماندگار شدن کار نامه های فرهنگی زنان کشورم مینوسم. میدانم که مادران و خواهران کشور ما در ده های مشترک در تحولات و روی داد های مختلف تاریخی دارند زیرا در هر نوع تحول اولین ضربه در پیکر زنان وارد گردیده است. نوعیت تغیر و تحول مهم نیست، از نظر اجتماعی، فرهنگی و یا سیاسی در هر تحول زنان افغانستان مانند زنان سایر کشورهای گیتی طعم تلخ بی عدالتی، عدم تساوی حقوق، و عدم اشتراک در امور فرهنگی و اجتماعی را در رابطه رشد فرهنگ چشیده اند. برآورده شدن ارمان مقدس دموکراسی "نیم نفوس" در همه جوامع با موانع برخورد کرده است برای ثبوت این ادعا می خواهم مرور مختصر در باره تیاتر جهان و افغانستان بنمایم.

### بخش نخست تیاتر

بد نیست اگر در باره تیاتر جهان و پیدایش اولین تیاتر و نمایش نامه نویس مختصر تذکر بدهم. تا جاییکه همه فرهنگیان بخاطر بدست آوردن تاریخ دقیق پیدایش تیاتر پژوهش نموده اند، تاریخ موثق تیاتر در جهان معلوم نیست مگر میگویند (4000) سال قبل از میلاد مسیح تیاتر در مصر شروع گردیده است زیرا در آن وقت مصر یکی از مدرن ترین و مترقی ترین کشورها بشمار میرفت اما بمعنی واقعی تیاتر در قرن پنجم قبل از میلاد، در یونان بوجود آمد در سال (535) قبل از میلاد شخصی بنام (تس پس) به حیث ممثل اولین مسابقه را در یک نمایشنامه تراژیدی ربود و بنام اولین اکتور دنیا مسما گردید. در ظرف یک قرن (400 تا 500) قبل از میلاد در شهر آتن نمایشنامه های زیادی روی صحنه آمد بزرگترین نمایشنامه نویسان در یونان عرض اندام نمودند که مشهورترین آن ها عبارت بودند از آشیل، سوفومل، یورو، پید، ارستوفان که تیاتر را به اوج رسانیدند. یونانی ها عموماً احساسات مذهبی شان را در تیاتر بیان میکردند هم چنان سیاست نیز در انکشاف تیاتر رول مهم داشت یونانی های

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

آتن مردم دموکرات بودند در تیاتر نمایشنامه های حقیقی مربوط به مسایل زندگی، راستکاری و مردانگی را از قلم شان طراوش میدادند. یکی از ارباب النواع بنام (دیونیزوس) در شکل و بوجود آوردن تیاتر یونان نقش مهم داشت اکثراً نمایشنامه های یونان ممثل افتخارات عسکری، موفقیت های هنری از دوره عصر طلایی یونانی ها روی صحنه میامد و نمایشنامه ها در فیستوال بهاری به افتخار رب النوع یونان روی صحنه گذاشته میشد و مردم با مشعل های فروزان از فیستوال استقبال میکردند.

در سال (476) با سقوط امپراطوری روم آئین مسیحی ترویج یافت کلیسا اولین کاری که کرد تیاتر را از بین برد واکتور واکتورس ها را در ردیف دزدان و افراد بد تلقی نمودند. کلیسا روز بروز قوت کسب نمود و دانش و هنر تیاتر در این عصر خیلی تاریک گردید و منحصر به اندیشه کلیسا شد. کلیسا به تبلیغ پرداخت که دنیا جای امتحان است و هر انسان بعد از مرگ حیات جاویدانی خواهد داشت هر قدر انسان در دنیا رنج و زحمت را متقبل شود در بهشت برایش احسان خواهد شد و هم چنان کلیسا برهنه گی بدن را شرم میدانستند و منع قرار دادند.

تیاتر یونان که همه نمایشات شان روی واقعیت ها استوار بود ممنوع گردید در تمام شهرهای انگلیستان و المان درام های مذهبی در کلیسا نمایش داده میشد و بعداً در قرون وسطی در فرانسه نمایشات آهسته آهسته کمیدی گردید که برای تفریح و خنداندن مردم بکار

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

میرفت، بعد در انگلستان شخصی بنام تامس هیوود نیز یک تعداد نمایشنامه های کمیدی نوشت.

در قرن چهارده رنسانس در ایتالیا پیشرفت کرد دیگر مردم هرچیز را کور کورانه قبول نمی کردند و حیات بعد از مرگ را نمی پذیرفتند در این عصر اختراع باروت و ماشین طباعتی و تاسیس دانشگاه با سقوط قسطنطنیه «استانبول امروزی ترکیه» آغاز یافت و انسان ها بیشتر به انسان و زندگی عقیده داشتند. انسان سالم را از ناسالم و زندگی خوب را از زندگی بد ترجیح میدادند و برای بهتر ساختن زندگی، خود را از قیودات مذهبی آزاد کردند مگر کلیسا به شدت به تبلیغ دینی میپرداخت و هراس داشتند که آئین مسیحیت ضعیف گردیده و مفکوره بشرپرستی را در عهد رنسانس می شمردند.

رنسانس در حقیقت بمعنی تولد مجدد علاقه به مدنیت یونان و روم بود. انسانهای دوره رنسانس احساس نمودند که در قدم اول بیشتر به انسان خوشبختی دنیا را اهمیت میدادند و لذت میبردند تا بر اخذ ترتیبات برای "مرگ" زیرا کتب و آثار هنری و علوم انسانهای عهد قدیم را کشف کرده بودند بنا برای بهتر شدن زندگی و روزگار خویش به فعالیت آغازیدند.

درامه نویسی و نمایشات تیاتر دوباره اوج گرفت برای مردم در نمایشات درس اجتماع میدادند.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

زمانیکه هسپانیه تقریباً تمام ممالک اروپائی و حتی قسمت از ایتالیا را در تصرف داشت در تاریخ هسپانیه بنام عصر طلایی یاد میگردد. کشف و غارت دنیای جدید امریکا نیز باعث قدرت و غنای هسپانیه گردید و خود را پیشوای تمام ممالک جهان میدانستند. مگر در ساحه هنر و دانش خیلی عقب مانده بودند زیرا در عصر رنسانس اقتدار بی اندازه در هسپانیه به کلیسا داده شده بود. دوم اینکه شکست قوای بحری هسپانیه توسط انگلستان بود که در عصر رنسانس فکر مردم از قیوداد مذهبی آزاد شد و به زندگی اهمیت بیشتر قایل گردیدند، مگر در هسپانیه کلیسا علیه علم رنسانس قد علم نموده مردم را از آزادی فکری مانع میشدند تا مبادا روحانیون که به مال و قوت مردم چسپیده بودند، آنها را از دست بدهند مردم را با تن برهنه را با سیم خاردار می بستند و باحرکت شاخ های آهنی جزا میدادند تا از روحانیت اطاعت نمایند، آزادی و افکار سیاسی منحصر به طبقه نجبای هسپانیه بود در این دوره عموماً نمایش های مذهبی در کلیسا میپرداختند و بس. حتی نویسندگان مجبور بودند که بارو حیه کلیسا اثارشان را بنویسند. اطاعت از قانون خواسته نویسندگان بزرگ نیست مگر متاسفانه هسپانیه در عصر رنسانس این عیب را داشت بدین دلیل مانع پیشرفت رنسانس در ایتالیا نیز میشدند.

شکست قوای بحری هسپانیه از طرف انگلیستان باعث شد که هسپانیوها روی مسایل رنسانس فکر عمیق نکرده بودند و هسپانوی ها

تمایل داشتند که در یک دنیای تخیل و رویایی عشق و فداکاری به زن، زندگی کنند مگر بعد از شکست تلخ قوای بحری نویسندگان دست بکار نمایشنامه نویسی زدند که مشهورترین آنها یکی (لوپ دوویکا) در (1562\_1535) بود که آثار دلچسپ برای تیاتر نوشت هیچ کس به اندازه قدرت و خلاقیت او نبود مگر او را تعبید کردند وی در تعبیدگاه نوشت زمانیکه از تعبید آزاد شد از (1600\_2000) آثارش را به جامعه تقدیم کرد وی در عصر شکسپیر میزیست، نوشته هایش جنبه عالی ادبی داشت اما قواعد کلاسیک را در آثارش در نظر نمیگرفت، در آثارش عدالت و تفکر آزاد را منعکس ساخته بود و علیه قواعد نافذ کلیسا و دولت عصیان کرده بود.

نمایشنامه نویس دیگری این دوره در هسپانیه کلدرون بود که از (1600\_1681) می زیست او در حدود (100) نمایشنامه مذهبی و (111) نمایشنامه غیر مذهبی نوشت او خود وظیفه مهم دولتی داشت و در امور مذهب نیز اشتغال داشت. کلدرون بر عکس (لوپ دوویکا) زندگی خیلی مرفع داشت و یگانه مذیت آثارش در مقایسه با لوپ دوویکا این است که جنبه هایی ادبی نمایشنامه هایش قوی تر بود زیرا عجله و عدم انسجام که ناشی از قلت وقت است، دیده نمیشد هرگاه این دو نویسنده را به مقایسه بگیریم کلدرون در دفاع از دولت و روحانیت که خود مربوط به طبقه اشرافیت بود و لوپ دوویکا یک نویسنده عصابان گر و در ضدیت با دولت و روحانیون بوده است.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

### انگلستان - شکسپیر و عصر ملکه الیزابت:

در این دوره گرچه رنسانس در ایتالیا کمی و بیش شروع گردیده بود مگر در انگلیستان تعداد نمایشنامه ها بی حد و عصر بود که در تاریخ تیاتر اهمیت فوق العاده دارد. لندن از (1580\_1642) بیشترین نمایشات را تولید نمود البته \_آتن در قرن پنجم کاملاً استثناست، سوابق نمایشنامه نویسی در آتن و لندن وجه مشترک داشت این دو شهر از نظر روحیه جوان بود مردم پرشور و شف داشتند، تجارت رونق یافته بود هرکجا هیجان و عشق به زندگی دیده میشد.

لندن در اثر شکستاندن قوای بحری هسپانیه در (1588) و آتن در اثر شکست دادن ایران در اوایل قرن پنجم قبل از میلاد به اوج و عظمت خود رسیده بودند- هر دو شهر برای تحریر نویسندگان افق نظر داشتند در لندن قبل از به میان آمدن ویلیام شکسپیر نمایشنامه نویسی تیاتر به اوج خود رسیده بود. اولین درام کمیدی در (1553-1554) بقلم سرمعلم یک مکتب آتن تحریر شد که کمیدی خیلی قوی بود و اولین نمایشنامه جدی بقلم تامس سکویل و تامس نارتن نگارش یافت که تراژیدی بنام (خون و انتقام) بود که در عصر ملکه الیزابت نشر و نمو کرد تا سال (1564) که ویلیام شکسپیر و کرسٹوفر مارلو تولد شدند. تیاتر های لندن به اوج شهرت خود رسیده بودند. در عصر شکسپیر جوانان خوب و با استعداد زیاد نشر و نمو کردند یکی از آنها (جان الی) بود از پوهنتون اکسفورد فارغ

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

گردیده بود از جمله شاعرو نمایشنامه نویس خوب عصر خود بشمار میرفت او به دربار ملکه الیزابت تقرب داشت **تامس سکویل و جان للی** در قطب مخالف هم قرار داشتند. مخالف بودن این دو نویسنده از آثارشان مشهود است. تراژیدی دوم تامس که در عصر خودش خیلی مشهور بود **{تراژیدی هسپانوی نام داشت}** ویلیام شکسپیر در عصر خود بزرگترین نابغه تیاتر بود مگر او در یک شهر کوچک تولد شده بود از نظر تعلیم نظربه عصر خود بی بهره و عقب مانده بود اما آنقدر در نوشتن نمایشنامه برای تماشاجیان خود کوشید که سرآمد همه گان گردید. آثار او مملو از بشر دوستی تواضع و انتقام بود با وجودیکه در چاپ آثارش نکوشید حتی در وقت مرگ در وصعیت نامه خود از بسترش یاد کرده بود نه از آثارش. ویلیام شکسپیر به تیاتر عشق داشت و حتی شب و روز خود را به تیاترمی گذارنید او آنقدر در تیاتر مجذب شده بود که لذت مطالعه را نمیدید. شکسپیر تمام داستان های تمثیلی خود را با تاثیر عمیق تحریر کرده بود که خود را در عمق کرکترها یش جا میداد مثلاً دو آثارش **(هملت و هنر پنجم)** که از آن فیلم هاساخته شده است. کرسٹوفر مارلو بعد از شکسپیر بزرگترین تراژیدی نویس انگلیستان بود حیات و آثارش روحیه انقلابی و طوفانی داشت وی پسر یک بوت دوز بود که بازحمت فروان خود را به دانشگاه کمبریج لندن رسانیده بود و از دانشگاه کمبریج فارغ التحصیل گردید بود. از کرسٹوفر مارلو یک شعر بزرگ و چهار تراژیدی عالی و چند اثر



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

دیگر باقی مانده است. زیرا او خودش در اثر زد و خورد در یک کمیدی به سن (29) سالگی درگذشت. در هر چهار اثرش مهارت و صمیمت زیاد اشکار است یکی از آثار او بنام (داکتر فوستوس) دارای ابتکارات و وقار خاص بود. اکثراً در آثار کرسٹوفر مارلو اخلاق قرون وسطی با دوره رنسانس بهم آمیخته است بزرگترین آثار کرسٹوفر مارلو (ادورد دوم) است که از جمله درام عالی انگلیستان بشمار میرود.

فرانسوی ها را عادت بر آن بود که حیات را تحت یک سلسله نظامات قواعد و منطق در می آوردند در سال (1412) اتحادیه اکتور ها کسب انحصار تولید نمایشنامه ها را بدست آوردند و در اثر این حصول صلاحیت توانستند بر هنر تمثیلی حکم فرمائی نموده از نشر و نمو آزادی تیاتر در آن کشور جلوگیری نمایند با تزايد و نفوذ رنسانس دسته دیگری بوجود آمد که بر درامه نویس ها ارده خود را تحمیل کردند و قواید کلاسیک را مطابق فهم خود نافذ نمودند. اولین درام که در آن تاثیر کلاسیک دیده میشود (کلوپاترای اسیر) شهرت داشت در آن وحدت های سه گانه را در نظر گرفته تشکیل جدید درامه نویسی در تراژیدی های راستین به اوج خود رسید مگر با وصف آن زیاد دوام نکرد.

اولین درامه نویس حقیقاً بزرگ فرانسه (کورنی) بود که اولین اثرش را بنام ملیت نوشت و از قواعد کلاسیک صرف نظر کرد و در آن قهرمانی، هیجان و شعر عالی با هم آمیخته بود که باعث موفقیت او

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

گردید. با وجودکه کورنی به قواعد کلاسیک دست وپایش بسته شده بود. اما فوق العاده درخشید.

راستین در (1629\_1694) آزادانه می نوشت دارای حس انتظام وزوق سلیم بود مطالب خود را خیلی طبیعی بیان میکرد راستین دارای تعلیمات عالی ودسپلین خوب بود اثرش از جزبه وعمق بهره داشت یکی از شهکارش (فدر) نام دارد نظر به عقیده اکتورها و ممثلین در تاریخ ادبیات دراماتیک نظیر ندارد در حالیکه کورنی و راستین در هنر نمایشنامه نویسی به اوج خود رسیده بودند، عصر لویی چارده از نظر کمیدی نهایت غنی بود وپشوای نویسندگان این عصر مولیر(1622\_1673) نام داشت وی به آزادی فکر وقوه تخیل شامل یک دسته جوانان زوق مند بود که در پاریس نماشات میدادند وخودش در آن وقت محصل حقوق بود واز نظر مالی خیلی بی بضاعت مگر از طریق نمایشنامه های اش قلوب مردم را در پاریس ودیگر ایالات فرانسه فتح کرد.

سر انجام در زمان ناپلولین که خود تاج شاهی را برسرش گذاشت دیگر صلاحیت تاج گذاری از کلیسا خلع شد ومردم اندک اندک آزادی مفکوره پیدا کردند.

### رونق تیاتر در المان

تیاتر در المان به مساعی یوهان گودشد،کرولاین نومر آغاز گردید این دونفر گاهی به حیث شریک وگاهی هم به صفت دشمن کار میکردند . در برابر بازاری بودن مردم المان به مجادله عمیق

پرداختند. بد بختانه این مجادله شان از مرض بدتر بود زیرا هردو طرف دار نمایشنامه های کلاسیک فرانسه بودن مگر در هر حال با داشتن این نواقص به تیاتر رونق بخشند و راه را برای دوره درخشان آینده باز کردند. در سالهای اخیر حیات کرولاین نومر - (1729\_1781) جوانی در شرکت او کار میکرد که لسنک نام داشت. لسنک اولین درامه نویس المان بشمار میرفت او میدانست که درامه کلاسیک برای روحیه نا ارام مردم المان در قرن هجده درست نیست با اساس این قضاوت تغییرات در نمایشنامه نویسی دراماتیک تشکیل داد و سرمشق او شکسپیر بود خلاصه او درامه را به حیات توده ارتباط بخشید. چنانچه نظریات او در مجله که برای دو سال ناشر آن بود در قید نگارش آمد و انعکاس یافت هنرمندان تیاتر این مجله را بعد از کتاب شعر ارستو اولین اثر هنری و ادبی میدانند، وی توانست که تیاتر المان را به تنهایی از عقامت و کلاسیک برون بکشد و مانند شکسپیر بدان روح تازه ازادی بخشد و آثار دیگر او بنام "مینافون بارن هلم" که هنوز از بهترین کمیدی المان بشمار میرود - بود "نانان عاقل" یک اثر دیگر اوست که یکی از بهترین های المان حساب میشود.

در این کمیدی تحمل مذهب را توصیه میکند، اگر شعر و دراماتیک اوبه سویه داستان هایش قوی میبود یکی از شهکارهای تمام قرون بشمار میرفت در داستان این نمایشنامه، یک مسیحی،

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

یک مسلمان، ویک یهود را کشف میکند که خون شریک یک دیگر میباشند.

**گویته** در (1749 1832) که معاصر لسنک بود، او در علوم و هم در هنر سر آمد روزگار شد. شهکار گویته مسمأ به " **فاوست** " است که زاده یک عمر تحقیق در باره حقیقت خوبی و بدی و معنی کوشش لاینقطع انسان برای کسب علم میباشد. تاثیر گویته را نمی توان تخیل کرد گویته خود یک مرد رنسانس بود با کمال راستکاری در جستجوی منعی حیات مشغول بود.

نمایشنامه نویس سوم المان **شیلر** در (1795 1805) بود. شیلر از نظر قدرت تخیل به پای گویته نمیرسد مگر در تیاتر برتری بخشید آثار شیلر دارای هیجان، گرمی و شعر عالی بود و همیشه مورد تحسین اکتورها و تماشاچیان قرار میگرفت. اولین اثر او بنام دزدان وقتی نگارش یافت که ( 22 ) سال داشت.

در این اثر فاجعه امیز شخصی را بنام (**مور**) تعقیب میکند که از شر، شور و آزادی سرشار بود، در اثر خیانت سردسته دزدان و در برابر بی عدالتی مردانه می جنگید و سرکشی او از قانون غیر عادلانه باعث میگردد که خود و، مشعوقه اش و پدر شریفش کشته شود. اثر دوم شیلر بنام (**عشق و دسیسه**) پخته تر و بمراتب بهتر بود. این تراژیدی از کوشش ظالمانه پدری حکایت میکند که مانع ازدواج دختری که از سویه پسرش کمتر بود- میشود یکی از آثار

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

تاریخی و تراژیدی است که غیر از شکسپیر هیچ کسی مواد تاریخی مانند شیلر با آن قدرت، روی صحنه کشیده نتواسته است. با اندک معلومات در باره تیاتر بعضی ممالک با استناد تاریخ تیاتر نوشته (فرانک ام و تنگ) ترجمه و نگارش مرحوم (عبدالحق واله) پر اہلم های گسترش هنری و فرهنگی و هنرمندان را بر شمر دیم که همیشه پدیده های جدید با کهنه گراها در جدال بوده و یگانه راه نجات مردم از ظلم و استبداد حاکمین ظالم، تیاتر بوده است که کمبود ها و نواقص سلاطین زمان را از طریق چشم و گوش به مردم رسانیده و مردم را آزادی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آگاهی داده اند. زیرا حق سواد هم مربوط به روحانیون و در قید کلیسا ها بود هم چنان دیدیم که حاکمین با استفاده از مسایل مذهبی مردم را می ترساندند و مانع پیشرفت و انکشاف فکری شان میگردیدند هر گاه همه ادیان را مطالعه بداریم مخصوصاً در دوره های قبل از میلاد همه قدرت و حاکمیت بدست روحانیون بوده است یعنی کلیسا ها سلاطین را انتخاب و تاج گذاری میکردند تا هر نوع تغییرات و پیشرفت را جنبه مذهبی بدهند و چون در آن دوره ها سواد در سراسر گیتی خیلی اندک بود و مردم تحت تبلیغات مذهبی قرار می گرفتند و از طرف دیگر کلچر عقب مانده دنیا نیز مانع پیشرفت، ترقی و انکشاف میشد مخصوصاً در رابطه به نیم نفوس دنیا (زنان) که در هر کشور و هر مذهب تحت فشار قرار داشتند.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

همه ادیان علیه انکشاف فکری زنان قد علم نمودند و در حالیکه زنان نیم نفوس و نیم پیکر از جامعه و دنیا را تشکیل می‌دهند. زنان در هر ساحه زندگی ممد مردان می‌باشند زیرا بدون موجودیت زن نظام اجتماعی برهم می‌خورد و ادامه بشریت از بین می‌رود. زنان را باید گرامی داشت و در رشد و انکشاف فکری شان توجه خاص مبذول شود زیرا آنها دوام دهنده زندگی بشریت هستند. زنان سلاطین دنیا، نابغه و همه شخصیت های گیتی را بدامن خود می‌پروراند. در حقیقت زن خورشید است و مرد مانند سیاره بدور او می‌چرخند. پس خورشید را نمی‌توان در حصار نگهداشت. در اروپا و امریکا و سایر کشورهای متمدنی مخالفت علیه حضور و تجلی نور «زن» در اجتماع از طریق سلاطین و روحانیون همواره صورت گرفته است. مگر زنان با شهامت جهان متمدنی که اندک از سواد بهر مند بودند با مبارزه پی گیر در طی قرن‌ها توانستند که در زندگی اجتماعی حضور پیدا کنند و تاریکی های حیات اجتماعی را با تجلی و فعالیت شان منور سازند. در اثر مبارزه پیگیر زنان فدا کار بود که امروز زن اروپا، امریکا و سایر کشورهای متمدنی تشریک مساوی اجتماعی پیدا کرده اند. اما با آنهم نابرابری ها در حیات اجتماعی زنان در جهان بچشم می‌خورد، در کشورهای غیر متمدنی زنان دشواری های بیشتری داشتند و دارند. زیرا پایه اساسی ترقی در هر کشور سواد است. در جوامع عقب مانده اکثریت مردم از سواد بهره نداشتند کار

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

دشوار بود تا اینکه محدوده سواد در قدم اول در قشر مردان وسعت پیدا کند و بعد زمینه رشد فرهنگ برای خانمها مساعد گردد. در مورد اشخاص صاحب اندیشه و فرهنگ در ساحه تیاتر ویا دیگر رسانه های جمعی جوانان و روشنفکران در رایج ساختن پدیده های جدید و رشد و تکامل آن در هر کشور بنا بر کهنه گرایي های سنتی و عنعنوی سالیان طولانی را در برگرفته است تا مردم بدان پدیده جدید عادت کردند.

مردم مخالفت شان را در رایج شدن اندیشه های مترقی ابراز میکردند و دلیل عمده عدم درک از اندیشه جدید بود و دیگر اینکه مردم بدان مسایل کهنه برزگ شده بودند. فرهنگیان را مورد سرزنش، اهانت و توهن قرار میدادند مخصوصاً اگر نیم پیکر جامعه در کار های فرهنگی مبادرت میورزید، شدیداً سرکوب و نکوهش میشدند.

هرگاه در سرزمین افغانستان جویای احوال هنرمندان شویم باید متذکر شد که اضافه تراز دیگر هنرمندان دنیا رنج و زحمت را متقبل گردیده اند. در افغانستان زنان از کوچک ترین حقوق و امتیاز در ادوار مختلف تاریخ برخوردار نبودند مگر شیر زنان افغان در تاریخ کشور ما تک تک سر بلند کردند و از توانایی قلم شان به مبارزه پرداختند.

در قرن چهارم شهید رابعه بلخی مثال برجسته این ادعاست که حتی سلطان وقت تحمل شیندن شعر رابعه که احساس قلب خود

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

رامبني برحقوق حقه اش بيان ميکرد ، نداشت و يا در ساحه رزمي ميتوان از ملالي ميوند نام برد که در جنگ افغان وانگليس سنت شکنی نمود و در صف سپاه جاگرفت، به همين ترتيب زنان کشور ما در اجتماع حضور منفردانه پيدا کردند و بسيار آنها از خاطره ها فراموش گرديدند.

**نهضت زنان در افغانستان :** بصورت رسمي و اساسي در دوره بزرگ مرد تاريخ شاه امان الله غازي پايه گذاري گرديد . زيرا او در قدم اول خواست که نيم نفوس جامعه را در عرصه هاي مختلف بخاطر اعمار افغانستان تازه از جنگ رهايافته ، فعال سازد. بناً بخاطر رشد و ارتقاع سطح دانش زنان افغان علاقه مند بود و تلاش داشت تا زنان آزادي مستقل خود را بدست گيرند و براي با سواد ساختن زنان شديدآ کار ميکرد . او هميشه در بيانيه هاي خود در جشن ها و مجالس از حقوق و آزادي زنان بحث مينمود ، تا تغييرات اساسي در زندگي خانوادگي مردم رونما گردد. در اين رابطه از همکاري و فعاليت هاي چشم گيري مرحوم محمود طرزي، خانم ودختران تعليم يافته او ميتوان ياد کرد. زيرا خانواده طرزي از تمدن پيشرفته کشور ترکيه در آن زمان برخوردار بودند.

طرزي وفاميلش در اثر فعاليت هاي فرهنگي شان مورد توجه خاص شاه امان الله قرار گرفتند، در آن زمان تفکر ايجاد نشریه بنام ارشاد النسوان را نمودند و از طرف شاه غازي استقبال شد و در سال 1300 شمسي براي اولين بار در فضاي مطبوعات کشور ما، جريده



## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

ارشاد النسوان در روز پنجشنبه اول حمل سال که مصادف به سال سوم پادشاهی امان الله خان بود، انتشار یافت. این نشریه در تنویر اذهان مردم مخصوصاً زنان کشور تاثیر بسزای داشت. همان طوریکه از نام جریده پیداست از طرف زنان نخبه وبا سواد خانواده طرزی تهیه و ترتیب میگردید، مدیر مسول ارشاد النسوان خانم اسماء رسمیه همسر محمود طرزی و سر محرران روح افزا معروف به (منشیه) دختر محمد زمان خان طرزی بودند. مطالب و سرمقاله های ارشاد النسوان عموماً در باره زنان بود و قسمت اعظم آن را مطالب انتقادی احتوا مینمود، در عصر خود موفق ترین و تاثیر گذارترین جریده در زندگی مردم بوده است. بخاطر با سواد ساختن زنان اولین بار در عصر اعلحضرت امان الله چند مکتب دختران، که از جمله اولین ان بنام مکتب نسوان یاد میشد بنیاد گذاشته شد.

درباره آزادی زنان خدمات ارزشمند ملکه ثریا قابل قدردانی است که خود منحیث زن پیشتاز جامعه در دفاع و تمثیل دموکراسی بخاطر زنان افغانستان در صف اول قرار داشت. ملکه ثریا اولین ملکه آزاد و دموکرات در سطح کشور ها و بخصوص کشور های اسلامی بشمار میرفت. چنانچه در سفر معروف اروپا همسرش شاه امان الله خان غازی همراه بود. زمانیکه به ایران تشریف بردند، از آزادی ملکه ثریا شاه متعصب ایران کشور همسایه ما استقبال نکرد. مگر بدبختانه که کشور عرق در خرافات سنتی

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

و مصاب به مرض بیسوادی بود. روی این دلایل و تحریم دشمنان ترقی و پیشرفت وطن که در عقب پرده دست سیاه انگلیس برای از بین بردن حکومت ترقی خواه شاه امان الله غازی شدیداً کار میکرد.

اعلحضرت امان الله غازی میدانست که علاج درد بیسوادی یک پروسه طولانی است مردم را باید از طریق تیاتر آگاهی سیاسی داد تا از طریق چشم و گوش در بیدار ساختن ملت خدمت سریع نماید. مردان دانشمند کشور ما در رشد و تقویه و دفاع از حضور زن در اجتماع نقش اساسی داشتند و مفکوره شاه امان الله خان را تقویت میکردند. تیاتر آهینه روشن از جتماع است که نمیتوان تنها به هنرنمایی مردان اکتفا کرد همان طوریکه تشکیل خانواده بدون موجودیت زنان ناممکن است.

از آنجاییکه کشور ها به مرض مهلک بی سوادی از سالیان متمادی مبتلا بوده هیچ زمانی تیاتر بشکل واقعی عرض اندام نکرده بود. هرگاه مفکوره ایجاد تیاتر در یک عصر بمیان آمده روحیانون عصیان گر، آن مفکوره شریفانه را از عینک گناه تماشا نمودند و برای از بین بردن آن آشوب کردند.

چنانچه تاریخ تیاتر را بعضی از مورخین (250) سال قبل از میلاد یعنی زمانیکه دولت مستحکم یونان باختری در کشور ما حاکم بود و کاپیسا پایتخت کشور ما بشمار میرفت، میدانند. اما نظر بقول محترم عبدالرحمن بینا گویا در دوره امیر شیرعلی خان یک تعداد

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

هنرمندان وجود داشتند که بخاطر سرگرمی محافل دربار امیر به مسخره‌گی می‌پرداختند که آنها را مسخره دربار می‌نامیدند. اما بصورت موثق کدام سند بدست نیست که نام و تاریخ فعالیت آن مسخره‌ها "هنرمندان" را بازگو بدارد. زیرا در کشور ما در آن زمان مردم از سواد کمتر برخوردار بودند و به مسایل مهم تاریخی کمتر اهمیت میداند، همچون روی‌دادی‌های اجتماعی را روی کاغذ ثبت نمینمودند.



اعلحضرت امان الله      ملکه ثریا

### ایجاد اولین تیاتر رسمی در پلان و بودجه دولت در زمان شاه امان الله خان

در زمان شاه امان الله خان حینکه مهندسین المانی قصر دارالمان را اعمار مینمودند به اساس هدایت شاه امان الله خان ساختن تیاتر پغمان وطاق ظفر را که مرکز استقلال افغانستان بود ، مهندسین جرمنی نقشه کشی و اعمار نمودند.

در سال 1302 شمسی در تپه پغمان تیاتر رسمی بنیاد گردید. در تیاتر پغمان نمایشنامه به نام ( مسابقه بیداری ) در سه پرده آماده نمایش گردید که در اخبار " امان افغان " نیز از فعالیت آن تیاتر نوشته شده است.

از یادداشت های مرحوم فیض محمد خان زکریا برمیآید که سقوط اندلس نیز یکی از نمایشنامه های آن زمان بوده است که از سال های 1302 تا 1303 خورشیدی دوام داشت مرحوم فیض محمد خان زکریا را عقیده بر آن بود که نویسنده فتح و سقوط اندلس معلوم نیست . مگر غلام حضرت کوشان در کتاب هنر تمثیل گفته های خود چنین شرح کرده است . نوشته فتح و سقوط اندلس کتابی بود بزبان ترکی که توسط سردار سلطان احمد خان شیرزوی زمانی که سفیر افغانی در انقره ترکیه بودند از زبان ترکی بزبان دری ترجمه گردیده است . و نویسنده زبان ترکی این اثر «عبدالحق حامد» را معرفی نموده

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

است. یعنی آقای عبدالحق حامد در آن زمان از جمله شاعران بزرگ ترک بود.

میرمحمد کاظم هاشمی را عقیده بر این است که متن نمایشنامه از روی کتاب حسن اسلام نوشته شده است. بعد از نمایش سقوط و فتح اندلس نمایش نامه دیگری بنام **محاربه تل** در تیاتر پغمان به نمایش گذاشته شد که این نمایشنامه از شهادت و جنگجویی قوای افغان در برابر قدرت استعماری بریتانیا تمثیل شده است. متن نمایشنامه از روی کارنامه های تاریخی مردم افغانستان تنظیم گردیده است. **علی احمد خان** وزیر دربار سلطان در یادداشت های خود نوشته است که در نمایشنامه های تاریخ **1302 تا 1303** خورشیدی جوانان معارف در تیاتر نقش چشمگیر داشتند و نقش زن را خانم یکی از رجال سیاسی که خود انگلیس تبار بود و به دری تکلم کرده میتوانست بازی نموده است. میرمحمد کاظم هاشمی خود نیز یکی از جوانان معارف وقت بود، در نمایشات نقش زن را بدوش گرفت و با پوشیدن لباس زنانه رول های زن مخصوصاً نقش **مادر وطن** را موفقانه بازی نموده است.

ایجاد تیاتر در نهضت روشنفکری یک پدیده کاملاً جدید بود شاه امان الله خان که میخواست تا از طریق تیاتر جامعه سنتی را رشد و ترقی دهد و مردم بی سواد را که بخش عظیم کشور را تشکیل میدادند، از طریق گوش و چشم بیدار ساخته و در آبادی کشور سرعت عمل بخرچ دهد. مگر از طرف مخالفین مانند سایر کشورهای رو

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

به ترقی پروسه دموراسی را رنگ وبوی ضد مذهبی دادند و چندین بار تیاتر پغمان به آتش کشیده شد که سر آغاز عصیان علیه دموکراسی و مفکوره ازاد شاه نهضت طلب و ترقی خواه امیر امان الله غازی گردید. بعد از سقوط سلطنت شاه امان الله یعنی دوره حبیب الله بچه سقا تیاتر از بین رفت مگر آثار آن تیاتر تاریخی در تپه پغمان باقیست.

### پوهنی ننداری

در سال 1322 خورشیدی بعد از سکوت طولانی در چوکات ریاست مستقل مطبوعات در اثر تلاش و ابتکار استاد صلاح الدین سلجوقی تیاتر پوهنی ننداری ایجاد گردید. و از طرف مقامات مربوط رسماً در تشکیل ریاست مستقل مطبوعات پذیرفته و گنجانیده شد. به حمایت بی دریغ استاد صلاح الدین سلجوقی، جوانان هنر دوست بفعالیت های هنری پوهنی ننداری نقش ارزشمند را ایفا نمودند. زحمات و تلاش های استاد عبدالغفور برشنا و استاد عبدالرشید لطیفی نیز شایانی یاد آوری میباشد. آنها با نوشتن نمایشنامه ها و جذب جوانان تیاتر را ادامه دادند.

پوهنی ننداری در جوار لیسه استقلال در شهر کابل موقعیت داشت. بقول استاد عبد الغفور برشنا در آغاز قرن بیستم در شهر کابل (تیاتر (ازاد) در دروازه لاهوری وجود داشته که موسس و مالک آن جبار رنگمال بود.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

جباریک هنرمند با استعداد و معلم توانا که در مکتب صانعی کابل ایفای وظیفه میکرد. وی در بعضی منازل شخصی مردم نقاشی مینمود از این رو مردم او را بنام جبار رنگمال می شناسند. او یکتعداد مسخره های ساین را جمع کرد و در چوکات یک نمایشنامه خننده دار بنام «**طالع بجنگان**» در معرض نمایش قرار داد و مورد توجه مردم قرار گرفت. زمانی که علاقه مردم را دریافت به ابتکار تازه دست زد. یک سرای را در پهلوی منزل کا کا سمندر در دروازه لاهوری به اجاره گرفت و به نمایش تیاتر آغاز کرد. قسمت از محل نمایش را با نصب پرده رنگین و نقاشی شده که به خواست خود «**اتماتیک**» باز و بسته میشد و شباهت به تیاترهای مدرن امروزی داشت، تیاتر را ایجاد کرد. نمایشات او زیاد ترقصه های جن و پری و قصه های شاهان قدیم را به معرض تماشا قرار میداد. یکی دو نمایشنامه معروف او در باره «**سلطان محمود غزنوی و چهار دزد**» بود که از طرف استاد عبدالغفور برشنا نیز مورد تائید قرار گرفته است. هم چنان محمد ناصر غرغشت در زمانی که مدیر مسوول تیاتر پوهنی ننداری بود از تیاتر جبار رنگمال تائید کرده است. کیفیت نمایشنامه های جبار رنگمال در آن زمان لباس های رنگارنگ ممثلین او بود. پوهنی ننداری سکوت طولانی را شکست و مردم زوق زده به تماشای نمایشات میرفتند. هنرمندان و نویسندگان معروف چون استاد عبدالرشید لطیفی، استاد برشنا، محمد ناصر غرغشت و سایر

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

هنرمندان محبوب کشور با فعالیت های شباروزی شان تیاتر پوهنی ننداری به اوج شهرت رسانیدند. تعداد هنرمندان هم افزایش گرفت و مفکوره تاسیس تیاتر دیگری پیدا شد.

### تیاتر در ولایت هرات

نظر به روایت «مسعود رجایی» که خود یکی از علاقه مندان هنر تیاتر بود. گفته میشود که که اولین تیاتر قبل از ولایت کابل در ولایت هرات تیاتر به نمایش هنری آغاز نموده است. در سال 1301 خورشیدی در باغ میرزا جان درام به نمایش گذاشته شده است. درام مذکور **تعلیم سابقه و حالیه** نام داشت. متأسفانه نام نویسنده درام مذکور مانند تاریخ اولین تیاتر در کابل معلوم نیست. اما یکسال بعد نمایشنامه تحت عنوان **تعلیم قدیم و جدید** که نویسنده آن **عبدالواحد بهره** معرفی شده است. بدین دلیل آقای استاد عبدالواحد بهره اولین نمایشنامه نگار خوانده شده است. هر دو نمایشنامه از نظر مفکوره و موضوع یک چیز بود تفاوت در متن دیده نمیشد مگر توسط افراد مختلف به رشته تحریر آورده شده بود. از انجاییکه عبدالعزیز مجددی در مونوگراف خود نوشته است.

اولین نمایشنامه نویس آقای عبدالواحد بهره را معرفی کرده است. در سال 1303 خورشیدی نمایشنامه سقوط و فتح اندلس و برنامه استقلال توسط «حسن سلیمی» از کابل به هرات کشانده شد و توسط یک تعداد روشنفکران ولایت هرات این نمایشنامه به همان اصالت و پخته گی در هرات تمثیل و نمایش داده شد و طرف استقبال مردم



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

هنرپرور هرات قرار گرفت. یکتعداد محققین تاسیس تیاتر رادر هرات همین سال میدانند. اما تاریخ نمایشات نشان میدهد که اولین تیاتر در ولایت هرات از طرف معارف هرات به تلاش و رهبری استاد بهره در سال (1301) آغاز شده است. بعد از آن مفکوره، تجارب و کار هنری آقای حسن سیلمی در ولایت هرات در عمل پیاده شد و نمایشات در روی صحنه آمد و در کار هنری و فرهنگی اثر مثبت بوجود آورد. از جانب دیگر یک تعداد روشنفکران هرات به نمایش هنری علاقه گرفتند و وارد صحنه گردیدند. به همین ترتیب تیاتر تا سقوط دوره درخشان شاه امان الله خان جسته جسته نمایشات دایر میگردید و مشعل هنر را هنردوستان فروزان نگهداشته بودند. مگر در عهد حبیب الله بچه سقا تمام نمایشات هنری در هرات قطع گردید. در سال 1324 خورشیدی یعنی دو سال بعد از پوهنی ننداری کابل، مجدداً تیاتر پوهنی ننداری ولایت هرات بفعالیت آغاز کرد. و درام بنام (پولیس 102) به دایرکت سرخوش هروی به نمایش گذاشته شد. اما دیر دوام نکرد. در سالهای (1339 تا 1340) خورشیدی باز تیاتر ولایت هرات به فعالیت آغاز کرد که هنرمندان معروف کشور مانند علی شاه الفت، ناصر امیری، عبدالرحیم صمیم، عبدالرحیم سرخوش، فیض محمد کاظمی درام های را بنام آهنگ جاویدان و عشق زینب به نمایش گذاشتند. مدیرمسئول تیاتر هرات ننداری در آن زمان آقای

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

عبدالوهاب بهره بود کار این تیاتر برای مدت چهار سال دوام کرد و بعد به سقوط مواجه شد. اکثر آعلت سقوط تیاتر را درسراسر کشور بی سوادى وعدم درک مردم از نمایشات وکلچر عقب مانده سنتى پنداشته شده، درک غلط مردم از هنر و بد بینى علیه پدیده جدید-دموکراسى، بمخالفت برخاستند.

### شهرى(شارى) نندارى کابل

طوريكه در تشریحات پوهنى نندارى تحرير كردم كه با اوج گرفتن پوهنى نندارى مفكوره تاسيس تياتر ديگر به وجود آمد اين تياتر به همت والای اقای غلام محمد فرهاد كه در آن وقت به حیث شاروالی کابل ایفای خدمت میکرد ، پیشنهادات هنرمندان را قبول کرد. محلی را در جاده مزد هم مندوی کابل انتخاب و تهداب تیاتر شهرى نندارى را گذاشت . در شهرى نندارى استاد عبدالرشید جلیا به حیث رژیسور ، استاد در محمد سایر هراتی موسیقی دان شاعرو نویسنده و آواز خوان بحیث معاون ، استاد محمد علی رونق ، سید مقدس نگاه ، استاد وزیر محمد نگهت ، استاد محمد یوسف کهزاد ، استاد محمد اکرم نقاش ، غلام حسین فعال ، محمد مهدی شفا ، محمد یوسف بهروز ، نجیب الله مسا (مکیاژ رودیکورشین) محمد عسی نوا بعداً خمار تخلص نمود. محمد اکبر روشن ، محمد یاسین نهان ، استاد محمد حسین ارمان ،

## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

سید نظیف مروت، استاد محمد رفیق صادق، استاد حمید جلیا،  
ظاهر هویدا، عبدالرحیم ساربان (اواز خوان) عبدالنواب لطیفی،  
داکتر محمد نعیم فرحان، کبیر هویدا، عبدالغفار حکیمی، ولی لطیفی،  
یار محمد فراز، محمد عظیم فایز، محمد امین هاشمی، اقا محمد  
سایر، رحمت الله فانی، امین الله ندا، دکتور سلامت شیفته، محمد  
امین آشيفته، عبدالغفار دلسوز، عبدالستار وارسته، محمد نسیم  
اسیر، "شاعر و هنرمند" محمد موسی آرزو، محمد نعیم رفاه، محمد  
اکبر نادم، استاد عبدالقیوم بیسد، غلام علی امید، عبدالطیف نشاد  
مالک خیل، نیک محمد قایل، محمد زمان انوری، محمد ابراهیم  
نسیم، خلیل قاریزاده، مرحوم محمد عظیم رعد، حفیظ الله خیال،  
غلام محمد شاکر، آهنگر، سید مقدس نگاه به صفت ممثلین و در بخش  
موسیقی استاد فرخ افندی، استاد محمد سلیم سرمست، استاد  
فقیر محمد ننگلیالی "ترم پت نواز" بی رقیب کشور، استاد غلام  
سخی نوشاد اکرادیون نواز، استاد جمعه خان فلوت نواز، استاد  
محمد حکیم طبله نواز، ببرک و سا آواز خوان. فعالیت های هنری  
داشتند. ترتیب دیکور و مکیاژ به عهده نجیب الله مسا و امور تخنیکی  
ولایت از مسولیت های غلام حسن فعال بود. سفور درام ها را امین  
الله ندا و محمد یوسف بهروز در پهلوی هنر تمثیل به عهده داشتند.  
نویسنده گان در آن زمان استاد عبدالرشید لطیفی "پدرتیاتر" آقای  
نسیمی، استاد عبدالرشید جلیا و سید مقدس نگاه بودند با سپاس  
فراوان یاد آوری میدارم که قبل از نهضت دموکراسی نسوان نقش

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

زنان را در تیاتر در هر کشور مردان بازی میکردند که در وطن ما هم مردان فداکار و روشنفکر بودند که نقش زنان را تمثیل نمودند فداکاری ایشان قابل قدروستایش میباشد. زیرا هنرمندان ارجمند در آن زمان نه تنها مورد تشویق قرار نمیگرفتند بلکه مورد توهین و تحقیر مردم نیز واقع میشدند. اما از تحقیر و استهزای مردم باک نداشتند به هنرنمایی خویش دوام میدادند، با شهامت و فداکار، تا بوجود آمدن نهضت نسوان در تیاترها به فعالیت خویش دوام دادند که هرکدام انها قابل تحسین میباشند. اسمای شان قرار ذیل میباشد.

- 1 - میر محمد کاظم هاشمی
- 2 - استاد فرخ افندی
- 3 - جنرال عبدالغیاث خان
- 4 - نجیب الله مسا
- 5 - استاد عبدالقیوم بیسند
- 6 - محمد نعیم رفاه
- 7 - محمد زمان انوری
- 8 - اسدا الله آرام
- 9 - عبدالروف پردیس
- 10 - مرحوم عبدالله عادل
- 11 - مرحوم محمد امین آشفته
- 12 - مرحوم سید احمد هلال
- 13 - مرحوم محمد ابراهیم نسیم

- 14 - محترم حاجی محمد کامران
  - 15 - مرحوم غلام حضرت کوشان
  - 16 - مرحوم حمید جلیا
  - 17 - مرحوم عظیم فایز
  - 18 - مرحوم یار محمد فراز
  - 19 - مرحوم عیسیٰ خمار
  - 20 - مرحوم غفار دلسوز
  - 21 - مرحوم نیک محمد قایل
  - 22 - مرحوم ستار وارسته
  - 23 - محترم اربت سنگه بیوس
  - 24 - محمد عارف محسنی « عرفانی »
  - 26 - محمد معصوم اخلاص
- هرگاه اسم بعضی هنرمندان از قلم مانده باشد، عفو تقصیر  
بدارند.

درسالهای (1338 تا 1340) خورشیدی تحولاتی در شاروالی  
کابل رخ داد، استاد عبدالرشید جلیا هنرمند مجرب و اهل فن از وظیفه  
سبکدوش و خانه نشین گردید با کنار رفتن استاد جلیا هنرمند مبتکر  
رونق تیاتر هم از بین رفت شهری ننداری سیر قهقرایی را پیمود و  
بالاخره بسته شد.

## لشکر ننداری

جنرال محمد نذیر سراج را موسس لشکر ننداری در سال 1336 خورشیدی می دانند. لشکر ننداری با ابتکار محترم محمد نذیر سراج در کلوپ عسکر در مقابل عمارت رادیو تلویزیون ملی افغانستان در شهر کابل در سرک میدان هوایی بین المللی کابل موقعیت داشت. اکنون بنام کلوپ عسکری یاد میشود، تاسیس گردید. همکاران و هنرمندان آنزمان آقای وزیر محمد نگهت دایرکتر و آقای بشیر سراج نویسنده، بودند و مسوولیت تمام امور بدوش داشتند. در لشکر ننداری اولین بار دو خانم فدارکار حاضر بکار هنری تمثیل گردیدند. خانم رابعه پورنا که بعد از ازدواج بنام مستمندی مسما گردید و خانم شریفه دانش اولین زنان روشنفکر بودند که هنوز نهضت دموکراسی نسوان در جامعه عادی نشده بود، به هنر تمثیل پرداختند. جرات و شهامت ایشان قابل قدر است. هنرمندان ارجمند لشکر ننداری بخاطر رونق بیشتر تیایر برای اولین بار ابتکار سفرهای ولایات را تنظیم کردند و نمایشات شان را در ولایات نیز در معرض تماشا مردم ولایات قرار دادند. در جمع هنرمندان ذکور دو خانم ارجمند محترمه شریفه دانش و محترمه رابعه پورنا نیز در آن سفرها همراه بودند. این تیایر برای مدت یک و نیم الی دو سال فعالیت هنری داشت و به سقوط

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

مواجه گردید. دلیل سقوط لشکر ننداری نم-ایش یک درام بود که عدم توجه حکومت را در ساحه عسکر نشان میداد... باعث قهر مقامات گردید. هنرمندان لشکر ننداری هنوز مصروف نمایشات شان در ولایات بودند، با امر عاجل از ولایات برگردانیده شدند. تیاتر را مسدود کردند و هنرمندان پراکنده گردیدند. نظر به اسناد در واقعیت اولین م-مثلین زن در تیاتر رسمی افغانستان خانم شریفه دانش و خانم رابعه پورنا "مشتندی" میباشند.

### زینب ننداری

زنده یاد زینب عنایت سراج در سال (1326) خورشیدی سالون موسیسه نسوان به شکل یک تیاتر در آورد و برای رشد و تقویت آن از هیچ نوع خدمات دریغ نورزید. او یکی از برجسته ترین خانم ها در ارتقاع فرهنگ تیاتر در سطح افغانستان بشمار میرود. زیرا او خود یکی از علم برداران نهضت نسوان بودند، برای برآورده ساختن این ارمان، تیاتر نسوان را رونق خاص بخشید و برای فعالیت تیاتر از شاگردان لیسه نسوان دعوت کرد تا به فعالیت هنری آغاز نمایند. فعالیت تیاتر بر علاوه هنرمند تمثیل، درامه نویسی، دایرکتر، لایت، دیکور و مکیاژ نیز ضرورت حتمی شمرده میشد. زیرا پنجاه فیصد کار هنرمندان را درستیج انجام میدهد که از این نقطه نظر تیاتر زینب ننداری ب مشکلات جدی مواجه بود در اثر تلاش خانم عنایت

سراج و همکاران فدا کارش از حجم مشکلات کاسته شد. تیاتر زینب ننداری فعلی که در آن زمان بنام تیاتر نسوان یاد می‌گردید، با سهم فعال شاگران ارجمند مکتب نسوان بیک تیاتر مشهور مبدل گردید. چنانچه نمایشنامه (افسانه) از ساخته های خانم بزرگوار لطیفه کبیر سراج بود که در تیاتر نسوان نمایش داده شد. تیاتر موسیسه نسوان در اوایل بخاطر روشن ساختن ذهنیت شاگردان مکتب نسوان درامه های برای تدبیر منزل و غیره امور خانوادگی را نمایش میداد. سید مقدس نگاه همکاری خود را با تیاتر نسوان آغاز کرد و به زود ترین فرصت بشکل یک تیاتر مکمل درآمد و سرزبانها افتاد. خانم زینب عنایت سراج و خواهرش خانم لطیفه کبیر سراج که به اندیشه ترقی و نهضت دموکراسی زنان عشق داشتند و تلاش نمودند تا برای 90 فیصد ملت که از سواد بهره مند نبودند از طریق تیاتر آگاهی فرهنگی و دموکراسی بدهند. روی این منظور از آقای سید مقدس نگاه تقاضای همکاری نمود. خوشبختانه سید مقدس نگاه برای برآورده شدن ارمان دموکراسی از هیچ گونه خدمت دریغ نه فرمودند اولین درامش را بنام "کامدی ومدن" نوشت و به نمایش گذاشت قبلاً خانم صوفیه جان، نظیفه جان غازی، نسرين جان و حمیده وزیری «رخشانه» نوریه جان و دیگران که اسمای شان درج هیچ سند تاریخی درج نیست و هنرمندان که در قید حیات اند نیز اسمای شان را بحافظه ندارند. اینها از جمله اولین ممثلین تیاتر زینب ننداری بودند. بعداً مستوره اصیل وزیری، شهلا



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

جیلانی، نجیبه دینا، زلیخا نگاه، ساجده نگاه، گلالی نگاه، حبیبه عسکر نیز به فعالیت هنری شروع کردند و البته قابل یاد آوریست که در شهری ننداری و پوهنی ننداری مردها نقش زنان را بازمی نمودند و در زینب ننداری زنان نقش مردان را اجرا میکردند. در قدم اول نمایشات صرفاً برای خانمها در معرض نمایش قرار میگرفت تا اینکه آهسته آهسته ممثلین جسارت و مهارت بیشتر کسب کردند و در حضور مردان تماشاچی جرائت تمثیل پیدا نمودند. شایان قدردانی میباشد که محترمه حبیبه عسکر که حدود ده سال داشت در تیاتر نسوان جرائت هنر نمایی در حضور تماشاچیان مرد اعلان کرد، به ستیج برآمد. در اثر فعالیت و زحمات شباروزی خانم های هنرپرور تحت رهنمایی خانم زینب عنایت سراج بود که قدم های استوار در رشد فرهنگ و هنر تیاتر توسط ممثلین زن برداشته شد و تیاتر موسیسه نسوان توسط نسوان به اوج شهرت رسید زیرا در اثر مساعی و تلاش خسته گی نا پزیرایشان تیاتر فعال و پر ثمر را بوجود آمد، زمانیکه خانم عنایت سراج داعیه اجل را لبیک گفت، بنا بر فعالیت های چشم گیری که در رشد فرهنگی زنان انجام داده بود. آقای سید مقدس نگاه نام تیاتر نسوان را بنام زینب ننداری به مقامات حکومتی پیشنهاد نمود و از طرف مسوولین وقت آقای سید قاسم رشتیا ریس مستقل مطبوعات منظورو پذیرفته شد. تیاتر نسوان بنام زینب ننداری مسماکردید. این ارج گذاری از طرف مقامات مسوول بخاطر

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

زحمات خانم شایسته آنزمان زینب عنایت سراج دختر سردار عنایت خان سراج بود که تا اکنون تیاتر بنام زینب ننداری شهرت دارد. این تیاتر در مقابل پارک شهر نو کابل موقعیت دارد. ممثلین آنزمان هریک ایشان قابل قدر و ارج گذاری میباشند ( اسمای که فوقاً ذکر گردید از حافظه هنرمندان که فعلاً الحمد لله در قید حیات میباشند یادداشت کرده ام و از هنرمندان که اسم شان روی معذرت فوق درج این کتاب نگردیده است ، خواهشمندم مرا معذور دارند.) تیاتر زینب ننداری آغازگر فرهنگ رفتن و فرهنگ تماشای درامه های تیاتر در بین مردم شهر کابل مخصوصاً زنان گردید. بعدها مردم با خانمهای شان جهت تماشای درام ها به تیاتر میرفتند. در سال 1336- ش به عوض سید مقدس نگاه استاد عبدالقیوم بیسدر رهبری تیاتر زینب ننداری را به عهده گرفت و دختران جوان دیگری مانند نورتن نورانی، زلیخا نورانی و دیگران به تیاتر زینب ننداری بفعالت هنری پرداختند.

### ولایت قندهار

جان محمد پلاریکتن از معلمین روشنفکر که در ترکیه تحصیلات عالی دیده بود تیاتر را در قندهار تاسیس کرد . او نه تنها در لیسه قندهار به صفت معلم ایفای وظیفه میکرد بلکه نویسنده، دایرکتر، دیکوریشن و مکیاژر نیز بود . خدماتیکه محترم پلار در راه رشد

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

هنر در قندهار انجام داده است فراموش ناشدنی و قابل قدر است .  
تاریخ تاسیس تیاتر کندهار و خدمات ارزشمند آقای جان محمد پلار  
را هر قدر تلاش بخرج دادم ، موفق به پیدا کردن اسناد نگردیدم  
صرفاً از قول حاجی محمد کامران که او نیز در تیاتر قندهار تحت  
رهنمایی شادروان پلار در آنجا هنرنمایی میکرد ، برایم چنین  
گفت:

(در وقت که داکتر انس خان والی کندهار بود در اثر تحرکات  
ملاها تیاتر کندهار را بسته نمود. خدمات مرحوم محترم پلار به  
چند سطر خلاصه نمیگردد. نقش مرحوم پلار در تنویر از هان عامه  
و مروج ساختن فرهنگ تیاتر در ولایت کندهار در آن شرایط سنیتی  
کار ساده نبوده است . یکسال در کندهار خیلی خشک سالی گردید  
و ملاها به تیاتر حمله نمودند و گفتند که این بدبختی و خشک  
سالی از خاطر این پدیده نا ثواب و مسخره هاست. تمام چوکی  
ها و اساسات و دیکور تیاتر را که با پول اعانه و به همت و  
همکاری هنرمندان بخصوص پلار صاحب فراهم شده بود در  
یک شب از بین بردند . والی کندهار داکتر انس رسماً تیاتر را  
بسته کرد )

چند سطر فوق را بخاطر ادای دین، و بخاطر آنکه در آینده موسیس آن  
تیاتر از خاطره ها فراموش نشود ، نوشتم. روح جان محمد پلار آن  
بزرگمرد را شاد میخوام .

### کابل ننداری «افغان ننداری»

در سال (1340) هـ ش - زمانکه شهری ننداری بسته شد بعضی هنرمندان دوباره به پوهنی ننداری به فعالیت هنری شان دوام دادند و بعضی از آنها از هنرکنار رفتند. پوهنی ننداری به اوج شهرت خود رسیده بود. مگر از آنجایکه پوهنی ننداری به شکل تیاتر اساسی گنجایش تعداد زیاد تماشاچی را نداشت سردار محمد داوودخان صدراعظم وقت بخاطر تجلیل از چهلمین جشن استقلال کشور در اندیشه اعمار تیاتر کابل ننداری گردید. چون در تجلیل از جشن استقلال کشور تعداد زیاد هنرمندان خارجی برای اجرای نمایشات و کنسرت ها به کابل پایتخت افغانستان می آمدند. برای برگذاری نمایشات شان، تیاتر بزرگ وجود نداشت. در حالیکه جشنواره استقلال در استانه تجلیل قرار داشت نظربه حکم جدی صدارت، عمارت کابل ننداری در چمن منطقه جشن بشکل بسیار مدرن پایه گذاری گردید.

تیاتر کابل ننداری یگانه تیاتر اصلی و اساسی با سنج مدور و چرخ که از جمله مدرن ترین تیاتر آن زمان بشمار میرفت و تا حال نظیر آن در افغانستان اعمار نگردیده است، آماده بهره برداری گردید. در همان جشن از کشورهای چین، هند، پاکستان، جاپان، جمهوریت های مختلف اتحاد شوروی و ممالک اروپائی در کابل ننداری نمایشات شانرا اجرا کردند. بعد از آن رونق تیاتر در اثر

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

مساعی صدراعظم هنرپرور و دموکرات کشور، جان گرفت و روح تازه در هنرتیاتر دمید و برای تربیه هنرمندان مسلکی در سال (1343) خورشیدی قرارداد های فرهنگی و هنری میان کشور اتحاد شوروی وقت و افغانستان عقد گردید. بعضی هنرمندان پوهنی ننداری نیز به کابل ننداری انتقال داده شدند.

بنا بر حسن همکاری شمس قیام اوف نخستین رژیسور «تاجکی» شوروی وقت بکابل آمد همراهی هنرمندان افغانی کارهای فرهنگی را آغاز نمود و درام شام زندگی نوشته استاد عبدالرشید لطیفی (پدرتیاتر افغانستان) را که از پرتماشا ترین درام ها بود، دایرکت کرد. فعالیت های فرهنگی شمس قیام اوف برای مدت سه ماه دوام کرد و دوباره بوطنش برگشت در عوض آقای مهربان نظر اوف وارد افغانستان گردید. نظر اوف برای دو سال کورس های آرت دراماتیک را تدریس کرد. مشهور ترین درام های را که مهربان نظر اوف به نمایش گذاشت، درم در راه عقیده را بنام (اوپدرم نیست) شام زندگی، طبیب اجباری، گنهکاران بی گناه، گرسنه ها- اثر توفیق الحکیم ترجمه استاد عبدالرشید لطیفی و پرنده مجروح بود. هنرمندان ما در این درام خوب درخشیدند.

بار سوم رحمت الله اوف بنا بر همان روابط فرهنگی به افغانستان آمد رحمت الله اوف از جمله مشهور ترین رژیسور و هنرمند تاجکی بود که در کشور خود رول های زن را بازی می نمود، وی

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

بزرگترین اثر گوگول رابنام شنل گوگول (بالاپوش گوگول) نویسنده معروف شوروی در کابل ننداری به نمایش گذاشت. به اثر تلاش رحمت الله اوف و هنرنمائی هنرمندان عزیز و عالیقدر افغان درام شنل گوگول به موفقیت بازی شده بود که ژورنالیست های روسی در اخبار و جراید از عظمت آن درام گذارش اراهه کرده بودند. متذکر گردیده بودند که ما شنل گوگول را زنده در تیاتر افغانستان مشاهده کردیم. این بزرگترین افتخار هنرمندان افغانستان بود و میباید.

درباره تاسیس و فعالیت تیاتر در کشور عزیز افغانستان مطالب مختصر را غرض آگاهی هنردوستان به عرض رسانیدم حالا در باره فعالیت زنان هنرمند کشور معلومات جالب با زندگی نامه و خاطرات شان از تجارب زندگی هنری، اجتماعی و خانواده گی شان که خوشبختانه هر کدام ایشان تحریری برایم ارسال فرمودند و یا در اثر تحقیق و تتبع فراوان از طریق کتب مجلات و سایت های انترنتی، نوشته های محترم محمد نعیم رفاه که بنام خاطرات دوره های کار ایشان در جریده درد دل مردم در امریکا بنشر رسیده بود و مصاحبه های رادیویی و انترنتی هنرمندان عزیز بدست آورده ام، خدمت شما خواننده گان محترم تقدیم میدارم. و هم چنان هنرمندانی که در قید حیات اند، نیز معلومات شانرا در اختیارم قرار داده اند. بناً اگر نام کسی نوشته نشده است، آنرا کوتاهی قلم مپندارید.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

### خانم حبیبه عسکر

طوری‌که قبلاً به  
خدمت خواننده گان  
عزیز تذکر داده شد  
که تیاتر زینب  
ننداری به همت  
والای محترمه زینب  
عنایت سراج  
ومتعلمین لیسه  
مسلکی میرنو تولنه  
(موسسه نسوان) به



کار هنری و فرهنگی پرداخت. خانم حبیبه عسکر-آن شیر دختر  
افغان در آغاز دهه چهل با جسارت پرده اسارت و برده گی  
را درید و با شهادت در ستیج زینب ننداری در حضور عموم  
تماشاچیان برای اجرای تمثیل ظاهر شد و جرائت تمثیل را  
برای دیگر زنان انتقال داد.

اولین نمایشنامه او بنام (عیدارتیست) اثر مرحوم فضل  
احمد نینواز و دایرکتر آن مرحوم سید مقدس نگاه بود. خانم  
عسکر در دوران زندگی هنری خود حدود (600)  
نمایشنامه در تیاتر های مختلف کشور موافقانه بازی کرده

است. بعضی از آنها را بگونه مشّت نمونه خروار تذکر میدهم. دختر دیوانه نوشته محترم مهدی دعاگوی، شام زندگی، او پدرم نیست (در راه عقیده) اثر استاد لطیفی، زنان عصبی، ترجمه دکتور محمد نعیم فرحان، بازگشت ناگهانی اثر از نویسنده فرانسوی ترجمه و نگارش موسی نهمت، گنهکاران بی گناه به دایرکت استاد مهربان نظراوف که این درام را هنرمندان تاجکی و افغانی در یک استیج مشترکاً تمثیل کردید {یک شب هنرمندان طبقه اناث افغان با هنرمندان ذکور تاجکی و شب دیگر هنرمندان ذکور افغان با هنرمندان طبقه اناث تاجکی بازی میکردند یک مسابقه خوبی هنری بود که خوش بختانه هنرمندان افغانی خیلی موفق بودند و مخصوصاً در مقابل حبیبه عسکرستاره درخشان افغانستان هیچ یک از هنرمندان اناث تاجکی مقاومت کرده نتوانست. در این شب با وجود که نمایش هنوز دوام داشت تماشا چیان حبیبه عسکر گلباران میکردند که یکی از خاطره های خوش در زندگی هنری بقول خودش محسوب میشود. این موفقیت باعث افتخار مهربان نظراوف نیز بوده است}. همچنان حماسه مادر به دایرکت دکتور نعیم فرحان، مادر گورکی، مردخسیس، من بمیرم تونمیری و غیره خیلی موفق درخشیده است. اوبر علاوه تمثیل در تیاتر با صدای مقبولش موجودیت و صدای رسای زنان را بگوش و چشم هموطنانش از ورای رادیو و تلویزیون نیز رسانید. در رادیو



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

درامها، داستانها، پارچه های تمثیلی برنامه های مختلف هنری و ادبی و سیاسی و اجتماعی فارغ از حساب نقش بازی کرده است. بعد راهی جهان سینما گردید دو بار در فیلم های بنام روزگاران، وگمراه ظاهر گردید. این هنرمند محبوب مفتخر به جوایز هنری زیاد گردیده است و لقب شایسته فرهنگ و ستاره صلح نیز نصیب شده است.

حبیبه عسکر در سال 1326 خورشیدی در شهر کابل تولد گردید و در سال 1340 ش همراهی عسکر ظفر از دواج کرد. گرچه زندگی شان در ابتدا بنا به نبودن درک درست از هم دیگر، عدم توافق کامل و مداخلات تعصب آور اجتماعی آکنده از ملال و پرابلم بود. مگر با گذشت زمان و تشویق مردم از هنرمند و حسن نیت در مقابل هنرمند پیدایش و توافق مکمل بین زوجین باعث حلاوت زندگی خانواده گی شان گردید، با تولد میمون فرزندان روابط فامیلی استحکام یافت و به عشق مبدل شد ثروت از دواج ایشان موجودیت چهار فرزند گران مایه دودختر و دو پسر هریک ماری عسکر سرمست، انجینر ناهید عسکر، محترم جاوید عسکر و محترم وحید عسکر که هر کدام ایشان دارای تحصیلات عالی مسلکی اند، میباشند.

در سال 1374- ش 1995 م- عقب گرد هنری و فرهنگ-گی در افغانستان حکم فرما گردید. دروازه های تیاتر و سینما بسته و حکم کفر بردان اتلاق گردید. حیات هنرمندان به خطر مواجه

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

گردید خانم حبیبه عسکر با فرزندانش وطن را ترک گفتند و به کشور استرالیا در شهر ملبرن اقامت اختیار نمودند. در نمایشات تیاتر، رادیو درام ها، نمایشات تلویزیون و فیلم با هنرمندان معروف و موفق آن زمان مانند مرحوم استاد رفیق صادق، استاد عبدالقیوم بیسد، مرحوم استاد حمید جلیا، مرحوم مشعل هنریار، عزیز الله هدف، مرحوم سید مقدس نگاه، میمونه غزال، عظیم جسور، فضل الحق عبادی، زرغونه آرام، مزیده سرور، سعید ورکزی، زلیخا نورانی، نورتن نورانی، زلیخا نگاه، سایر اعظم و ممثلین رادیو، تلویزیون، افغان فیلم و غیره همه هنرمندان موفق بودند. آنها توانستند مشعل هنر را تابناک نگهدارند.

### پروین صنعتگر

خانم پروین صنعتگر در سال 1323 ش در شهر کابل تولد گردید و تحصیل خود را در لیسه زرغونه شهر کابل الی بکلوریا به پایان رسانید. زمانی که هنوز متعلم بود با وهاب صنعتگر که از جمله اقارب شان بود، دوست گردید. این دوستی از صنف هشتم الی صنف دوازدهم «چهار» سال دوام کرد و بالاخره بعد از ختم مکتب باهم ازدواج کردند. در جوانی با همسر

## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

عزیزش وهاب صعنتگر به  
هنر رو آورد ویگانه مشوقش  
در هنر همسر محبوبش بود.  
وی همراه همسرش و سایر  
هنرمندان برای فراگرفتن  
اساسات هنر اکادمیک شامل  
کورسهای آرت دراماتیک  
وزارت اطلاعات و کلتور  
گردید. زمانیکه گروپ  
هنرمندان تیاتر برای  
نمایشات هنری روانه  
ولایات گردیدند و خانم پروین  
منتظر بدنیا آمدن اولین طفلش  
بود، نیز شامل آن گروپ  
بود. نمایشات در ولایت برای



چند ماه دوام کرد. اولین طفل خانم پروین در ولایت هرات  
بدنیا آمد و اسمش را « بهزاد » گذاشتند. خانم پروین اولین  
درامیکه مشترک با همسرش بازی کرد بنام « من بمیرم  
تونمیری درستیک پوهنی ننداری بود که به استقبال زیادی  
مواجه شدند. خانم پروین در کنار هنر نمایی وظیفه معلمی  
خویش را در مکاتب مختلف شهر کابل پیشبرده است.

بخصوص در مکتب « غازی ادی » در کارته چهار شهر کابل مدت بیست و هفت سال معلمی نموده است و در عین زمان از طرف شب به تیاتر میرفت و آموزگار اجتماع سنتی نیز بود. درد های اجتماعی را با ظرافت های هنری درستیج می کشید، مخصوصاً درباره نا برابری های اجتماعی، حق تلفی در مورد زنان جامعه و کاستی ها و کمبود های اجتماعی را هنرمندانه از طریق تیاتر بگوش مردم و مقامات حکومت وقت میرسانید. وی با همسر عزیزش شاد روان و هاب صنعتگر با نقش های دوگانه شان به تیاتر رونق می بخشیدند. در درام (سوی تفاهم) اثر البرت کامو نویسنده شناخته جهانی به شهرت رسید و در درام مریض خیالی نوشته مولیر ترجمه و نگارش استاد محترم یوسف کهزاد شهرتش چند برابر شد. هم چنان در درام خشو و سایر درام هان نقش خوب داشت. خانم پروین صنعتگر برای مدت کوتاهی در ادیو افغانستان نیز در رادیو درامها و داستانهای دنباله دار بخش مدیریت درامهای دری تمثیل نموده است. بر علاوه در دو فیلم بنامهای (روزگاران و رابعه بلخی) نیز نقش داشته است. پروین صنعتگر در درامهای مختلف نقش داشته از جمله درام مفتش، رشته های نقرئی، بیوه ها، و غیره با و هاب صنعتگر، آقای ستار جفایی، مرحوم سید مقدس نگاه، مرحوم استاد قیوم بیسد، مرحوم مشعل هنریار، زلیخا نگاه،

نورتن نورانی، زلیخا نورانی، حبیبه عسکر، سایره اعظم، خورشید پایا، میمونه غزال، مزیده سرور، زرغونه آرام و دیگران درستیج های کابل ننداری، پوهنی ننداری، مرکز فرهنگی امریکا وستیج های ولایات هنرنمایی نموده است. زمانیکه منتظر بدنیا آمدن دومین طفلش بود، کاروان هنری بازهم سفری بولایات کشور داشت. این سفر تحت مدیریت استاد عبدالقیوم بیسد از شهرپلخمری آغاز و تمام ولایات شمال کشور را در برداشت. آخرین نمایشات در شهر غزنی بود و بعد از آن بطرف کابل در حرکت بودند. خانم پروین تجربه تولد اولین طفلش را در شهر هرات داشت، نمیدانست طفل دومیش در کدام ولایت بدنیا میآید. خوشبختانه بعد از برگشت بکابل طفلش بنام «فرهاد جان» بدنیا آمد. این هنرمند درد دیده در سرطان 1351-ش در اثر یک حادثه ترافیکی شوهر و مادرش را یکجا از دست داد و خودش شدیداً زخمی گردید. تمام هنرمندان و فرهنگیان کشور به سوگ و هاب صنعتگر هنرمند خوب، با استعداد و خوش اخلاق، زانوی غم در بغل گرفتند.

انا لله وانا الیه راجعون

خانم صنعتگر بعد از وفات همسر در اثر تشویق فرهنگیان

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

تصویر از خانم پروین و همسرش وهاب صنعتگر



دوباره به تیاتر آمد اما با خاطراتیکه زمانی با همسرش در تیاتر نقش بازی میکرد، از نظر روانی برایش غیر تحمل گردید و از هنر کناره گرفت. تنها بوظیفه معلمی خود ادامه داد. خانم پروین وظیفه معلمی خود را حتا در زمان جنگهای داخلی نیز در زیر باران راکت ها ادامه داد و وطن را ترک نکرد. بالاخره در سال 1374 - ش - 1995 م- که طالبان دروازه های مکاتب را بسته کردند ، خانم پروین نیز با فرزندان ترک وطن کرد و بکشور آلمان اقامت دارد. خانم پروین صنعتگر دارای سه فرزند بنام های بهزاد ، فرهاد و یکدختر بنام « لورا » میباشد.

### مرحوم مخفی حسینی کابلی



استاد مخفی فرزند سید صالح  
در سال 1309 ش. در یک خانواده  
روحانی در کوچه درخت شنگ شهر  
کابل چشم بدنیا گشود اساسات علوم  
دینی و ادبیات دری را نزد مادر شان  
که خود هم معلم و مدیر مکتب بوستان  
سرای دردوره سلطنت شاه امان الله  
خان غازی بودند فرا گرفت. حفظ قران  
مجید را در سن دوازده سالگی انشاد  
و اولین شعر شان را وثیقه غنایی تکامل  
بخشیدن آموزش قرار دادند. استاد  
مخفی تحصیلات عالی خود را در

دارالمعلین کابل به اتمام رسانید و بیشتر از پنج دهه  
عمر عزیزشان را وقف خدمات ارزشمند معارف و مطبوعات  
کشور نمودند. او را میتوان یکی از علم بردران سپاه نهضت  
دموکراسی زنان آریانای کهن، خراسان و سعی و افغانستان  
امروز دانست، او دین خود را در برابر وطن و خواهران هم  
وطنش فدا کارانه ادا نموده است. ایشان مفسر قران مجید

وحدیث شناس خوب بودند از دیدگاه او درد و الم ملت ناشی از دو پدیده متجانس، بیسوادی و تبار پرستی تلقی میگردید. اما ج زندگی شان آموختن و آموختاندن پیگیر و آگاهی و شعور کتله وسیع مردم خاصاً در نواحی شهر کهنه کابل، با مدد از آیات قران مجید در آن زمان که حلقات تعصب کور گلوی تدریس نوین را می فشرد به هدف مقدس ملی و آموزش جدید نایل شد. ایشان نه تنها در رشد جسمانی و تربیت منعی اطفال شان کوشیدند آنده شاگردانی را که اولیای شان با دست مزد ورنج بی شمار امرار حیات می نمودند اعاشه وابطه نمودند. مرحوم مخفی کابلی دو بار در طول خدمت شان بدریافت مدال پوهنه وریشترین از جانب محمد ظاهر شاه مفتخر گردیدند و تعداد زیاد تقدیر نامه ها از مقامات ذیصلاح دریافت نمودند. اوشاسیتگی را در وحدت ملی جستجو مینمود و تبار پرستی را عدوی میهن ویاور دشمنان سرزمین شهید پرور افغانستان تلقی میکرد، عقیده راسخ ایشان در نوشته ها، مقالات و اشعارش در مطبوعات کشور بازتاب گردیده است، به دموکراسی نیم پیکر جامعه "زنان" عقیده راسخ داشت. برای اثبات عقیده خویش دست به کارهای فرهنگی تیاتر زد زیرا ازادی را برای همه زنان افغان توقع داشت. او نه تنها خود هنرمند موفق زمانش بود بلکه دو فرزند خویش را نیز در ساحه هنر تیاتر اجازه دادند.



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

درس‌ن جوانی همسر عزیزش را از دست داد و به پرورش و تعلیم و تربیه شش طفلش کمر همت بست و در آغوش پر محبت خود آنها را از نعمیت سواد بهره مند ساخت. او فرزندانش را به تعلیمات عالی رسانید میتوان بگونه مثال از خانم مقدسه مخفی و دکتور اقلیما مخفی دختران هنرمند ایشان به نیکویی یاد کرد.

**مقدسه مخفی:** فرزند مخفی بزرگوار نیز در رشد هنر و فرهنگ کشور ایثار نمودند او در تیاتر کشوریک چهره درخشان بوده، مخصوصاً در درام شوهر هفتم نوشته استاد عبدالرشید لطیفی پدر تیاتر افغانستان نقش مرکزی درام را چنان با موفقیت بازی کرد که به لذت آن کمیدی معروف افزوند. همچنان در پروگرام های مختلف رادیو افغانستان وقت خدمات ارزشمند انجام داده است. مصداق این ادعا برنامه های تنویری و تربیتی روزانه کورنی ژوند میباشد. وی بر علاوه در پروگرام های مختلف هنری، ادبی، اجتماعی دیگر نیز سهم فعال داشتند.

خانم مقدسه مخفی مانند مادر مهربانش وظیفه مقدس معلمی داشت و در تربیه اولاد معارف خدمت گذار بوده است.

**دکتور اقلیما مخفی** درس کودکی به تیاتر افغانستان همکاری داشت و بعد در نوجوانی به رادیو افغانستان همکاری فرهنگی خود را ادامه داد. با صدای مقبولش پروگرام های

مختلف را رنگین ساخت. اقلیما جان مانند مادرگرامیش درمورد ادبیات دری زیاد می‌اندیشید پروگرام های مختلف، ادبی را قرائت مینمود و مثال خوب برنامه زمزمه های شب هنگام رادیو افغانستان مییافت. او نه تنها شعر را زمزمه میکرد بلکه در تجزیه و تحلیل هر بند شعر استعداد و توانایی خاص داشت. او شعر را با تمام احساس خود لمس مینمود. مرحوم استاد مخفی کابلی در تربیه همه فرزنداناش سعی مساوی داشت و به تلاش و زحمت فراوان همه فرزنداناش را بمدارج عالی تحصیلات رسانید. در آن شرایط نابسمان و عقب مانده افغانستان علم مبارزه برحق شان را منبى بر دموکراسی زنان در اهتزاز نگه داشت. او در عملی کردن این هدف مقدس خود پیشتر زنان گردید. در اواخر عمر داغ هجرت به سینه داشت و در ایالات متحده امریکا بسر میبرد. خانم مخفی در اندوه وطن اشعار زیاد سروده است. وی بتاريخ دوازدهم اسد سال 1382 ش داعیه اجل را لبیک گفت و جسد شان بتاريخ 23 اسد به افغانستان انتقال و در شهدای صالحین احترامانه خاک سپرده شد.

انا الله وانا الیه راجعون

از او اشعار و سروده های فراوان باقی مانده است و فرزنداناش در تهیه چاپ دیوان مادر ارجمند شان مصروف اند.

## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

او بیاد وطن بنام "ناله غمناک" در واپسین لحظه های  
زندگانش چنین سروده است.

### ناله غمناک

"مخفیا" دلرا جز این اندیشه نیست  
کاین جهان تنها ددان رابیشه نیست  
هستی انسان بدان بخشید نمرد  
غیر ان سنگ است، خاشاک رکود  
تا نگردیم آبدار دنیا ی خویش  
کی شگوفان میکند گلهای خویش  
تا نسوزیم همچو شمع جان وتن  
کی شود روشن چراغ انجمن  
تا چو پروانه نگردیم از وفا  
پس چسان این مملکت گردد صفا  
ما چرا بندیم چشم خویش را  
خون بسازیم اندرون خویش را  
کوه ودشت ودره و صحرای ما  
هر کجای میهن زیبای ما  
با زبان شکوه میگوید سخن  
از غم تو، ماتم او، رنج من  
از درون ذره، ذره خاک او  
می براید ناله غم ناک او

سنگ و اشجار و گیاهش ای خدا  
مردم است برگوش مردم آشنا  
تا چه روزی گریه خیزد از وطن؟  
تا چه وقت مخروبه باشد این دمن؟  
تا به کی از ناله سازد گوش کر؟  
تا به کی شام است نمی آید سحر؟  
تا به کی این ملت باغم عزاست؟  
تابه کی این خاک ما ماتم سراسر است؟  
پس چرا بنیاد او لرزان بود؟  
چون علل سوزشش در جان بود  
کنون از جهل فراوان شد خراب  
مهد عرفانش بگردیده سراب  
عاقبت این خطه مهد و هنر  
میشود در علم و عرفان مشتمر  
خیز تا بر این وطن خدمت کنیم  
تا وطن را فارغ از محنت کنیم  
صلح و کار زندگی خواهد رفاه  
جنبش و سازندگی خواهد رفاه

در واپسین روزهای حیاتش این شعر را در امریکا  
سروده بود.

## زلیخانگه



خانم زلیخا در سال 1323-ش در شهر کابل دیده بدنیا  
گشوده است او که صنف چهارم مکتب بود پدر مهربان  
خود را از دست داد و از نعمت پدر محروم گردید. و در آغوش  
پر محبت مادرش پرورش یافت .. پدرش بنام شیخ عبدالله پسر

خوانده قرانی امیرحبیب الله خان (امیر شهید) بود. از توجه آن امیر کسب علم نمود و در ادارات دولتی اشغال وظیفه کرد. در زمان سلطنت شاه امان الله خان غازی بحیث حاکم پغمان خدمت میکرد. بعد از سقوط دولت امانیه، در دوره بچه سقا وظیفه اش را از دست داد. زمانی که محمد نادرشاه تکیه بر تخت زد شیخ عبدالله را دوباره به ارگ شاهی مقرر نمود. وی در ارگ با شمس الدین خان همکاریش معرفت حاصل نمود و با دختر جوانش حلقه ازدواج پوشید و تشکیل خانواده بزرگ، پنج دختر و دو پسر، هریک دکتور احسان الله شیخ زاد و عبدالشکور شیخ زاد و دختران هریک عایشه، سلطانه، زلیخا، حبیبیه و عزیزه بودند، نمود. شیخ عبدالله زاده دامن اهل هنود افغانستان بودند و در سن نوجوانی تغیر مذهب داد و بدین اسلام رو آورد. بعد از وفات شیخ عبدالله نظربه ازدواجهای قبل از وقت که در کشور ما مروج است، زلیخا نیز در سن خوردی تن با ازدواج داد. اما آن ازدواج ثمر در قبال نداشت بعد ها از شوهرش جدا گردید و برای ادامه تحصیل به موسیسه نسوان شامل شد. او با یک تعداد خانم های جوان مکتب و به اثر تشویق و رهنمائی خانم زینب عنایت سراج به تیاتر جذب گردید و در جمع هنرمندان تیاتر پیوست. زمانی که آقای سید مقدس نگاه در زینب ننداری به همکاری پرداختند، با وی معرفت حاصل نمود. آن معرفت به محبت و ازدواج انجامید.

## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

خانم زلیخا دوشاش شوهرش بفعالیت های هنری پرداخت. بر علاوه ظاهر شدن بروی ستیج و در تمام مسایل مربوط با همسرش یارویاور بود. در حدود (24) درام بازی نموده است از چهره های شناخته شده و از جمله زنان پیشگام در هنر تیاتر میباشند. در درام کچری قورت نوشته "مرحوم سید مقدس نگاه" به اوج شهرت رسید. بر علاوه هنرنمایی تیاتر در فیلم سینمایی بنام کهکشان نیز حصه گرفت مگر با آغاز ماجرای سیاسی و کودتای سال 1357 ش- در افغانستان فیلم با وجودیکه برای مردم ابلاغ هم شده بود، از نمایش بازماند. وی درستیج های مختلف شهر کابل به هنرتمثیل پرداخته است. مانند انجمن فرهنگی امریکا در کابل، غازی استدیوم بمناسبت تجلیل جشن استرداد استقلال، زینب ننداری، کابل ننداری، تیاتر مرستون، شفاخانه زایشگاه و غیره در نمایشات سهم ارزشمند داشته است. او هم چنان دو پارچه آهنگ نیز با آوازش در رادیو افغانستان ثبت نموده است که در اریشف رادیو موجود میباشد. وی در نواختن آلات موسیقی، بنواختن ماندولین دسترسی دارد، البته در رشته موسیقی فرخ افندی را استاد خود میداند. بر علاوه کار های هنری در تیاتر و مسوولیت فامیل و تربیه اطفالش به کار روزنامه فروشی

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

رضائی (افتخاری) در فروش جریده مردم نیز همت گمارده است.

این چهره معروف تیاتر کشور از جمله ( 24 ) درام راکه نقش داشت بعضی از آنها رابه حافظه داشت و برایم چنین معرفی کرد. درام (56)، بوت کهنه، اسپ سفید، قطرات خون، درالمجانین و غیره. در 1356 ش- دو نفر فلیم برداران کاندایی برای تشخیص چهره های هنری وفیلم برداری از فرهنگ و آثار تاریخی وباستانی افغانستان بکابل آمدند، در آن زمان درام کچری قورت در کابل ننداری در حال نمایش بود، ژورنالیت های کاندایی با تماشای آن درام همراهی آقای نگاه معرفی ودر تهیه فیلم باستانی بزکشی اقدام نمودند که نقش های مرکزی آن را آقای احمد شاه علم وسید مقدس نگاه بدوش داشتند. هم چنان با عکس برداری از آثار هنری نگاه نمونه از کلچر و فرهنگ افغانی که با دست پر از معلومات آن را باخود به کانادا بردند. چند بعد از آقای نگاه وخانم زلیخا نگاه دولت کانادا طی یک مسافرت رسمی پذیرایی کرد. کشور هنر دوست کانادا در شهر مانتریاال یک نمایشگاه از آثار مرحوم نگاه را در معرض نمایش گذاشتند. وهم چنان از وی تقاضا نمودند تا یک اثر هنری از سنگ بشکل موزائیک برای کانادا بسازد. روی این مصروفیت مدت چهار ماه در کانادا بسر بردند. دراین موقع کودتای 1357 ش-



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

در افغانستان به وقوع پیوست. مرحوم نگاه با همسرش بعد از ختم کار از کانادا به سویس نزد فامیل شان رفتند و زلیخا جان بخاطر دوطرفش از سویس کابل برگشت. بعد از ملاحظه احوال سیاسی، در باز گشت مرحوم نگاه از همکاری و کمک های محترم بارق شفيعی مستفید گردید و مرحوم نگاه دو باره بوطن برگشت. اما شرایط نا مساعد و تهاجم قوای شوروی، مرحوم نگاه با فامیلش دو باره به کانادا برگشت و بعد از اقامت کوتاه به امریکا اقامت گزید.

خانم نگاه از 1358 ش تا اکنون در ایالت وریجینا، امریکا با دو فرزندش خانم سیده نگاه و محترم سید تمیم نگاه زندگی دارد. او مانند هزاران هم وطن دیگر در غربت اباد امریکا به مشکلات پنجه نرم کرد. بخاطر بنیاد زندگی جدید بکارهای شاقه تن داد با وجود همه مشلات که در هجرت دامنگیر شان بود زندگی را به امید خوش بختی فردا استقبال میکردند. مگر با تاسف که همسر عزیزش نسبت مریضی سرطان بالین بستر گردید در 1381 ش- 2002 مرحوم نگاه داعیه اجل را لبیک گفت

" انا الیه وانا الیه راجعون "

مرگ در هر حالت مصیبت بزرگ است مخصوصاً در دیار غربت که از نظر مشکلات مادی خیلی زیان بخش میباشد اما خوشبختانه هنر دوستان چون محترم عبدالطیف رحیمی

## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

وفامیلش توانستند با کمک اقتصادی و همکاری صادقانه شان از حجم اندوه بزرگ کاسته و مصارف تشییح جنازه مرحوم نگاه را، آبرو مندانه انجام دادند.

از نظر زن ستیزی، وسخت گیری های که در وطن ما معمول است زلیخا خوشبخت ترین زن افغان بوده است که تا آخرین لحظات زندگی با همسر عزیزش بدون هیچ گونه تعصب بکار مشترک فرهنگی پرداخته است. زیرا ازدواج دوم برمنای محبت و پیوند دو قلب استوار بود.

خاطره فراموش ناشدنی از دوره هنرنمایی در تیاتر "یک خانم هم وطن ما بعد از ختم تماشای درام کچری قورت منتظر هنرمندان بود تا آنها را از نزدیک ملاقات نماید موقع که با هنرمندان صحبت کرد، گفت: ( هر قدر تلاش میکردم تا این درام مشهور را تماشا کنم نسبت وضع بد اقتصادی نمی توانستم بالاخره خبر شدم که شبهای اخیر درام سپری میگردد، شوهرم برای ما گوشت خریده بود که شوربا ببیزم من گوشت را بالای خانم همسایه فروختم و تکت خریدم تا این درام معروف را تماشا کنم).

خانم نگاه تشویق نیک هم وطنانش را سرمایه بزرگ در زندگی هنری خود میداند.

### سایره اعظم

در 1325 ش- بدنيا آمد و در  
سال 1342 ش- در حالیکه 17  
سال داشت به هنر تمثيل رو  
آورد. در سال 1342 ش-  
زنان آهسته آهسته به تياتر  
آمده بودند. خانم اعظم  
براعلاوه نمايشات دري  
در بخش تياتر پشتو نسبت  
کمبود ممثلين زن در آن زمان  
خدمات شاياني انجام داده  
است.



هنر و هنرمند دو کلمه پر  
منعی در هر کشور و هر زبان  
میباشد. هنر استعداد و خلاقیت انساناست بعضاً این استعداد در  
وجود بعضیها مانند شاعر، نویسنده، نقاش و موسیقی دان  
"موزیشن" ذاتی میباشد مگر اکتور و اکتورست با هنرنمایی  
خود اثر نویسنده را قوت می بخشند و بدان شهرت کمایی  
مینمایند. پس اثر یک درامه نویس مربوط به استعداد ممثلين  
است و گر نه اثر نویسنده در لابلای کتاب برای ابد خواهد ماند  
تا خوانندگی کتاب را ورق بزند و برای خودش مطالعه نماید.

خانم سایره اعظم هم چون استعداد هنری را در وجودش درک کرد و خود را در پوهنی ننداری به مسوولین آن زمان معرفی نمود. بعد از یک سلسله امتحانات از طرف دایرکتران پوهنی ننداری بحیث ممثل پذیرفته شد و شروع بکار تمثیل کرد. او با توانمندی دو زبان بیشتر از (90) درام درستج های پوهنی ننداری و کابل ننداری بازی نموده است از موفقیت عالی برخوردار بود و حایز جوایز و تقدیر نامه های فراوان گردید. درنمایشنامه قهرمانان جایزه هنری را از طرف دکتور محمد یوسف صدرالعظیم وقت کشور بدست آورد. زمانیکه تیاتر پشتو بمیان آمد استعداد و مهارت اودر زبان پشتو کمتر از زبان دری نبود با این خوشبختی مسوولین تیاتر پشتو نقشهای اول و مرکزی را برایش میسپردند. او درام های خیلی معروف در تیاتر بازی نموده در هر کدام خیلی موفق در خشیده است. در اثر شکسپیر بنام وارخطا\_خسر ویا خسر وارخطا جایزه درجه اول هنر تمثیل را بدست آورد. استعداد و هنرنمایی خانم اعظم تنها در تیاتر محدود نماند، بر علاوه کار تیاتر به رادیو افغانستان وقت همکاری خود را نیز آغاز کرد. در برنامه های کورنی ژوند داستان های دنباله دار و رادیودرام ها دری و پشتو سهم فعالانه گرفت. در (1357) ش - زمانیکه تلویزیون ملی افغانستان بفعالیت آغاز نمود خانم اعظم همکاری خود را به تلویزیون آغاز کرد. آخرین نمایشنامه او در تلویزیون ملی

## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

افغانستان اثر معروف او پدرم نیست از شادروان استاد عبدالرشید لطیفی به دایرکت شادروان استاد عبدالقیوم بیسد بود. بعداً راهی جهان سینما گردید در فیلم دهکده ها بیدار میشود خوب درخشید و جایزه اول و دیپلوم هنری بوی تفویض گردید. در سال (1347) ش- در ریاست سره میاشت نمایش «مرگ فرزندان» چنان درخشید که از طرف شاهزاده احمد شاه رئیس سره میاشت که در آن فرصت ولیعهد سلطنت نیز بود جایزه گردید و مجسمه نیم نته سائره اعظم را تراشیدند و در ایام جشن استقلال کشور در نندارتون کابل به نمایش گذاشتند. خانم اعظم برای دموکراسی زنان و طنش از طریق هنرنمایی به مبارزه پرداخت تا توانسته باشد برای زن مظلوم افغان خدمتی انجام بدهد. گرچه در آنزمان فرهنگ سنتی در کشور روان مردم را احاطه کرده بود و خانم هنرمند را بدیده خوب نمی دیدند. اما خانم اعظم بدین مفکوره بود «تا چند نفر در این راه فداکاری نکنند فرهنگ سنتی جایش را به دموکراسی به آسانی نمیدهده».

زمان که او به هنر رو آورد اصلاً هیچ زن برای کارهای هنری حاضر نمیگردید بنابراین فداکاری که بخاطر نهضت زنان انجام میداد به جای تشویق از طرف مردم متعصب مورد سرزنش قرار میگرفتند. اما در طول مدت (28) سال خدمت در جهت بیدار ساختن و روشن کردن از هان عامه با ایثار و فدا

کاری شب و روز چون فرزند صدیق و فداکار از طریق رادیو، تلویزیون، تیاترو سینما هنرنمایی نموده است. از آغاز تا انجام فعالیتش در کشور از طرف شاه و صدرالعظم‌های مملکت مورد تشویق قرار گرفته بر علاوه جایزها و تقدیرنامه‌های زیاد و جوایز نقدی، مستحق مدال صداقت نیز شناخته شده است. هم‌چنان اتحادیه هنرمندان لقب مادر وطن برایش تفویض کرد که تا اکنون بنام مادر وطن او را یاد میکنند. وی با گروپ هنرمندان جهت نمایشات بولایات کشور سفرهای زیاد داشته است موردش تشویق هنردوستان ولایات نیز قرار گرفته است. هم‌چنان به خاطر نمایشات هنری با دیگر هنرمندان بنابر دعوت اتحاد شوروی وقت به کشورهای آسیا میانه سفرها کرده است. سایر اعظم و محترم رحیم الله اعظم پیوند زندگی بستند و دارای دو دختر و سه پسر میباشند و اکنون در کشور انگلیستان زنده گی میدارند. متأسفانه خانم سائره اعظم و همسرش یک دخترشان را که خود داکتر طب بود، در انگلستان از دست داد. در دیار هجرت بداغ دل‌بندشان خمیده و ناتوان شدند. برای شان صبر جمیل از خداوند می‌خواهم.

## زرغونه آرام



زمانیکه 15 سال داشت در حضور رضا شاه پهلوی شاه وقت ایران که از افغانستان دیدن میکرد با هنرمند دیگر چون خانم مستوره اصیل وزیری در محفل که بدان مناسبت برگزار شده بود، با اجرای رقص بلت به هنر آغاز کردند. چون سن این دو هنرمند خیلی جوان بود برای ایشان از طرف مسولین چند دانه قلم های رنگه، پنسل و پینسل پاک، کاغذ های رنگه تحفه داده شده بود که هیچگاه فراموشش نمیگردد. زمانیکه آقای

خیرمحمد فیض زاده بعداً از ختم تحصیلش از امریکا بوطن برگشت، برای تربیه ممثلین مسلکی و کشف استعدادها توسط هیات موظف از مکاتب شهر کابل شاگردان را به تیاتر جذب و به کورس بهای ارت دراماتیک تحت تربیه قرار میدادند. زرغونه آرام نیز از همان جمله جوانان وقت بود که در سن هژده ساله گی، به تیاتر جذب گردید. او با فراگرفتن اساسات تمثیل در کورسهای ارت دراماتیک تحت نظر دایرکتران داخلی چون خیرزاده، ستار جفایی، خروش، عظیم رعد و چند تن از رژیسوران امریکایی در کورس به تدریس آغاز نمودند. اکثراً اثر نویسندہهای امریکایی، فرانسوی، ایتالوی، ترکی، روسی و افغانی بالای شاگردان مشق و تمرین میگردد. کورسهای مذکور از شش ماه الی سه سال دوام داشت در آن کورسها زرغونه آرام، هما ابراهیمی، مستوره اصیل وزیری نیز در جمع شاگردان کنار هنرمندان ذکور تدریس گردیدند. درام مشهور بنام "آرماپونتیلا" که دایرکتر آن زنده یاد اعظیم رعد بود، توسط جوانان کورس ارت دراماتیک تمثیل گردید. خانم آرام در آن درام خوب درخشید. مگر اولین درام که او را به اوج شهرت رسانید "هوس در پای نارون" بود که نقش خانم 35 ساله را در سن جوانی خیلی عالی بازی کرد و مورد استقبال مردم و توجه کارگردانهای وقت در تیاتر قرار گرفت. بعد از آن بدون وقفه در اکثریت درامها در تیاتر



کابل ننداری و مرکز فرهنگی امریکا سهم فعال گرفت. موفقیت های بینظیر در هنر تمثیل داشت. او راز موفقیت هنری خود را در رابطه با درک مردم از هنرمندان. برخورد افراد که از هنر درک درست نداشتند، هنرو هنرمند را کم بها میدادند، خیلی توهین کننده بوده است. این رنج واذیت شامل حال همه هنرمندان و مخصوصاً زنان هنرمند در کشور ما بود. مگر عشق بوظیفه با همه توهین ها و تحقیرها استعداد ها را شگوفان میسازد، هنرمند باید به خود ایمان داشته باشد. همانا اعتماد بخود و عشق بوظیفه راهش را به قلب مردم باز میکند. در سال 1371 ش- "1992" م- که کابل در زیر باران راکتها و جنگ های داخلی به کشتی خون مبدل شده بود همه مردم بخاطر حفظ جان شان از وطن متواری گردیدند اونیز به پاکستان رفت وبعد از آنجا به اوکراین اقامت گزید. در مدت زندگی هجرت در اوکراین همراهی همسر هنرمندش اسد الله آرام برای امرار حیات و دوام زندگی یک دکان اموال دست دوم را باز نمودند. افغانهای مقیم آن کشور در خریداری اموال از دکان متوجه شدند که هنرمند کشور شان نیز در هجرت بسر میبرند بعداً در جریده " نوای وطن" که بخاطر افغانهای مهاجر مقیم اوکراین نشر میگردید از اقامت زوج هنرمند نگاشته شد. بعد تمام افغانها آگاهی پیدا کردند و تقاضای فعالیت های هنری را از ایشان نمودند این زوج هنرمند با یکتعداد

## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

جو. انان افغان مقیم اوکرائین ماهانه یک نمایشنامه برای تقویت فرهنگ کشور برای جمعیت افغانها اجرا میکردند با وجودیکه جوانان سابقه هنری نداشتند اما تحت رهنمایی های این زوج هنری بخش تیاتر افغانی را زنده ساختند و از جمله دوهمکار رادیو تلویزیون افغانستان خانم ماری امید و اسلام مارچ نیز به صفت نطقان دری و پشتو هنرمندان را همراهی میکردند. خانم آرام در داخل کشور و خارج کشور کار فرهنگی خود را کنار نگذاشته است در تیاتر داخل کشور نمایشات زیاد نقش داشت مانند: زنان عصبی، خشو، مریض خیالی، مفتش، شمعدان های نقره یی، کچری قورت، اپارتمان، سرود مرگ، محکوم سرنوشت و غیره درخشیده است و مانند نامش سرسبز و مانده گار در تیاتر افغانستان شده است. شاد بودن خود یک هنر است و شاد ساختن دیگران بالاتر از آن است. هنرمندان با وجود درک نا درست مردم از هنر رنج می کشیدند اما باز هم روی سنج میرفتند و دیگران را شاد می ساختند و با زدودن غبار افسرده گی دل های تماشاچیان شاد لبان شان متبسم میگردد. هنرمندان پیوند دهنده عمیق ترین رابطه انسانی بین مردم جامعه بوده و زلال ترین احساس ها، اصیل ترین سنتها و بلند ترین ارمان های که در اعماق انسان میجوشد انرا سخاوت مندانه عرضه میدارد تا روح و روان مردم جامعه را شاد سازند، صدای شان در گوشها و محبت شان در قلب ها مانده

گار میباشد، مگر امروز کشور ما در فقدان هم چون هنرمندان دچار گردیده است تیاتر و سینما از رمق و رونق افتاده است آن شکوهی را که در دهه قبل رادیو، تلویزیون، تیاتر و سینما داشت اکنون ندارد. عوامل زوال و شکست این آهینه انسانی تاثیر ناگوار در قدم اول جنگ و اختناق و در قدم دوم سانسور شدید حکومت ها بوده است که از بیان حقیقت جامعه، کمی ها و کاستی ها میهراسند و موسسات اجتماعی و فرهنگی مفید را در خدمت ایدلوژی منسوب خود قرار میدهند و هنر را از اصالت فکری و رسالت‌مندی توده‌ی اش خارج کرده اند، بنابرین پیدایش چنین فضای مختنق و مریض همه هنر مندان مستعد از وطن متواری گردیدند، در سالهای اخیر ما شاهد آن بودیم که گروهی از متعصبین آن موسسات را کفر امیز و مضحک پنداشتند روی این دلیل زمینه رشد فرهنگ نه تنها محدود بلکه از بین رفت با تاسف و الم که نخبه گان اجتماعی وطن ما در دیار بیگانه به حیث مهاجر بسر میبرند. کاش آن بزرگان در تربیت نسل های آینده کشور به حیث مربی و استادان با تجربه در احیا و تقویه تیاتر، سینما، رادیو و تلویزیون مفید حال قرار بگیرند امروز وطن ما در مرض بیسوادی عمیق غرق گردیده است و اندیشه های دموکراسی مدفون شده است. برای برآورده شدن این آرزو ایام طولانی بکار است مخصوصاً در حوادث اخیر که هر جهت نام و دموکراسی را با نام های غیر قابل قبول

مارک گذاری کردند. ما باید از تجارب تلخ و زندگی های برباد رفته درس عبرت بگیریم و برای بقای نسل آینده خود مردم کشور خود را به آشتی ملی دعوت نمایم. هرگاه فضای عاری از تعصب، در کشور مساعد گردد به یقین همه هم وطنان که درد بی وطنی را با گوشت و پوست خود درک کرده اند دو باره بوطن برمیگردند اما این را هم نباید فراموش کنیم که همه مردم تا آخرین رمق تلاش کردند که از اغوش مادر وطن دور نگردند تا انیکه هر خانواده یکی و دو تن از اعضای فامیل خود را از دست دادند بنا بر حفظ جان خود مطابق فریضه اسلامی که (جان نگهداشتن فرض است) کشور را رها کردند. این هنرمند با احساس بعد از سقوط طالبان دو باره از اوکراین بوطن برگشت اما دید که دود مسموم کننده تنفر و انزجار هنوز هم روح هم-وطنان ما را می ازارد و حرف دموکراسی در گلو ها خفه گردیده است روی ان دلیل بار دوم بتاریخ 20 می سال 2006 م 1385 ش-وطن را ترک گفت و به امریکا رفت تا با جگر گوشه هایش بپیوندد، این هنرمند دو بار ازدواج نموده از ازدواج اول یک دختر و یک پسر دارد زمانیکه در عقد دوم درآمد دو طفل با پدرشان زندگی جدا از مادر داشتند و در جریان جنگ های کشور ترک کرده بودند، اطفال و مادر از حال یکدیگر بی خبر ماندند. زمانیکه خانم آرام به امریکا آمد نمیدانست فرزندانش در کدام آیالات

امریکا زندگی دارد. در اپریل 2007 م- خانم زرغونه آرام و همسرش همراهی هنرمندان دیگر چون حاجی کامران، مرتضی بالیقرا یک نمایشنامه خوب در شهر نیورباک اجرا نمودند که اعلانات آن نمایش از طریق تلویزیون شبکه جهانی افغانها به نشر رسید. سیجیه حکیمی دختر زرغونه آرام در المان با شنیدن اعلان به ادرس محل نمایش تماس برقرار نمود اما مادرش در سیتیج در حال اجرای نمایش قرار داشت حاجی کامران نمبر خانم سیجیه را یادداشت و به خانم زرغونه آرام سپرد. بعد از ختم نمایشات به یقین آنکه شاید یکی از دوستان هنری اش باشد، بی تفاوت روانه کانادا گردید و از آنجا با نمبر مذکور تماس گرفتند. دریافت که طرف مقابل سیجیه حکیمی دخترش در جرمنی میباشد. بعد جویای احوال ویس حکیمی پسر خود گردید و با تامین ارتباط خانم آرام دو باره به امریکا پرواز نمود. ویس حکیمی پسرش در میدان هوایی نانفرانسکو بی صبرانه انتظار دیدار مادر خود را بعد از بیست سال میکشید. طیاره آهسته آهسته به زمین فرود میآمد، ضربان قلب ایشان شدت میگرفت، پسر فکر میکرد که مادرش را شاید شناسد زیرا در مدت بیست سال دوری و آنهم که مادر در شرایط دشوار جنگ بسر برده است زیرکانه همه مسافریں را از نظر میگزرائید مگر موفق به پیدا کردن مادر نگردید نا گهان آغوش پر محبت مادرش او را حلقه کرد، مادر و پسر

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریادارو

---

چنان زار میگیرند و میخندند که همه مسافرین دور شان جمع  
گردید موقع که مردم از جریان آگاه شدند، قد وقامت



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

ژورنالیسی که برای انجام وظیفه انتظار کسی دیگری را داشت هم پیدا شد از مادر و پسر فوتو گرافی نمود و در جریده

Dracy Press –Saturday may 12, 2007

نشر گردید این ملاقات بعد از بیست سال دوری از  
فرزندش بزرگترین حادثه در حیات زرغونه آرام و جالب  
ترین منظره دیدنی و غیر قابل باور برای مردم امریکا بشمار  
میرود بلی بعد از بیست سال گمشده هایش را یافت و روز مادر  
را با فامیلی پسرش و نواسه هایش در 2007 م تجلیل نمود. وی  
در طول ایام خدمت فرهنگی در حدود 15 تقدیر از طرف  
مسولین اطلاعات و کلتور دریافت نموده و یکبار از طرف  
اتحادیه هنرمندان مفتخر به مدال صداقت گردیده است .  
خانم آرام با قدر دانی از خدمات فرهنگیان گرامی بدین  
عقیده است که مردان فداکار چون شادروان عبدالغفور برشنا  
، میر محمد کاظم هاشمی ، استاد یوسف کهزاد ، اکبر پامیر ،  
عبدالرحمن پژواک ! محمد علی رونق ، محمد یوسف آینه ،  
محمد اکبر نادم ، محمد عثمان صدقی ، عبدالروف بینوا ، استاد  
رفیق صادق ، ستار جفایی ، سید مقدس نگاه ، استاد  
عبدالرشید لطفی ، انصاری ، سایر هراتی ، نیک محمد قایل  
، محمد زمان انوری ، استاد عبدالقیوم بیسد ، مشعل هنریار ، خان  
آقا سرور ، فیض محمد خیرزاده ، ضیا قاریزاده ، محمد امین  
آشفته ، فیض محمد گلگون ، سید احمد حلال ، عزیز الله هدف ،



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

فضا الحق عبادي ، سردار محمد ايمن ، فضل محمد فضلي ،  
عبدالمنان ملگري ، فيض احمد احراري ، نعمت الله گردش ،  
جلال نوراني و ديگران بودند که از فيض قلم ، از صلاحيت  
های حکومتی ، و يا از استعداد هنري شان استفاده نمود و  
به رونق تياتر افزودن بخصوص شادروان برشنا در جهت  
سهم ساختن خانمها در  
مطبوعات خدمات شايان  
بي نموده است وهم چنان  
آنچه مردان فداکار که برای  
همسران گرامی شان  
اجازه تمثيل وسهم گيري  
در هنري تياتر را دادند و يا  
خود نقش زنان را اجرا  
کردند ، قابل قدرو ياد  
آوری ميباشند بايد اسمای  
شان در تاريخ فرهنگ  
کشور جاودان بماند. خانم  
زرغونه ومحترم اسدالله  
آرام دارای پنج فرزند دو  
دختر وسه پسر ميباشند.



اسدالله آرام



### نورتَن نورانی



نورتَن نورانی همراه با خواهرش زلیخا نورنی از جمله دختران روشنفکرو سنت شکن در جامعه سنتی افغانستان بودند که بعد از نهضت نسوان در آغاز دهه چهل خورشیدی که آزادی زنان تقریباً در جامعه عادی شده بود و درزینب ننداری، در انزمان جز چند خانم انگشت شمارحاضر به انجام کارهای فرهنگی بودند- پیوستند، فامیل نورانی از جمله فامیل های فدا کار هنری بودند که با وجود عقب ماندگی جامعه برای دویشزه های جوان شان اجازه دادند که در تیاتربه حیث معلم

اجتماع برای تنویر از هان عامه خدمت نمایند.

نورتن نورانی در درام آتش زیر خاکستر نوشته محترم استاد عبدالقیوم بیسد، بازگشت نا گهانی ترجمه محترم موسی نهمت، پرنده مجروح، زنان بی ملاحظه ترجمه و نگارش موسی نهمت، خشو نوشته شم خالوف تاجکی، پلنگ در لباس ملنگ ترجمه و نگارش عبدالطیف نشاط ملک خیل، او پدرم نیست نوشته استاد رشید لطیفی (پدرتیاتر) پرنده مجروح، شمع ها که میسوزد، شهری و دهاتی، گم نام و پیراهن عروس مانند نور درخشیده است. در درام پرنده مجروح اثر استاد لطیفی جایزه اول ممثل سال را بدست آورد. دهه چهل به زاد خود بزرگترین نقطه جهش در جهت ارتقاع و سیر تکامل نقش زنان در هنر تیاتر و رادیو در کشور ما بوده است. از این رو نورتن با خواهرش در زینب ننداری در اثر تشویق استاد عبدالقیوم بیسد که از جمله دوستان پدرشان (سالم خان نورانی) بود، فعالیت هنری را آغاز کردند. خانم نورانی بعد از (15) سال خدمت در ارتقاع بخشیدن و تقویت فرهنگ کشور عزیزش کار هنری خود را ختم نمود. او در طی خدمت هنری بولایات کشور نیز سفرهای داشته است. کار هنری اش با کودکانها و مکاتب مرکز و ولایات از جمله خدمات فراموش ناشدنی میباشد. خانم نورتن نورانی با محترم عزیزتسلیم ازدواج نمود و دارای پنج فرزند میباشد. سرانجام

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

در اثر جنگ های و شورشهای داخلی بدلیل اشغال شوروی  
بر افغانستان را با همسر و اطفالش ترک و به کشور کانادا  
مهاجر گردیده و در شهر تورنتو کانادا اقامت گزیدند

### مزیده سرور

**خانم مزیده** در سال 1324  
خورشیدی تولد گردید و در  
اخیر سال 1337 خورشیدی  
در تیاتر بکار هنری آغاز نمود .  
در حدود یکصد و پنجاه نمایشنامه  
در تیاتر بازی نموده است .  
اولین درام که نقش داشت بازی  
های شیشه یی نام داشت اثر  
تلسی ویلیم به دایرکت آقای  
فیض محمد خیرزاده در تیاتر  
کابل ننداری بود او در حالیکه  
با آقای سرور تازه نامزد  
گردیده بود در همین درام نقش  
مادر سرور را که یک خانم  
پنجاه ساله بود، مقابل آقای سرور بازی نمود، در نمایش درام



خشونوشته شم خالوف تاجکی که درد های عقب مانده گی جامعه را بازگو مینمود به دایرکت استاد حمید جلیا با موفقیت چشم گیری نایل گردید همچنان درام کچری قورت نوشته مرحوم سید مقدس نگاه نیز نقشش را عالی اجرا کرد و در جمع هنرمندان مشهور خود را ثبت نام نمود. در جهان سینمای نیز مقام خاص را اشغال کرد اولین فلم او اندرزمادر نام داشت همراهی خانم محبوبه جباری بازی نمود وبعد در فیلم " انجمن رهنمای خانواده، درمورد ولادت های پی درپی که سبب مرگ ومیر طفل ومادرمیگردد از طرف انجمن رهنمای خانواده تهیه شده بود فداکاری نمود زیرا در آن فیلم صحنه ولادت تمثیل میگردید هیچ یک از هنرمندان حاضر نگردید" وهم در فیلم عقاب، سه دوست، وفاصله موفیقت های بزرگ شامل حالش بوده است. در هنر آواز خوانی نیز استعداد خود را آموزد در حدود سی پارچه در رادیو افغانستان ثبت نمود و بعضی پارچه های دوگانه همراهی سرور همسرش نیز زمزمه نموده است. بزرگترین سرمایه ازدواج شان فرزندان هنرمند شان میباشد آنها نیز از استعداد های هنری سرشار میباشند. خان آقا سرور خود یک هنرمند چند بُعدی بود. وی بر علاوه کارهای هنری خدمات اجتماعی زیاد برای فرزندان مهاجر افغان در تورنتو انجام داده است.

### ملیحه احراری

هنرمندان سابقه دار تیاتر کشور ما میباید او نیز در  
درامهای متعدد سهم گرفته و در درام خوش، دوانباق، نوشته  
عبدالمنان ملگری بی سابقه درخشید، نمایشنامه پرجیره، اثر  
سید مقدس نگاه، به دایرکت استاد حمید جلیا، درام عاطفه، اثر  
عثمان صدقی، زنان عصبی، کورخود بینای مردم، تک  
و تکمار و سایر نمایشات نقش های خوبی را بازی نموده است.  
او دارای یک کرکتر آرام، وبی سروصدا بود مگر در نقش  
هایش با تمثیل بی مانندش خیلی سروصدا ایجاد مینمود. وی  
در کارهای هنری اصل موفقیت هنرمند را در استعداد و تشویق  
جامعه میداند و عقیده رول خورد و وبزرگ مثبت و منفی را  
در کار هنری محکوم مینماید هنرمند خوب با داشتن کوچکترین  
رول میتواند درام را به اوج شهرت برساند و یا تمام درام را با  
همان رول کوچکش ناموفق بسازد روی این تواضع رول  
مثبت و یا منفی بر حال او اثر گذار نبوده است.  
وی بعد از ازدواج با فیض احمد احراری هنرمند تیاتر  
ایشان منحیث یک زوج هنری خوب و موفق با نقشهای  
مشترک در تیاتر خیلی خوب درخشیدند. چنانچه در یکی از  
درام های کمیدی این زوج هنری در نقش داماد و خوش  
خیلی عالی درخشیدند. آقای احراری در پایان همان درام

برای تماشاچیان میگفت: «شکر الحمد الله که میلجه جان در واقعا خشویم نبودم» مگر در واقعیت خانم احراری سه دامادش را مانند فرزندان خویش محبت میدهد. همچنان خانم احراری در نمایشنامه دیگری باز هم نقش خشورا داشت و در این درام یک خشوی بد خلق را چنان موفق بازی کرد که تماشاچیان انگشت حیرت میگزیدند و این هنرمند شایسته را با دشنام بدرقه و تشویق میکردند. در یکی از روزهای نمایش دشنام بعضی از تماشاچیان باعث دعوا و سروصدا حین اجرای درام در میان تالار کابل ننداری گردید و این حادثه یکی از خاطره های فراموش نشدنی برای خانم احراری میباشد. در رابطه شخصی با همه همکاران رویه خوب و از احترام متقابل برخوردار بوده و در نگهداشت روابط دوستی خود نیز هنرمند بوده است. رشته مستحکم دوستی اش نا کسیسته نی بوده و محبوب قلب همه هنرمندان گردیده بود. خانم احراری مانند سایر هنرمندان گرامی در جامعه سنتی افغانستان نسبت به هنرمند بودنش از سرزنش هایی بهره نبوده است. وی عقیده دارد که تشویق و سرزنش دوبرال یک هنرمند میباشد، هنرمند با استفاده از آن راه موفقیت خود را می یابد و هنر خویش را تکمیل مینماید و در فضای هنر پرواز میدارد. هرگاه تنها تشویق شامل هنرمند باشد نواقص کار خود را ماتفت

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

نمیشود ، انتقاد همیشه جنبه اصلاحی دارد اما بدبختانه در کشور ما انتقاد از طرف بعضاها همیشه یک جهت و خیلی زشت و ناراحت کننده بوده است که این نوع انتقاد هنرمندان را افسرده می سازد . زمانیکه در افغانستان جنگهای داخلی ادامه پیدا کرد و زمینه فعالیت هنرتیاتر محدود و بالاخره دروازه هنر بسته شد خانم احراری با فامیل دامن هجرت گرفت و سرانجام به امریکا مسکن گزید .و برای کسب دانش مسلکی شامل مکتب گردید و در رشته نرسنگ دانش آموخت ودر یکی از مراکز صیحی در ایالات متحده امریکا اشغال وظیفه کرد. بعداز سقوط طالبان نسبت ضرورت وظیفوی به افغانستان سفرهای زیاد انجام میدهد.روی همین دلیل برای پیدا کردن خانم احراری بیشتر از شش ماه انتظار کشیدم با تماس و تلفونهای مکرر بالاخره موفق شدم و او را در منزلش در امریکا پیدا کردم. خانم احراری از ازدواج با آقای فیض احمد احراری چهار فرزند بنام های توفیق عطا ، نورجهان، زرشیت و شیما دارد. این هنرمند گرامی در خارج از کشور کدام فعالیت هنری نداشت و مصروف اجرای وظیفه مسلکی ورفت وآمد به افغانستان میباشد.

### رابعه مستمندی

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

خانم پورنا «مستمندی»



دراخیر  
سال  
1336 -

ش  
درلشکر  
ننداری  
به اسم  
مستعار  
پورنا  
درآغاز  
نهضت

نسوان با

گام های متین واستوار راه هنر را  
در پیش گرفت در آن زمان که  
دموکراسی زنان اولین نفس های  
خود را تنفس میکرد هیچ خانم  
حاضر بکار هنر تمثیل نبود وی

درتأمین وتقویت دموکراسی با کار هنری اش خدمات ارزشمند  
را انجام داد قابل قدر و یاد آوریست، لشکر ننداری یگانه  
تیاتر بود که خانمهای جوان چون رابعه پورنا و شریفه دانش





برای اولین بار در آن زمان بکار هنری آغاز کردند و بعد از این دوخانم که از جمله اولین هنرمندان انات در تیاتر گفته میشوند، خانم های دیگر در دهه چهل -ش- در زینب ننداری و پوهنی ننداری رفتند و بکار های هنری پرداختند. خانم پورنا بر علاوه تمثيل دروقفه های تبدیلی صحنه های تیاتر به آواز خوانی نیز پرداخته است ، هم چنان اولین هنرمند زن بودند که در گروپ هنری همراه با هنرمندان ذکور بولایات سفر نمود. او در طی فعالیت هنری خود درام های زیاد را مانند پیاله زهر، جادوگر و ماجرای روشن و غیره را بازی کرد، بعد از سقوط لشکر ننداری روانه ولایت کندز گردید و بعد از یک وقفه برای فعال ساختن تیاتر در ولایت کندز دوباره به هنرنمایی پرداخت و در ولایت کندز نیز اولین خانمی بود که در تیاتر هنرنمایی کرد و بعد یک تعداد خانم های جوان نیز به هنر تمثيل رو آوردند. اما در ولایت کابل در فعالیت های هنری او چند سال وقفه بوجود آمد و بعد از برگشت از ولایت کندز به کابل ننداری فعالیت هنری خود را از سر گرفت، در نمایشات زیاد که در تیاتر کابل ننداری به نمایش گذاشته میشد، نقش داشته است. بر علاوه تیاتر در رادیو ، تلویزیون و سینمای کشور نیز فعالیت نموده است. در رادیو تلویزیون ملی مانند دیگر هنرمندان در رادیو درامها، داستانها و برنامه های مختلف تفریحی سهم داشته است. بعضاً اتفاق

افتاده که در یک درام ویا داستان ها و یابرنامه های دیگر با همامستمندی دخترش نیزنقش بازی کرده است. درسالهای اخیر اقامتش درافغانستان در زیر باران راکتها در ولایات کشور بخاطر تهیه فیلم صادقانه وظایف خود را پیشبرده همچنان در خارج کشوردرسریال شیرآغا وشیرین گل درماسکو تهیه گردید ، نیزسهم داشته است . درسال 1369 ش- از وطن هجرت کرد بعد از انتظار طولانی در ماسکو بالاخره در کشور دنمارک واقامت گزیدند.

رابعه پورنا همراهی محترم عبدالهاشم مستمندی ازدواج نمود وثمر ازدواج شان سه دختر و سه پسر میباشد. از جمله فرزنداناش خانم هما مستمندی راه مادرش را تعقیب کرد و هنرمند شناخته شده سینما ، رادیووتلوویزیون ملی افغانستان گردید. خانم رابعه قبل از ازدواج در تیاتر کشور تخلص « پورنا » را داشت و بعداز ازدواج بنام « مستمندی » اخذ شهرت کرد. این خانم ارجمند در تیاتر کشـور نامـش را به عنوان اولین خانم هنرمند تیاتر ثبت نموده است.

### شریفه دانش

هنرمند موفق و دموکرات که در اولین روزهای نهضت دموکراسی زنان در کشور، با گام های استوار در اخیر سال 1336 ش - روانه تیاتر لشکر ننداری گردید. در همه درام های لشکر ننداری نقش های خوبی بازی نموده است مخصوصاً در درام ماجرای روشن نوشته محمد بشیر سراج، به دایرکتری وزیر محمد نگهت به اوج شهرت رسید. او از جمله اولین خانم های هنرمند بود که باگروپ هنرمندان لشکر ننداری به سفر ولایات پرداخت درحالیکه در آن زمان تازه آزادی زنان شروع شده بود کار زن در تیاتر یک پدیده جدید بود و از طرف بسیار خانواده ها دفاع و تقویت نمیگردید اما او با هنر نمایی خود از طریق تیاتر در تقویت این عمل مثبت و انسانی سهم فعالانه گرفت و نهضت زنان را تقویت بخشید. بعد از بسته شدن تیاتر لشکر ننداری خانم دانش در وزارت اطلاعات و کلتور بحیث مامور اشغال وظیفه کرد وی بر علاوه هنرنمایی در تیاتر حضور زنان را در ادراکات رسمی که اکثراً خانواده برای دختران و همسران شان اجازه کار در دفاتر را نمیدادند، نیز تقویت نموده است. آغاز هر پدیده جدید پیش از آن جسور میخواید، خانم دانش و خانم

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

پورنا «مستمندی» در تقویت نهضت دموکراسی و حضور زنان در اجتماع را با جسارت و صداقت ایفا نمودند. این دو هنرمند گرامی درلشکر ننداری برای عده هنرمندان ذکور که نقش زنان را ایفا میکردند، فرصت دادند تا نقش مردان را در نمایشنامه بازی نمایند. روی همین کمبود هنرمندان جوان ذکور علاقمند هنر نمایی بودند اکثراً به تیاتر نمیآمد زیرا دایرکتران مجبوراً از تازه واردان در نقش زنان کار میگرفتند. خانم دانش زمانیکه در وزارت اطلاعات وکلطورکار میکرد با استفاده از یک بورس روانه هندوستان گردید و بعد از ختم تحصیل بوطن برگشت و دوباره به تیاتر برنگشت، مطابق تحصیلش دربخش اداره ایفای وظیفه کرد.

برایش طول عمر و سعادت آرزو میکنم.

## صایمه مقصودی

در خانواده بزرگ روحانی بدنیا  
آمد پدرش شامقصود از جمله  
روحانیون بزرگ وقت بودند.  
وی از لیسه عایشه درانی  
فارغ التحصیل گردیده است،  
زمانیکه متعلم مکتب و اولین  
فرد خانواده خویش بود که در  
آوان جوانی تلسم سنتی را  
شکست و بکارهای فرهنگی  
همت گماشت و بعد خواهران و  
برادر خود را نیز مشوق کار  
های فرهنگی گردید. او از  
پروگرام های اطفال بکار آغاز



کرد و بعد در اداره هنر و ادبیات بخش پشتو در برنامه های  
مختلف هنری مانند رادیو درام ها و داستان ها، برنامه های  
کورنی ژوند، زراعتی و سایر برنامه های تفریحی، سیاسی  
و اجتماعی، را با صدای رسایش جذاب ساخت. همه برنامه را  
مقبول میخواند مخصوصاً برنامه های حماسی را با چنان

شور و هیجان تمثیل میکرد که شنونده خود را در صحنه اصلی روی داد های درام حس مینمود. درام قهرمانان یکی از حماسه های او بشمار میرفت، همچنان در باره استقلال وطن درامها و داستان های زیاد را با شور و احساس وطن پرستانه تمثیل کرده است. استعداد خوب و صدای رسای او حجم فعالیت هایش را در رادیو و تلویزیون وسعت بخشید و پروگرام های مختلف رانیز نطایقی نمود. در تشویق خانم های جوان و تازه کار از هیچ نوع کمک دریغ نمیکرد همیشه با رهنمود های دلسوزانه ممد تازه کاران بود، در پهلوی مصروفیت های که داشت کورس های نطایقی رادیو تلویزیون را هم تدریس مینموده، از انرو بسیار نطاقان و ممثلین او را استاد خطاب می کردند، راه دشوار فرهنگی را برای نسل های آینده مخصوصاً در بخش فرهنگ پشتو هموار کرد اما با تاسف که کوردلان متعصب همیشه خدمات گذاران فرهنگی را از عینک کدروت و گناه تماشا می کنند در 1360 ش- در حالیکه روانه رادیو تلویزیون بود در مقابل خانه اش نشان تیر تفنگداران کوردل گردید. ساعت هشت صبح همه مامورین خبر شهادت او را حین امضا کردن حاضری حاصل کردند. دشمنان آزادی و دموکراسی زنان فکر کردند با این عمل غیر انسانی شان در های فرهنگی را بروی زنان بسته مینمایند برخلاف از هر قطره خون پاک او گل های نورسته شگوفان گردید و راه انسانی و بشر دوستانه او را

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

تعقیب کردند. مرگش را تمام مردم افغانستان و اهل فرهنگ  
یک عمل وحشیانه و غیر انسانی میدانند.  
روحش شاد باد  
انا الله وانا الیه راجعون



سایمه مقصودی هیروین

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

### پوهنـیار زلیخا "اکرم" نورانی

در دهه چهل  
خورشیدی تا حدودی  
حجاب رفع گردید  
کوه های یخ تعصب  
در جامعه عقب  
مانده رو به ذوب  
شدن  
نهاد زنان اندک انک  
به تیاتر راه پیدا  
کردند. در آغاز  
نهضت نسوان زنان  
شجاع مانند: رابعه  
پورنا و شریف  
دانش به کار



هنری آغاز کرده بودند و بعد در دهه چهل خانمهای دیگری  
مانند ساجده نگاه، زلیخا نگاه و دختری جوان دیگر بنام حبیبه  
در تیاتر افغانستان آمدند و خوب درخشید و به رونق تیاتر  
افزودند، به تعقیب آن زلیخا نورانی و خواهر بزرگش نورتن  
نورانی تحت رهنمایی استاد بیسد که رفیق دوست پدر ایشان



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

بود، ابتدا به زینب ننداری و بعداً به پوهنی ننداری راه هنری خود را باز کردند. به تدریج تعداد زنان و دختران دیگر نیز پدیدار شدند از آن جمله معلمه خانم مخفی کابلی با دختر جوانش مقدسه مخفی و دختر کوچکش اقلیما مخفی بودند این مادر ارجمند با دخترانش به بهترین هنرمندان تیاتر مبدل گردیدند. زلیخا نورانی با هنرمندان فوق درام های مانند: ساحره، پرنده مجروح، شام زندگی، شمع هایکه میسوزند، کنهکاران بی گناه، طبیب اجباری، آتش زیر خاکستر، اوپدرم نسیت وده ها نمایشنامه های دیگر نقش های اول و دوم زن را به عهده گرفتند. یکی از جهش بزرگ تیاتر در آغاز دهه چهل سفر های هنری هنرمندان به ولایات کشور بود که از طرف وزارت اطلاعات و کلتور طرح ریزی میشد و مسوولین ولایات با وصف محدودیت ها زمینه اجرای نمایشات را برای هنرمندان فراهم میکردند. گرچه رابطه زلیخا نورانی به علت ادامه تحصیلات عالی در خارج کشور و از خواهرش نورتن به علت ازدواج گسیست های وقفوی در کار هنری ایشان رخ داد اما زنان هنرپرور دیگر چون رابعه مستمندی، حبیبه عسکر، مزیده سرور، زرغونه آرام، رعنا، روح آفزا، نجیبه دینا، صالحه حارث، حمیرا، شرین، نسرین، خورشید پایا، سایرہ اعظم، زرغونه رفاه، ضیا بیسد، سامعه، شهلاجیلانی، ملیحه احراری، زهراوکبرا (دوخواهر هنرمند) رونا، پشتنه،

پروین، زحل، ثریا مژگان، میمونه غزال، محبوبه جباری، گل مکی (فتانه) پروین صعنتگر، شهلا، صوفیه، مستوره اصیل وزیری، فاطمه، رحیمه ابراهیمی، صایمه مقصودی، زلیخا فخری، تورپیکی خادم، ستوری منگل، هما ابراهیمی هما مستمندی، گلالی بیسد و غیره دختران و زنان نازنین توانستند با هنر نمایی شان تیاتر را زنده نگهدارند و در تیاتر ولایات کشور نیز خدمات ارزشمندی نمودند. نام های شان در تاریخ تیاتر افغانستان مانده گار گردیده است.

قابل یاد آوریست که خانم ایلزا افضلی استاد بزرگوار در ایجاد و پایه گذاری تیاتر اطفال کشور خدمات ارزشمند و فراموش ناشدنی انجام داده است و هم چنان خانم ایرانی بهدخت نیز در یک در مدت زمانی مددگار تیاتر کشور ما بودند همه آنها در تاریخ هنر تیاتر افغانستان خدمات فراموش ناشدنی را انجام داده اند. خانم اکرم نورانی در تیاتر زینب ننداری اولین درام که با خواهرش نورتن حصه گرفت بنام ساحره ترجمه و نگارش استاد عبدالرشید لطیفی بود .. و اولین معاش خانم زلیخا نورانی در پوهنی ننداری مبلغ سیصد افغانی بود هم زمان با کار تیاتر تحصیلات دوره مکتب خود را به پایان رسانید و سپس جهت تحصیلات عالی به ماسکوا اعزام گردید، بعداخذ دیپلوم ماستری بوطن برگشت. در آغاز دهه شصت خورشیدی به حیث آمر کورس های ارت ودراماتیک در کابل ننداری

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

مقرر گردید، در این کورس ها تعداد زیادی فارغان صنف دوازدهم مکاتب را تحت پرورش اکادمیک قرار میداند برای تدریس این کورس ها استادان عالیقدر پوهنتون کابل نیز بحیث مدرس خدمت نمودند برای فارغان کورس دو ساله شهادتنامه صنف چهاردهم اعطاگردید و شاگردان بعداً شامل پوهنهی هنرهای زیبا پوهنتون کابل گردیدند و بعضی ایشان نیز به جهت آموزش عالی مسلکی بخارج اعزام شدند. بر علاوه مصروفیت ومسولیت کورسها کارهای هنری وتمثیلی رانیز انجام میداد زمانیکه خانم ایلزا افضلی تیاتر اطفال را پایگذاری نمودخانم نورانی همکار صدیق و یارو خوب با خانم افضلی بوده است.

بعد از ختم کورسهای ارت دراماتیک به حیث استاد درپوهنهی زبان وادبیات دیپار تمنن تیاتر هنرهای زیبا پذیرفته شد و تا زمان ترک وطن بوظیفه اش بحیث استاد ادامه دادند و تا رتبه پوهنیار که از جمله القاب علمی پوهنتون کابل میباشد ارتقاع نموده بودند.

خانم اکرم نورانی در ایام تحصیلات عالی شان که در ماسکو بسر میبردند علاقه خاص به نمایشنامه های بالشوی تیاتر ماسکو وسایر تیاتر های دیگر-آن شهر داشتند وباز دید از آثار دراماتیک چخوف نیز او را مجذوب ساخته بود. بر علاوه هنرنمایی تمثیل در تیاتر، کارهای علمی ارزشمند در رابطه

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

آقای ولی لطیفی و خانم زلیخا نورانی



ترجمه آثار و نمایشنامه های معروف چخوف از زبان روسی به زبان دری پرداخته است از جمله نمایشنامه "چایکا" اثر چخوف تحت نام " مرغ دریایی" در مجله ژوندون وقت باز تاب گردیده است و دهها نمایشات دیگر از زبان و رسی به زبان

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

دری ترجمه نمود و نزد شان موجود است امید وارم روزی اقبال چاپ پیدا کند . بر علاوه اینکه یک هنرمند با افتخار بوده اند یک خانم دانشمند و بزرگوار نیز بودند که از دانش عالی شان جوانان وطن ما کسب فیض نمودند برای کشور ما داشتن هم چون هنرمندان و دانشمندان زن که توانستند راه های دشوار را برای نسل های آینده هموار سازند - جای بس افتخار میباشد، استاد زلیخا نورانی در زمان فعالیت های هنری شان موفق به اخذ تقدیر نامه های زیاد گردیده اند وی فعلا با فامیل محترم شان در کشور استرالیا اقامت دارند.

### خدیجه « ضیایی » پروین

خانم خدیجه فرزند سردار  
عبدالرحیم معروف به « شیون  
کابلی » میباشد. قبل از آنکه  
درباره خانم خدیجه ضیایی  
بحث نمایم برای شناسایی  
بیشتر او میتوانیم مکث کوتاه



درباره پدرش شیون کابلی نماییم : سردار عبدالرحیم  
خان ضیایی فرزند سردار محمد عمر خان نواسه  
سردار عبدالرحمن خان « ضیاء الملت والدین »  
در هفتم جون سال 1895 م- مطابق سرطان  
1274 هـ ش در شهر کابل بدنیا آمد. وی در جمع  
گروپ جوانان مشروطه خواهان بر علیه سلطنت  
امیر حبیب الله خان سراج به مبارزه پرداخت.  
شیون کابلی سه بار ازدواج کرد. بی بی کو از  
بدخشان افغانستان همسر اول او بود، همسر دوم او  
یک زن روسی معروف بنام سیما و همسر سوم  
وی « الکساندرا » مشهور به شوره از اهل  
گرجستان بود. دخترش خدیجه « پروین » از خانم  
بدخشی مرحوم ضیایی می باشد. سردار عبدالرحیم  
ضیایی در زمان اغتشاش سقوی از افغانستان دامن  
هجرت گرفت و در زمان سلطنت محمد نادر خان

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریادارو

---

از وطن فرار گردید تا دم مرگ در تبعید بسربرد.  
سردرار عبدالرحیم یک شاعر پرشور بود که  
اشعارش را بنام شیون کابلی سروده است.

خدیجه ضیایی معروف به میرمن پروین



### خدیجه ضیایی بتاریخ اول قوس 1303 شمسی

بدنیا آمد و هیچگاه روح آزاد خود را در فرهنگ

سنتی مقید نساخت با وجود که درسالهای پیشین در کشور ما هنر و هنرمند شدن یک پدیده کاملاً نا آشنا و غیر قابل قبول برای مردم بود مگر زنان روشنگر و جسوری در آن زمان میزیست که به اصل مفهوم هنر پی برده با شهامت در شناختادن آن همت گماشتند و با قبول دشواریهای جاده پرپیچ و خم را بر دیگران هموار کردند و خود را به نام هنرمند با افتخارات هنری شان ماندگار ساختند و دسته گلهای از باغستان هنر به جامعه تقدیم نمودند.

آن هنرمند با افتخار خانم خدیجه ضیایی " پروین " که زاده چنان پدر وطن دوست و آزادی خواه و فاضل بود روح آزاد خود را در زنجیر قیودات سنتی کشور نبست و در جوانی با جسارت در تامین عدالت اجتماعی و تمثیل دموکراسی پیش گام گردید. ا وزنان مستور را با صدای رسا و با آهنگ های دلنشین خود متوجه اصل برابری و دموکراسی در جامعه ساخت . خانم خدیجه با چادری به استشن رادیو رفت و به نام مستعار پروین آهنگ خواند. صدای نواز شگر پروین نه تنها از امواج رادیو گوشه ها را نوازش داد بلکه اولین بار درستیج پوهنی ننداری آهنگ دختر گل فروش را توام با تمثیل دختر



## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

خوانده کودکش بنام محبوبه برای مردمش تقدیم کرد. این اهنگ که دروقفه درام تقدیم میشد، سه دختر کوچک بنام های محبوبه که بعداً جباری تخلص کرد، مستوره اصیل وزیری و میمونه که بنام ابراهیمی و بعداً بنام عزال تخلص کرد، خانم پروین را با پاشیدن گل برای تماشاچیان همراهی کردند. خانم ضیایی اصلاً وظیفه نرس را بدوش داشت و مدت زیاد در شفاخانه مستورات و بعداً در شفاخانه علی اباد و مرستون کابل ایفای خدمت نمود. در سال 1337 شمسی زمانی که عبدالرشید لطیفی از پوهنی ننداری بحیث امر مرستون تبدیل گردیده بود، با خانم پروین در آنجا معرفت حاصل کرد و در اثر تشویق مرحوم لطیفی پوهنی ننداری رفت و در درامیکه بقلم شادروان لطیفی نوشته و دایرکت میگردید در وقفه های درام اهنگ گل فروش را خواند. « گلفروشم زمن گلی بخريد - يكدوسه دسته سنبلی بخريد» سهم گرفت. در سال 1338 شمسی یعنی یک سال بعد برای اولین بار جرائت کرد و با چادری به استشن رادیو کابل رفت بنام مستعار «میرمن پروین» آواز خواند. به روح و روان مردم لذت بخشید. اسم خود را بصفت آواز خوان زن ثبت تاریخ موسیقی کشور کرد. « خانم خدیجه ضیایی» پروین» یکبار با محمد یعقوب خان ازدواج کرد. شوهرش نسبت فشار و تعقیب سیاسی

از طرف حکومت وقت از افغانستان فرار کرد و به پاکستان رفت و بنام مستعار «مهرخان گران» در رادیو پاکستان به ضد حکومت افغانستان تبلیغات سیاسی مینمود.

خانم پروین بعد از شکست آن ازدواج تا آخر عمر مجردی را ترجیح داد مگر دختر دلسوز رضایی اش محبوبه جباری را در کنار خود داشت با او همدم و هم نفس بود.

محبوبه - خانم پروین را بیشتر از مادرش حقیقی اش احترام قایل بود و تا اخیر عمر یار و یاور همدیگر بودند.

خانم پروین تا آخرین دقایق زندگی دختر دلسوز و مهربانش را در کنار بستر بیماری خود داشت و آخرین نفس های مادرانه اش را نثار محبوبه مینمود مخصوصاً در هجرت اباد پشاور که واپسین روزهای زندگانی اش را سپری میکرد محبوب خود «محبوبه» را با خود داشت تا درد هجرت که پدرش «شیون کابلی» را سالیان قبل آزرده بود با مهربانی های دخترش کمتر حس نماید. خانم محبوبه جباری همانطوریکه افتخار نوازش ها و تشویق های دوره شباب خانم پروین «را داشت» ، افتخار نفسهای واپسین وی را نیز داشت و دعای بزرگش را کمایی نمود. محبوبه جباری چون فرزند وفادار با قلب مملو از محبت در کنار بستر مادرش «پروین» بخدمت ایستاده و دین فرزندی خود را ادا کرد.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

خدیجه عزیز افتخار آزادی و دموکراسی زنان افغانستان،  
بلبل سنگ شکن آهنگ دختر گلفروش در کنار محبوبه  
محبوبش خاموش گردید. او بتاريخ 18 قوس 1383  
خورشیدی مطابق 2004 م- جان به جان آفرین داد.  
روحش شاد و خاطراتش گرامی باد.  
انا لله وانا اليه راجعون

### محبوبه « وحید » جباری



محبوبه جان فرزند  
محمد خان بتاريخ 21 میزان  
سال 1327 ش - در شهر کابل  
در یک فامیل متوسط و  
منور تولد یافت و تحصیلش را  
در لیسه ملالی تمام کرد.  
**محبوبه جباری** اولین کار  
هنری خود را ازستیج پوهنی  
ننداری بامادرش رضایی اش  
« میرمن پروین » شروع  
نمود. وی آهنگ مشهور دختر

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

گلفروش را تمثیل نمود. بعداً راهی پروگرامهای اطفال رادیو کابل گردید و در اثر تشویق مادرش (که او را مشوق و استاد خود در راه هنرمیداند) و تشویق والدین اصلی اش از سن شش ساله گی در دنیای هنر تمثیل گام های استوار برداشت و در سن 14 سالگی به خواندان دیالوگ های رادیویی آغاز کرد که در آن زمان وسایل برای ثبت در رادیو کابل وقت وجود نداشت و همه برنامه ها را سا نشر میگردید. اولین معاش وی (30) افغانی بود که یک افغانی را هم خزانه دار اخذ مینمود، بود..

بعداً که تعمیر رادیو به انصاری وات پهلوی شرکت آریانا و مقابل گلوپ عسکری منتقل گردید. رادیو کابل انکشاف کرد و بنام رادیو افغانستان مسما شد و با امکانات وسیعی تر بفعالیات آغاز نمود. مصروفیت و فعالیتهای خانم جباری بیشتر گردید. مگر این بار پروگرامها قبل از نشر ثبت میگردید. اگر فعالیت هایش را از زمان شش سالگی در میزان سنجش قرار بدهیم شاید از موی های سرش اضافه تر رادیو درام، داستانهای دنباله دار، برنامه های تفریحی، هنری، ادبی، دیالوگهای همه روزه کورنی ژوند و صد ها برنامه اجتماعی دیگر و هم چنان داستان های هزار و یک شب که به ابتکار خانم فریده انوری تنظیم میگردید با محبوبیت و جذابیت بخوانش گرفته است. در سال 1351 ش- در اثر تشویق مادر

بزرگوارش استاد پروین با ریاست افغانفیلم همکاری نمود. زیرا در آن شرایط دختران جوان جرات و اجازه ظاهر شدن در فیلم را نداشتند. در فیلم هنری بنام اندرز مادر همراه با خانم مزیده سرور روی پرده سینما ظاهر شد به استقبال گرم مردم مواجه گردید و فیلم مزکور بر زبان پشتو نیز نریشن گردید و در ولایات کندهار و ننگرهار برای مدت طولانی نمایش داده شد.

بر علاوه موفقیت های بینظیر، صحنه های تراژید فیلم را نیز بشکل واقعی فیلمبرداری نمودند، صحنه تراژیدی فیلمی به تراژید اصلی مبدل گردید. صحنه تصادم موتر به شکل واقعی به وقوع پیوست و سبب شد تا صحت یابی محبوبه جان فیلم برداری را متوقف سازند.

در سال 1357ش- که تلویزیون افغانستان بفعالیت آغاز کرد در قسمت نریشن فیلم های تلویزیونی و سریال های تلویزیونی صمیمانه همکاری خود را آغاز کرد. خانم محبوبه جباری دارای کرکتر خیلی آرام، صمیمی و فکاهت مییابد دمی صحبت با وی ملال روحی انسان را برمی چیند، در برخورد با دیگران خیلی مودب و صمیمی است و احترام بر همکاران را اصل معیار زندگی میداند او با برخورد صمیمی و پرمحبتش در قلب همه دوستان و همکاران جای داشت و دارد با همه محبوبیت و هنرنمایی بی مثال اش از

طرف هنر دوستان و مقامات ذیصلاح وقت برای سالهای زیاد مقام درجه اول در هنر تمثیل داشته و جوایز زیاد مطبوعات را نصیب گردیده است. او همچنان در زمان هجرت در پشاور در تجلیل از هشتم مارچ سال 1997م- از طرف مردم هنر پرور همراه با مادر گرامی اش خانم پروین هر دو به حیث زنان شایسته انتخاب گردیدند. این افتخار برایش ارزش بسزای دارد زیرا با مادرش یکجا مفتخر به لقب شاسیته گردیدند. هنر در واقع تجربه ای است که انسان از زندگی و طبیعت کسب میکند در حوزه احساس و اندیشه با ظرافت ها شکل میدهد و بمردمش عرضه میدارد اندیشه های هنرمند شامل پیامهای اصلاحی اجتماعی بوده که زیبایی هنرمندانه تقدیم مردم میگردد مگر طرز بیان، نحوه تعبیر به صورت خیال و اندیشه هنرمند است، هنر تمثیل و کیفیت صدا اثر نویسند را جاودانه ساخته و شنونده را مجذوب به شیندن آن میسازد که این کمال خارق العاده در استعداد زبان در تمثیل رادیویی است، خوشبختانه خانم جبّاری افتخار این فضیلت را داشت و دارد. این هنر مند شیرین زبان در اثر جنگ های داخلی که روزانه 1500 راکت از طرف مدافعین اسلام در نقاط مختلف شهر کابل مخصوصاً در مکروریان بالای مردم بی گناه پرتاب میشد و هیچ خانه و کاشانه ای از انفجار آن در امان نبود. با آن هم آغوش مادر وطن را رها نکرد مگر اینکه

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

برادر 21 ساله جوانش فدای هوسهای شوم و قدرت طلبانه شهنواز تتی گردید و پنج روز بعد از خاکسپاری برادر شهیدش مادر نازنین اش خانم ریزه گل که او هم خدمات بزرگ و ارزشمندی در تیاتر کشور انجام داده است، نیز داعیه اجل را لیبیک گفت.

(اناالله وانا الیه راجعون)

بمباردمان ظلمانه طیارات بدون وقفه بالای مردم بیگناه و بی دفاع جریان داشت. ناگذیر پا های برهنه، بی سرنوشت، بسوی سرنوشت با سه طفلش وطن را رها کرد و با امید آنکه طی چند ماه بی بعد از تقسم قدرت، دوباره برمیگردند مگر (9) سال را در سرزمین بیگانه یک هنرمند با شهرت گم نام زندگی کرد. در جریان هجرت تمام هنرمندان رادیو تلویزیون در پشاور گردهم جمع شدند بخاطر امرار حیات در پروژه های تعلیمی و تربیوی که از طرف اداره (بی بی سی) بنام خانه نو زندگی نو تهداب گذاری شد، به کار های نشراتی پرداختند. وی نیز با ایفای نقش خاله ویا عمه عابده بکار آغاز کرد برای مدت پنج سال یعنی الهی بازگشت بوطن تا سال 2002 م- در رادیو بی بی سی بصفت ممثل کار نمود، اکنون به صفت دایرکتر بخش دری رادیو درامها خانه نو، زندگی نو در کابل با رادیو بی بی سی ایفای وظیفه میدارد و هم چنان کرکتر "عابده" را نیز در برنامه ها حفظ نموده است.

قراریکه زندگی هنری خانم جباری مطالعه نمودید  
وی را میتوان از جمله اولین هنرمندان زن محسوب کرد  
که از سن شش سالگی به هنر تمثیل با معاش (30)»  
افغانی بکار شروع کرده است. هرگاکارهای هنری او را  
از همان سن شش سالگی تا اکنون در معیار سنجش قرار  
بدهیم، خارج از معیار میباشد. او از سن شش سالگی در غنا  
بخشیدن بیشترین بخش های فرهنگی کشور خدمات  
فراموش ناشدنی انجام داده است.  
محبوبه جباری با محترم وحیدالله منصورى "رمق" فلبردار  
مشهور افغانفلم حلقه ازدواج پوشید.  
محترم وحیدالله رmq یکی از ورزیده ترین فلم بردارهای  
ریاست افغانفلم میباشد. اولین فیلم سینما سکوب در تاریخ  
افغان فیلم توسط وی تهیه گردیده است.  
بزرگترین سرمایه ازدواج این زوج هنرمند سه فرزند دو  
دختر و یک پسر میباشد. دختران فرزانه شان رهسپار خانه  
بخت گردیده اند و پسرشان محترم یوسف جان با ایشان در  
شهر کابل زندگی مینماید.



### زلیخا « بگرامیوال» فخری



سرزمین سر سبز ولسوالی بگرامی  
مربوولایت کابل زاد گاهش بود در  
جوانی شوهرش را از دست داد  
برای نفقه فامیلش در سال (1351)-  
ش- با رادیو افغانستان به حیث ممثل  
شروع بکار کرد و در آن زمان  
بگرامی وال تخلص میکرد. او از  
کوچک ترین رولها در رادیو درام  
های پشتو تمثیل را آغاز نمود و براین  
عقیده بود که هنرمند باید رول های

کوچک را بپذیرد تا استعداد خود را پخته سازد و با همان رول  
کوچک برنده گردد زیرا هنرمند شایسته نباید خود خواه و شهرت  
طلب باشد. حجم رول هنرمند را به شهرت نمی رساند بلکه استعداد  
و شایسته و قضاوت مردم هنرمندان به اوج میرساند.

روی این اصل هیچگاه در باره کوچکی و بزرگی  
نقشش دعوا نداشت و از خواندن هیچ برنامه ابا نمی ورزید  
یک انسان با استغنا، مهربان، یک مادر دل سوز و دوست  
داشتنی بود. در همه برنامه های پشتو سهم فعال داشت و در  
صورت نبود هنرمندان بخش های دری نیز همکاری خود را

دریغ نمیکرد. ممثلین تازه کار را مثل اولادهایش رهنمایی و تشویق میکرد و حتی برای بدست آوردن رول در درام نزد مرحوم فضلی و مرحوم عبدالمنان ملگری شفاعت هنرمندان تازه کار مینمود تا در داستان ویا درام برای شان موقع داده شود، تا استعداد تازه کاران تقویت گردد. در سال (1357) که تلویزیون به نشرات آغاز کرد بیشتر در صفحه تلویزیون ظاهر گردید او بر علاوه تمثیل در دوبلاژ و نریشن فیلم های تلویزیونی نیز نقش چشم گیر داشت. در سال 1365-ش در اثر پیشنهاد رادیو تلویزیون و اتحادیه هنرمندان و ژرنالیستان و نویسندگان و منظوری مقام ریاست جمهوری وقت برای سه تن از خانم های رادیو تلویزیون هریک محترمه فاطمه صیامی پردیسر برنامه اطفال تلویزیون، محترمه آمنه زمان زیرک نطاق پشتو و شاد روان زلیخا فخری در بخش هنر تمثیل نشان افتخار داده شد. بر علاوه تقدیرنامه ها لقب هنرمند شایسته را نیز در دوره های کارش کمایی کرد. وی در حالت عادی دارای کرکتر خیلی ارام بود مگر در داستان ها همیشه رول های مادر ویا خوشو ویا رول یک خانم جنگ گره را تمثیل میکرد یکی از خاطرات شاد روان را برای خواننده گان گرامی می نویسم :

{زمانیکه در ولسوالی بگرامی زندگی میکرد روزی دوتن از خانم های همسایه باهم دیگر جنگ داشتند و زلیخا آنها را به صلح دعوت کرده بود یکی از همان خانم برایش گفته بود برو

بر از توجه باقی مانده که ما را نصحیت میکنی تو از خود  
بگو که هر شب در رادیو همراهی تمام کارمندان رادیو جنگ  
میکنی فقط ما کر هستیم نمی شنویم اگر جنگ ما ره چند نفر  
میشنود جنگ و صدای تره تمام افغانستان مشنود، تو در جایت  
بنشین ما ره نصحیت نکو { و صد ها قصه های مشابه از شاد  
روان فخری دارم که خود بیان گر برداشت های منفی جامعه  
عقب مانده و کم سوادى مردم ما را نشان میداد. وی با همه  
پرابلم های محیط زیست به کار هنری اش ادامه داد مگر دوام  
زندگی در ساحه بگرامی از نظر تحقیر و توهین مردمان سنتی  
برای یک خانم بیوه جوان و مشکلات دوری راه از بگرامی تا  
رادیو افغانستان و نبودن ترانسپورت لازم شهری سرانجام  
از بگرامی بداخل شهر کابل نقل مکان نمود و دخترش را "شیما  
فخری" نیز در ساحه هنر تربیه کرد دخترش نیز در رادیو  
تلویزیون نقش های خوبی را باز کرد. در رادیو درام ها  
و داستان ها در برنامه های تلویزیونی و فلم های تلویزیونی سهم  
عمده داشته است "متاسفانه ادرس شیما فخری را پیدا کرده  
نتوانستم که در باره کارهای هنری و خاطراتش طور مفصل  
برای خوانندگان گرامی مینوشتم". زلیخا فخری در جنگ های  
سال (1371) -ش 1992- م در اثر اصابت راکت پهلوی خانه  
اش، سخته کرد.  
روحش را شاد باد.

## میمونه غزال



### میمونه فرزند محمد

خان خواهر محبوبه جباری  
میباشند. او نیز هنرمند شناخته  
شده تیاتر، رادیو، تلویزیون  
سینما کشور عزیز ما میباشد  
در سال 1347 ش-در تیاتر  
بکار آغاز نمود و در نقش  
هایش غزالانه خرامید  
و درخشید، اودر بیشتر از دو  
صد نمایشنامه نقش داشته  
و مخصوصاً در نمایشنامه  
مفتش اثر گوگل، نویسنده

معروف شوری و ترجمه و نگارش عبدالحق واله نقش  
فراموش ناشدنی را بازی کرد و نامش را در جمع هنرمندان  
تیاترمانده گار ساخت. خانم غزال در سینمای کشور فیلم های  
زیادرا بازی نمود زمانیکه این کتاب را مینوشتم باسعادت  
فراوان اطلاع حاصل کردم که در فیلم گدی پران باز نوشته  
محترم خالد حسینی نقش دارد و به امریکا برای تمکیل آن فیلم

تشریف آورده بود. با تلاش نمبر تیلفونش را پیدا کردم و شب ها در باره کارهای هنری اش افتخارات و تقدیر نامه هایش صحبت های تیلفونی با هم داشتیم. افتخارات هنریش خیلی زیاد است. او نه تنها در ردیف هنرمندان سینمای افغانستان ثبت نام گردیده است بلکه در ردیف هنرمندان هالیود بسطح جهانی در فیلم « گدی پران باز » نیز نامش راجستر گردید. او اولین هنرمند افغانستان است که افتخار تمثیل را در فیلم مشهور هالیود با دایرکتران امریکایی دارد. این موفقیت بزرگ افتخار همه مردم هنر دوست افغانستان میباشد.

وی در اثر فعالیت های هنری اش بیشتر از پنجاه تقدیر نامه و دو مدال طلا و نقره که ثمر زحمات شبها روزی اش در تیاتر ، سینما، و رادیو تلویزیون بود بدست آورده است، بر علاوه آن تقدیر نامه ها از توهین و تحقیر مردم بی فرهنگ نیز بهره مند گردیده است. خانم غزال از نظر کرکتر شخصی در قطب مخالف کرکتر محبوبه جباری خواهرش قرار دارد. در مقابل همکارن و دوستان حاضر جواب است. به توهین و تحقیر مردم بها نمیدهد و با پشت کار و تلاش به فعالیت فرهنگی خود پرداخته و اکنون مایه افتخار همه افغان هامیباشد. با زبان فصیح در همه بخش های فرهنگی گاهی مردم را به گریه و گاهی به خنده واداشته است. زیرا همیشه نقش های جدی و تراژیدی را تمثیل نموده است.

## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

خانم غزال افتخار همکاری را با هنرمندان بزرگ و معروف چون شادروان استاد حمید جلیا، شادروان استاد عبدالقیوم بیسد، مرحوم استاد رفیق صادق، مرحوم داکتر محمد نعیم فرحان، مرحوم سید مقدس نگاه، رزگونه ارام، احمد شاه علم، مرحوم استاد محمد علی رونق، ستار جفایی، عبدالمنان ملگری، خان آقا سرور، خانم زلیخا نگاه، خانم پایا، رحیمه ابراهیمی، خانم سایره اعظم، مزیده سرور و دیگران را در ستیج های داخل و خارج در درام های چون مفتش، خشو، ازدواج اجباری، تفنگ های خانم کارا، مادر، شب دوازدهم، روسپی بزرگوار، کاندید وزارت، مادر وطن، رستم و سهراب، وطن یا کفن، تو تونیستی، برق، حماسه، کچری قروت و غیره را داشته است.

هم چنان تحت نظر دایرکتران خارجی مانند ولف بنکی المانی، بهروز- بهزاد ایرانی، مهربان نظر اوف تاجکی، پروفیسور بگمولوف روسی نیز موفقیت های درخشان داشته است. میمونه غزال در رادیو تلویزیون افغانستان نیز در کنار هنرمندان رادیو و تلویزیون در رادیو درامها داستانها و فیلم های تلویزیونی نقش زیاد داشته است.

## زرغونه «گردش» رفاه



### زرغونه رفاه

درفامیل هنرمند بدنیا آمده  
فرزند هنرمند تياتر آقای محمد  
نعيم رفاه ميباشد و درليسه  
عائشه درانی تحصيل خویش  
را تمام نموده از نو جوانی  
در راديو درام ها وداستان ها  
وساير پروگرام های راديو  
بحیث ممثل با تشويق پدر  
بزرگوارش دین فرهنگی خود  
را اد نموده است . وهم چنان

در کابل ننداری نیز خدمات زیادی دربخش تياتر انجام داده  
است . که از جمله درام معروف شب شلاق به دایرکتری  
مرحوم استاد عبدالقيوم بیسد فوق العاده درخشید . خانم رفاه  
در ریاست افغان فیلم چندین فلم را دوبلی نمود وازجمله فیلم  
دهکده بیدار میشود وسیزده دلیل با صدای مقبولش به سر  
زبانها افتاده بود. حتا همکاران نیز با شوخی اورا صد دلیل  
صدا میکردند.

## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

زرغونه جان رفاه بعد از ختم تحصیل در ریاست افغان نساجی وبعد در اداره هنر و ادبیات رادیو به حیث مامور رسمی مقرر گردید.

خانم رفاه بخاطر دارد که در اولین رادیو درام فقط و فقط یک جمله داشت که گفته بود "ایره ببین که تخته در واری افتاده" از یک جمله بکار آغاز نمود و تا صد ها رادیو درام، داستان، برنامه های روزانه کورنی ژوند، رادیویی ننداره، و برنامه های فوق العاده بمناسبت جشن، عید و سال نو را با آواز مقبولش ثبت و به مردمش شنواند.

او بر علاوه تمثیل برنامه های مختلف را پرودیوس و گویندگی نموده است. در کابل ننداری انانسر خوب کنسرت های هنرمندان بوده و ده ها نمایشنامه تیاتر با هنرمندان وقت کار کرد. صدای رسا و خنده مقبولش بگوش مردم کشور ما آشنا است. زمانیکه متعلم مکتب عایشه درانی بود در رادیو کار میکرد جوانان مکتب از کارش پی برده بودند و همه روزه در ساعت تفریح دختران مکتب او را حلقه میکرد تا از صحبت او مستفید شوند و از طرز تهیه و ثبت رادیو درام ها و مخصوصاً نتیجه اخر داستان دنباله دار را جویا میشدند. گرچه در بین مردم عوام برخورد با وی چنان نبوده مگر با آنهم سعادت تشویق جوانان نصیبش گردیده بود. تشویق مردم برای هنرمند بزرگ ترین جایزه وقوت قلب است. چنانچه او در ولادت اولین



طفلش در شفا خانه مورد استقبال نرسها و دكتوران قرار گرفت كه حتى با تشويق آن ها درد های ولادی فراموش کرده بود. وی با هنرمند معروف تياتر آقای نعمت الله گردش ازدواج نمود دارای یک دختر بنام مریم گردش و یک پسر بنام حامد گردش میباشد. این فامیل هنرمند در خارج کشور فعالیت های هنری ندارند و اطفال ایشان نیز رشته پدر و مادر را انتخاب نکردند. خانم مریم گردش مصروف تحصیل در رشته طب و حامد گردش پسر شان مصروف تحصیل در رشته تجارت میباشد و فعلا در شهر نیوریاک - امریکا زندگی مینمایند.

### ستوری منگل



در سال 1332 در سر  
زمین گل نرگس و گل نارنج  
"ننگرهار" در یک فامیل منور  
بدنیا آمد و برادر بزرگش  
اورا ستوری نام گذاشت .  
مکتب ابتدائیه را نسبت  
مصروفیتهای پدرش در چند  
ولایت افغانستان به اکمال  
رسانیده است . مانند مکتب

زرغونه انا کندهار ، سلطان رضیه مزارشریف، فریده بلخی و بالاخره در ولایت هرات تحصیل را ختم کرد. قبل از آغاز فعالیت هنری، وی عاشق شیندن رادیو درام ها و داستان های که شهید صایمه مقصودی و آصف وردک تمثیل میکردند، بود و الهام هنری خود را از تمثیل و آواز ایشان گرفته است. در سال 1352- ش- به رادیو افغانستان به صفت ممثل بکار هنری آغاز کرد و هم زمان در فیلم هندی بنام دهر مات ما (پهریزگار) نقش کوچکی را بازی نمود. اولین فیلم افغانی که در آن نقش داشت فیلم رابعه بلخی و بعد فیلم روز های دشوار سهم کوچک گرفت. بعد از آن در فیلم سیاه موی و جلالی نقش مرکزی کار کرد که اولین فلم رنگه افغانستان در آن وقت بوده است. باکسب شهرت در فیلم "کج راه" که توسط جوان شیر حیدری تهیه شده بود ، شهرتش دو چند گردید . در فیلم "الماس سیاه" یک نقش منفی را داشت کرکتر یک خانم خارجی را با زبان شکسته خیلی خوب تمثیل کرد. بر علاوه فعالیت های هنری سینمایی در رادیو نیز در پروگرام های زراعتی، کورنی ژوند، زن و جامعه، رادیویی ننداره، نطایقی از مون گاه زهن، نطایقی برنامه ترانه ها و سخن ها، نطایقی برنامه "شهکار های از ادبیات جهان" به زبان دری که به ابتکار محترمه فریده انوری و داکتر و داکتر اسد بدیع تهیه و ترتیب میگردید، نطایقی دریچه زندگی، و پارچه تمثیلی برنامه

اطفال و اناسری کنسرت های هنرمندان را با صمیمیت همکاری نموده است. در زمانیکه تلویزیون به فعالیت آغاز کرد مسوولیت هایش بیشتر گردید و در برنامه های تلویزیونی پروگرام کاروان هله بخش دری و پشتو، نمایشنامه های تلویزیونی و فیلم های تلویزیونی نقش تمثیل و نطایقی داشته است و سهم گیری فعال او در برنامه های تلویزیونی در ولایات کشور سفر های طولانی در شرایط نا امن داشت. قابل قدر ویا آوریست این فعالیت در ولایت چون کندهار، هلمند، غزنی، ولوگر بوده است مورد استقبال مردم کشورش قرار گرفته است. او در نریشن فیلم ها در ریاست افغان فیلم نیز فعالانه نقش داشت. همان طوریکه عاشق صدا و هنرنمایی شهید صایمه مقصودی بود. کمبود و نبود او را در اداره هنر و ادبیات رادیو تلویزیون تکمیل نمود. هم چنان در تیاتر کابل ننداری در درام بنام {کله چی مدیر مو ماقوف شی} نوشته زنده یاد عبدالمنان ملگری نیز نقش مرکزی را بازی نموده است. یکی از بدترین خاطرات ستوری منگل در سال 1371 ش-مطابق (1992 میلادی که مجاهدین در افغانستان قدرت را تصاعب کردند در خانه اش یورش بردند و تمام سرمایه هنری او را از قبیل تقدیر نامه ها و کست های رادیویی انساد و مدارک از قبیل تذکره و کارت های هویت و غیره را از بین بردند که هیچ وقت دوباره بدست آمده نمی تواند. زیرا محصول چندین سال کار

هنری اش از بین رفت . سرمایه هنری یک هنرمند مانند عمر هنرمند با ارزش است که با از بین رفتن آن یک بخش از حیات هنرمند قطع میگردد. بنأ همان سال (1992) میلادی رحل اقامت در شهر پشاور پهن کرد. برای مدت دو سال از کارهای هنری اش دور بود. در سال (1994) میلادی با به میان آمدن برنامه های تعلیمی و تربیوی رادیو بی بی سی در پشاور برای افغانستان بنام "نوی کور او نوی ژوند" خانه نو زندگی نو، فعالیت هنری خود را دو باره از سر گرفت و نقش زنیب و بس بی بی را برای چند سال کار کرد مگر در پشاور هم از پیگرد طالب های بی فرهنگ در امان نبود مجبوراً به کشور هالند پناه برد.

در دیار هجرت برای رشد و تقویه فرهنگ افغانی دست بکار شد برنامه های زیاد در تجلیل از روز های ملی و سال نو خورشیدی و غیره مناسب ها به ابتکار چشم گیر پرداخت با همکاری هنرمندان دیگر برنامه های فرهنگی را نه تنها در کشور هالند بلکه نمایشات در سرتاسر اروپا مانند جرمنی ، اطریش، سویدن، انگلستان در پایتخت ها و شهر های بزرگ بنام تحفه هنری و فرهنگی برای افغانان مقیم کشورهای میزبان اهدا کرد. با تقدیم تحفه های فرهنگی روح وران هم وطنانش را در دوری از وطن نوازش داد و مورد استقبال قرار گرفت.

## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

او به هنرتمثیل عشق عمیق دارد و از دل و جان برای همکاری در هر نوع شرایط در خدمت هنر دوستانش قرار گرفته است. هرگاه نام از هنر و هنرمند را بر زبان آوریم برحق در مورد عاشقان هنرچون ستوری منگل می اندیشیم. یکی از ابتکارات دیگرش تهیه و پر دیوس فیلم هجرت نوشته محترم داکتر عبدالواحد نظری بود که از واقعیت های تلخ بی وطنی و هجرت هموطنانش حکایت میکرد آن فیلم در سرتا سر اروپا در معرض نمایش قرار گرفت. در سال 2005 میلادی به کانادا نیز نمایش داده شد در سال 1360-ش خانم منگل و خانم جباری بحیث هنرمندان سال شناخته شدند و در سال 2004 میلادی اتحادیه های فرهنگی اروپا به مناسبت (50) سال وروز تولد میمون این خانم فدا کار محفلی را در هالند برپا کردند که شامل دو بخش بود. بخش اول تعداد از دوستان فرهنگی از سرتا سر اروپا و اتحادیه فرهنگی امریکا از کارهای هنری او طی بیاینه ها تقدیر بعمل آوردند و فعالیت های او را در معراق سنجش قرار دادند. در بخش دوم از طرف اتحادیه فرهنگی کشورهای اروپایی مدال (د نازو انا) توسط غوث زلمی ریس اتحادیه هنرمندان افغانستان در آنوقت، بوی تفویض گردید و همچنان از طرف اتحادیه فرهنگی افغانان امریکا هم لقب هنرمند شایسته و ممتاز برایش اهدا گردید. بهترین تقدیر و تشویق

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

از طرف مردم در کابل نامه های پر محبت بود که دزیعه پست هر هفته نصیبش میگردید در سال ( 1353 ) ش-همرای محترم غلام سخی گلاب زاده یکی از تجاران معروف شهر کابل ازدواج نمود.

با سپاس فراوان از خانم منگل که با ارسال کست پنجاهمین سال روز تولدش مرا افتخار بخشیدند و در پیدا کردن ادرس دیگر هنرمندان با من صمیمانه همکاری کردند.

### خورشید نور

در سال 1335-ش دیده دنیا گشوده است، تحصیل ابتدائیه را در مکتب میرویس هوتکی ولیسه را در موسسه نسوان (میرمن تولنه) به سویه بکلوریا تمام کرد. او مانند هزاران دختران جوان افغان قربانی خواسته ها و عنعنات سنتی کشور گردیده است در سن 14 سالگی بعوض ادامه تحصیل تن به ازدواج داد اما بعد از یک مدت متوجه گردید که باید



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

تحصیل خود را دوام بدهد مگر از طرف فامیل شوهر به مخالفت مواجه گردید و او را از مکتب رفتن باز داشتند. در کشور ما ازدواج و مادر شدن قبل از وقت یک امر حتمی و قبول شده تلقی میگردید. خورشید هم مادر شد و بعد از تولد طفلش ملتفت آینده خود گردید، که تنها مادر شدن و ولادت های پی در پی خوشبختی نیست، مادر باید خود دارای تحصیل باشد تا طفل سالم به جامعه تقدیم کند بناً مبارزه بی امان خود را برای حق مسلمش (تحصیل) و آزادی زن در خانواده شوهرش شروع کرد. شوهرش به او اجازه تحصیل پنهانی داد. و برای یکسال صرف نظر از اجازه خسروخشو به اتفاق نظر شوهرش در "میرمینوتولنه" موسیسه نسوان به ادامه تحصیل پرداخت بدین بهانه طفلش را نزد مادر خود می گذاشت و خودش پنهانی مکتب میرفت سرانجام فامیل شوهرش سر نخ را پیدا کردند و به مخالفت برخاستند بعد از آن زندگی در خانه خسر برایش پر ابلم بزرگ و درد سر گردید و خسرش او را از دامن فامیل خود بیرون راند و زندگی را از صفر شروع کرد، درحالیکه شوهرش نیز محصل پوهنتون کابل بود اما خودش در کنار مکتب برای امرار معشیت زندگی مجبوراً در رستورانیت ماکوپولو بعد از ظهر کار کرد تا زندگی بخور و نمیر را برای خود، شوهر و یگانه طفلش مهیا سازد. وی یک خانم پرکار زحمت و تلاشی بود بخاطر زندگی بهتر در سال 1353 ش- برای اولین بار در فیلم سیاه موی وجلالی نقش مادر را بازی کرد و راه هنر در پیش گرفت و در همین

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

سال در اداره هنر و ادبیات رادیو افغانستان نیز به صفت ممثل در مدیریت درام ها و داستان های پشتو به کار آغازید.

دومین بار در فیلم "غلام عشق" محصول سینما آریا نا - کار هنری اش را در جهان سینما تقویت بخشید.

بعداً فیلم "دام مرگ" را بخاطر تنویر مردم که با



علم سیانس و داکتر عقیده مند شوند بازی کرد. در آن زمان مردم جهت تداوی به دکتور مراجعه نمیکردند به زیارت و تاویز "تعویض" و تومار و ادویه های عنعنوی عقیده داشتند. در این فیلم او رول یک خانم دهاتی را که مصاب مرض مهلک تبرکلوز بود، موفقانه بازی کرد. در 1354 ش-در فیلم جنایت کاران نقش خیلی عمده داشت. در 1357 ش-بعداز ختم صنف دوازدهم، در اداره هنر و ادبیان رادیو افغانستان بحیث مامور رسمی مقرر گردید. خانم خورشید در هر برنامه رادیویی، تلویزیونی، سینمایی چون نامش هم چون خورشید درخشید. وی در فیلم فرار نوشته دکتور اسد الله جیبب نقش



مادر را با دختر هنرمندش لیزا نور یکجا بازی نمود و بعد در فیلم های زیاد مانند: صبور سر باز، ندامت، سفر، عروس، مردها را قول است، پرنده های مهاجر، کیفر، د کندی زوی، زمین، فرجام، گناه، مزرعه سبز و غیره این هنرمند در دکشیده کشور سهم زیاد گرفته است.

خورشید نور با تلاش خسته گی نا پذیر و کارشاقه شباروزی زندگی خوبی برای خانواده کوچک خود آماده ساخت اما حین که شوهرش تحصیلات خود را از پوهنتون کابل تمام کرد، نسبت دوام کارش مثل فامیل خود به مخالفت شروع کرد. مگر خانم نور میدانست یگانه راه نجات از ظلم و بردگی سهم داشتن در اقتصاد خانواده است. کار-رادیو، تلویزیون و سینما یک خدمت بزرگ در جهت تنویر اذهان عامه و از بین بردن نواقص ناشی از عقب مانگی سنتی که مردم را به خرافات میکشاند، بخصوص یک گام مثبت برای نجات دیگر زنان وطنش میباشد. بدین عقیده به کار هنری خود دوام داد حتی در شرایط دشوار امنیتی شجاعانه به هنرنمایی پرداخت.

سرانجام در خارج از کشور نیز در سریال شیرآغا و شیرین گل در ماسکو و یک فیلم دیگر را بنام «آینده» در لندن بازی نمود. خانم نور خیلی زحمتکش پرتلاش بود در هر کشور از همت بازو و عرق جبین برای فرزندانش زندگی آبرومند تهیه نمود است. در ماسکو دشواری های زیاد را متقبل گردید اوشب و

روز برای بدست آوردن یک لقمه نان مشروع از هیچ گونه کار شاقه و کمر شکن دریغ نه ورزید و همچنان به سفارت های ممالک مختلف برای بدست آوردن ویزه اقامت سر زد تا اینکه کشور سویدن او را با خانواده اش پذیرفت. همینکه به سویدن رسیدند زندگی امید وار کننده را انتظار داشتند مگر خلاف آرزو شوهرش از او جدا گردید. او خواست زن دیگر بگیرد و چنان کرد. اما این مادر مهربان با همان ثبات و حوصله مندی به تربیت فرزندانش اقدام کرد و خودش نیز به تحصیل پرداخت. بعد از تکمیل کورس های زبان در رشته معاون نرس تحصیل کرد. فرزندانش "سه دختر و یک پسر" نیز به مدارج عالی تحصیل کردند. او یکی از نمونه هزاران مادر فدا کار کشور ما میباشد که مادر بودنش را با صداقت به اثبات رسانیده است. خاطرات زندگی این هنرمند کمتر از یک فیلم تراژید نیست یکی از خاطره هایش اینست: {زمانیکه شوهرم تحصیل خود را از دانشگاه کابل ختم نمود مانع کار هنری من میگردید، مگر بخاطر اقتصاد پاشانی که داشتیم به کارم موافق بود که از مدرک معاش من زندگی را خوبتر جمع و جور کنیم مگر میگفت که نباید در نمایشات حصه بگیرم که غیر ممکن بود در هر نمایشنامه تلویزیونی که کار میکردم نظر به تحریک خانواده اش مرا لت و کوب میکرد، با وجود تحصیلات عالی که

داشت تحت تاثیر خرافات و تحریکات فامیل خود قرار میگرفت و فوق العاده مرد حسود بود زیرا جامعه هنوز در عُرْف و عادات کهن بسر میبرد هر بار پروگرام تلویزیونی که در آن نقش می داشتم و نشر میشد آماده لت و کوب میبودم یک روز چند دقیقه قبل از نشر برنامه تلویزیونی که من در آن نقش داشتم با یک پلاس لین برق خانه را قطع کردم همسایه از من سوال کرد فردا چطور میکنی؟ من در جوابش گفتم حد اقل به عوض دو بار لت خوردن یک بار لت میخورم و راستی فردا شب که بخش دوم نمایشنامه را شوهرم دید مرا لت و کوب نمود { اوبخاطر آزادی زن از استثمار خانواده و مرد سالاری مبارزه را از خانواده خود آغاز کرد و بخاطر نجات خواهران هم وطنش هنرپیشه تیاتر، رادیو، تلویزیون و سینما گردید زیرا او با تمام رگ و پوست خود درد و ستم مرد را حس کرده بود و سرانجام آن زندگی پرماجرا از هم گسیخت مگر او چیز را که از راه مبارزه برحق کمایی کرده بود از دست نداد صرفاً چیزیکه که از دست داده لت و کوب و ستم یک مرد خود خواه. و حسود بود که در برابر شهرت خانمش خود را تحقیر شده می پنداشت. خانم نور درسویدن با کسب تحصیل توانست زندگی بسطح نورمال اوریایی اختیار نماید مگر شوهر ارجمند خانم دومی را نیز از دست داد. زندگی او مثال برجسته صد ها مرد جفاکار در حق خانم ها میباشد.

### استاد ایلزا افضلې



ایلزا بتاريخ 28 دسمبر سال  
1940 میلادی "1319 ش-  
در کشور اتریش در قلب اروپا  
جهان پهناور با دیدگان ژرفش  
نگاه کرد. ایلزا مکتب را در  
کشور زادگاهش در شهر ویانا  
ختم نمود و برای تحصیلات عالی  
در سال 1958 میلادی شامل  
انستیتوت ارت دراماتیک در  
شهر خارکوف اوکراین گردید.  
این هنرمند توانا دیک کشور  
هنر پرور یعنی اتریش که  
بزرگترین هنرمندان تیاتر،  
موزیشن، شعرای بزرگ در آن

به نبوغ رسیده اند بدنیا آمده است با سعادت که خدمت گذار جامعه یی  
گردید که از این نقطه نظر خیلی فقیر بود. در سال "1963" میلادی  
دیپلوم رژسوری خود را اخذ نمود و در شهر سیمفروپل به حیث  
رژیسور در تیاتر "موزیکال دراماتیک" شامل خدمت گردید. در سال

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

1966 میلادی 1345 ش- با محترم دکتور محمد بشیر افضل  
محصل افغان افتخار ازدواج را حاصل نمود و در سال  
1976 میلادی 1355 ش- با شوهر عزیزش به افغانستان اقامت گزید  
و الهی سال 1978 یعنی برای دوسال در شهر جلال اباد سرزمین  
نرگس و نارنج نسبت وظیفه شوهرش که در سفاخانه جلال اباد  
ایفای وظیفه مینمود ، زندگی خوش سپری کرد اما در آن زمان در  
جلال اباد تیاتر وجود نداشت وی بخاطر تقویت زبان دری شامل  
کورس لسان گردید و کورس های نرسنگ را نیز تعقیب کرد.  
در سال 1979 میلادی 1358 ش- فاکولته هنرهای زیبا جدیداً در  
پوهنتون کابل تاسیس گردید وی به حیث استاد مضامین هنر اکتوری  
، آواز خوانی روی ستیج ، حرکات روی ستیج، رقص، میکاژ،  
هنر تصویری مانند رسامی، مجسمه سازی، سپورت و تدریس و  
آموزش زبان روسی مشغول خدمت گردید.  
در رادیو تلویزیون ملی افغانستان در بخش پشتو برای دوستان مانند  
جمیله وردگ (شفق) ستوری منگل، عنایت شفق، و هارون که  
معروف به چشمان ابی بود ، ادرس تیاتر را میداد تا از استعداد  
سرشار ایشان در رشد و تقویت تیاتر پشتو استفاده شایان گردد. ایشان  
تا اکنون در قلبش جا دارند و محبت های ایشان را فراموش کرده  
نمی تواند.

در بخش تیاتر افغانستان از محبت های پوهنیار زلیخا نورانی که در  
آن وقت مدیر کورس ارت دراماتیک اطفال بودند خاطرات فراموش

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

نا شذنی دارد و هم چنان از محترم دکتور محمد نعیم فرحان که در آنزمان تاریخ تیاتر را تدریس مینمود و از پوهاند امین استاد فاکولته زبان و ادبیات دری دانشگاه کابل خاطرات شیرین و تجربه های بس ارزشمند اندوخته است.

در سال 1981 میلادی 1360 ش- در امتحانات نهائی فاکولته، محصلان بعد از نمایش درام {شکسپیر (رومیو و ژولیت) و کمیدی شکسپیر بنام (شب دوازدهم 27)} به اخذ دیپلوم نایل گردیدند این امتحانات نیز از جمله خاطراتیست که همیشه در کمره چشمانش با همان شور و هیجان و احساس خوشی شاگردان و استادان می چرخد و قلبش را برای دیدار دوستانش در تپش می اندازد.

در سال 1982 میلادی 1361 ش- برای اولین بار در تیاتر کابل ننداری شعبه بنام تیاتر اطفال به فعالیت آغاز کرد فارغان فاکولته هنرهای زیبا دانشگاه کابل از بخش ارت دراماتیک بصورت رسمی در نمایشات تیاتر اطفال در کابل ننداری سهم گرفتند که نمایشات {توپک خمیری، کلاه سرخک، بوت شیشه ئی توسط دکتور محمد بشیر افضلی ادایت و نگارش گردیده بود به رژیسوری خانم افضلی به نمایش گذاشته شد و نمایش برفی گک و هفت جن ترجمه و نگارش استاد حمید جلیا به رژیسوری، قای حمید جلیا و نمایش، روباه مکار نوشته دکتور محمد بشیر افضلی به رژیسوری محترم رشید پایا، نمایش نامه رسوایی نوشته اکادمیسین اعظم سیستانی به رژیسوری خانم افضلی و نمایشنامه لگ لگ ها به رژیسوری

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

محترم منوچهر درتیاثر کابل ننداری یکی پی دیگر به نمایش گذاشته میشد که حاصل زحمات همه افغان های ارجمند بشمار میآید. وهم چنان از سال های 1978 تا 1984 میلادی 1357 تا 1363- ش در یک تعداد زیاد از نمایشات به حیث هنرمند دربخش تمثیل نیز سهم گرفته است.

در سال 1984 میلادی 1363 -ش انجمن تیاتر، انجمن موسیقی، انجمن رقص، انجمن رسامی را برای اطفال و نوجوانان تدریس نموده است.

در انجمن موسیقی به تعداد (70) شاگرد شامل بود که که عالی ترین ترانه ها میهنی را سروده اند و یکتعداد ترانه های کشور های مختلف را که اکثراً استاد افضل و محترم دکتور بشیر افضلی ترجمه کرده بودند شاگردانش آن را سروده است.

تعداد شاگردان در هر انجمن قرار ذیل بودند :

در انجمن رقص (25) شاگرد

در انجمن تیاتر (25) شاگرد

در انجمن رسامی (30) شاگرد

در انجمن کار دستی (45) شاگرد .

و بعداً تا سال (1992) میلادی (1371) ش در تربیت اطفال و نوجوانان در دارالتادیب ( زندان اطفال )، کودکستان ها و مکاتب شهر کابل، پرورشگاه وطن مصروف خدمت بوده است در (1992) (میلادی (1371) ش- همه فعالیت های هنری و فرهنگی

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

به یک افسانه تبدیل گردید و مشکلات زیاد برای افراد اهل فرهنگ ایجاد شد و از طرف دیگر جنگ های خونین داخلی و عدم مصونیت ناچار از آغوش وطن عزیز افغانستان دوستداشتنی با شوهرش محترم بشیر افضلی ، پسرش محترم فرید (ادوارد) و دخترش سوسن (سوزانه) موقتاً جدا گردید و روانه کشور المان شد. او بی صبرانه انتظار باز گشت را به وطن عزیزش داشت اما بد بختانه که جنگ ها ادامه پیدا کرد و رژیم سیاه طالبان در کشور مسلط گردید . وی در المان زندگی خود را دوام میدهند .

محبت های مردم وطنش را خاطرات خوش شاگردانش و هوای افتابی وطنش را هیچ گاه فراموش نخواهد کرد و محبت گرم مردمش چون افتاب گرم وطنش همیشه او را در عالم تخیل به عشق همان سرزمین افتابی زنده نگهداشته است زیرا استاد ایلزا افضلی روحاً و قلباً با مردمش گره نا گسستنی خورده است.

مهمان نوازی، شجاعت، مردم داری و محبت مردمش که در دشوار ترین لحظات تاریخی با آنها بوده فراموش کرده نمی تواند و هر لحظه روح تازه در بدنش میدمد و به امید روزیکه باز هم وطنانش را با همان محبت و صفا و صمیمیت در آغوش بکشد و به امید آنکه در وطنش افغانستان صلح و آرامش برقرار گردد ، دعا می نماید.



**حمیده عبدالله**

« شیرین گل پرسوز »



او بعد از فراغت دوره  
ابتداییه لیسه عایشه درانی  
جهت کار در تیاتر کابل  
ننداری مصروف وظیفه شد  
مگر نمیدانست روزی در جمع  
هنرمندان خوب کشور  
بشمار میرود . خانم عبدالله  
بعضی وقت در کابل ننداری  
رول های کوچک را بازی  
کرد بعد ها یک رابطه عمیق  
با هنر تمثیل در قلب خود  
احساس کرد آهسته آهسته در

رشد هنر تمثیل کوشا گردید و در تیاتر معروف او پدرم نیست  
به دایر کتری استاد عبدالقیوم بیسد اولین گام هنری خود را بحیث  
مهمان در یک صحنه آن درام معروف برداشت . بعداً سر  
نوست اوباهنر تیاتر گره خورد و در اجرای نقش های متنوع  
در تیاتر مبادرت ورزید.

اولین فیلم هنری که حمیده روی پرده سینما ظاهر شد  
فیلم رابعه بلخی بود و در فیلم مرد هاره قول است، عروس،

جنایتکاران و چندین فیلم دیگر نیز نقش های خوبی داشته است در رادیو تلویزیون مانند دیگر هنرمندان بخش تمثیل در برنامه های مختلف رادیو و تلویزیون سهم گرفت و بخصوص سریال تلویزیونی که دارای بیست و هشت قسمت بود از طریق کمک های ملل متحد تهیه شده بود، نقش مرکزی را بازی کرد. با تلاش پیگیر جای گاه خود را در بین مردمش پیدا نمود زیرا هنرمند از میان جامعه برمی خیزد و با ظرافت های هنری کمی ها و کاستی های جامعه را بر ملا میسازد و درد مردم را از زبان خود مردم بیان میدارد، او از همان جمله هنرمندان بود که با همان ریزه کاری های هنری در قلب مردم راه پیدا کرد. مگر با تاسف بنا بر بی عدالتی های اجتماعی، خشنوت وزن ستزی نه تنها مورد تقدیر و ستایش قرار نگرفته بلکه بعضاً مورد اذیت و ازار هم واقع گردیده است و زمینه رشد فعالیت های هنریش محدود گردیده بود. مگر توجه بدان مبزول نداشت بلکه با پشت کار به هنر خود ادامه داد زیرا بهترین تقدیرنامه او تشویق مردمش بوده است. در سریال شیراغا و شیرین گل بر سر زبانها افتاد و شهرت هنری او از مرز افغانستان نیز خارج گردید. در شرایط جنگ و اوضاع پیچیده وطن دیگر مجال فعالیت هنری باقی نماند. فضای زیست بر او چنان ذیق گردید برای حفظ حیات خود و فاملیش کابل را ترک و به مزار شریف کوچید. بعد از مدتی اقامت در مزار شریف

## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

بسوب روسیه حرکت نمود در ماسکو با هنرمندان دیگر چون عزیزالله هدف، حاجی محمد کامران، فضل الحق عبادی، خورشید نور، رابعه مستندی، هما مستندی، لیزا نور، ناتاشه و دیگران به ادامه سریال شیرآقا و شیرین گل که «بکمک مالی حاجی احمد شاه شهاب» نطق ورزیده کشور به دایرکتری انجینر لطیف احمدی پرداختند. این بخش سریال از دردهای بی وطنی، افغانان در ممالک بیگانه حکایت میکرد. خیلی معروف گردید. در سال 1997 میلادی بنابر دعوت اتحادیه هنرمندان افغانان مقیم امریکا گروپ هنرمندان چون حمیده عبدالله، حاجی محمد کامران، عزیزالله هدف، مرتضی بایقرا، سلام سنگی، ناتاشه، وانجینر عبدالطیف احمدی و دیگران به شهرهای مختلف امریکا نمایشات جالب اجرا نمودند. وی بعد از ختم نمایشات دوباره به ماسکو برگشت و مدت طولانی بدون سرنوشت در ماسکو ماند، با همه مشکلات تن داد تا کشور سویدن او وفامیلش را پذیرفت و فعلاً در سویدن زندگی دارد. و بکارهای هنری وقتاً فوقتاً ادامه داده است. حمیده عبدالله در کشورهای مختلف اروپا، امریکا، کانادا، با دیگر هنرمندان به اجرای پارچه‌های جالب تمثیلی کمیدی پرداخته است. فعالیت هنری اش در هر زمان بیانگر درد های جامعه و راه بیرون رفت از مشکلات که جوانان و خانواده های افغان در خارج از کشور زندگی دارند بوده

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

است. در سال 2005 میلادی بنابر دعوت انجمن سراسر زنان افغان مقیم هامبورگ بمناسبت تجلیل از روز بین المللی زنان در المان برگزار گردیده بود، اشتراک نمود و مفتخر با دریافت جایزه (مجسمه زن روشنگر) گردید.

حمیده دو بار ازدواج کرده و از دودو ازدواج شش فرزند دارد و فعلاً همراه شوهرش محترم گنج علی عبدالله در کشور سویدن زندگی مینماید.

### هما مستمندی

این هنرمند شناخته شده و با استعداد فرزند محترم عبدالهاشم مستمندی و خانم رابعه مستمندی میباشد. اودر جمع فرزنداننش یگانه فردی بود که در قدم های مادر گام نهاد و راه هنر را پیش گرفت - در سال (1360) خورشیدی کارهای هنری خود را با رادیو و تلویزیون و سینمای افغانستان در حالیکه متعلم لیسه ملالی بود آغاز کرده است. اولین هنرنمایی اش فیلم اختر مسخره بود که یک نقش کوچک را بازی نمود بعد در نمایشات تلویزیون زیاد نقش بازی کرد و هم چنان در بخش رادیو مانند دیگران در عموم برنامه های تمثیلی حصه گرفت و از استعداد خوب برخوردار بود کارش تنها در

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

ساحه رادیو و تلویزیون محدود نماند در حدود "15" فیلم سینمایی نیز کار نمود. هما مستمندی در فیستوال های سینمایی در خارج کشور نیز اشتراک نمود.

در فیستوال فیلم ها در سال 1386 خورشیدی، در تاشکند دایر گردید از وی بنام هنر مند شناخته شده افغان استقبال شایانی بعمل آمد و تقاضای بر افرشتن پرچم فیستوال را از وی نمودند در آن فیستوال با شکوه او بحیث هنر مند افغان پرچم فیستوال را بر افراشت در همین فیستوال در فیلم مسافر مستحق جایزه شناخته شد.

در فیلم نقطه نیرنگی نوشته محترم دکتور اکرم عثمان از طرف وزارت اطلاعات و کلتور افغانستان به گرفتن جایزه نقدی موفق گردید. شیر دختر افغان بخاطر تهیه فیلم در شرایط نا گوار و باران راکتها در ولایات کشور سفر های زیاد نمود تا دامنه گسترش هنر و فرهنگ را که در آن زمان نسبت جنگ های داخلی خطر زوال میرفت، ادامه و گسترش بیشتر بخشد. آخرین فیلم که هما مستمندی در آن نقش داشت بنام خاکستر بود بعد از آن عزم سفر بست با فامیلش در ماسکو اقامت اختیار کرد. آخرین کار هنری اش سریال، شیرین گل و شیر آغا در ماسکو بود. در سال 1382-ش 2003 م همراهی محترم سید انعام از دواج نمود و دارای یک دختر بنام سوسن

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

ویک پسر بنام الیاس میباشد اکنون در کشور دنمارک زندگی دارد و به تحصیل خویش ادامه میدهد. از هنر کناره گرفته است.

### عاده اديم



عاده جان در سال 1347 شمسی (1968 میلادی) در شهر کابل بدنیا آمده است .  
تحصیل ابتدائیه خود را در مکتب منوره ء غوری و بکلوریا خود را در لیسه آمنه فدوی ختم کرد و بعد شامل فاکولته ادبیات پوهنتون کابل گردید . قبل از ختم تحصیل فاکولته با استفاده از یک بورس در سال 1991 م- تا 1994 میلادی به انستیتوت پوشکین در ماسکو در رشته زبان و ادبیات روسی دیپلوم خود را بدست آورد. در (1994) م همراهی محترم محمد الماس خان ازدواج کرد و ثمر ازدواج

ایشان سه دختر بنام های صحرا ، صدف ، سبینه میباشد. در سال ( 1995 ) که روانه افغانستان بود حاکمیت ظالمانه بربریت ورژیم سیاه طالبان کسب قدرت کرد ناگزیر بعد از ختم تحصیل از روسه به کشور هالند هجرت نمود. ایامیکه در افغانستان بسر میبرد درچندین فیلم به حیث ستاره درخشان در جهان سینما کشور درخشیده است.

عادلۀ ادیم متعلم صنف نهم مکتب بود در اثر تقاضای مکرر محترم توریالی شفق در اولین فیلم هنری بنام "عشق من میهن من" که از ساخته های محترم شفق بود، روی پرده سینما ظاهر گردید. فیلم دوم او بنام فرار نوشته محترم دکتور ادکامیسین اسدالله جیبب و به دایرکتوری محترم انجیر لطیف احمدی بود. در فیلم سوم بنام مردهاره قول است اثر دکتور اکرم عثمان به کارگردانی آقای سعید ورکزی ، نقش دختر فیلم ( طاهره ) را با ادای کلمات شیرین،» شیر جان خاص تنخایت هستم» بسیار موفقانه بازی کرد . بعد در فیلم پرنده های مهاجران ساخته های محترم انجنیر لطیف احمدی و فیلم دیگری بنام ارمان نوشته و دایرک محترم دکتور عبدالواحد نظری، فیلم حادثه به کار گردانی فقیر نبی اثر محترم صدیق برمک سینماگر شناخته کشور را بازی نمود . درجهان سینما کشور افغانستان یک چهره شناخته شده ویک هنرمند خوب وبا استعداد در جمع هنرمندان ثبت نام گردیده

است.

آخرین فیلم خانم عادلہ ادیم بنام سقوط از ساخته های محترم جان محمد حیدری بود. در آن زمان وضع سیاسی و اجتماعی در کشور خراب گردید، دیگر زمینه ساختن فیلم و کارهای هنری نا مساعد و قطع شد. فیلم سقوط ناتکمل ماند و فعالیت هنری خانم ادیم نیز در همین جا پایان پذیرفت. مگر خودش فیلم حادثه را که محترم فقیر نبی کارگردانی کرده بود، پایان کار هنریش میداند. زیرا آن فیلم را مردم تماشا کرده اند و فیلم نا تمام نیز د آقای حیدری باقی مانده است. خانم ادیم فعلا در اروپا در کشور شاهی هالند زندگی دارد. وی برای کار و زندگی مصروف تحصیل در رشته توریسم میباشد و اما آرزو دارد که باز هم در ساحه فرهنگی خدمت برای هم وطنانش بنماید. با تشکر از این بانوی هنرمند خانم ادیم که با اولین تماس تلفونی برایم جواب مثبت ارائه کردند و در اولین هفته بعد از تماس تلفونی، فوتو و اسناد هنری خود را به ادرس پست نموده و بدسترسم قرار گرفت. موفقیت بیش از بیش در همه امور زندگانی برایش خواها-انم.



### خانم طاهره روشنگر

خانم با احساس که بیش‌تر از 50 سال عمر داشت و مدت طولانی در رادیو به حیث کارگر ایفای وظیفه میکرد. کمبود نقش زن را در فیلم های متعدد با تمثیل بی مانندش پر نمود. کار این مادر فداکار را آفرین تقدیر میکنم این خانم با احساس و هنر دوست، او فعلا در کابل زندگی میکند و در رادیو تلویزیون ملی افغانستان هنوز هم بحیث کارگر ایفای وظیفه میدارد. صحت و بقای عمر برایش تمنا دارم.

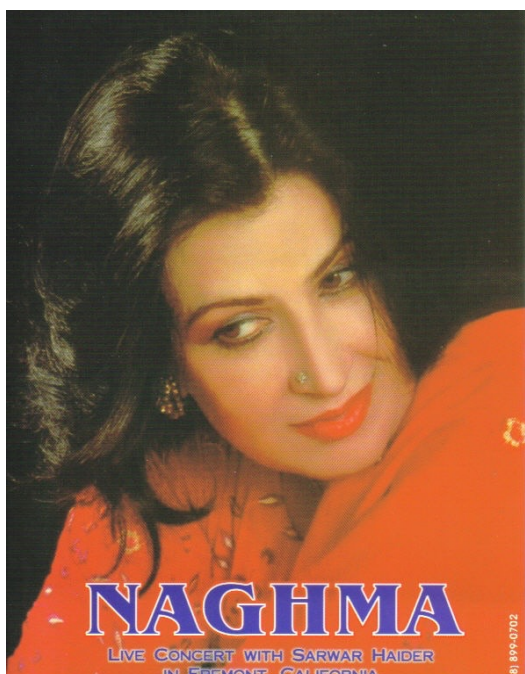
### شهید حکیمه

اولین زن با شهامت که طلسم مستور بودن را شکست و برای بهتر شدن وضع اقتصادی خانواده خویش ممد شوهرش گردید. او دوشا دوش همسر عزیزش بنام باشی دین محمد در ریاست تخنیکی رادیو افغانستان به کار همت گماشت. این خانم هنر پرور در نقش های زیاد در فیلم های متعدد سنت شکنی نمود. با تلاش و زحمت فراوان فرزندان با تحصیل در جامعه تقدیم نموده است اواز جمله اولین خانم های بود که بحیث کارگر در رادیو افغانستان خدمت نموده است. برخورد و پیش

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

آمد عالی ، احترام بر همه کارمندان و لبخند صمیمی از جمله عالی ترین صفات او بوده است .روحش شاد باد.

### شاپری «نغمه»



این هنرمند جوان با استعداد در ولایت کندهار دنیا آمده است. وی در فیلم دهکده ها بیدار میشوند ، در سال 1357 ش -اولین قدم های هنری خود را برداشت و در /ان فیلم با آقای منگل معرفی شد و استعداد خود را در هنر آواز خوانی تقویه کرد . هنر آواز خوانی را نسبت به هنر تمثيل ترجع داد . وی با ازدواج همراهی هنرمند جوان چون "منگل" منحيث یک زوج هنری به اوج شهرت رسیدند . در بخش آواز خوانی بیشترین آهنگ های پشتو را در آريشف راديو وتلو يزيون دارند. خانم نغمه بر علاوه آهنگ های پشتو ، چند آهنگ به زبان شکسته دری نیز به هنر دوستان آوازش تقديم نموده است.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

شاپری در هنر آواز خوانی به اسم مستعار نغمه شهرت زیاد کمائی کرده است. حاصل ازدواجش با منگل دو پسر و سه دختر بنامهای نغمه، لیمه، مدینه، انور، و خیر میباشد. این معلومات را از سایت بی بی سی پشتو اخذ کردم.

### فریما

در فیلم فرار و چند فیلم دیگر نقش داشته و موفقانه تمثیل کرده است. هم وطنان ما این هنرمند با استعداد را می شناسند با تلاشهای فروان به پیدا کردن او موفق نگردیدم. صرفاً بخاطر ارج گذاری به هنر و خدماتش با سطر چند یادی از او کردم تا در خاطره ها و لیست هنرمندان زنده بماند خانم فریما با یک هنرمند ازدواج کرد. اما بعد از ازدواج نسبت مخالفت های فامیلی از هنر دست کشید. بگمان اغلب در امریکا تشریف دارد. در هر حال در هر کجا که تشریف دارد، سعادت و خوشبختی برایش آرزو میدارم.

## یاسمین یارمل



در سال 1344 ش-  
در شهر مزار شریف ولایت  
بلخ پا در جهان برماجرا  
گذاشت مکتب ابتدائیه را در  
روشانه بلخی، ثانوی را در  
لیسه سلطانه راضیه شهر  
مزار شریف و تحصیلات  
عالی را در انستیتوت  
پیداگوژی بلخ به پایان

رسانید. زنان کشور ما درد مرد سالار، پدر سالاری و برادر  
سالاری را بارگ و پست خود احساس نموده اند. همان  
طوریکه بعضی از خواهران ما با برخورد های متفاوت و  
دوگانه در یک فامیل بزرگ شده اند، درد کم لطفی را از کودکی  
از والدین با خود دارند. همین درد را تا اجتماع بزرگ، جامعه  
خرافاتی نیز احساس میکنند. هر گاه پسر خانواده دست به هر  
کار زده است، والدین با آنکه موافقت هم نداشتند خود را به  
کوچه حسن چپ زده اند و مانع کار پسر شان نگردیده اند. اما  
اگر دختر در یک خانواده به خواست خود به هنر روی آورده  
اولین خشونت از پدر و یا برادر خانواده آغاز میگردد. خانم

یاسمین از آن جمله هنرمندان می باشد که ریشه های هنری در کودکی در وجودش جوانه زد اما برای تقویه و بارور شدن آن با مانع بزرگ لت وکوب پدرش مواجه گردید.

مزارشریف میز بان هنرمندان داخلی وخارجی درمیله های نوروزی عنعنوی کشورما می باشد. هنرمندان آواز خوان ،سرکس (ناتک) وغیره به شکوه شهر مزار شریف می افزودند او کودکی بیش نبود با همبازی های خود بدیدن میله گلسرخ که در محل زندگی شان قرارداشت ، اشتراک کرد وبه تماشای هنرمنایی هنرمندان به اطراف روضه پرداخت با تماشای صحنه های جالب استعداد هنرمند شدن را در خود حس کرد اما دیری نگزشته بود که پدر او را از همان جمعیت به لت وکوب ومو کشان کرده به خانه برد . او میدانست که نام هنر را گرفتن در خانه زندگی بالایش زهر میگردد بنا در ساحه مکتب از کوچکترین زمینه برای رشد استعداد خود استفاده میکرد، به هنر آواز خوانی وتمثیل درتجلیل از بعضی مناسبت ها در مکتب پرداخت وبخاطر رسیدن به آرزوی هنری خود تن به ازدواج داد. زیرا تا زمان ازدواج از طرف پدر اجازه تماشای تیاتر وسینما را نداشت چه رسد به هنرمند شدن. بعد از ازدواج با همسرش در کابل اقامت گزید ودریچه آرزو برویش باز شد درسال (1362) ش- رسماً به رادیو تلویزیون ملی همکاری خود را آغاز نمود وپله های پیروزی

را یکی پی دیگر پیمود بر علاوه تمثیل در پروگرام های مختلف رادیو تلویزیون در فیلم های متعدد کار کرد.

در سال 1363 ش- در فیلم بنام (زمین) کارش در سینما آغاز گردید بعد از آن در حدود بیشتر از سی و پنج فلم کار کرد که مشهورترین آن عبارت اند از حماسه عشق، سایه، گذشت، هوس، زمین عاصی، آخرین شب و آخرین سفر، دشمن، کبوتر زخمی، شهر گناه، زن واهینه، سایه سیاه، عبرت، سوی لانه و غیره. در درامهای که در تیاتر سهم داشته، عبارت است از زمین، عروض خونین، بی چهره، سمبول قانونیت، ادمکها، پیش پنج هم پنج و پیش صاحب پنج هم پنج، خانم جان و غیره. یاسمین خانم در دنیای بزرگ هنر قدم گذاشت مگر در سینما خوبتر و بهتر درخشید. کار در سینما برایش عشق جاویدانه گردید در این عشق از تقدیر بی بهره نبوده جایز جوایز زیاد مطبوعاتی گرده است.

در فیستوال های هنری بین المللی راه پیدا کرد از جمله میتوان فیستوال شهر تاشکند و شهرنانت فرانسه را نام برد در سال (1370) ش- با حاکمیت احزاب اسلامی در افغانستان فعالیت هایش محدود گردید و بخصوص فعالیت هنری و فرهنگی طبقه اناث بکلی قطع شد. مخالفت های شدید علیه کار زنان در ارگان های هنری و فرهنگی آغاز گردید و سه بار خانه وکاشانه وی مورد چور و چپاول قرار گرفت

مجبوراً دو باره به شهر مزار شریف برگشت و در آن جا به صفت معلم در مکتب بی بی زنیب و هاشم برات مزار شریف خدمت نمود. خانم یارمل در تاریک ترین و وسیع ترین دوره طالبان مدت پنج سال با شوهرش بیکار بودند مگر به معنی حقیقی بیکار نبود مقدس ترین وظیفه را که تدریس اطفال وطن بود طور مخفیانه بدوش گرفت تا یک سال طور مخفی به تدریس اولاد وطن پرداختند کورس مزکور بنام (رابعه بلخی) مسما گردید ولی این مرکز دانش (رابعه بلخی) و منزل شخصی اش از طرف طالبان با اتهام عیسویت بسته و منزلش ضبط گردید و در پاداش این همه خدمات انسانی پسر هفده ساله خود را ازدست داد.

این مادر قهرمان وبا احساس با وجود ازدست دادن پسر نو جوانش آرام نه نشست و آنچه در توان داشت در خدمت مردم خود قرارداد و بعد از سقوط طالبان اولین خانم بود که به کاری های رضایی سره میاشت این موسیسه خیریه آغاز و مجدداً بوظیفه معلمی دست بکار شد. در جلب و جذب جوانان در هنر تمثیل خدمات زیاد نمود، در گردهم آیی ها اشتراک و مفهوم هنر و هنرمند را با رسالت های فرهنگی شان در جامعه تشریح نمود، در تمام تحولات در شرایط ترور و اختناق از دامن وطن جدا نگردید و در همه حال با زندگی ساخت وبا مردمش پیوست هیچ نوع کمک از هیچ نوع موسیسه و یا دولت

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

استفاده نکرده است. طرفاً با محبت که از طرف مردمش به او هدیه میشد و مخفیانه به زندگی دوام داد. در 1384-ش - بنا بر ضرورت مقامات افغان فیلم از وی دعوت کردند و یاسمین جان دو باره بکار هنری خود آغاز نمود و بکابل مسکن گزید و موفق به ساختن دو فیلم مستند و هنری گردید. او تازه یک موسسه فیلم سازی را بنام (بانو) ایجاد نموده است. خانم یارمل در شهر کابل به کارهای فرهنگی مصروف میباشد.

### گل مکی (فتانه)

یک چهره شناخته شده در تیاتر کشور ما میباشد. او رامیتوان از جمله الین ها در تیاتر کشور حساب کرد. زیرا در سالهای (1337 ش) - با آمدن زنان هنرمند در تیاتر، فتانه. نیز کارهای هنریش را در تیاتر آغاز کرد. او اولین بار در نمایش او پدرم نیست "دراه عقیده" روی ستیج ظاهر شد. بعد از آن در اکثریت درام ها نقش چشمگیر داشته و استعداد خود را تبارز داد. در چندین نمایشات دیگر هم دوش با اولین خانم های فدا کار تیاتر در تقویت نهضت نسوان فدا کارانه دین فرهنگی خود را ادا نموده بر علاوه تیاتر در چندین فیلم نیز سهم گرفته است او



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

در زمان حاکمیت مجاهدین به ایالات امریکا رفت و در آنجا همسر عزیز خود را از دست داد، مدتی طولانی به تنهایی بسربرد، بعد از سقوط طالبان دوباره بوطن برگشت در بازگشت بخاطر احیای دوباره تیاتر همت نمود، فعلاً «۲۰۰۷» که این کتاب را مینویسم، مسوول تیاتر کابل ننداری میباشد. بار دو به ازدواج تن داد همراهی هنرمند تیاتر آقای عبدالمجید غیاثی ازدواج نمود است.

### رابعه احمدی



رابعه احمدی را مردم افغانستان بنام "هما" آواز خوان می‌شناسند. هما احمدی بحیث ممتل در اداره هنر و ادبیات رادیو افغانستان در سال ۱۳۵۵ ش-در بخش پشتو بحیث ممتل همکاری داشت و مانند سایر ممتلین در همه برنامه های ادره

هنر و ادبیات پشتو همکاری نموده است. مگر در مکتب که مصروف تحصیل بود در تجلیل از روزهای ملی، معلم، مادر همیشه آواز میخواند کنسرت های مکتب بهترین مرجع مشق و تمرین برای رشد استعدادش بود. نام هما از طریق مکتبش سرزبانها افتاد بعداً در ادیو نیز نظر به تشویق اداره موسیقی چند پارچه بنام "هما" ثبت کرد. بعد از آن نام رابعه احمد حتی از زهن همکاران رادیو نیز رخت سفر بست و به "هما" تعویض شد. وی با وجود که بنام آواز خوان در رادیو شهرت یافت مگر به هنر تمثیل خود نیز ادامه داد. خانم احمدی از توانایی خوب در هر دو هنر برخوردار بود و بر علاوه سهم گیری در کنسرت های مکتب در جشن استقلال وطن از طرف مکتب اش در کلپ وزارت آب و برق در چمن حضوری کنسرت اجرا مینمود. او در ابتدا از آواز هنرمندان خوان هندی تقلید میکرد و خوب هم میخواند. من رابعه جان از دوره های کارش که بحیث ممثل در رادیو بود و هنوز "هما" نشده بود میشناسم، برای بدست آوردن ادرس وی خیلی تلاش کردم تا در کویت پاکستان او را پیدا کردم. وی بسیار صمیمانه برایم گفت: "تو مرا از دوران جوانی ام و از خودم بهتر میشناسی اما از انیکه برایم تیلیفون کردی یک دنیا ممنون هستم، میتوانی آنچه در باره من در سایت های انترنت و مصاحبه هایم در بی بی سی نوشته شده

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

استفاده کنی . زیرا مصاحبه تیفونی از کانادا تا پاکستان از انصاف دور است."

خانم رابعه احمدی با محترم عبدالطیف بهاند عروسی کرد و دارای دو دختر و دو پسر می باشد. محترم بهاند قبل از آمدن حکومت مجاهدین جهت تحصیلات عالی به اتحاد شوروی وقت رفت . خانم احمدی در زمان حکومت جهادی در افغانستان، به کویته پاکستان رفت و در آن جا با فرزندانش زندگی مینماید. خانم رابعه احمدی در آریشف رادیو تلویزیون ملی بیشتر از صد کست آهنگ های پشتو و دری دارد. و در هر رادیو درام و داستان های پشتو نیز سهمیم بوده است. برایش زندگی باسعادت می خواهم.

## رنا « محرابی » بکتاش



رنا بتاريخ هفدهم دلو سال (1340 ش) در يك خانواده نسبتاً متوسط در شهر كابل تولد گرديد. پدرش محترم محراب الدين يكي از مردان روشنفكر بود، در پنج سالگي اولين قدم هایش را در اجتماع كودكانه "حميد وركتون" گذاشت و بعد طبق معمول شامل مكتب ابتدائيه "سردار جانخان" گرديد، در 1353 ش-شامل لېسه عايشه دراني شد. وی در مكتب ابتدائيه اول نمره صنف بود.

مگر در لېسه عايشه دراني نتوانست درجه صنفی خود را حفظ نمايد. زیرا با از دست دادن درجه صنفی را- اولين صدمه روحی بر خود می‌شمارد. انقدر بالای روانش تاثیر ناگوار گذاشته بود تا بالاخره به مشروط ماندنش در مضمون کمیا و آنهم در اخير سال تعلمی اش انجاميد. در سال 1359 ش- شامل پوهنتون كابل گرديد. در فاكولته سيانس رشته ریاضی

تحصیلاتش را بپایان رسانید. سالهای رویایی در پوهنتون کابل  
برایش سالهای یاس و تراژیدی بود. در سال اول تحصیلی اش  
برادر ارشد وی که شامل خدمت زیر بیرق "دوره احیاط"  
قرار داشت بنابر حکم وظیفه برای انتقال مواد خوراکه از بندر  
حیرتان بکابل توظیف گردیده بود زنده گم شد. از برادر  
مفقود الاثر اش فامیلی بجاماند که از شدت آن مصیبت خانمش  
نیز دو سال بعد از وی وفات کرد. سه طفل دو پسر و یک  
دختر خورد سال برادر جوانش بی سرپرست ماندند.  
دوره جوانی و شادابی خانم محرابی به غم و الم برادر و  
فرزندان بی سرپرستش با اندوه زیاد سپری گردید. مگر با آنهم  
به تحصیلش ادامه داد تا یگانه آرزوی پدرش که میخواست  
دخترش را در لباس "ینفورم" معلمی ببیند، برآورده سازد.  
اما بدبختانه در اخیر سال که مدت کوتاه برای فراغتش مانده  
بود، پدر عزیزش را نیز از دست داد.  
در سال (1363) ش- وظیفه معلمی را در لیسه استقلال آغاز  
نمود و تا سال 1371 ش- مضامین ریاضی صنوف هشتم، نهم  
و دهم و ترسیم خط تخیکی صنوف نهم و هم چنان ادبیات دری  
صنوف نهم و دهم را تدریس کرد. در سالهای آموزگاری دامنه  
جنگ خانمانسوز گسترده تر گردید و باران راکت ها شهر کابل  
را به ماتم سرا مبدل ساخت. او باز هم برادر 21 ساله دیگرش  
را در انجام خدمت زیر بیرق از دست داد.

خانم محرابی آرزوی معلمی را از نو جوانی بر سر داشت به آرزویش رسید مگر سعادت همیشه زود گذراست و مصیبت‌ها سیر طولانی دارد که اثرات ناگور در روح و روان انسان باقی می‌گذارد. خانم رنا محرابی در دوره کودکی عاشق شیندن آهنگ حماسی مانند {ای زما وطنه دل‌لونی خزان‌ی زما} بود شیندن آن در هر حالت برایش نشاد آورولدت بخش بود. در بخش مطالعه زمان که کودک بود مجله کمکیانو انیس را دوست داشت و بر نامه های اطفال رادیو را به عشق می‌شیند. در نو جوانی یکی از شنونده های دایمی برنامه های فرهنگی و ادبی رادیو مخصوصاً پروگرام کورنی ژوند، ترانه ها و سخن ها، رادیویی مجله، ترازوی طلایی، زمزمه های شب هنگام، رادیو درامها، داستان های دنباله دار گردید. علاقه و شیندن آن برنامه ها استعداد اش را برای نوشتن تحریک میکرد، با استفاده از استعداد قلمی خود مطالب اجتماعی برای پروگرام کورنی ژوند، ترانه ها و سخن ها، و دیگر برنامه ها نوشت. زمان که متعلم صنف یازدهم مکتب بود متصدی برنامه کورنی ژوند اعلانی را نشر کرد "که برای خوب ترین مضمون در مسایل مهم خانوادگی و اجتماعی در برنامه های آینده حق نشر داده میشود" وی نیز استعداد خود را از مود و مضمونی نوشت و برای متصدی برنامه کورنی ژوند ارسال نمود که تقریباً 7 و یا 8 نوشته های او را در

پروگرام کورنی ژوند بنام بهترین مضمون نشر کردند . مکاتبه وی با برنامه های کورنی ژوند آغاز کار فرهنگی و تامین ارتباط وی با رادیو میباشد. بنابر دعوت متصدی کورنی ژوند خانم فهیمه نورزاد و متصدی برنامه ترانه ها و سخن ها خانم شکریه عمرپا در صحن رادیو- تلویزیون گذاشت در اثر تشویق و پافشاری آن دو خانم ارجمند بود که در اداره هنر واد بیات مدیریت درامها و داستان ها بعد از اخذ امتحان مهارت و انتخاب صدا قرارداد بالمقطع عقد نمود و به گویندگی و تمثیل برنامه های دوستداشتنی اش آغاز نمود و بر علاوه به نوشتن دیالوگ های کورنی ژوند نیز ادامه داد، قبل از آغاز کار دایمی به رادیو موفق به نشر سروده هایش نیز از طریق برنامه های مختلف گردیده بود. وی یک هنرمند با استعداد صاحب قلم از طریق مکاتبه های قبلی اش با همکاران رادیو معرفی بود، با توانائی که داشت در یک فلم تلویزیونی همراهی جانمحمد گورن نقش بازی کرد خود را در قطار هنرمندان ثبت نام نمود . بعداً با ابتکار و نوشته خانم فریده انوری در برنامه تلویزیونی مشعلداران هنر- زندگی نامه رابعه بلخی را به دایرکتوری دکتور عبدالواحد نظری با ایفای نقش کوچک رابعه همراهی محترم عبید بکتاش بازی کرد. بعد در فیلم تلویزیونی "اشک و لبخند" به دایرکت محترم سعید ورکزی از از مون زمان به موقوفیت بدر شد. در برنامه های مجله تلویزیونی یک پارچه

شعر زیبای از محترم لہیب را بنام "سیب" با محترم اسد بدیع موفقانه تمثیل نمود و ہم چنان درام مشہور "او پدرم نیست" را محترم استاد عبدالقیوم بیس در تلویزیون به نمایش گذاشت رنا محرابی نیز در آن نقش کوچک داشت. بعد اکثریت دایرکتران از وی تقاضای همکاری در فیلم ها سمنمایی میکردند مگر مورد قبولش واقع نگردید. زیرا او میخواست هنر و استعداد خود را در خدمت توده های بی بضاعت که توان رفتن و خریدن تکت سینما را ندارند و از طریق تلویزیون ملی رایگان در خدمت شان قرار میگیرد، دریغ نکند و از طرف دیگر رادیو - تلویزیون به ممثل اشد ضرورت داشت. اما اکثریت ممثلین بعد از آنکه استعداد شان در اداره هنر و ادبیات تقویه میگردید به نطای زیاد تر علاقه مند میشدند زیرا مردم از دیدن پارچه های تمثلی برداشت و قضاوت غلط در باره هنرمندان تمثیل میکردند و یک تعداد هنرمندان بخاطر بدست آوردن پول خوبی که از طریق همکاری سینما برای شان میسر بود از همکاری به رادیو-تلویزیون صرف نظر میکردند. چون تلویزیون یک پدیده جدید در کشور بود به همکاری بیشتر ضرورت داشت و خوبترین دستگاه پرورش استعداد ها و بهترین وسیله تفہیم فضلیت هنری و فرهنگی رایگان در جامعه بخاطر رشد فرهنگ و ادب بود، هدف وی خدمت به فرهنگ و جامعه بود و بس. با وجود این فداکاری از طرف یک تعداد مردم که به



ارزش و ماهیت کار او نمیداستند همکاری او را بدیده تحقیر مینگرستند مگر پدر بزرگوار ایشان در برابر سوالات بی مورد اقارب و خویشاوندان شدیداً او را دفاع و حمایت مینمودند. آغاز وظیفه معلمی در سال 1363 ش-در لیسه استقلال از فعالیت های وی در بخش های تمثیلی رادیو و تلویزیون کاسته شد زیرا او بر علاوه تدریس در مکتب، همزمان سرپرستی سه فرزند برادر اش را بعهده داشت با آنهم همکاری قلمی خود را با برنامه های مختلف رادیو و دبنگ فیلم های سینمایی ریاست افغان فلم را حفظ نمود . چنانچه دبنگ فلم افغانی مرد هاره قول است، دختری با پیراهن سفید، حادثه، بابا، بیگانه و غیره با اوازش ثبت گردیده است. با از دست دادن برادران و بخصوص برادر دومی اش روح و روان افسرده داشت همه غم ها و مسولیت اطفال بی سرنوشت برادر بزرگ دامنگیر او گردید در اثر آن حوادث مسولیت بزرگ را بدوش داشت از پیشنهاد بورسهای تحصیلی نیز صرف نظر نمود.

در کار هنری و معلمی اش وفقه های زیاد دیده میشود که همه وفقه ها ناشی از حالت مریضی بوده و برای تداوی بکشور هند چند بار سفر داشته است آخرین سفرش در 1371 ش- 1992 میلادی بود که جهت تداوی به هند رفت در آن زمان حاکمیت احزاب اسلامی در کشور حاکم گردید، زمینه

کار و فعالیت زنان نیز مسدود و محدود شد و هنرمندان هم هر طرف برای حفظ جان شان متواری شدند.

خانم محرابی نیز بعد از تداوی در هند مدتی اقامت گذرد و با تماس همراهی محترم عبید بکتاش همسرش که در امریکا اقامت داشت و بعد از انتظار طولانی بتاریخ پنجم می 1994 میلادی عازم امریکا گردید.

در امریکا دست بکار های هنری نزده است و مصروف تربیه جگر گوشه هایش میباشد. تا آنها را با روحیه افغانی و با تقویت فرهنگی و ادبی کشور خود تربیه مینماید. دخترش بنام تهمینه جان در تلویزیون آسمایی در برنامه اطفال سهم فعال گرفته است و دوپسرش بنام های بلال جان و روبیل جان نیز تحت تدریس مادر شان به فرا گرفتن زبان دری میپردازند.

خانم محرابی بعد از ازدواج همراهی محترم عبید بکتاش تغیر تخلص داد و خود را رنا بکتاش مینامد.

خانم رنا بکتاش هنرمند و قلم زن خوب مگر ملول روزگار بوده، حوادث از دست دادن نزدیکترین اعضای فامیلش طبع شعری او را تحریک نموده و سوزهای سینه را در قالب شعر بیان میدارد مگر اشعارش تا حال اقبال چاپ نیافته است. امید وارم اشعارش را چاپ نمایند و در شمار شاعران وطن ثبت نام گردد.

## سیما ترانه



### سیما ترانه فرزند

عبدالصمد خان در سال  
(1345) در ولایت کندز تولد  
گردید. مکتب ابتداییه را در هره  
جلالی ولایت پروان ولیسه را در  
آمنه فدوی شهر کابل در سال  
(1361) ختم نمود. در سال  
1356 که هنوز متعلم لیسه

آمنه فدوی بود در اداره هنر و ادبیات به حیث ممثل بعد از  
وقت مکتب مقرر گردید اما در هنر تمثیل به جز رول های  
خورد و کوچک در درامها و داستان ها کدام درخشنده گی از  
خود نشان نداد. همزمان در حالیکه با رادیو همکاری داشت در  
مسابقات زهنی رادیو با دختران لیسه آمنه فدوی اشتراک  
میکرد مسابقه بین دو لیسه دختران شهر کابل در استدیو رادیو  
افغانستان دایر گردیده بود. و سوال چنان طرح گردیده بود که  
نام یکی از آهنگ های استاد مهوش که یک راگ بود مسلسل  
برای ده بار بدون لکنت زبان تکرار میشد که در این مسابقه  
سیما از طرف لیسه آمنه فدوی ان راگ را (سره گه مه) را

بدون غلطی تکرار نمود. لیسه آمنه فدوی در همان مسابقه برنده شد و در اخیر پروگرام به نمایندگی از دختران لیسه خود یک آهنگ از استاد مهوش را در ختم مسابقه سرود و مورد استقبال تماشاچیان قرار گرفت. زمانیکه مسابقه زهنی از طریق رادیو اقبال نشر یافت، محترم عبدالله شادان و محترمه فریده انوری در جستجوی ادرس آن متعلمه گمنام شدند بی خبر از آنکه اودر همان اداره هنر و ادبیات در مدیریت درام و داستان دری ایفای وظیفه میکرد. ضربالمثل معروف که "آب در کوزه من تشنه لبان میگردد یاردرخانه من گرجهان میگردد" هفته بعد فریده انوری و عبدالله شادان از او خواهش کردند که یک پارچه طوری امتحانی در استودیو ثبت نماید در مدت بسیار کم سیما ترانه، ترانه ها خواند.

در سال (1362) بحیث مامور رسمی در ریاست موسیقی رادیو تلویزیون تقرر حاصل نمود وی تا زمانیکه در افغانستان بود به تعداد (120) آهنگ در رادیو به تعداد (70) آهنگ هم در تلویزیون داشت در سال (1996) میلادی - دوره سیاه طالبان از اغوش ما در وطن جدا و به کشور هند رفت و بعد از چهار سال زندگی در هند به کشور کانادا به حیث پناهنده پزیرفته شد. اودر خارج کشور برای هموطنانش کنسرت اجرا مینماید و محفل خوشی دوستان را نشاد بیشتر می بخشد او تا

حال به ازدواج تن نداده است همراهی مادر عزیزش زندگی دارد.

### صابره « ابراهیمی » آرش



صابره در 1350 ش- در یک فامیل متوسط در شهر کابل متولد گردید. مکتب ابتدائیه را در بهرام الدین شهید و تحصیل ثانوی را در لیسه سوریا در 1368 ش- تمام کرد در سال 1362 ش- که تازه صنف ششم را تمام کرده بود نظر به علاقه که داشت به تیاتر کابل ننداری مراجعه کرد و به هنر تمثیل

آغاز نمود بعد از ایفای نقش های کوچک در نمایشات تیاتر، اولین نقش بزرگ و مرکزی را در نمایش "در پای درفش" در تیاتر بکارگردانی مرحوم استاد رفسق صادق بازی نمود. بعد از آن به رادیو - تلویزیون مراجعه کرد و در اداره هنر و ادبیات بحیث ممثل قرارداد نمود. مانند دیگران در تمام برنامه های تفریحی، هنری و ادبی و اجتماعی سهم گرفت، در برنامه های

تفریحی و فیلم های کوتاه تلویزیونی نیز هم دوش با هنرمندان همکاری نمود. در سال 1366 ش-کارش در سینما آغاز گردید اولین گام هنر سینمایی او فیلم "میهادگاه" به کارگردانی موسی رادمنش بود. بعد در فیلم "ارمان" که کارگردان آن آقای دکتور عبدالواحد نظری بود حصه گرفت و سمومین فیلمش بنام "حماسه عشق" نوشته محترم عبدالله شادان به کارگردانی محترم انجنیر عبدالطیف احمدی بود. وی بنابر علاقه که به هنر تمثیل داشت همراهی محترم نعمت الله آرش که او هم هنرمند بود ازدواج نمود، تا مانع پیشرفت کار هنریش نگردد مگر بی خبر از آنکه فضای خانواده شوهر نه تنها موافقت به هنرش نداشتند بلکه مخالف شدید علیه ازدواج وی یا پسر شان بودند.

صابره ابراهیمی با هنرنمایی اش علیه بی عدالتی های اجتماعی مبارزه میکرد مگر مبارزه دشوار تر از آن در محیط خانوادگی خود داشت. بخاطر دوام زندگی و خوشبختی خود هر چه بیشتر می رزمید مگر با همه تلاش که بچرخ میداد مخالفت هم چنان شدید بود شدید تر هم میشد که حتی شوهر هنرمندش نیز در جهت مخالف وی قرار گرفت. رنج و کشمکش خانوادگی او را چنان ملول ساخت که نام شیرین هنر در کامش زهر گردید. روزها به دیده اشکبار وتن داغان که ناشی از لت کوب بود، بالای وظیفه حاضر میشد.

## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

داستان تراژید صابره آرش شیوه شمع را ماند که با هنرنمایی اش تاریکی های جامعه را روشن میکرد مگر خود اشک میریخت و آب میشد و روشنایی به جامعه می بخشید . از زندگی تلخ شوهر داری کارد به استخوان اش رسیده بود و به دنیای تخیل قبل از ازدواج برمیگشت و افسوس ان دوره را میخورد . تحمل رنج خانوادگی را باز هم نظربه شرایط نا سالم جامعه سنتی – وقضاوت های بی مورد مردم به سینه میکشید تا آنکه زمان تغیر کرد سیر تکامل فرهنگی در افغانستان پایان پذیرفت . دیگر از هنر و هنرنمایی جذ افسانه چیزی باقی نماند همه فرهنگیان و هنرمندان از وطن متواری گردیدند. او نیز در سال 1371 ش-1992 میلادی ترک وطن گفت به ماسکو رفت در آنجا برای یکسال زندگی کرد و به کشور جرمنی درخواست پناهندگی داد و پذیرفته شد. در جرمنی نیز از ادیت شوهر وفامیلش در امان نبود. با لایحه درخواست 1384 ش-2005 میلادی مطابق قانون المان از شوهرش جدا گردید . تحمل تمام رنج و درد خانوادگی در افغانستان بنا بر قانون غیر عادلانه سنتی که طلاق جذ صلاحیت مردان بود، قبول کرد تا بالاخره در کشور المان به لت و کوب هایش نقطه پایان گذاشت. در خارج از کشور از خانم صابره آرش بسیار دایرکتران افغان تقاضا همکاری نمودند( که میتوان از آقای صدیق برمک در 2002 میلادی بخاطر تهیه فیلم "اسامه" نام

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

برد) مگراو با خاطرات تلخ که داشت همه تقاضا های  
دایرکتران را جواب رد نداد و با دوطفلش بنام های الاهی آرش  
و مسعود آرش به زندگی عادی خود در جرمنی ادامه میدهد.

### مارینا گل بهاری



دوشیزه دلیر افغان در اساس ترین  
روز ها که هنوز وطن ما در آتش  
خشم تفنگ داران میسوخت ،  
واقعیت های تلخ زندگی فامیلها را  
که در سلطه اسارت دوران طالبی  
به چه دشواری های نفس می  
کشیدند و برای ادامه حیات شان با  
همه ظلم و ستم آن دوران دست

و پنجه نرم میکردند (مشت نمونه خروار ) با مهارت خاص در پرده  
سینما برکشید شیر دختر افغان که با تمثیل بی مانند و معصومانه اش  
و با برملا ساختن شمع از واقعیت های تلخ مهوطنانش دنیا را  
متوجه جنایات دوران طالب نمود.

مارینا در فلم (اسامه) نوشته و محصول زحمات کارگردان جوان  
محترم صدیق برمک با وجود نداشتن تجربه هنری، خیلی درخشید و  
شهامت کودکان افغان را در شرایط ترور و اختناق مجسم و چشم



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

هر بیننده را پراشک ساخت.  
اهمیت کار هنری او بدلیل چشم گیر است که هنوز ترس و وحشت روح مردم را می آزارید و ترور اختناق از جانب تفنگداران در کشور ادامه داشت زهنیت عامه هنوز برای پذیرفتن آزادی آماده نشده بود او با گام های متین و استوار در دنیا هنر قدم نهاد زیر او می دانست که از کدام طریق صدای زنان مظلوم و کودکان وطنش را که در حاکمیت ظالمانه طالبی محکوم شده بودند ، بلند سازد.  
دفاع از حقوق و آزادی و رسانه های جمعی ضرورت دارد. این کودک معصوم دروازه های بسته شده فرهنگی را بروی نسل جوان گشود خدمت بزرگ در احیای فرهنگی و هنری در جامعه انجام داده است. مارینا گلبهاری در فیستوال بین المللی فیلم سال 2004 میلادی که در شهر لاس انجلس امریکا از طرف " گلدن گلوب " برگزار گردیده بود بنام یک هنرمند موفق معرفی و شناخته شد و فلم اوسامه حایز بهترین جایزه گردید . البته کار و زحمات آقای صدیق برمک قابل قدر و میباید .  
موضوع: از سایت بی بی سی فارسی گرفته شده

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

### نسیمه رعنا

در سال (1341) در پوهنی ننداری به هنر تیاتر رو آورد و برعلاوه تمثیل در بعضی درام های تیاتر آواز خوانی مینمود. در رادیو ملی افغانستان نیز چند آهنگ ثبت کرده است. شهرت هنری تمثیل را در درام بنام "مردیکه زنش گنگ بود" اثر یک نویسنده عربی و ترجمه محترم موسی نهمت در کابل ننداری کسب نمود. وبعد بخاطر تحصیل هنری عازم هند گردید و با یک تعداد هنرمندان دیگر شامل "پونه انستیوت" شد مگر بعد از ختم تحصیل از هنرکنار رفت.

### حمیرا اکرمی وریتا اکرمی

این دو خواهر هنرمند در ایامیکه متعلم مکتب بودند در درام های مکتب سهم میگرفتند و بعداً کار هنری شان در بیدار ننداری شهر مزارشریف آغاز کردند. زمانیکه در کابل نقل مکان گردیدند هر دو خواهر خدمات چشم گیری در تیاتر کابل ننداری انجام دادند. اما بعد از مدتی از هنر دست کشیدند.

### در باره سینما افغانستان

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

اولین بار سینما در سال 1323 ش-در کشور ما بفعالیت آغاز کرد .  
اولین فلم مشترک هند – افغان، نوشته محترم استاد عبدالرشید لطیفی  
پدر تیاتر افغانستان بود "عشق ودوستی" نام داشت . هنرمندان  
مشهور و شخصیت های بزرگ فرهنگی کشور بنابر ضرورت با  
همکاری استاد لطیفی اقدام بکار فلم سازی کردند تا بتوانند توده  
های سنتی کشور را بسوی پیشرفت و ترقی بکشانند.  
هنرمندان آن زمان عبارت بودند از: عبدالرحمن بینا، عبدالطیف  
نشاد ملک خیل، زینت قریشی، محمد ابراهیم نسیم. در آن زمان  
زنان افغان همه مستور بودند بخاطر رفع این کمبود فیلم را در خاک  
هند در ایالت لاهور به همکاری هنرمندان هندی تهیه کردند .  
مرحوم محمد ابراهیم نسیم بصفت آواز خوان درگروپ تشریف  
داشت نسبت مریضی نتوانست بکار ادامه بدهد دو باره برگشت  
در عوض یک هنرمند لاهوری بزبان شکسته آهنگ دری را زمزمه  
کرد شعر ان چنین بود.  
به برگ لاله رنگ آمیزی عشق  
به جان ما بلا انگیزی عشق  
اگر این خاک دان را واشگافی  
درونش بنگری خون ریزی عشق  
با تشکر از استاد محترم محمد حسین ارمان و محترم اسدالله آرام  
که این معلومات را در اختیارم گذاشتند.

### ایجاد رادیو " کوتی لندنی "

در زمان اعلحضرت امان الله غازی در سال 1304 ش- مطابق 1925 میلادی برای اولین بار از تعمیر کوچک کوتی لندنی در پهلوی پل آرتن مقابل فابریکه حربی در شهر کابل وجود داشت، صدای رادیو از آن تعمیر به سمع شهریان کابل رسانیده شد. آن دستگاه بنام رادیو کابل یاد میشد. تعمیر مزکور شکل ساختمان های انگلستان را داشت بنا بنام کوتی لندنی مشهور بود. در وقت حبیب الله کلکانی در سال 1308 ش- مطابق 1929. میلادی نشرات رادیو کابل قطع گردید در زمان نادر خان در سال 1310 ش- مطابق 1931 میلادی رادیو از همان کوتی لندنی دو باره به فعالیت شروع کرد و بنام رادیو استشین یاد شد. در 1321 ش- مطابق 1940 میلادی آتن قوی برای بروتکاستینگ سراسر شهر کابل نصب گردید و دستگاه رادیو از کوتی لندنی به پل باغ عمومی مقابل تعمیر وزارت مخابرات سابق انتقال گردید. بعداً از همان کوتی لندنی برای طبع و نشر اخبار استفاده بعمل آمد که اخبار محیی الدین انیس در همان کوتی لندنی طبع و نشر میگردید. در زمان محمد ظاهر شاه تعمیر ریاست هلال احمر « سره میاشت» که در کنار کوتی لندنی قرار داشت به امر شاه زاده احمد شاه ریس هلال احمر (سره میاشت) بدون هیچ گونه دلیل مقنعی

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

کوتی لندنی تخریب گردید . آثار از آن کوتی یا عمارت تاریخی و اولین رادیو کشور بود، وجود ندارد .

در سال 1332ش- مطابق 1953- میلادی نشرات در ولایات نیز توسعه پیدا کرد و در سال 1339خ ورشیدی مطابق 1960م - با نصب دستگاه قوی تر و اعمار جدید تعمیر در انصاری وات بنام رادیو افغانستان نشرات خود را ادامه داد.

یعنی در سرتاسری افغانستان نشرات رادیو شینده میشد.

مردان دانشمند کشور ما در رشد و تقویه و دفاع از حضور زن در اجتماع نقش اساسی داشته اند، بدین منظور یاد استاد مرحوم عبدالغفور برشنا گرامی باد و با چند سطر از زندگی نامه و کارهای پرثمر وی یاد و بروح اش استدعا، رحمت میدارم .

استاد برشنا در سال 1285 شمسی در شهر کابل تولد گردید در مکتب ترقی به تعلیم ابتدائیه پرداخت . از ایام کودکی از چشمه هنر سیراب گردیده بود او اصول رسم و خط را از مرحومه " بی بی جان تاجورو " عمه اش که خود خطاط و خوش نویس بود آموخت . در باره آموزش علم مورد توجه خاص مادر کلان مرحومش "بی بی فاطمه سلطان دختر میر احمد ختک خانم سردار محمد علی خان قرار داشت . مادر کلان برشنا یک خانم با سواد بود در پرورش وی مساعی بیدریغ داشت اصول دانش و ادب را به او آموخت برشنا در کودکی با ادب سخن میگفت و در یک خانواده مترقی و با فضیلت بزرگ میشد مگر در خارج از منزل با اطفال هموطنانش با همان

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

کلتور و فرهنگ مردمی هم بازی های داشت رسم و رواج مردم کشورش خمیرمایه هنر نقاشی او گردید .

برشنا تحصیلات ثانوی را در لیسه حبیبه ختم نمود و برای تحصیلات عالی در رشته طب به المان فرستاده شد. برشنا با سواری اسب به مدت 30 روز سفر، خود را به هرات رسانید و بعد از آن روانه اروپا شد.

قلب برشنا در کودکی تسخیر هفت آسمان پر ستاره هنر گردیده بود . زمانیکه به المان رسید رنگ و برسک برایش اهمیت بیشتر پیدا کرد. وی برای هیت معیت که با محصلین همراه بودند ریس هیت "سید هاشم خان" گفت {ممکن است من در آینده یک داکتر شوم مگر داکتر خوب نخواهم شد مگر ممکن یک نقاش خوب شوم بیشتر مصدر خدمت برای وطنم گردم } به یقین مصدر خدمات بزرگ در کشور گردید این مرد خرد هنرمند چیره دست ، نقاش ماهر، دایرکتر بی مثال، درامه نویس قوی، شاعر نازک خیال، موسیقی دان بی همتا، مولف توانا ، سناریو نویس فیلم، مترجم، و آموزگار مستعد کشور شد. او در هر رشته هنر علم دانش کسب کرد و بیشتر از آنچه اندوخته بود برای دیگران آموخت. مرحوم برشنا به زبان انگلیسی، المانی، دری و پشتو روان تکلم میکرد به صد ها مقاله از زبان المانی به دری و از دری به المانی ترجمه کرده است. در زمان جنگ دوم جهانی تمام المان ها از افغانستان بکشور شان برگشتند و خطر سقوط لیسه نحات "امانی" میرفت اما استاد برشنا شب و روز برای دوام

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

وجلوگیری از سقوط لیسه نجات کتب درسی نوشت و به مطبعه رفت و بالای ماشین چاپ ایستاد و برای شاگردان مواد درسی زبان المانی را تهیه کرد بر علاوه، آنکه مدیر مکتب بود به تدریس هم پرداخت در بخش مجلات و سالنامه ها بر علاوه مقاله نویسی، اثر با ارزش او ترسیم کرکتر رجب خان در زورنامه انیس مییاشد. او رجب خان را خیلی ساده مگر با مفهوم کشید و گفتنی های مردمش را از زبان کرکتر رجب خان منتشر ساخت. استاد بنیاد گذار رسمای کارتونی در مطبوعات کشور مییاشد.

در بخش هنر تیاتر در پوهنی ننداری درام لا لا ملنگ یکی از شهکار های او بود درام لا لا ملنگ برای ماه ها به نمایش گذاشته شد از پر عاید ترین درام در پوهنی ننداری بشمار میرفت. هر کرکتر آن درام سه پرده یی را بالای مرحوم عبدالرحمن بینا، استاد عبدالرشید لطیفی، محمد عثمان صدقی و نواموزان چون صادق فطرت، شهید مهدی ظفر، دایرکت نمود. زمانیکه هنر فیلم سازی تازه روح در قالب سینمای افغانستان میدمید، سنایور فیلم را نیز نوشت. او همیشه میگفت که شاعر نیستم گراشعار او از رنگین ترین ادبیات دری وبا کیفیت ترین اشعار زبان معاصر بود.

در هنر نویسندگی آثار پر بهاء از او باقی مانده است. کتاب او در باره سالهای قدرت امیر شیر علی خان و هفت حکایت بنام قصه ها و افسانه بچاپ رسیده است. بر علاوه به صد ها مضمون و مقاله در مجله ژوندون و اریانا به دسترس خواننده گان قرار داده است.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

در بخش هنر موسیقی هم بی اطلاع نبود در زمانی که رادیو کابل وقت هنرمندان موسیقی در آغوش پذیرفت وی با هنرمندان معروف کشور چون استاد نوروز ، استاد قاسم ، استاد غلام حسین "پدر سرآهنگ" به همکاری پرداخت. زیرا از سر و راگ و تال های تبله و از راز های پرده ارمونیه نیز آگاهی داشت و درک فوق العاده از موسیقی اصیل افغانی را مینمود.

در سال 1315 ش - معلم مکتب صنایع کابل بود به هزاران شاگرد در رشته های مختلف تربیت کرد .

در سال 1321 ش- که در لیسه نجات ایفای خدمت مینمود پر ارزش ترین آثار نوشته و مدارک تدریسی از وی باقی مانده بود . معلمین المانی که بعد از ختم جنگ دو باره افغانستان برگشتند از خدمات ارزشمند او انگشت حیرت گزیدند و برشنا عالم و فهمیم یگانه عامل موثر برای تحکیم دوستی و فرهنگی بین دولت المان و افغانستان گردید و حکومت المان به پاس خدمات ارزشمند او مدال طلا برایش تفویض نمودند.

بلی هنرمند که زیبایی ها را دقیقتر از دیگران درک میکند و می پسندد. او در سال 1329 ش- به حیث امرنشرات رادیو افغانستان تقرر حاصل نمود در نشرات رادیو وقت تغیرات خیلی جدی را بوجود آورد مخصوصاً نیم بدن فلج رادیو را با موقع دادن خانم ها در آن ارگان نشراتی بخش فلج رادیو را فعال ساخت. مقامات مطبوعات با احتیاط تمام از خانم کوثر نورانی تقاضای کمک کردند،



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

خانم کوثر نورانی قهرمان زن فدارکار بعد از خوانش اعلانات تجارتي راه را بروی هم طنان وخواهران افغانش باز کرد اولین زن ترک تبار» همسر محمد سالم نورانی یکتن از صاحب منصبان ارودی افغان بود» صدای زن را از طریق رادیو بگوش مردم رسانید با آنهم زنان جرئت آمدن به "استیشن" را نداشتند . برشنای متبکر اولاً مطالب را با صدای زنان چون آمنه ملک زاده رقیه ابوبکر ، لطیفه کبیر سراج در خانه های شان ثبت واز رادیو نشر میکرد وبعداً صدای رسا شیر زن افغان آمنه ملکزاده و لطیفه کبیر سراج ، رقیه ابوبکر درکنار نطقان مرد بگوش هم وطنان ما رسید. استاد برنشا بزرگوار در واپسین روز های حیاتش سرورد ملی دولت جمهوری جوان افغانستان را در سال 1352 ش- در حالت مریضی کمپوز نمود.

این هنرمند محبوب بتاریخ 25 جدی سال 1352 چشم از جهان بست وبتاریخ 26 جدی در شهدای صالحین به ابدیت پیوست.

انا الله وانا الیه راجعون



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---



محمد داوود اولین ریس جمهور افغانستان  
تغیر رژیم شاهی به جمهوریت

### وایجاد تلویزیون

سردار محمد داود سپرکاكا محمدظاهر شاه چوكی های پرقدرت را در مركز و ولایات كار كرده است . سرقوماندانی اعلی اردو در ولایت ننگرها ، والی قندهار، وزیر امور داخله و یک دوره بحیث صدراعظم افغانستان اجرای وظیفه كرده است. او بر علاوه كه یک انسان ترقی خواه بود اما حس نشنالستی بسیار قوی داشت ، روی همین منظور زمانیکه فیض محمد خان ذکریا وزیر معارف بود امر كرد تا زبان پشتو در تمام مكاتب افغانستان تدریس و جا نشین زبان دری گردد... اما این عمل نتیجه مثبت نداد . سردار محمد داوود خدمات فراموش نا شدنی بخاطر نهضت نسوان انجام داده است. در زمانیکه هنوز مردم كشور در تاریکی بیسوادی دست وپنجه نرم میکرد، سردار محمد داوود برای علاج این درد بی درمان راه درمانگری را با ایجاد كورس های مبارزه با بیسوادی كه یکی از خدمات ارزشمند او در پهلوی خدمات دیگرش میباشد ، انجام داد . شمولیت دختران را بمكتب امر حتمی دانست. وی برای رفع مستور بودن، و بیسواد بودن زنان با جدیت عمل كرد . در (26) سرطان سال 1352 ش- به قدرت سلطنتی نقطه پایان گذاشت و خود به ار كه قدرت ریاست جمهوری تکیه كرد. بخاطر تنویر اذهان عامه و ارتقای فرهنگ كشور از طریق چشم و گوش

نشرات تلویزیون (پروژه تلویزیون را طی پلان انکشافی دولتش) طرح نمود. استودیوهای تلویزیون افغانستان بنابر قرارداد جانبین دولت افغانستان و کشور جاپان اعمار گردید. یک تعداد کارمندان و هنرمندان رادیو را که تجربه نشراتی داشتند، جهت تربیت نشرات تلویزیون به بورسهای کوتاه مدت در رشته های مختلف دایرکتر، کمره مینی، لایت، ارت و گرافیک، پردیوسری، گویندگی و غیره به کشور ایران، چاپان و عراق فرستاد. گروپ کارمندان و هنرمندان که به کشور ایران "تهران" اعزام گردیدند، شامل (26) نفر بود از جمله دونفرخانم در آن گروپ اشتراک داشت محترمه سیما شادان و محترمه ثریا زلمی بودند. گروپ که به عراق "بغداد" فرستاده شدند شامل (17) نفر بودند، از جمله خانم ظریفه پرودیسر برنامه اطفال رادیو و خانم سیما پردیوسر در اداره روزنه (سیاسی و اجتماعی) اشتراک داشتند. گروپ جاپان شامل (15) نفر بود محترمه کریمه غزل ویدا شامل آن گروپ بود بعداز تربیت و کارهای پراتیک و کسب تجارب جهت فعال ساختن تلویزیون افغانستان دو باره بوطن برگشتند. در سال 1356 ش- نشرات امتحانی تلویزیون افغانستان آغازگردید و آماده بهره برداری شد. اما متأسفانه سردار محمد داود نسبت کودتای خونین هفت ثور 1357 ش- نتوانست بیانیه یی از طریق تلویزیون ایراد نماید روح اش شاد باد. "انا الله وانا الیه راجعون"

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

حال میپردازم به معرفی چهره های درخشان، فرهنگی و نطقان ،  
وسخن پردازان دوره های مختلف کشور عزیز ما:

### خانم کوثر نورانی



## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

دوموجود بعد از خداوند (ج) پرستش و احترام بر او واجب میباشد بکی مادر و دیگرش استاد است . بلی مادر از شیرۀ جان طفل را پرورش میدهد و استاد از طریق علم بر او اصول زندگانی را می آموزاند مادر سلاطین گیتی، مختری، رجال برجسته و دانشمندان ، هنرمندان و سپاهیان پر غرور را آغوش خود می پروراند. مادران در جهان افتخارات فراوان دارند مگر مادران افغان در سرزمین ما افتخارات بخصوص دارند. زیرا کرکتر هر انسان زاده طبیعت آن سرزمین میباشد. اگر افتخارت مادران کشور را بررسی کنیم زن افغان در ردیف برجسته ترین زنان جهان از نظر شهامت بشمار میرود خانم کوثر نورانی با وجودیکه زاده سرزمین ما نبود اما اوبزرگترین افتخار زنان افغنستان در دفاع از نهضت نسوان بوده است. او چون قله های شامخ پامیر در دفاع ورشد فرهنگ و ادب افغانستان استوار و بی باکانه رزمیده است.

وی انسان ادیب، دانشمند و در عین زمان جسیم و با هیبت بوده است. او زاده سرزمین استامبول ترک، و همسر مرحوم محمد سالم نورانی افسر غیور افغان که برای تحصیلات نظامی در دوره امانی به کشور ترکیه رفته بود ، میباشد وی با ازدواج با یک افسر پرافتخار افغان، ترک یار و دیار نمود در افغانستان اقامت گذرد و مصدر خدمات شایانی در عرصه های مختلف گردید. در زمان در افغانستان زندگی میکرد که اصلا خانم های آن عصر در حصار خانه های شان بسر میبردند و همه تحت پوشش حجاب قرار داشتند او یگانه خانم بود که حجاب

نمی پوشید، و درلیسه ملالی بحیث استاد وظیفه آموزش و پرورش دختران وطن را به عهده داشت. در زمانی که رادیو کابل از کوتی لندنی به تعمیر جدید در پل باغ عمومی متصل وزارت مخابرات منتقل شده بود اولیای امور مطبوعات بدین عقیده بودند که چطور صدای خانم ها را در نشرات بگنجانند.

زیرا از تجربه تلخ دوران امیر امان الله که روحانیون برداشت دموکراسی را نداشتند و دست به اغتشاش زدند می هراسیدند.

بنابر این ملحوظ از خانم کوثر نسبت برتبار بودنش دعوت نمودند که در رادیوی کابل در حصه نشرات سهم بگیرند او با جبین گشاده پذیرفت و اعلانات تجارتی را به خوانش گرفت.

این خانم پیشتاز و سنت شکن با پذیرفتن مسولیت بزرگ راه ترقی و پیشرفت را برای خواهر افغانش باز نمود.

اکنون مصاحبه پوهنیار خانم زیلخا نورانی را که در جریده گلبرگ در کشور استرالیا با محترم جلال نورانی مسوول آن جریده در باره مادر فقید شان خانم کوثر نورانی نشر گردیده است و استاد گرامی زیلخا جان آن را بدسترم قرار داده است طور فشرده نقل میکنم.

{در نیمه اول دهه شصت هجری شمسی در یک سیمنیار بین المللی ادبی که در هتل اریانا برگزار شده بود، اشتراک داشتم بعد از ختم بخش اول پروگرام همه مهمانان به سالون غذا تشریف بردند من با یکتعداد استادان پوهنتون در گرد یک میز جا گرفتیم. زنده یاد پروفیسور پوهاند عبدالاحد جاوید نیز در جمع ما پیوست ضمن

صرف غذا پروفیسور جاوید پرسید کہ آیا میدانید اولین زن کہ صدایش از رادیو کابل پخش گردید کی بود ؟  
همه استادان نام های را بر زبان آورد کہ از جمله نام خانم بزرگوار لطیفه کبیر سراج ، آمنه ملک زاده ، رقیه ابوبکر و غیره مگر پوهاند جاوید از زیر چشم بمن نگریست و با لبخند گفت استاد زلیخا باید بدانند.

زلیخا : گفتم چیز های درباره شینده ام مگر جزیئات را نمیدانم پوهاند جاوید فرمود: باید کہ جزیئات را ندانید شاید در انزمان تولد هم نشده بودید و یا یکی دوسال بیش نداشتید و روبه استادان کرد وگفت : اولین خانم کہ صدایش از رادیو کابل پخش گردید خانم کوثر نورانی یک زن ترکی بود یعنی مادر زلیخا نورانی کہ همین اکنون در کنار ما نشسته است .

پوهاند جاوید اضافه کرد من این مطلب را در یک مقاله ام نیز نگاشته ام ، جریان از این قرار بود کہ در دهه بیست هجری شمسی کہ رادیو کابل تازه به نشرات آغاز کرد اولیای مطبوعات فکر کردند زن ها هم باید به حیث نطقه در رادیو بکار شروع کنند اما تشویش وجود داشت کہ آیا عکس العمل مردم وبخصوص روحانیون چگونه خواهد بود؟

راه حل را فکر کردند زیرا زنان در آن وقت در حجاب بسرزمیبردند یک خانم ترکی کہ همسر یک صاحب منصب افغان در لیسه ملالی معلم بود وحجاب نمی پوشید فارسی صحبت میکرد مگر لحجه ترکی



داشت از او خواهش کردند که به رادیو چند اعلان را بخواند آن خانم فدا کار قبول کرد. اعلانات تجارتی را با الفبای ترکی نوشت و بر زبان دری بخوانش گرفت. محاسبه مقامات این بود که اگر روحانیون عکس العمل نشان بدهند در جواب باید گفته شود که این نطقه زن افغان نسیت بلکه یک زن خارجی (ترکی) است. مقامات خواستند که آن خانم فداکار را سیرتیر بلا بسازند. خانم نورانی طی پانزده روز اعلان تجارتی را پشت مکروفون رادیو هروزه میخواند چون از طرف روحانیون کدام عکس العمل دیده نشد بعداً دیگر خانم ها به رادیو آمدند و اعلانات، خبرها، مقالات دیگر را به خوانش گرفتند {

در دهه سی زمانیکه زنده یاد سردار محمد داود اعلان رفع حجاب نمود خانم کوثر نورانی با سهم گیری فعالش رهبری حدود صد زن و دختران جوان خود را در رابطه با این امر به عهده گرفت و پروسه دموکراسی را تقویت نمود به این معنی که درکلپ عسکر شعبه خیاطی، گلدوزی، وبافت تاسیس شد زنان و دختران در کنار مردان تحت سرپرستی خانم نورانی در دوختن لباس عسکری، کلاه سربازان، صاحب منصبان، فیته کلاه، سرشانه یی زردوزی و تزئینات یونیفورم عسکری سهم فعال گرفتند. خانم کوثر نورانی در دهه چهل به حیث زن برگزیده سال انتخاب گردید. مجلات ژوندون، پشتون ژغ و دیگر جراید در باره آن خانم ارجمند تبصره نوشتند و عکس هایش به نشر رسانیدند..

## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

آن قهرمان زن ترک افغان بر علاوه اینکه در لیسه ملالی به تربیه شاگردان معارف همت گماشت در دستگاه خیاطی اردو افغانستان سالیان درازی خدمت نموده است.

خانم نورانی همسر عزیزاش را در سال 1343 ش- از دست داد فرزندان خود را با محبت فراوان پرورش و تربیت نمود و بار اعظیم یک خانواده بزرگ را بایزرگواری بدوش گرفت و فرزنداناش را به تحصیلات عالی تا دکتورا، ماستری، لسانس، یا حداقل تا سطح بکلوریا دانش آموخت.

او خود عاشق کتاب بود و تا سالهای اخیر در حالیکه چشمان مشعلش ضعیف گردیده بود با گذاشتن عنیک کتاب نویسندگان بزرگ جهان را به زبان خودش (ترک) مطالعه مینمود. دامن مادر گوهر نایاب است هرگاه مادری مثل خانم نورانی نمی بود امروز هنرمندان معروف "نورتن، زلیخا"، طنزنویس مشهور "جلال نورانی" نمیداشتیم، ارجمندان از همت والای مادر به منزلت رسیدند. آن شیر زن جسور و فدا کارتنها در مورد نطاقی از خود گزری نکرد بالا تر از آن اولاد معارف را تربیت نمود در بخش اردوی وطن ما خدمت کرد و جرائت کار و تمثیل دموکراسی را برای زنان مستور افغان انتقال داد. و مهم تر از آنکه زمانیکه شوهرش را از دست داد، اطفال نازین خود را با شهامت اعاشه و بدرجات عالی تحصیلات رسانید. هرگاه یک فامیل که مادر شان را از دست داده باشند با فامیل نورانی مقایسه بداریم، تفاوت های

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

زیادی را خواهیم دید و یا بهتر بگوییم که پدر خانواده ازدواج دوم میکرد و اطفال مذکور از دو نعمت (پدر و مادر) بی نصیب میشدند مگر "نورانی ها" نه تنها از دو نعمت بی نصیب نشدند بلکه کمبود پدر در آغوش پر محبت مادرشان احساس نکردند. پس ثابت است که بهترین بهشت آغوش مادر است و بر افتخارترین انسان مادر و استاد میباشد. خانم نورانی نه تنها برای

فرزندانش مادر مهربان بود بلکه شاگردانش را نیز چون مادر با محبت رهنمایی میکرد. گرچه خانم نورانی زاده سرزمین ترک «استانبول» بود اما در جوانی با عرف و عادات سرزمین افغانستان خو گرفت، با کمبودها مبارزه کرد و از خوبی ها عرف و عادات پسندیده ما آموخت. چونکه سرنوشت او با آموختن و آموزاندن گره خورده بود، دانش و فضیلتش را بر دیگران انتقال داد در این رابطه حدود را مجاز نمیدانست و تا آخرین رمق حیاتش که مسوولیت

رسمی خارج از منزل هم نداشت مطالعه مینمود و بر فضیلت خود می افزود. روحش شاد باد. انا الله وانا الیه راجعون



## لطیفه کبیر سراج



سردار عنایت الله خان پسر بزرگ امیر حبیب الله خان (امیر شهید)  
در سال 1289 ش-1910 م- با دختر بزرگ مرحوم محمود  
طرزی بنام "خیریه" که یکی از بهترین خطاط و مترجم آن عصر  
بود، ازدواج نمود. ثمر ازدواج ایشان 12 فرزند بود، در سال  
1302 ش-1923 میلادی دهمین فرزند ایشان "لطیفه" بدنیا آمد  
زمانیکه شاه امان الله غازی از سلطنت استفا نمودند، سردار عنایت  
الله خان برادر بزرگش برای سه روز زمان امور سلطنت را بدست

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

گرفت، چون دسایس خاینانه انگلیس برایش واضع گردید و بجه سقا (حبیب الله کلکانی) بقدرت رسید وی با تمام اعضای فامیلش در سال 1308-ش-1929 میلادی افغانستان را ترک گفت. اول بکشور هند رفت و بعد طرف عراق حرکت کرد در آن زمان امیر فیصل پادشاه عراق بود و از طریق شهر بصره وارد خاک ایران گردید. رضا شاه پهلوی کبیر پادشاه ایران از ایشان دعوت نمودند و در تهران اقامت گذینند، در آن زمان خانم لطیفه سراج کودکی بیش نبودند، او مکتب را از ابتدا در کشور همسایه و همزبان ایران آغاز و ختم نمودند. در سال 1325-ش-1946-م- سردار عنایت الله خان پدر محترمه لطیفه سراج در تهران وفات نمود و چندی بعد شاه محمود خان صدراعظم افغانستان در عهد پادشاهی محمد ظاهر شاه یعنی در سال 1947 برای فامیل سردار عنایت الله خان اجازه ورود به افغانستان را اعلان کرد و فامیل سراج دوباره بوطن برگشتند. طوریکه قبلا اشاره گردید فامیل سراج از جمله علم بردارن نهضت دموکراسی و بخصوص نهضت نسوان به شمار میروند. محترمه لطیفه سراج مثال برجسته این ادعا ست. لطیفه سراج با رسیدن بکابل بحیث معلم دری، تاریخ و جغرافیه در لیسه عالی ملالی و در شفا خانه مستورات منحیث معلم به تدریس زبان دری برای نرسهای آن شفا خانه پرداخت. او تنها معلم واموزگار نبود بلکه ممثل ومشوق نهضت زنان نیز بود، با قلب مهربان نو جوانان را در راه رشد ترقی و دموکراسی تقویت میکرد.

او و خواهرش زینب عنایت سراج از جمله مشویقین تیاترزینب ننداری نیز می باشند . در رشد و تقویت تیاتر زینب ننداری هم دوش با خواهرش زحمات زیاد را متقبل شد و درام معروف (افسانه) از شهکار های وی بود که در تیاتر زینب ننداری به نمایش گذاشته شد. این خانم پیشتاز در شرایط به نطایقی آغاز کرد که اکثریت مردم و مخصوصاً زنان از داشتن سواد ابتدائیه هم محروم بودند. زمانیکه آقای عبدالغفور برشنا آمر عمومی نشرات رادیو افغانستان بود، نطایقی طبقه اناث را در بخش نشرات رادیو مهم میدانست ، بعد از خانم کوثر نورانی دختر جوانی بنام آمنه ملک زاده و خانم سراج و خانم ابوبکر که دارای استعداد نطایقی بودند ، برای آنها موقع داده شد تا این کمبود رفع گردد. در قدم نخست برنامه ها را در خانه به آوازش ثبت مینمود و بعد از طریق امواج رادیو نشر میگردد، بعد از برداشت، انعکاس جامعه رسماً به رادیو رفتند و اخبار شب را در کنار نطاقان ذکور قرائت نمودند.

خانم سراج بر علاوه نطایقی اخبار راساً، تبصره های سیاسی و برنامه های مختلف ادبی را نیز قرائت مینمود، به تعقیب او خانم خانم های دیگر در جمع نطاقان اناث پیوستند.

در تاریخ فرهنگ و نشرات افغانستان خانم لطیفه سراج سومین نفر بود که با صدای رسایش در قرائت اخبار که راساً نشر میشد ، در کنار نطاقان مرد از امواج رادیو افغانستان در کشور ما طنین انداخت، بعد از آن شیندن اخبار کیفیت خاص داشت و از یکنواختی

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

برآمد. خانم سراج راه گشایی زنان در هنر تمثیل و نطای در فرهنگ ادبیات افغانسان می باشد.

زنان را به حیث اساس گذاران دموکراسی و مربی جامعه معرفی مینمود و خود، هم ردیف با دیگران در تمام امور تهیه و ترتیب درام، دیکور و هم چنان سفور تمام درام ها در عقب ستیج بوده است. در تیاتر تمثیل نقش یک هنرمند است که با حرکات و صدا بیننده را مصروف تماشاه درام میسازد مگر تکمیل کننده بخش اساسی درام در ستیج کار های عقب ستیج است که همه امور را با خواهرش زینب عنایت سراج انجام میدادند.

نظر به خدمات ارزشمند که خانم کبیر سراج در ساحه فرهنگی کشور انجام دادند از طرف مطبوعات کشور مورد تقدیر و تفوق قرار گرفتند اولین جایزه نطای را از طرف محترم عبدالروف بینوا ریس رادیو افغانستان بدست آورد و چندین تقدیر نامه از طرف وزارت اطلاعات و کلتور وقت نیز حاصل کرد.

در سال 1358 ش-زمانیکه قوای سرخ روسیه افغانستان را اشغال کرد، خانم کبیر سراج دو باره از آغوش میهن جدا شد به پاکستان رفت و از آنجا به امریکا پناهنده شد وی در خارج از کشور نیز فعالیت های چشم گیر فرهنگی انجام داده است.

در سال 1980 میلادی زمانیکه به امریکا اقامت گزیدند از طرف دولت امریکا به حیث نطای دری در رادیو صدای امریکا مقرر گردید، برای مدت ده سال وظیفه نطای را پیش برد اما نسبت

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

مریضی شوهر عزیزش، جهت عملیات قلب مجبوراً از ایالت ورجینیا به ایالت کلفورنیا رفت و مدتی را در کنار بستر شوهرش پسری نمود. اما با تاسف که اجل مهلت نداد محترم کبیر سراج داعیه اجل را لیبیک گفت.  
(انالله الیه را جعون)

خانم های ارجمند کشور ما چون وکوثر نورانی، لطیفه کبیر سراج، رقیه حبیب ابوبکر، آمنه ملکزاده و دیگران بخاطر دفاع از دموکراسی، عدالت اجتماعی، تساوی حقوق، با سهم گیری شان در کارهای فرهنگی و اجتماعی در اولین روز ها که دموکراسی تازه ترین نفس هایش را می کشید از خود گزری نمودند، با شهادت در برابر نا ملایمات تلاش و ایستاده گی کردند تا راه پر پیچ و خم را بر دیگران هموار سازند.

خانم کبیر سراج مدت یازده سال در خدمت معارف و تربیه اولاد وطن قرار داشت، مگر نسبت عواملی سیاسی از معارف کنار رفتند و مدت حدود 25 سال در ساحه فرهنگی کشور رادیو و تیاتر خدمات ارزشمند انجام دادند. در سال 1338 ش 1959 م - همراهی کبیر سراج ازدواج نمود و حاصل ازدواج ایشان شش فرزند بنام های ضیا سراج، محمود سراج، حبیب سراج، افضل سراج، جمال سراج، زرینه خانم و ثریا خانم میباشند.



## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

با تشکر از خانم ارجمند و فرهیخته "بی بی لطیفه کبیر سراج" که  
طی نامه بخاطر نوشتن این کتاب مرا تشویق و زره نوازی نموده اند  
بی جانیت که جمله یی از نوشته ایشان را نقل بدارم.  
ماریا جان بسیار مهربان!

به آروزی سلامتی و سعادت  
شما دوست جوان و مهربانم،  
ابتدا تشکرات خود را که یادی  
از من نموده و کتاب پرارزش  
خود را ترتیب داده اید، تقدیم  
نموده و بعداً یاد اور میشوم  
که .....  
به امید دیدار

لطیفه کبیر سراج



### جمیله زمان انوری



از مادر و استاد آغاز سخن  
کردم ، چه افتخار آمیز است  
که به معرفی مادر مهربان  
و استاد گرامی دیگری  
بپردازم . خانم جمیله  
در 28 حمل سال 1319 ش -  
در باغ علیمردان شهر کابل در  
خانواده روشنفکر روح  
در قالب جان دمید و دیده  
برگیتی پر ماجرا گشود.

دوره ابتدائیه را در لیسه زرغونه و متوسطه و ثانوی را در لیسه  
عالی ملالی با اتمام رسانید بعداً شامل پوهنحی تعلیم تربیه گردید.  
در سال "1341" ش- دیپلوم فراغت حاصل کرد مگر نظر به علاقه که  
در ادبیات داشت این رشته دل خواه را از طرف شب تا صنف سوم  
فاکولته ادبیات ، پوهنتون کابل تعقیب نمود.

خانم جمیله با آقای محمد زمان انوری که خود یک هنرمند معروف  
یک مطبوعاتی پرافتخار بود و خدمات بی نظیر در رادیو و تیاتر  
افغانستان وقت انجام داده است ، ازدواج کرد. طوریکه در فوق

ذکر شد به ادبیات دری علاقه مفرط داشت. در سال 1337ش- که هنوز مصروف تحصیل بود در رادیو کابل وقت که در پل باغ عمومی موقعیت داشت، مراجعه نمود بعد از سپری نمودن موفقانه امتحان به حیث گوینده قبول گردید. در آنوقت که صرفاً آمنه ملک زاده، استاد گرامی خانم لطیفه کبیر سراج، خانم رقیه ابوبکر، دیگر گوینده از طبقه اناث در رادیو کابل نبود. اونیز در جمع گروپ سه نفری پیوست و از ارشادات و رهنمایی های استاد بزرگوار خانم لطیفه کبیر سراج در امور گویندگی مستفید گردید. بعد از گذشت مدت کوتاه خانم ابوبکر و خانم ملکزاده روابط شان را با رادیو قطع نمودند. اما آهسته آهسته گویندگان اناث در بخش های پشتو و دری افزوده شد.

خانم جمیله انوری به زود ترین فرصت به خوانش اخبار راساً صبح پرداخت و در صورت داشتن وقت به گویندگی برنامه های مختلف نیز همت می گماشت در آن زمان نشرات رادیو خیلی محدود بود. اما بعداً- اعمار تعمیر جدید در مقابل کلوپ عسکری متصل سفارت امریکا "انصاری وات" رادیو کابل در آن کوچیدند با گسترش برنامه های مختلف نشرات نیز سرتا سری شد و بنام رادیو افغانستان یاد گردید. مسولیت و مصرفیت سه خانم ارجمند و پیشقدم نیز خیلی زیاد گردید. خانم انوری به قرائت اخبار ساعت 8 شب، تبصره های سیاسی، اعلانات تجارتی، داستانهای دنباله دار- و برنامه زن و جامعه پرداخت. زمانیکه دستگاه رادیو به انصاری وات نقل و

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

مکان کرد، از استدیوهای پل باغ عمومی برای کورس های فرهنگی استفاده میگردید. بنابر روابط فرهنگی و کلتوری بین افغانستان و کشور شورا های روسیه وقت استادان معروف به افغانستان آمدند و در بخشی های مختلف فرهنگی به تربیه و تدریس نطاقان، ممثلین پرداختند. خان انوری نیز برای شگوفانی استعدادش به کورسهای نطاقی که توسط استاد مهربان نظر اوف تدریس میشد با وجودیکه سابقه نطاقی هم داشت تکیه برچوکی شاگردی زد و مدت سه ماه اساسات نطاقی را آموخت و هم چنان کورس های دیگر توسط استادان معروف امریکایی "آقای فریمن" نیز به تدریس و تربیه نطاقان پرداختند عضویت حاصل نمود در آن کورسها نطاقان ورزیده کشور با وجود سابقه نطاقی تدریس میشدند که عبارت بودند از: جمیله زمان انوری، مهدی ظفر، کریم روهینا، قاسم یوسفزاده، آقای کاکر و نیک محمد قایل و غیره از جمله زنده یاد مهدی ظفر بعدها خود به تدریس نطاقان پرداخت. بسیار نطاقان با شهرت از جمله شاگردان مهدی ظفر میباشند که در بخش بیوگرافی هریک از نطاقان مطالعه میدارید.

خانم انوری تنها در بخش نشرات رادیو مصروفیت نداشت بلکه وظیفه مقدس آموزگاری را نیز به عهده داشتند او آموزگار جامعه عقب ماند و سنتی کشور از طریق برنامه های زن و جامعه بود. جامعه را به گونه یی از حالت عقب مانعی بسوی ترقی تدریس میکرد و در ساحه معارف اولاد وطن را تدریس و تربیه مینمود.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

وظیفه معلمی را تا رتبه کادر علمی و مسلکی در ریاست تفتیش وزارت تعلیم و تربیه تا سال 1371 ش- (1992) میلادی دوام داد. زمانیکه که دامن علم و دانش، هنر و فرهنگ یک باره از کشور برچیده شد صادقانه و ایفای نموده است. بعد از یک سال معلمی به صفت سر معلم، معاون، مدیر، مدیر عمومی مکاتب دختران، مدیر عمومی نظارت تعلیمی، مدیر عمومی میتودیک و پروگرامهای تحصیلات عالی، مدت کوتاه مشاور ریاست کودکانها، استاد اکمال تخصص معلمان در مرکز علمی و تیوریک و چند سال اخیر بحیث کادر علمی و مسلکی در ریاست تفتیش وزارت تعلیم و تربیه تا سال 1371 ش- یعنی مدت سی سال عمر پر بار خود را در خدمت اولاد وطن صادقانه و دلسوزانه صرف نموده است.

در بخش های خدمات فرهنگی در آغاز نشرات تلویزیون نیز ممتاز بونش را حفظ نمود و در صفحه تلویزیون با صدای مقبولش به خواندن اخبار شب، تبصره های سیاسی، برنامه های زن و جامعه و پروگرام های مختلف دیگر پرداخت این خانم پرافتخار در نشرات رادیو و تلویزیون از جمله اولین ها بوده است زندگی نطاقان و گویندگان رادیو تلویزیون و کارمندان جراید (ژورنالستان) زندگی عجیبی است نطاق وظیفه پسرده شده خود را ایفا میکند مگر در تحولات اخیر در کشور ما نطاقان با قبول هر نوع شرایط سیاسی، تهدید ها خطر جان شان وظیفه محوله را شرافمندان پیش بردند خوانش هر نوع اخبار برای نطاقان پرابلم برا انگیز بوده است.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

بعد از تحول سال 1371 ش- 1992 میلادی مشکلات اجتماعی خیل زیاد پرابلم های با خطر حیاتی از جمله ظاهر شدن بصفحه تلویزیون با حجاب مخصوص و قطع اجرای آهنگ ها به اواز زنان و خوانش دیگر برنامه ها توسط زنان بجز از قرائت اخبار و بوجود آمدن تفاوت های جنس بین زنان و مردان و تهدید هابرای ایجاد ترس و وحشت در بین همگان گردید او شبهای را بیاد دارد که صدای راکت های کور که بالای شهر کابل پرتاب میشد صدای انفجار آنها را حین قرائت اخبار در

عقب میکروفون می شیندند دریکی شب ها خانم انوری خبری را مربوط حزب اسلامی گلبدین حکمتیار طریق تلویزیون قرائت نمود و در اخبار چنین تذکار یافته بود.

{کاروان مواد سوختی و ارتزاقی که برای مردم بی دفاع شهر کابل در حرکت بود از طرف حزب اسلامی گلبدین حکمتیار بصورت غیر قانونی بمرکز حزب اسلامی در چهار آسیاب انتقال داده شد} صبح که بوظیفه خود در وزارت تعلیم و تربیه میرفت قصد ترورش از طرف اشخاص چیده شده بود و از یک حادثه مرگ حتمی جان سلامت برد و بعد از برگشت بمنزل تصمیم هجرت را در پیش گرفت زیر وضع زندگی و آرامش آنقدر خراب شده میرفت که قابل تحمل برای مردم و مخصوصاً خانم ها نبود شبها بعد از ختم اخبار که موتر رادیو ایشان را به خانه میرساند فکر میکرد که با یک شلک راکت شاید زنده بخانه برنگردد بدبختانه زنان در آن ایام مشکل ترین

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

لحظات را سپری نمودند و مورد تحقیر قرار گرفتند و بر علیه شان خلاف شرعیت اسلامی کار های صورت می گرفت که قابل تحمل مردم نبود اکثریت از کشور بیرون رفتن بنا بر دسیسه و تهدید یکه علیه او دستور داده شده بود و از جانب دیگر مشکلات زندگی هر روز اضافه میشد امید زنده ماندن در زیر باران راکت ها بخاطر تقسیم قدرت موجود نبود بنا شکل اجبار با دوپسرش راهی ولایات مختلف کشور گردید و بطور میخفیانه زندگی کرد در حالیکه درگیری خانه جنگی مجاهدین خلاص نشده بود، گروه طالبان همچو جغد شوم بکشور آمدند چون دیگر راه باز گشت بکابل زخمی را نداشت مجبوراً راه دیار بیگانه را پیش گرفت و اکنون که این کتاب تحریر می گردد، مدت هشت سال میشود که در کشور هالند زندگی مینماید.

شایان یادآور است که خانم جمیله زمان انوری مدت 35 سال بعنوان گوینده رادیو تلویزیون و کارمند وزارت تعلیم و تربیه ایفای وظیفه نموده است و خاطرات زیاد از تحولات، و روی داد های کشور دارند. از جمله در 1352 ش- موقعه اولین ریس جمهوری سردار محمد داود خان بعد برای اولین بیانیه خود صبح زود به رادیو تشریف آوردند. خانم جمیله انوری مسولیت خوانش اخبار دری ساعت هشت صبح را به عهده داشت و محترم حسن شیرزوی بخش اخبار پشتو را پیش میبرد هر دو یکجا به استودیو رادیو داخل شدند . چند لحظه بعد سردار محمد داود بیانیه شان را باید ایراد میکردند

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

و به استودیو رادیو افغانستان تشریف آوردند ، نطاقان از استودیو بیرون شدند و ایشان عقب میکروفون قرار گرفتند درحالیکه سه نفر محافظین با ایشان یکجا داخل استودیو بودند، متوجه شدند که سردار محمد داؤد عینک مطالعه شان را فراموش کرده اند. چاره دیگر نبود یکی از محافظین شان نزد جمیله جان آمد و گفت : {بی بی جان عینک شما برای مطالعه است؟} جمیله گفت بلی او گفت : چند لحظه عینک تان را برای سردار صاحب امانت بدهید. عینک را برد ، چون تفاوت شماره موجود بود به بسیار مشکل بیانیه شانرا ایراد کردند. گاهی عینک را نزدیک چشم خود میگرفتند و گاهی دور ..زمانیکه بیانیه ایشان تمام شدو از استودیورادیو خارج میشدند ، با اظهار تشکر گفتند :

{خواهرم مثل اینکه بیانیه را شما خوانده باشید زیرا عینک از شما بود ... خندیدند و خدا حافظی کردند } این خاطره همیشه در ذهن خانم جمیله انوری باقی است.

در سال 1363 ش- کارت دعوت محفل تجلیل روز مادر ازطرف شورای سراسری زنان افغانستان برایش رسید، محفل در تالار کابل ننداری تجلیل میگردید.

اوهم در وقت معین داخل سالون کنفراس گردیدند ودر صف سوم در یکی از چوکی ها قرار گرفتند چند لحظه بعد یکتن از خواهران موظف نزدش آمد وبعداز احوال پرسى گفتند شما در صف اول بیاید. او در جواب گفت که شاید تعداد مهمانان زیاد باشد.



## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

خواهر موظف فرمود: شما هم مهمان هستید.  
در هر حال گردانندگی برنامه را خانم فریده جان انوری به عهده داشتند بعد از مراسم افتتاحیه اعلان شد که اکنون میپردازیم به معرفی مادران شایسته سال.  
چون آگاهی قبلی نداشتند که مادر شایسته سال کی خواهد بود بعد از شنیدن چند لحظه متوجه شد که بیوگرافی خودش قرائت میشود،  
بهر حال روی سنج رفتند و بعد از سپاس گذاری تحفه آماده شده را و دیپلوم افتخاری نطاقی را بدست آوردند و هم چنان در همین سال به عنوان نطاق سال جایزه مطبوعاتی را نیز نصیب گردیدند.  
در سال 1345 ش- در شهر کندز روزی مهمان یک شاعر بزرگ و گرانقدر وطن گردیدند و آن شاعر ارجمند قطعه شعر مقبول بر در وصف کار و فعالیت هایش سروده بودند برایش هدیه کردند.

# آوای ماندگار زنان افغانستان ماریادارو

بید شاعر

اشرملزم

۴۵ / ۱۲ / ۶۸

یک خانم با حسن و خیر است حمیده  
صافی تر از آینه و پاکیزه تر از آب  
این خانم با تریه در عالم عرفان  
وی جفت جباب باوری ضافصل  
در بنوخی ملقبی اگر هست معلم  
کویش کند این زن بره بریه طفل  
دوشیزه گمان چو خوش تریه سازد  
این خانم ساینه بود در خور بحب

یک بانوی دانا و بصیر است حمیده  
خوشبوی تر از مشک و عیرا حمیده  
خشنده تر از ماه غیر است حمیده  
هم در خوراوصاف کثیر است حمیده  
در مکتب اخلاق مدیر است حمیده  
در مسلک تسلیم دیر است حمیده  
خوش طینت و پاکیزه خوشایر است حمیده  
عالی منش و پاک ضمیر است حمیده

زین پس مکر حمیده و عالم نه بدو  
این مکرش رای و آفای بود  
این مکرش قدرم و کون  
در ستم رای و آفای بود

ما زرم چه گنی مع زنی را که به فرنگ  
در عرصه این شهر صیر است حمیده

پرو چشم خندا در ستم  
بر ستم رای و آفای بود  
تارهای که بخت بی است  
لشسته نشای و آفای بود

هم چنان در سال 1360 ش- 1981 میلادی جهت اشتراک در سمینار علمی بمدت یکماه از طرف وزارت تعلیم و تربیه عازم دهلی جدید کشور هندوستان گردید و با سند اعتبار دو باره بوطن برگشتند در سال 1364 ش- از طریق ناحیه سوم شهر کابل برای یک دوره انتخابی بحیث وکیل در مجلس نمایندگان مردم شهر کابل که در دارالمعلمین سید جمالالدین افغان دایر شده بود با بدست آوردن اتفاق آرا به عنوان وکیل انتخاب گردیدند و مورد استقبال گرم مردم قرار گرفتند. استاد بزرگوار طی خدمات ارزشمند شان از طرف مقامات مسوول معارف و مطبوعات تقدیر نامه ها و تحسین نامه های زیاد بدست آوردند، وی در دیار هجرت نیز از دیده مردمش دور نبوده در 1381 ش- 2002 میلادی برای اولین بار لویه جرگه بعداز سقوط طالبان در کابل افغانستان دایر میگردد و از هر کشور اروپائی دو نفر نمایند دعوت شده بود. وی بحیث نماینده افغانهای کشور هالند اضافه تراز چهل هزار نماینده مجاجرین افغان در هالند وی را بصفت وکیل در لویه جرگه انتخاب و اکثریت آرا را بدست آوردند ومدت چهار هفته راهی کشور زیبا و مجروح خویش گردیدند قابل یاد اوریست که تا حال چند بار مصاحبه های جداگانه با کانال های مختلف تلویزیون، روزنامه های مختلف در باره کشورش و وضع زنان افغان داشته است در ضمن یکتن از ژورنالیست های هالندی کتاب را بنشر رسانیده اند که بیانگر واقعیت ها و بدیختی های کشورهای مختلف، از جمله افغانستان میباشد از وی دعوت

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

بعمل آمد تا بدبختی های زنان و واقعیت های تلخ افغانستان را انعکاس بدهند کتاب متذکره بزبان هالندی با عکس ها و نوشته ها پنج نفر از پنج کشور بچاپ رسیده است. همچنان اسناد منبی بر دوره های کار خانم جمیله با خلص بیوگرافی و یک قطعه فوتوی ایشان در موزیم های بزرگ هالند تا سال 1390 هجری شمسی 2011 میلادی در معرض نمایش گذاشته شده است نام وادرس موزیم

Joke van Grootheest Museum

Stadhouderslaan 37

2517 HV

The Hague, Netherlands

در کنفرانسهای اروپائی و سمینار های که از طرف افغانان عزیز برگزار میگردد مصروفیت او را در حال بیکاری دو چندان ساخته است با افتخار از این خانم ادیب و معارف پرور و شایسته فرهنگی دعوت مینمایند

، محاجرت در دیار غربت تلخ ترین لحظات زندگی برای وی محسوب میشود بخصوص آن موقع که از کشور خویش محروم و از دور تماشاگر ویرانی های کشور خود بوده و با تاسف که از دست دادن وقت جهت پیشرفت و تمدن عقب گردانی تاریخ بطرف جهل و تاریکی، از بین بردن آثار تاریخی و فرهنگی بسود و نفع کوردلان تمام میشود که با مغز معیوب زیر نام مقدس اسلام و یا ملیت اقدام به

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

اعمال تروریستی و قتل عام و تخریب وطن زیبای مان میگردند که  
خلاف شرعیت اسلامی و ملی ما میباشد.  
چون وطن نباشد جان من مباد .



این فوتو در یک کنفرانس بین المللی میباشد.



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

همکار زاهد ماریا جان دارو:  
بعد از تقدم شدم و پوشیدن رو مقبولیت تمنا دارم با مایل محکم  
دارا رحمت کامل بوده و همیشه با لباس عافیت ملبس باشید.

قابل یاد آوری است اینکه:  
گام ارزنده و شمر را که بر رهنمود قابل ستایش است. زیرا تا حال هیچ یک از  
دشمنان اندر کاران و فرهنگیان بخصوص در دیار هجرت به این اندیشه نبوده اند.  
حتی جو یا ر حوال همکاران خویش در حالات گوناگون نشده اند، در پیشگاه  
رایشت سرگزنده و با هزاران زخم زبان، در دو اندوه کار که مطبوعاتی خویش را  
به پیش برده اند.

مخصوصاً زنان که با قبول دشواری و وقوفات از حد گذشتن محیطی حدی  
شانرا بر زنانه نگهداشتن و دفاع از حقوق زنان از دست ندادن جمع  
شاهان متاد از آن میگردد بلند میگردد و باید از آن ندهد قهرمانان  
یا در نمرده و شمر خوششند.

من به تو همکار عزیز این موفقیت را تبریک میگویم، واقعاً جمع آوری و نظم خاطرات  
آبده دوستایکه بفراموشی سپرده شده اند و یا دشمنان را دوباره زنده میکنند آنهم  
از نقاط مختلف جهان کار شده و آستان نیست.

در زمینه توطئه مندی زیاد درایت میخواهم.

موفقیت، کامکاری و شرف از توأم با صحت نصیب باشد.

بعضی اقوام  
جید زمان "الزیدی"  
کشور هند 11-05-2007

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

خواننده عزیز افتخارات خانم زمان انوری به فرد فرد افغان که عشق وطن و وطن پرستی دارند مربوط است ما مادران گرانقدر جمیله ها داریم و دانش شان در برابر زنان جهان کم نیست مگر تفاوت ها در کجاست ؟

بخاطر تبارز ندادن کارهای پرافتخار زنان کشور هیچ گاه بطور آگاهانه چند سطری نوشته نشده است. زنان افغان در مجموع پرافتخار ترین زنان دنیا محسوب میگردند. با ابراز سپاس از خان انوری که بنده رازره نوازی نمودند.

### مستوره شال

جسور زن دیگر افغان که خود آموزگار بود بر علاوه وظیفه مقدس معلمی از طریق امواج نشراتی سرویس خبری پشتو را قرائت میکرد او با اواز مقبولش خبر های مهم را بگوش هم وطنان ما رسانید چون هم معلم بود و هم شاعر، اخبار پشتو را با فصاحت قرائت میکرد.

برای معرفی این خانم ادیب، شاعر توانا و آموزگار دوران جوانی ام که خودم افتخار شاگردی شان را داشتم این چند سطر بسنده نیست، اما با تاسف که در پیدا کردن اقارب و خانواده مرحوم بسیار تلاش کردم، نتواستم فردی پیدا کنم که از افتخارات این قهرمان زن غیور

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

معلومات مفصل بدستم میسر سید تا خدمت خواننده گان محترم تحریر میگردم به پاس احترام شاگردی ام که اشعه از نور دانش اوزهن و ضمیرم را از تاریکی رهانیده است به مقام ولای او ارج میگذارم زیرا زندگی اجتماعی وابسته به استاد است اگر اجتماع بدون رهبری دانشمندان و استادان به بلوغ برسد زندانی را مانند که بدان شمع افروخته نشده است استاد گرامی مستوره شال در جمع مانیت روحش را شاد میخوایم .

### رقیه حبیب ابوبکر



در 1298 ش - 1919 م  
در قریه چهلستون نواحی  
کابل تولد شده است. پدرش  
مرحوم سید حبیب سابق  
مستوفی کابل و مادرش  
مرحومه زینت بودند.  
اوشاگرد صنف دوم مکتب  
مستورات عهد امانی بود  
وبعد در 1319 ش- بحیث  
معلم لسان فرانسوی شامل  
خدمت گردید. ضمناً بحیث



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

سامع دروس خود را تعقیب کرد. در سال 1325- ش باخذ بکلوریا نایل و در سال 1331 ش- از فاکولته اجتماعیات درجه لسانس را اخذ نمود. در سال 1319 تا 1328 ش- در مکتب اندرابی وبعد ها در لیسه زرغونه بحیث معلم و سرمعلم و معاون ایفای وظیفه مینمود. بعد بموسیسه نسوان بحیث مدیر کورس های سواد آموزی تبدیل شد تا 1340- ش بحیث مدیر عمومی تبلیغات، مدیریت های مجله میرمن، نمایشات روابط خارجی، باغ زنانه، کودکستان و کتابخانه را عهده دار بود. بعد عضو انجمن تاریخ و سپس آمر نشرات ریاست سره میاشت افغانستان تعیین شد و برای یکمدت طولانی یکی از اولین نطاقان اناث رادیو افغانستان بود. در سال 1345- ش عضولویه جرگه برای تدوین قانون اساسی بود. در انتخابات سال 1345 ش -بحیث کاندید ناحیه اول و دوم شهر کابل با موفقیت شرکت و تا 1349 ش -بحیث نماینده مردم آن دو ناحیه شهر کابل در شورای ملی افغانستان بذل مساعی مینمود. در سال 1352 به ریاست سواد آموزی مقرر گردید ولی با کودتای 26 سرطان 1352 ش- بدوره ماموریت او خاتمه داده شد. او در نهضت دموکراسی و بخصوص نهضت نسوان سهم فعال داشت و پیشقدم بود تا آخرین روزهای عمرش بدان وفادار ماند. خانم حبیب ابوبکر علاقه فراوان به نویسندگی داشت. اثار، تراجم، اشعار و مقالات سیاسی و اجتماعی بنشر رسانیده با معارف و

## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

مطبوعات کشور بشمول مطبوعات بیرون مرزی همکاری داشت و موفق به اخذ جوایز زیاد مطبوعاتی کشور گردیده بود. بعضی از آثارش اقبال طبع یافته عبارت اند از: گلهای خودرو در 1322-ش، زمرد در سال 1326ش، زنان تاجدار در سال 1329ش و قله زمان، مجموعه شعرجهاد در سال 1367ش. تراجم طبع شده عبارت اند از: ولاتین اثرخانم ژرژسانداز فرانسوی طبع در 1218 حایزاولین جایزه مطبوعاتی برای زنان در افغانستان، انامارنیتا اثر تولستوی از فرانسوی طبع 1324ش، مادامترز اثر ارکمان-شانریان از فرانسوی طبع 1325ش، چوب دست بیتی اثر الفردووینی طبع در پاورقی انیس در 1327ش، کلیوپاترا اثر میشل پره امور از انگلیسی ترجمه به دری، طبع در سال 1340ش، ورساله لیلیان وایلد از انگلیسی بدری، طبع در سال 1341ش از طریق سره میاشت، بیرق سرخ برفراز افغانستان اثر توماس هاموند از انگلیسی بدری، طبع در سال 1371ش، ورساله زنان افغان اثر می اسکینازی از فرانسوی بدری، طبع در سال 1377ش، هم چنان ترجمه طاق ظفر اثر اریاد ماریار ومارک و مجموعه اشعار بنام روشنایی وکتاب ساحل، موج و گهر آماده طبع میباشد. خانم ابوبکر در سالهای اخیر عمر بحیث پناهنده در امریکا، از راه قلم ومصاحبه واشتراک در مظاهرات کارهای خیریه از جمله عضو هیئت مدیره موسیسه کمک به اطفال افغان ومشاور تلویزیون "نوای افغان" در خدمت مردم خود فعالیت مداوم

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

داشت وزیادترین وقت خود را صرف پرورش نسل های تازه وارد افغان در امریکا میکرد.  
خانم رقیه ابوبکر با مرحوم داکتر ابوبکر ازدواج کرد.  
داکتر ابوبکر یک انسان مبارز و روشنفکر بود و درسالهای سی در حزب وطن تحت رهبری شادروان میر غلام محمد غبار فعالیت داشت که در اثر آن فعالیت با یکتعداد آزادی خواهان دیگر حزب وطن زندانی گردیدند.  
خانم رقیه حبیب ابوبکر در سال 2002 میلادی در الکساندریه ورجینیا امریکا داعیه اجل را لبیک گفت.  
" انا لله وانا الیه راجعون"

نوت : این گزارش ازطرف نسرين گروس دختر خانم ابوبکر برایم رسیده است.



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریادارو

---

### شهلا جیلانی



### شهلاجیلانی موقع گویندگی

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

از جمله سپاهیان مبارز، نهضت دموکراسی نسوان بودند و از اولین دختران جوان بود بخاطر تقویت و رشد دموکراسی باگروپ زنان تیاتر پیوست و نهضت دموکراسی اناث را تقویت کرد. بعد برای تحصیلات به کشور مصر رفت، در بازگشت بوطن در رادیو افغانستان بصفت گوینده جوان و توانا در بخش های مختلف برنامه های متعدد را گویندگی نمود و متصدی برنامه جوانان را نیز بدوش داشت. مردم از طریق خدمات فرهنگی چه ازورای امواج رادیو و چه از طریق تیاتر با صدای مقبولش آشنایی داشتند. چون بخاطر نهضت زنان درفش مبارزه را در اهتزاز نگهداشت و بخاطر این ارمان، از حصار خانه بیرون قدم نهاد و مردمش را با پیام های صبح گاهی و برنامه جوانان و غیره پروگرام های رادیو افغانستان مخاطب قرار میداد.

شهلا جیلانی نهال پرشگوفه یی بود که بدست خشم حوادث، در اثر یک حادثه دلخراش ترافیکی پر پر شد در جوانی از بین رفت و همه مردم کشورش را در سوگش داغدار نمود. روانش را شاد باد.

انالله وانا الیه راجعون

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---



خانم حبیبی و آقای عنایت شریف

### شفیقه محمود حبیبی

کتاب حاضر بیانگر احوال، زندگی شخصی و اجتماعی و فرهنگی زنان  
رسالتمند کشور ماست .

زنان پیام او صلح و محبت اند . پرورش دهنده روان انسانی و  
تکمیل کننده جوامع بشری میباشند.

## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

تا زمانیکه آخرین اشعه نور خورشید در دل زمین میخلد و تا زمانیکه ستاره های آسمان بروی انسان لبخند میزند و تا زمانیکه تسلسل بشر ادامه دارد، تلاش زنان برای بهبود زندگی، عدالت اجتماعی، تامین برابری زن و مرد و از بین بردن تبعیض ادامه دارد.

موجودیت زنان در همه امور زندگی فردی و اجتماعی امریست ضروری و هربرگ این کتاب از خدمات ارزش مند و شهکاریهای زنان رسالتمند وطن ما بحث میدارد.

شفیقه حبیبی یکی از همان جمله زنان کشور ماست که در ساحه مطبوعات خدمات زیاد انجام داده اند. از جمله نطاقان برجسته، خوش صدا بوده که کارنطاقی با رادیو از زمان که (رادیوکابل) در پل باع عمومی موقعیت داشت، شروع کرده است او از جمله گلدسته های بوستان لیسه ملالی بود که راهی بوستان فرهنگ گردید. عشق گویندگی در وجودش جوانه زد و این جوانه ها به نهال سرسبز مبدل گردد به زودترین فرصت به قرائت اخبار راساً پرداخت. استعدادش تنها در خوانش اخبار محدود نماند بلکه برنامه های مختلف را قرائت کرد. خواندن برنامه های هنری و ادبی، تبصره های سیاسی، برنامه های خاص ملی با حنجره خوش الهام او به گوش مردم رسیانیده شد. زمانیکه رادیو کابل به وسعت رادیو افغانستان انکشاف کرد، شفیه نیز پربار تر گردید شیرین ترین لحظات حیاتش در انجام خدمات اجتماعی صرف کرد مگر صرفاً به خدمات ژورنالیستی اکتفا نکرد بخاطر رهائی زن از ستم بیسوادی، بیکاری، مظالم

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

اجتماعی بخاطر شکستن زنجیر دست و پاگیر زنان افغان و طلسم مرد سالاری دست بفعالیت‌های چشم‌گیر زد و یکی آنهم مبارزه بزرگ انتخابات ریاست جمهوری (2004) میلادی همراه با یک خانم دیگر بنام مسعوده جلال از جمله کاندیدان ریاست و معاون ریاست جمهوری بودند تا زن افغان را در انظار جهانیان مطرح ساخته باشد. بدین صورت در هر گونه شرایط به مبارزه پیگیر خود ادامه داد است.

او از درد زنان هموطنش آگاه بود و حق تلفی زنان در خانواده و اجتماع روح و روانش را می‌آزرد. بخاطر انجام رسالت‌های فرهنگی از سالهای 1349 تا 1373 ش- مطابق 19970 تا 2004 میلادی بر علاوه نطای، تدریس کورس‌های نطای را رادیو تلویزیون پیش برده و خوبترین نطاقان از جمله شاگردان اوست که در زندگی نامه خود نطاقان نیز انعکاس داده شده است.

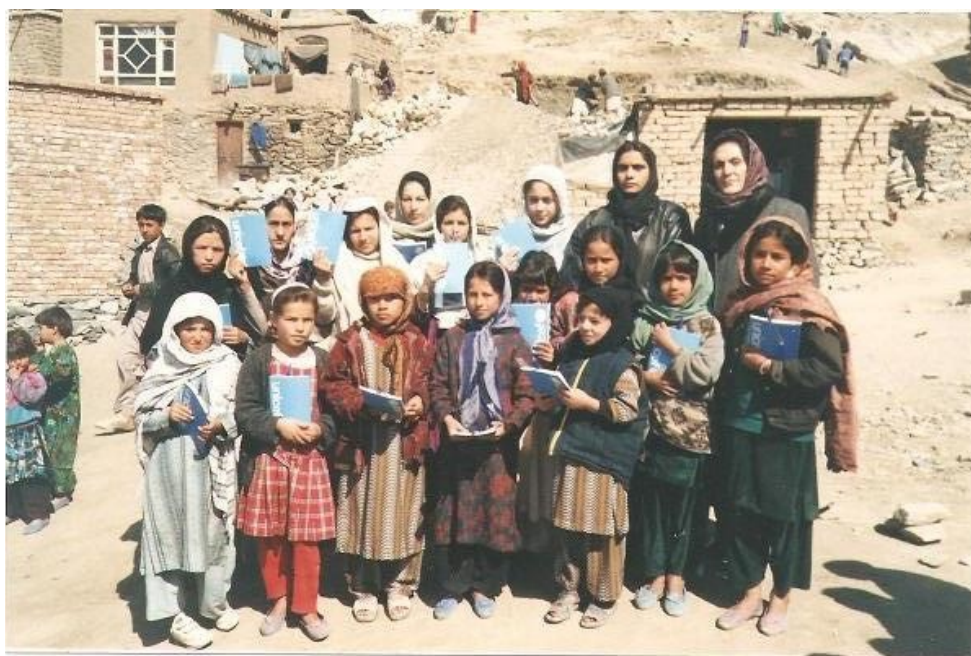
در اوضاع نا بسامان جنگ‌ها از آغوش مادر وطن جدا نگردید و در هر نوع شرایط درفش دموکراسی زنان را در اهتزاز نگهداشت. بخصوص برای تجلی نور علم، کورس‌های سواد آموزی را با یک گروپ از زنان دیگر ایجاد کرد در این کورس زنان و کودکان از سواد بهره‌مند شدند و هم‌چنان با کشف استعداد زنان در رشته‌های مختلف برای جلوگیری از فقر و بیکاری برای خانم‌ها کار ایجاد کرد که دران شرایط این عمل بشردوستانه او از اهمیت بزرگ بر خور



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

دار بوده است زیرا زنان با کار های هنر افرین دستی به تولید پرداختند و مزد که بدست میآوردند برای نطقه فامیل شان در شرایط جنگ نعمت بزرگ بوده است.  
از سالهای 1378 تا 1380 مطابق 1999 تا 2001م- بحیث مدیر ورهبر انجمن زنان را ایفا نموده است.



خانم حبیبی در مکتب با شاگردانش دیده میشود

بخاطر رسالت ژورنالستی که داشت در هر کنفرانس که بمناسبت قضایای افغانستان دایر میگردید ، اشتراک نمود و در باره حل پرابلم

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

های افغانستان و حقوق زنان افغان صدای زن افغان را بگوش  
جهانیان رسانید او در کنفرانس ها ،میز های مدرو ، مباحثات سیاسی  
در کشور های ذیل حصه گرفته است .

در سال 1380ش- مطابق 2001 میلادی در کنفرانس بین المللی  
منعده بروسل کشور بلجیم به حیث رهبر زنان افغان حضورداشت  
ودرهمین سال درشهر نیوریاک ایالات متحده امریکا در کنفرانس  
دیگری اشتراک وبا اعضای کنکرنس ایالات متحده امریکا واقای  
کافی عنان سرمنشی ملل متحد دیدار نموده ودر جلسه شورای امنیت  
اشتراک ومسایل مربوط به افغانستان وحل پرابلم زنان افغانستان را  
مورد بررسی قرار داند.

در سال 1381ش- مطابق 2002 میلادی درکنفرانس منعده  
کشور هالند بخاطر زنان افغانستان اشتراک و بیانیه بخاطر وضع  
فعلی زنان ارائه نمود.

در سال 1382ش- مطابق 2003 میلادی به حیث نماینده زنان  
افغانستان در پارلمان کشور ایتالیا سخن رانی نمود.  
درسال 1382 خورشیدی مطابق 2003 در کنفرانس کشورالمان  
درمورد جندر وقانون اشتراک نمودند. در 1384ش- 2005 میلادی  
در میز مدور بین المللی زنان جهان سوم منعده شهر نیوریارک  
ایالات متحده امریکا ودیدار باخانم کانه لیزا ریس وهم چنان  
اشتراک در شصتمین اسامبلی ملل متحد درهمین سال اشتراک کرد.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

در سال 1385 ش-مطابق 2006 میلادی به حیث عضو کمیسیون عالی یونسکو وایسکو در کنفرانس منعقدہ پاریس اشتراک نمود که روی ستراتیژی دراز مدت و کوتاه مدت اطلاعات و ارتباطات رسانه های همگانی افغانستان با یک گروپ از ژورنالستان داخلی و خارجی



خانم شفیقه حبیبی و آقای حسین انوش - موقع قرائت اخبار شب

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

کار کرد و در همین سال در کنفرانس ممالک آسیای جنوبی در کولمبو-روی {سهمیه زنان افغان در پارلمان} سخنرانی کرد . در سال 1386ش-مطابق 2007 میلادی طی سفر رسمی بخاطر ملاقات ژورنالیستان زن در پاکستان و تحکیم روابط ژورنالیستی بین دول در کنفرانس اشتراک نمود .



خانم حبیبی در این تصویر از جمع 21 رهبر زنان 21 کشور اشتراک کننده در حال تقدیر دیده میشود

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

در دوره های کارش جوایز و افتخارت زیاد نصیب گردیده است  
در سال 1343 ش- 1964 میلادی ملقب به بهترین نطق اخبار  
در ساله 1353 ش- 1974 میلادی = = دیکلماتور  
در سال 1359 ش- 1980 میلادی = = بهترین خانم  
در سال 1366 ش- 1987 میلادی در هشت مارچ بهترین خانم  
در سال 1374 ش- 1995 میلادی به حیث بهترین ژورنالیست  
در سال 1381 ش- 2002 میلادی لقب یکی از (21) رهبر زن در  
قرن (21) را در شهر نیویارک بدست آورد و در همین سال جایزه  
بین المللی {شجاعت در ژورنالیزم} را از موسسه {ومن ای نیوز}  
اخذ نمود.

### {Women,s E news honor }

در 1382 ش- 2003 میلادی بعد از سقوط طالبان و تاسیس دولت  
جدید افغانستان در اولین لویه جرگه اشتراک نمود.  
از سال 1382 تا 1383 ش- 2001 تا 2002 میلادی بحیث مدیر  
رسانه های جمعی در کمیسون حقوق بشر ایفای خدمت کرده است.  
در سال 1379 تا 1384 ش- مطابق 1980 تا 2005 افتخار عضویت  
اتحادیه ژورنالیسان افغانستان را داشته و با اخذ دو مدال و یک نشان  
افتخار از اتحادیه ژورنالیستان نایل گردید و فعلا به حیث عضو  
اتحادیه ملی ژورنالیستان و موسس و مسؤل مرکز زنان ژورنالیست  
اتحادیه میباشد.

## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

در سال 1385 ش- 2006 میلادی در یک گروپ خانم های سیاسی {کمیته مشترک سیاسی زنان} به حیث مسؤل این کمیته انتخاب گردیده است.

در سال 1386 ش- ( 2007 ) میلادی در موسیسه فرهنگی آموزش «نوا» که شخص خانم حبیبی مسؤل آن است ، استودیوی تولید برنامه های تلویزیونی برای زنان را تاسیس نموده است تا زنان را در موارد سیاسی، حقوقی، فرهنگی آموزش داده و جهت بلند بردن ظرفیت های آنان برنامه ریزی نماید.

این برنامه از طریق کانال های تلویزیون افغانستان به نشر میرسد.

محترمه شفیه حبیبی همراي محترم دکتور اکادميسين محمود حبیبی ازدواج نمودند و دارای یک دختر بنام درخانی فهیم حبیبی و یک پسر بنام سلطان مصطفی حبیبی میباشند.



## شکریه رعد



در زمانهای پیشین بوظیفه  
ژورنالیزم عموماً مردان اشتغال  
داشتند مگر زمان سیرتکاملی  
خود را پیمود و خانواده های  
منور برای سهم گیری بانوان  
جوان شان در عرصه خدمات  
اجتماعی اجازه دادند.  
اولین چهار زن ژورنالست در  
سال 1343 ش- 1964 میلادی  
از پوهنتون کابل فارغ و به  
خدمات اجتماعی همت گماردند.  
خانم شکریه رعد یکی از همان  
چهار ژورنالست شناخته

و معروف کشور بشمار میرود. پوهنتون کابل در همان سال بیست  
چهار نفر ژورنالست را به جامعه تقدیم نمود و از جمله چهار  
ژورنالست هریک خانم شکریه رعد، خانم نورجهان فارانی، خانم  
مهریه رفیق مستمندی و خانم نوریه نورستانی از طبقه اناث و بیست  
نفر از فارغان از طبقه زکور بودند.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

شکریه رعد در سال 1338 ش - 1959 میلادی که صنف یازدهم لیسه ملالی بود بر علاوه دفتر داری به صفت مرتب و گوینده پروگرام اطفال رادیو کابل بکار آغاز کرد. وی در سال 1339 ش - 1960 میلادی در کورس نطاقی رادیو که تحت نظر استاد مهربان نظر اوف و بعداً آقای فریمین استاد امریکایی دایر میشد، با نطقان دیگر چون شفیقه جیبی، مهدی ظفر، نیک محمد قائل، جمیله زمان انوری، محترم یوسف زاده و دیگران اساسات نطاقی و گویندگی را آموخت. در ختم کورس به حیث شاگرد ممتاز فوتوی او در پستی مجله ژوندن بچاب رسید که بحیث اولین تشویق فرهنگی در زهنش تا اکنون باقیست. بعد از ختم لیسه ملالی و شامل پوهنتون کابل گردید و با بدست آوردن دیپلوم لسانس رشته ژورنالیزم، بخاطر کسب تجارب عملی به {توامیت رادیو ویست دویچه روند فونگ} عازم المان شد. بعد از آموزش لسان به کار عملی در برنامه های اطفال، جوانان و زنان رادیو المان همکاری نمود و یک پروگرام را تحت نام (من و مادرم)

### Meine Mute Und Ich

که زندگی دو سنل افغانستان را مقایسه مینمود و نشان دهنده تفاوت سن و زمان بین جوانان و کهن سالان بود، بزبان المانی شکسته خانم رعد چند بار نشر شد و مورد پسند مردم المان قرار گرفت و بعد شهادت نامه ژورنالیزم علمی و رادیو ژورنالیزم را بدست آورد. در برگشت به افغانستان پروگرام های کورنی ژوند، زن و زندگی



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

وجوانان ما در خارج را بر شیوه جدید عامیانه برای اولین بار در رادیو افغانستان که تازه در تعمیر جدید انصاری وات مقابل کلوپ عسکری منتقل شده بود ، اساس گذاشت .

پروگرام های متذکره مورد علاقه مردم قرار گرفت و پیوند عمیق شنوندگان با متصدی برنامه برقرار گردید و چنان از تشویق و محبت مردم برخوردار بود که حتی بر روند زندگی عادی خانم رعد اثر گذاشته بود. از تلاش خانم رعد این ژورنالیست پرکار پروگرام کورنی ژوند از محبوب ترین برنامه های رادیویی وقت شد و جوایز و انعاماتی نیز از وزارت اطلاعات و کلتور بدست آورد و تقدیر نامه درجه سوم از طرف مرحوم صدقی وزیر اطلاعات و کلتور وقت برایش اعطا گردید.

به ابتکار خانم رعد در برنامه جوانان ما در خارج نیز سبک و یا شیوه عامیانه گنجانیده شد و یکی از خاطره های خانم رعد از مرحوم احمد ظاهر در برنامه جوانان ما در خارج از این قرار است: ( یکی از روزها صحبتی با مرحوم احمد ظاهر که در برنامه جوانان ما در خارج انجام دادم ، برای محصلین خارج نشر گردید . احمد ظاهر با مصاحبه رابطه خوب نداشت وقتی در استودیوی ثبت رادیو با وی ملاقات کردم ، با بسیار احترام گفت "شکریه جان قصه مصاحبه را بگذار برای کسانی که از صحبت خوش شان میاید ، حالا شما چه خواهید پرسید حتمی سوال میکنید که از کدام غذا خوش تان میاید ؟ شعر کدام شاعر را خوش دارید ؟ از چه وقت به خواندن

علاقه مند شدید؟" من قبلاً انجینیر ثبت اشارتاً از موضوع مطلع ساخته بودم چون احمد ظاهر عادتاً یکجا قرار نمی گرفت و من هم با میکروفون وی را همراهی میکردم. گفتم امروز در استدیو چه میکنید؟ جواب داد یک دو آهنگ ثبت میکنم و در باره آهنگ هایش و انتخاب شعر و کمپوزهای موسیقی بسیار طبعی به سخن پرداخت و بالاخره گفت: شکریه جان یکروز که وقت داشتیم، میشینیم و صحیح صحبت میکنیم... باور کنین گفتنی زیاد دارم.... و بعد احترامانه گفت "نمره تلفون تانه بتین مه هر وقت که فارغ بودم برتان تلفون میکنم"

گفتم: ظاهر جان مصاحبه من تمام شد اگر اجازه بدهید اولین آهنگ را که امروز ثبت کردید در این مصاحبه بگنجانم. قهقهه خندید وقتی میخندید.. و سرش را بالا میگرفت و گفت "راست میکن... خدا میداند مه چه گفتیم"

وقتی انجینیر ثبت فته ثبت مصاحبه را برایش شنواند از صحبت بی آرایش خوشش آمد و گفت: "دلتنان راست گفتید بسیار طبعی آمده" این مصاحبه در ارشف رادیو افغانستان پیدا میشود. ایکاش یک کاپی انرا میداشتم).

در آن زمان سبک عامیانه و خودمانی و صمیمانه در کار نشرات رادیو معمول نبود اکثر آ نطاقان و مصاحبه کننده گان بسیار رسمی صحبت میکردند که از فهم مردم عادی جامعه خیلی بلند بود و نویسندگان های عالی مقام کسانی بودند که نوشته های شان را حتی

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

دانشمندان ادب و فرهنگ بدون مراجعه به قاموس های بزرگ فهمیده نمی توانستند و همین نشانه دانش و راه نویسندگی در آن زمان در افغانستان بود. بعضی از نویسندگان کلماتی را که از سطح فهم مردم عادی بلند بود، جمع میکردند و در سرمقاله روزنامه ها و جراید می نوشتند.

خانم رعد بعد از یک مدت کار در ادیو باز هم برای پروگرام تعلیمی تحت پلان کلمبو برای نوشتن و تهیه برنامه های تعلیمی

### School Broadcasting

در سال 1347 ش- 1968 عیسوی به کشور استرالیا سفر کرد. پروگرام های تعلیمی در آنجا برای شاگردانیکه به مکتب دسترسی نداشتند از طریق رادیو نشر میگردد که بنام نشرات تدریسی یاد میشد. تعداد زیاد از نمایندگان رادیو های کشور های در حال رشد در این ورکشاپ اشتراک کرده بودند.

خانم رعد با نوشتن و تهیه یک برنامه بیست دقیقه یی در باره رابعه بلخی که از طرف هنرمندان رادیوی استرالیایی برای شاگردان صنوف هشتم نشر شد و بهترین جایزه را نصیب گردید، همکاری نمود. وی باکسب تجارب عملی آرزو داشت تا از طریق نشرات تدریسی برای اطفال افغانستان خدمت انجام بدهد. روی این آرزومندی صد ها نوع کتب تدریسی که از طریق رادیو نشر گردیده بود با پرداخت پول گدازاف با خود به افغانستان انتقال داد. اما زمانی که

بوطن برگشت با وجود آنچه آموخته بود، در رادیو مقرر نگردید زیرا کار با حکومت وقت به اراده و صلاحیت دیگران بود. اطلاع این حادثه غیر قابل بارو برای خانم رعد جز اشک ریختن و تاسف کردن با آن همه مصارف و اندوخته علمی چیزی دیگری نبود. چنانچه مرحوم داکترانس وزیر اطلاعات وقت برای تسلی اش گفت «برای تو یک کار بسیار مهم تری در نظر دارم و آن مدیریت مجله هفته وار ژوندون است که از نظر صلاحیت و رتبه یک نوع ترفیع بشمار میرود» چون خانم رعد با کسب تجارب رادیویی نمیتوانست پست مجله ژوندون را قبول کند. داکترانس دوباره اظهار کرد ببین من یک داکتر سیانس هستم مگر وزیر اطلاعات مقرر شدم و از اطلاعات و کلتور تجربه و اطلاعی ندارم مگر خدمت، خدمت است.

به هر حال خانم رعد اولین زن بود که بحیث مسوول مجله و با یک مسوولیت عظیم تقرر حاصل کرد. در سال 1348 ش- مجله ژوندون هر هفته در (32) صفحه با تیراژ دو هزار نسخه به طبع میرسید، مدت پنج سال کار در مجله تعداد صفحه با (100) صفحه و تیراژ (10) هزار در هفته طبع میگردد با آن همه مصروفیت های کار مجله، نسبت انسی که با میکروفون و نشرات داشت سری به رادیو افغانستان میزد و در برنامه جوانان ما در خارج همکاری میکرد و همچنان صحفات زنان را در روزنامه اصلاح و انیس نیز مینوشت. مصاحبه های زیادی با خانم های سرشناس دنیا که از

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

افغانستان دیدن میکردند ، انجام میداد. خاطرات از آن صاحبه ها که تا حال در زهنش باقیست عبارت از مصاحبه با خانم اندرا گاندی صدراعظم هند، خانم جوزف بروز تیتو بانوی اول یوگوسلاویای وقت، خانم ژورپامپیدو از فرانسه، هنرویش لوپکه ریس جمهور المان هنگام باز دید رسمی از افغانستان.

مجله ژوندون با داشتن همکاران موفق قلمی چون استاد علی اصغر بشیر، روستا باختری، اعظم رهنورد زریاب، ناصر امیری، جلال نورانی و در بخش اداری مرحوم توران شاه شهیم در همه اقشار جامعه محبوبیت بی نظیر کسب نمود.

صفحات گذارشات جنایی و داستان های کوتاه رهنورد زریاب، صفحات شعر و ادب ناصر امیری، داستان های دنباله دار روستا باختری، صفحات تحقیق و بررسی استاد علی اصغر بشیر ، صفحات داستان نویسی محترم جلال نورانی ، صفحات جوانان که مرتب آن پسر استاد بشیر بودند ، برای خانم رعده یک تجربه بزرگ بود و از آزمون زمان موفق بدرآمد. هر هفته که مجله برای طبع آماده میگردید یکنفر از کارگرهای روحانی مطبعه قبل از رفتن مجله جهت طبع بالای ماشین بار بار برای دفع نظر دعا میخواند.

خانم رعده در مجله ژوندون نیز دست به ابتکار بزرگ زد، برای اولین بار دختران برگزیده را اعلان نمود به صد ها بانوان جوان از مرکز و ولایات خود را کاندید نمودند. سرانجام پنج دختر از ولایت هرات، کندهار، کابل به صفت دختران برگزیده انتخاب شدند که

## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

مورد توجه و استقبال مردم در سرتاسر افغانستان قرار گرفتند. در شب که برگزیدگان اعلان میگردید، محفل با شکوه برای برگذاری مراسم ترتیب در آن محفل مقامات عالی رتبه دولتی حضور داشتند و خانم شاه دخت بلقیس طی مراسم خاص تحایف دختران برگزیده را اعطا نمودند. آن محفل با گویندگی زنده یا مهدی ظفر که با آواز رسایش شکوه و هیجان محفل صد چند افزون میکرد، مورد توجه خاص مردم افغانستان قرار گرفت. از فروش تکت های محفل باشکوه آن شب برای معیوبین تریسیکل خریداری گردید که در مجله ژوندون نیز گزارش آن اقبال چاپ یافت به خاطر ابتکارات خانم رعد مسوول مجله ژوندون از طرف وزاری وقت اطلاعات و کلتور هریک محترم دکتور محمود حبیبی و مرحوم ابراهیم عباسی تقدیر نامه های اعطا گردید. شایان یاد آوریست که در آن زمان در پهلوی دانش علمی، تلاش و فعالیت واسطه و سیاست جاری وقت نقش مهم در تعیین و تقرر کارمندان دولت داشت. با وجود همه ابتکارات چشم گیر خانم رعد از مدیریت عمومی مجله ژوندون در بست مدیریت کمکیانو انیس با تنزیل رتبه تبدیل گردید.

در همین حالت که مایوسی برایش دست داده بود وزارت اطلاعات و کلتور برای نطق دری به رادیو آل هند یا ضرورت داشت و صد

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---



شادخت بلقیس با انیسه لطیف، خانم شکریه  
رعد در وسعت دیده میشود

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

نفر برای امتحان خود را کاندید نموده بودند ، وی از همین چانس استفاده نمود بعد از سپری نمودن امتحان ترجمه دری به زبان انگلیسی موفق گردید و برای پنج سال بحیث نطق دری در آل هند یا رادیو تقرر حاصل کرد. در هند با ابتکارات تازه دست زد برنامه های مختلف را خود تهیه کننده، گوینده، مترجم فلم های هندی به زبان دری بود و درکنار آن برای بدست آوردن ماستری خود در پوهنتون شبانه درس خواند که در رشته فارسی باستان از دانشگاه دهلی در سال 1358 ش- 1979 عیسوی دیپلوم ماستری خود را بدرجه اعلی بدست آورد. در طول پنج سال کار در آل هندیا -رادیو پیوند عمیق با شنوندگان پیدا نمود .

در هر ماه یک جوال (بوجی) از کابل ولایات به ادرس سفارت هند در کابل به عنوان خانم رعد نامه میرسید که سولات ایشان معمولاً از ستاره های فلم هندی بود که از طریق آل هندیا -رادیو با آنها آشنایی پیدا کرده بودند ، نطق وگوینده رادیو باید با احساس شنونده خود آشنایی پیدا کند و با روحیه آنها پروگرام ترتیب نماید که این یگانه راز موفقیت نطق وپردیوسر میباشد.

بعد از ختم پنج سال، بوطن برگشت این بار در رادیو تلویزیون بحیث مدیر عمومی فلم های تلویزیون مقرر گردید .

تلویزیون افغانستان تازه به فعالیت آغاز نموده بود به جز فلم های مجانی که از هرکشور مختلف برای تلویزیون ارسال شده بود و آنهم در قطعی های معمولی در یک اتاق انبار گردیده بودند، وی با یک



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

تن از مشاورین جاپانی روز ها برای دسته بندی فیلمها و آماده ساختن آن برای نشر فعالیت نمودند. با شرایط محدود مگر با همکاری کارمندان مستعد چون آقای حمیدالله ضیایی، احمد شاه فضل، ظاهر هویدا، صاحب جان شکیب، سلطانعلی شنبلی، وروشان (پسر خالدروشان) تلویزیون افغانستان در دوبلاژ دو سریال های فرانسوی و آلمانی همت گماشتند و چندین فلم هندی را خانم رعد ترجمه نمودند. فلم های کارتونی مورد استقبال و پسند اطفال و بزرگ سالان قرار گرفت چنانچه یک مدت طولانی خانم رعد به اسم قهرمان فلم کارتونی فرانسوی بنام "کولر گول" مسما گردیده بود. گرچه از نظر مصونیت سالهای دشوار بود تا در سال 1358 ش- که قوای سرخ روسیه به افغانستان حمله کرد و خبر مرگ یک نفر محافظ دروازه استودیو ها که در آن شب مقاومت کرده بود برایش خیلی تکان دهنده بود از آن به بعد به فکر رهایی مهینش گردید. در سال 1359 خورشیدی 1980 عیسوی راهی دیار غربت گردید و بعد از مدتی اقامت در کشور های هم جوار، به امریکا رفت و در سال 1361 خورشیدی 1982 به بعد در رادیو صدای امریکا به فعالیت نشراتی آغاز نمود. در رادیو صدای امریکا بر علاوه خوانش اخبار پروگرام جواب به نامه ها را اول بنام نامه ها و گفتنی ها و بعد به عنوان نامه ها و خاطره از اکثریت شنوندگان خارج از افغانستان که تشنه شنیدن اخبار مربوط به افغانستان بودند، نشر میکردند. خانم

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

رعد از تجربه تلخ جنگ و کار ژورنالیستی دور از وطن برایم چنین نگاشته است:

"بخاطر دارم یکتعداد اطفال افغانی را که در اثر انفجار ماین ها معیوب گردیده بودند و برای تداوب به امریکا آورده شدند، دشوار ترین کار من به حیث یک ژورنالیست بود درحالیکه سعی میکردم جلو اشک هایم را بگیرم و آوازم عادی باشد اما متوجه بازوان بدون دست وپایی و یک عده وسوختگی روی دخترکان شدم که والدین شان بخاطر اینکه بدست عساکر روس نیافتند، آنها را در تنور داغ پنهان کرده بودند از دیدن چنین حادثه موقع مصاحبه انقدر دست چپم را با قلم فشار داده بودم ، وقتیکه مصاحبه تمام شد خون ار دستم جاری گردید. اخبار جز زندگی همه کارکنان رادیو صدای امریکا شده بود و سعی میکردیم خبر های مربوط افغانستان را به مردم انکشور برسانیم. یادم میاید که یکی از درامه نویسان صدای امریکا همراهی من مصاحبه کرد ، حالت خراب داشتم که مجبور بودیم بار بار مصاحبه را متوقف سازیم تا گریه هایم تمام شود،

"ماریای عزیز آنچه از دل برمیاید روی کاغذ برایت نگاشتم "

او در نشر برنامه های مختلف رادیویی مانند مقاومت، نوروز مهاجرین، سه سال سیاه و هم چنان پرودکشن برنامه ها بزبان اردو در رادیو صدای امریکا حایز جایزه گردیده است. خانم رعد در شروع صفحه برایم نوشته بود که "از کجا شروع کنم " راستی سابقه چهل سال کار ژورنالیستی در داخل کشور با تغییرات

وتحولات و در خارج از کشور با بدست آوردن اخبار مربوط به مادر وطن از تجارب، خاطره ها خوب و بد، اندخته های عملی کار، اندخته های دوره تحصیل همه به حجم یک کتاب است که خانم رعد شمع آنرا با حوصله مندی برایم نگاشته بود، خدمت خواننده عزیز تحریر گردید. باید متذکر شد که خانم شکریه رعد همراهی زنده یاد عظیم رعد مطبوعاتی معروف ازدواج نمودند و هر دو شان نخبگان معروف سرزمین ما بودند. خانم رعد همان طوریکه رسالت ژورنالیستی خود را در داخل و خارج کشور انجام داد در تربیت فرزندانش هریک محمد عزیز رعد و خانم هایده رعد نیز وظیفه دوگانه پدری و مادری خود را به وجه احسن پیش برده است زیرا مدت طولانی میشود که همسر عزیزش از گیتی جفاکار بریده و به ابدیت پیوسته است. مرحوم رعد نیز خدمات ارزشمند در ساحه مطبوعات کشور ما انجام داده و از جمله مردان منور و فدا کار بشما میرفتند. روحش را شاد میخوایم. انالله وانا الله راجعون.

خانم رعد همان طوریکه یک مادر مهربان برای فرزندان بوده یک فرزند دلسوز، با مسوولیت و خدمت گذار برای مادرش نیز بوده است او در طی مدت (13) سال مادر بیمارش را مانند گل باغبانی نمود، با وجود مسوولیت ها و مصروفیت هایکه داشت بگرد شمع روی مادرش پروانه وار پر زد و نگذاشت یک شب هم در بیمارستان کهن سالان امریکا به محنت به سر ببرد، تا آخرین لحظه

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

زندگی از او چون طفلی مراقبت نمود و حق شیرش را ادا و دعا  
و افسیناش را کمایی کرد.  
" افتخار به خانم شکریه رعد "

### فریده "عثمان" انوری



در 1326 ش- 1947 میلادی  
در یک فامیل روشنفکر در  
شهر کابل بدنیا آمد او در لیسه  
زرغونه به تحصیل پرداخت  
و در دوره مکتب پروگرام  
صدای معارف را در رادیو  
افغانستان را تهیه و گویندگی  
مینمودند، یکی از اولین خانم  
های زمزمه گر اشعار ناب  
مولانا، جامی، حافظ، بیدل،  
سعدی و شعرای معروف دیگر  
در برنامه های شب هنگام  
رادیو افغانستان بود، گوش شنوندگان را نوازش داده است .

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

خانم انوری بعد از ختم بکلوریا از لیسه زرغونه در (1347 ش)- و (1968) عسیوی در پوهنتون کابل در رشته ژورنالیزم به تحصیل پرداخت در سال 1351 ش- 1971 عسیوی بنا بر وظیفه پدرش دکتور محمد عثمان به ایالت متحده امریکا رفت و در دانشگاه

### Lindenwood

در رشته ژورنالیزم تحصیل نمود و دوباره به وطن برگشت در اداره هنر و ادبیات رادیو افغانستان به حیث معاون آن اداره تقرر حاصل نمود از جمله خانم های پرتلاش و امر با صلاحیت رادیو تلویزیون بود او خانم جدی و در عین زمان صمیمی و با محبت بود و در تربیه و رهنمایی همکاران از هیچ نوع کمک دریغ نمی کرد، او نه تنها یک دکلیماتور برجسته بود بلکه یک متصدی متبکر و با ذوق عالی بود، در تهیه پروگرام های

تفریحی، موسیقی، بر نامه های خاص شب سال نو، پروگرام های خاص ملی و غیره فعالیت های چشم گیری داشته است و هر برنامه ها را که تهیه میکرد ابتکار و نوآوری در آن به صراحت دیده میشد این گوینده محبوب و معروف در (1362) ش- وطن را ترک گفت به کشور هند رفت و مدتی در آل هندیا رادیو کار کرد و بعد از آن راهی کشورهای اروپائی گردید و در سال (1994) عیسوی به امریکا رفت در آنجا نیز به فعالیت ژورنالیستی پرداخت نشرات رادیو را آغاز کرد و بعداً به ابتکار تازه دست زد به نشرات تلویزیون پرداخت مگر نسبت مصارف گزاف و عدم پروسنل کافی نشرات تلویزیون

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---



متوقف گردید وبعد در راديو ازادى همراه با يك عده از همكارانش  
به كشورچك در شهر زيباى پراگ براى نشرات راديوى ازادى  
اقامت گذيد. از طريق راديو ازادى در تمام كشورهاي اسياى به

## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

ویژه افغانستان و کشورهای اروپایی هم چنان از طریق اینترنت به سر تا سر جهان صدایش نواز شگر گوشها گردید .

با آواز این ژورنالیست معروف از طریق امواج رادیو و تلویزیون افغانستان گوش پیر و جوان کشور ما آشنا می باشد و مخصوصاً در دل شبها این بلبل سنگ شکن با دکلمه اشعار ناب شعرهای بزرگ چنان روح پرور - بوده که یک تن از هم وطنان ما تاثیر صدای فریده انوری را چنین تعریف میکرد {من که در سن جوانی قرار داشتم هر شب به برنامه زمزمه های شب هنگام گوش میدادم و بعضی وقت هابا تقلید از فریده یک شعر را تکرار میکردم چون بسیار پدر بدخو داشتم تصادفاً یک روز پدرم خانه آمد مگر من چنان سرگرم شعر خواندن بودم که اصلاً متوجه آمدنش نشده بودم زمانیکه متوجه شدم از ترس برای سه روز مقابل پدرم آمده نمی توانستم ایام عید هم قریب بود در همان عید پدرم لباس جدید برایم خرید ، در عوض یک دیوان شعر حافظ را برایم هدیه داد یکی از خوبترین و بزرگترین تحفه در زندگیم می باشد و من همیشه منمون فریده انوری هستم که چنین هدیه گران بها برایم نصیب شد در زمان دوره سیاه طالب ها من همان دیوان را در تاکوی منزل ما دفن کردم و خود ما از وطن فرار کردیم در سال ( 2004 ) که دوباره بوطن رفتم صرفاً بدیدار فریده جان رفته بودم زیرا نام دیوان حافظ را فریده گذاشته بودم و کتاب هایم را دوباره بدست آوردم ) انوری نه تنها در دکلمه اشعار سر آمد زمانش بود

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

بلکه در خواندن داستان ها در بخش گویندگان زن مقام خاص خود را داشت و دارد او در روابط شخصی دوست خوب دلسوز و با



خانم انوری با مرحوم محمد داوود خان و خانم هنگامه در  
استدیوهای رادیو افغانستان دیده میشوند.



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

وفاست ، مگر در کار رسمی آمر با صلاحیت وبا انضباط وجدی بود در همکاری با تازه واردان همکار ومهربان بود وهمیشه همکاران جدید را موقع میداد تا د استعداد شان هر چه بیشتر تبارز بدهند. کار نامه های ماندگار او بهترین سرمایه ملی در رادیو تلویزیون ملی افغانستان میباشد از لطف و ابتکارات او دیگر نطقان هم در سوانیح شان تذکر داده اند .

### انیسه لطیف درانی



در این کتاب از زن بمنعی فرشته های زمین از صدا که همیشه پیام صلح و صفا ومحبت میباشد بحث میمانیم ،بلی صدای برای همیشه ماندگار است ،صدای نطقان وگویندگان با پیام های خوش شان با کیفیت صدای شان با خاطرات دل انگیز شان وبا زمزمه های دلنشین شان برای همیشه گوش ها را نوازشگر وبرای دل های افسرده نشاد آفرین خواهند بود، بخصوص صدایکه

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

از حنجره بانوی چون "انیسه لطیف درانی" باخوانش برنامه های ادبی، فرهنگی و زمزمه شعر در هر سحرگاه و شامگاه بگوش مردمش با آرمغانهای لذت بخش و امید وارکننده برسید هیچگاه فراموش شدنی نیست.

اودر نوجوانی که هنوز متعلم صنف یازدهم لیسه رز غونه بود  
همرای با دوست صمیمی  
اش "فریده انوری" در  
پروگرام معارف حصه  
گرفت. دقیق زمانی بود که  
شادروان شهلا جیلانی در  
اثر حادثه دلخراش ترافیکی  
همه اهل مطبوعات کشور  
راسوگوار ساخته بود.  
صدای او مشباهت نزدیک  
با صدای شهلا جیلانی  
داشت و تقریباً هم گون بود،  
مسوولین رادیو افغانستان از  
وی تقاضا کردند که به  
گوینگی آغاز نماید تا نبود  
خانم جیلانی را در برنامه  
جوانان احیای نمایند. او



## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

بدین ترتیب بکار فرهنگی و گویندگی آغاز نمود، پروگرام جوانان را تهیه و گویندگی کرد زمانی که متصدی برنامه های از هرچمن صمنی "فریده انوری" به امریکا رفت او برای مدت ده سال ان پروگرام را پیش برد. هم چنان در سال 1351ش-یکی از جمله پنج دختر برگزیده سال بود که با ابتکار و شهامت خانم شکریه رعد مسوول مجله وزین ژوندون طرح شده بود. این ابتکار بزرگ برای اولین بار در آسمان مطبوعات کشور پرتو افشانی میکرد. اخبار و جراید افتخار نشر جریان مسابقه و فوتوهای برگزیدگان را داشتند و مردم بی صبرانه انتظار نتایج را میکشیدند. خانم خانم لطیف افتخار این پیروزی داشتند.

در سال 1357ش- تلویزیون ملی افغانستان به نشررات آغاز نمود او از جمله اولین اناسر برنامه های تلویزیون بود.

در 1358ش- 1979 میلادی نسبت سرنوشت مبهم کشور مجبور به ترک وطن گردید و به امریکا اقامت گزید در دیار هجرت باز هم به کار های فرهنگی اقدام نمود از اوایل اقامت شان در رادیو صدای امریکا تقرر حاصل نمود و باز هم از جمله اولین های متصدی و گوینده طبقه اناث در رادیو صدای امریکا بودند. گوینده خوش صدا، متصدی مبتکر و شاعر شترین سخن میباشند.

اکنون در رادو " رادیو آشنا " صدای امریکا مصرف خدمات فرهنگی میباشد

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---



فاطمه اختر، زهره یوسف، اینسه لطیف، پروین عبدالله و خانم سایره

نمونه کلام خانم درانی  
بعد من یادی زمن خواهی نمود  
بعد من نامی زمن خواهی گرفت  
بعد من در لابلای دفترم  
تو سراغ راز من خواهی گرفت  
در شبی تاریک یا روز سپید

## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

دربھاري يا خزاني بي امید  
پيکر افسرده من ناگهان  
خم شود آرام همچون شاخ بيد  
جسم سردم چو درختان کهن  
برسر خاک سیه خواهد افتاد  
یوسف داوود  
چشم من بي روي تو با صد ستم  
پرده هایش روي هم خواهد فتاد  
در اتاقم چون در آبي آن زمان  
باز يابي دفتر آشفته ام  
با دو چشم پر زخون خواهي کشيد  
دست ها بر بستر آشفته ام  
دفترم بر دست تو خواهد فتاد  
راز هايم را يکايک خواهي خواند  
در زمين دفتر پر شعر من  
نام خود را نقش بر آن خواهي يافت  
تو پشيمان ميشوي از کرده ات = دسته گلها ميگذاري بر سرم  
پي بري بر اشتباهت ليک دير = رسته باشد سبزهايی بر سرم  
(انیسه لطیف سال 1345 - ش دانشگاه کابل )

## خورشید عطایی



خورشید عطایی فرزند زنده یاد احمد خان "اسحق زی" در 1326 ش- نسبت وظیفه پدرش در پاکستان تولد گردیده است و در سن سه سالگی دو باره بوطن برگشته در قریه ولایتی در اطراف شهر کابل مسکن گزیدند. او از قوم اسحق زی قندهاری و یگانه فرزند مادرش بود در دوره طفولیت تحت رهنمائی والدین به نعمت آزادی بیان فکر و عقیده رسیده است. ابتدا به تحصیل و قرائت قرآن کریم، دیوان حافظ، گلستان سعدی

و مبادی علوم دینی پرداخته بعداً با سپری نمودن امتحان، بدریافت سند فراغت از صنف ششم مکتب قلعه وزیر بنیجصار موفق گردید و به حیث معلمه اجیر در مکتب بنی حصار تحت پروژه انکشاف دهات استخدام گردید در عین زمان به شدت سویه تعلیمی خود را بلند برد با وجود که به صفت معلمه ایفای وظیفه میکرد تعلیمات داخل

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

موسسه تعلیم و تربیه را تعقیب نمود و بعد از گذشتادن امتحان کانکور به سویه صنف هفت و هشت به صنف نهم کورسهای تعلیم تربیه شامل گردید و سپس شامل صنف دهم دشپی لیسه گردید در پهلوی ان بنا بر طبعیت پشت کار داشت وی همزمان با وجود تعلیمات و مصروفیت هایش در معارف بمطبوعات کشور نیز همکاری داشت یعنی قبل از ظهر مصروف و وظیفه مقدس معلمی و بعد از ظهر به حیث گوینده (نطاق) رادیو و از طرف شب هم مصروف تحصیل در دشپی لیسه بود در ضمن اشعار و مطالب در نشریات کشور تهیه و به نشر می سپرد سر انجام در سال (1345) خورشیدی موفق به اخذ بکلوریا گردید در همین سال با دیپلوم انجینر عبدالرحمن قندهاری ازدواج نمود. در سال (1346) زمانی که معلم تجربوی دارالمعلمین بود از طرف وزارت مطبوعات در رشته کتابداری جهت تحصیلات عالی عازم اتحاد شوروی شد ولی با هجران شوهر و خانواده بیش از یک سال تحصیل را ادامه داده نتوانست صرف تصدیق اکمال زبان روسی را بدست آورد و دوباره بوطن برگشت. در سال 1351 ش- (1972) عسیوی بنابر تشویق خانواده دو باره برای ادامه تحصیل به اتحاد شوروی رفت بعد از مدت پنج سال در رشته پتالوژی به اخذ ماستری موفق گردید و در زمان اخیر حکومت سردار محمد داوود بوطن برگشت. بنابر سابقه طولانی در مطبوعات و معارف کشور، توقع داشت وظیفه مناسبی در رشته وی برایش میسر خواهد شد ولی برعکس بعد از یکسال تلاش فراوان بنا بر درجه رتبوی

اش بحیث مدیر در یکی از شعبات تحقیقاتی مطبوعات مقرر گردید هنوز ثمری از کارش سیراب نشده بود که کودتای هفت ثور (1357) رخ داد و بعد از یکسال برای حکومت مطلوب شناخته نشد بنام مامور منتظر بدون معاش از وظیفه کنار رفت و از طرف دیگر در زندگی شخصی اش بین وی و شوهرش روی مسایل خانوادگی جدائی رخ داده بود این دو فشار ساحه زندگی را در وطن برایش ذیق ساخت و تصمیم مهاجرت را گرفت و در سال 1359 ش- (1980) عسیوی با دو طفلش به پشاور رفت. مدت دو سال در پاکستان زندگی نمود و برای رفع مشکلات اقتصادی با رادیو اسلام آباد همکاری نطای داشت .

بلاخره مشکلات زندگی در شرایط پاکستان او را وادار ساخت و به شکل قاچاقی بدولت هند پناه برد. و در هند از کمک های ملل متحد برخوردار گردید بعد از هژده ماه و خود را به کانادا رسانید و تا اکنون با دختر های نازنین اش در شهر تورنتو بسر میبرد.

خورشید عطائی در حالیکه متعلم صنف نهم بود یعنی سالهایکه رادیو افغانستان در پل باغ عمومی موقعیت داشت به خواندن اعلانات تجارتي به فعالیت نطای شروع کرد، بدو زبان دری و پشتو روان گویندگی میکرد در عموم پروگرام های هنری با گروپ هنرمندان آواز خوان و ممثلین تياتر برای برای گرداننده گی پروگرام به خارج کشور (تاجکستان ازبکستان و ایران) سفر های زیادی



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

نموده است و بر علاوه نطّاقی و اناسری در رادیو افغانستان در استدیوی ملل متحد اخبار بین المللی را به زبان پشتو قرائت میکرد. او شاعر توانایست که تا حال سه گنجینه بر زبان دری و پشتو به چاپ رسانیده است اشعارش بیشتر محصول دقایق اندوه بار وی از جور روزگار بوده است که سروده هایش را دود دل میتوان نامید. خورشید عطائی جدائی از شوهرش را سختترین ضربه به بنیاد زندگی و مرگ مادرش را تلخترین خاطره در زندگی اش می داند ولی یگانه افتخار و تحمل رنج های بیکرانیش تقدیم دو دختر با دانش تحصیلات عالی به جامعه میباشد. چنانچه در یکی از اشعارش میگوید.

وجود دخترانم چراغ خانه مراست  
چه نعمتی ز خدا کاندترین زمانه مراست  
نمونه کلام او

### کوه غرور

مخوان غلط اگر آهوی رمیده سرسامم  
ویا ز درد فراق وطن می آشامم  
بیادم آمده پنجشیر و دره پغمان  
فتاده آتش حسرت بدور اندامم  
پومرغ بی پر و بالم پر از ترانه غم  
غزل سرا به پی خانه صبح و هر شامم  
صبا بیار پیامی ز ملک قدرت ها

که عاقبت چه تعیین میکند سرانجام ؟  
فلک بگیرد یگر دست کینه از سر من  
بده بدامن خورشید گرمی آرامم  
عنان مملکت من ب دست ناکسان مسپار  
مده بدست سیاه روزیهای بدنامم  
گلی زگلشن رنگین آسیا بودم  
مساز پر پر این کوچه های گم نامم  
من از سلاله مردان ده نشین هستم  
ز ملک شیرو عقاب است باده درجامم  
ز خاک مرده من سرزند چوکوه غرور  
هزار رهرو دیگر، که باشد هم نامم

### شیرین محمود

گویند که بوستان شاداب با داشتن باغبان زحمت کش به پرورش  
و تربیت گل های نسرین، شبو و نفیش اش عطر محبتش را بانسیم  
روح پرور بمحیط و ماحول زیست انباشته و نوارشگر روح و روان  
انسان و انسانیت میگردد. دست باغبان این بوستان قابل بوسیدن  
است.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

به یقین دامن مادران با شهامت افغان مانند بوستانی است که زاده و پرورده دامنش معطرترین و نفیس ترین گلدسته های جامعه انسانی خواهند بود. همچو مادران قهرمان در سرزمین آبایی ما کم نیستند گرچه این کتاب برای زندگی نامه نطاقان و هنرمندان تخصیص داده شده مگر بی جانسیست که اندک از زحمات خانم شرین محمود که در جوانی همسرش را از دست داد و توانست چهل چراغ روشن برای زوال تاریکی های جامعه تقدیم نماید. شما را فرا می خوانم.

این خانم فدا کار در شرایط بسیار مشکل با همت بازو و زحمت فراوان با یک پایه ماشین خیاطی چهار فرزندش چون نفسیه محمود، عبدالاحمد محمود، نسرین محمود، نجیب الله محمود. را با عالی ترین معراج علم و دانش تربیت نمود.

زن بودند را نباید مانع کسب دانش قرارداد و از میدان معرکه دامن کشید، بخاطر تساوی حقوق، عدالت اجتماعی به غنی ساختن دانش علمی نیاز است تا در روشنایی نور دانش درفش مبارزه برحق عدالت اجتماعی را در اهتزاز نگهداریم. برای رسیدن به این ارمان مقدس تلاش شباروزی ضرورت است که مادران مهربان با قبول زحمات توانستند به تنهایی در شرایط سخت اقتصادی افغانستان فرزندان با دانش و روشن ضمیر به جامعه تقدیم نماید. با ارج گذاری بمقام این مادر فدا کار و مهربان میپردازم به معرفی فرزندان نطاق و گوینده های خوب رادیو تلویزیون خانم نفسیه محمود « غوروال» و نسرین محمود « عزیز».

### نفسیه محمود:

در سال (1329) ش- مطابق (1950) میلادی در شهر زیبای کابل دیده بدنیا گشود مکتب ابتدائیه خود را در مکتب مستوره غوری به پایان رسانید او از کودکی دختر با استعداد خانواده خود بود و به علم و دانش شدیداً علاقه داشت روی همین علاقه مندی همیشه شاگرد ممتاز صنف و مکتب خود به شمار میرفت.

نفسیه محمود در لیسه عالیه درانی نیز یک شاگرد ممتاز و با معرفت بود. اداره مکتب در نبود معلمین او را بصفت معلم در صنوف پاهین تر میگماردند و او با نظم عالی به تدریس میپرداخت هم چنان از توانایی قلم از زمان مکتب ابتدایی برخوردار بود در نوشتن مضامین در جریده دیواری مکتب سهم فعال میگرفت او از همان ایام تراوش قلمش را تقویت نمود و در اثر مطالعه کتاب دانش علمی خود را ارتقا بخشید.

در زمانی که متعلم عایشه درانی بود از طریق مسابقات زهنی مکاتب که از طرف اداره (روزنه) رادیو افغانستان وقت برگزار میگردد به اوج شهرت رسید.

مسابقات جهت رشد و تقویه فرهنگی و تبارز استعداد های جوانان بخصوص معلومات افاقی و تدریسی رادر برداشت به راه انداخته میشد در این مسابقات مکاتب دختران و پسران مقابل هم در استدیوهای

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

رادیو افغانستان به نبرد علمی میپرداختند و مکتب برنده ، به مسابقه دوام میداند و مکتب بازنده از مسابقه خارج میگردید.

در اخیر دومکتب به نماینده گی مکاتب دختران و پسران که در نبرد علمی قهرمان شناخته میشدند هر دو قهرمانان باهم در نبرد میپرداختند تا کپ مسابقه را یک مکتب کمائی نماید از تیم مکاتب دختران لیسه عایشه درانی و از تیم مکاتب پسران لیسه حبیبیه تا اخیر مسابقه باقی ماندند . در آخرین دور مسابقات از هر دومکتب برنده پنج شاگرد اشتراک کننده که قوه استدراک داشتند باید بیرق مکتب خود را در اهتزاز نگه میداشتند.

خوشبختانه لیسه عایشه درانی برنده مسابقات شد و کپ قهرمانی و جوایز نقدی را نصیب گردید که از آغاز تا انجام مسابقات اکثریت سولات را نفیسه محمود از عایشه درانی جواب میگفت. همه شنوندگان رادیو افغانستان به زکاوت او متحیر بودند و او را سرمشق برای تشویق اولاد های شان قرار میداند. همچنان روز نامه های کابل تایمز بزبان انگلیسی ، اصلاح ، انیس و مجله ژوندون ، پشتون ژغ و غیره به زبانهای دری و پشتو از زکاوت پنج شاگرد لیسه عایشه درانی با نشر فوتوی اشیان تبصره های جالب نوشتند. هنگامه آن دور مسابقات سرخط تمام اخبار و جراید را احتوا کرده بود. قابل تذکر میدانم که لیسه عایشه درانی تحت مدیریت زنده یاد ماری ابوی از نظر سویه تعلیمی و نظم و دسپلین در سطح مکاتب شهر کابل ممتاز بود. در همین زمان رادیو افغانستان از محترمه نفیسه محمود تقاضای

همکار در رشته نطّاقی نمود مگر به تقاضای رادیو افغانستان پاسخ مثبت نداد، بعد از فراغت لیسه عایشه درانی شامل پوهنتون کابل گردید و در رشته حقوق و علوم سیاسی مصروف تحصیل شد، در فاکولته حقوق و علوم سیاسی نیز مانند نور درخشید.

زمان که شامل سال اول فاکولته حقوق بود رادیو افغانستان نسبت ضرورت با پخش اعلانات مکرر از کسانی که استعداد نطّاقی داشتند تقاضای همکاری مینمود بنابه تشویق خانواده در حالیکه دوره اتحان پذیرش نطّاقی در رادیو هم ختم گردیده بود، به رادیو مراجعه کرد. بعد از سپری نمود امتحان مقدماتی شامل کورس نطّاقی که توسط خانم شفیقه محمود حبیبی وزنده یاد مهدی ظفر تدریس میشد شامل گردید. روز اول کورس آقای مهدی ظفر با یک تیپ داخل صنف گردید و از شاگردان تقاضا نمود این تیپ را بشنوید و از شیوه نطّاق آن پیروی نماید. موقع شنیدن نفسیه متوجه گردید که تیپ ثبت شده با صدای خودش و از روز امتحان اوست. در آن کورس حدود 30 نفر شاگرد مصروف آموزش اساسات نطّاقی بودند از جمله صرفاً پنج نفر کامیاب گردید که عبارت بودند از:

از محترم عنایت شریف، محترم وکیل ابوی، محترم هادی شکور، محترم سحر احمد زی از طبقه انات صرفاً نفیسه محمود بود. او بعد از دو ماه آماده خوانش خبر های پنج دقیقه یی راساً "اخبار عصر" و بعد به فرصت خیلی محدود اخبار نیم ساعته هشت شب را قرائت

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

نمود. بر علاوه اخبار در گویندگی برنامه جوانان، ماوشنوندگان، مساباقت زهنی نیز سهم فعال گرفت.

از تلاش وزحمات متصدیان برنامه مساباقت زهنی آقای عزیز عالمیار و آقای حبیب الله تخاری تراکم اشتراک کنندگان، پروگرام های زهنی از محدوده استدیوهای رادیو افغانستان خارج گردید و در هتل انترکانتیننتال، کابل ننداری، با اشتراک اکثریت جوانان برگذار میگردد و در آن زمان ابتکارات ونو آوری های زیاد در آن برنامه رونما گردیده بود:

محافل عروسی های شخصی مردم نیز با مهمانان دعوت شده عروسی در مساباقت گنجانیده میشد و برای اشتراک در مسابقه، توسط قرعه از جمع مهمانان انتخاب میگردد و هم چنان مصارف عروسی نیز از بودجه رادیو افغانستان پرداخته میشد. فراهم آوری این ابتکار بزرگ از افتخارات متصدیان اداره روزنه رادیو افغانستان بشمار میرفت و هم چنان روزهای تجلیل از مقام مادر را نیز در زینب ننداری و هتل انتر کاننتیننتال طی پروگرام مسابقه زهنی برگذار می نمودند و برای مادران مستحق و ممتاز جوایزی از طرف رادیو افغانستان تهیه میگردد. این ابتکارات در مجموع خدمت بزرگ در روشن کردن اذهان عامه و جذب کردن جوانان در بخش های فرهنگی بشمار میرفت و هم چنان در ولایات کشور نیز چند برنامه از مساباقت زهنی در همان زمان برگذار گردید.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

اخبار و جراید کشور افتخار داشتند که عکس نطق این پروگرام پراوازه «نفیسه محمود» را در پشتی مجلات شان به چاپ رسانند. او هم زمان با این مصروفیت و مسوولیت بزرگ فرهنگی مصروفیت تحصیلی در پوهنتون کابل نیز داشتند و در 1351 ش- از پوهنتون کابل فارغ و کانديد بورسهای آزاد بنام

### Fulbright Scholarship America

به تحصیلات ماستری پرداخت در سال (1356) ش- مطابق (1977) میلادی دیپلوم ماستری خود را موفقانه حاصل نمود. و در (1357) خورشیدی مطابق (1978) میلادی بوطن برگشت و ریاست پوهنتون کابل به حیث مدیر نشرات فاکولته حقوق اشغال وظیفه نمود و بعد از آن در ریاست اکادمی علوم افغانستان به حیث ریسرج خدمت نمود.

در سال 1358 ش- در اکادمی علوم افغانستان یک گروپ از مولفین و دانشمندان برای تالیف و ترتیب قاموس زبان پشتو بر زبان انگلیسی توظیف گردیدند که عبارت بودند از محترم هاشم رحیمی، روحی، داکتر هلالی ریا، نیازی، داکتر پولاد، باختری، و خانم نفسیه محمود غوروال، با مساعی همه جانبه قاموس زبان پشتو تکمیل و مورد استفاده قرار گرفت.

مگر با تهاجم عساکر روس در افغانستان سرنوشت تاریک و نامعلوم مردم کشور را تهدید میکرد وی برای شوهرش که در امریکا مصروف تحصیل بود، اطلاع برگشت خود را داد. در سال (1358)



## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

ش- مطابق اکتوبر (1979) میلادی از آغوش مادر وطن وفامیلش جدا گردید و به هندوستان رفت دقیقاً زمان آخرین دور انتخابات صدارت خانم اندارگاندی بود. او شرف ملاقات آن خانم سیاسی مشهور شرقی حاصل و فوتو های یادگار اخذ نمودند.

و هم مصاحبه های منبی بر حوادث کشورش در آل هند یا رادیو انجام داد بعداً به کشور جرمنی با فامیل کاکایش پیوست تا دو باره به امریکا برگشت و با شوهر عزیزش زندگی را از سر گرفت مدت 22 سال در شهر «اوهایو» امریکا زندگی کرد. نظر به شرایط دشوار سیاسی در کشور تعداد افغانهای مهاجر در امریکا زیاد میشد وی به کمک هم وطنانش می شتافت و طی میتنگ ها و کنفرانس ها صدای افغانان را بگوش مقامات مسوول امریکا میرسانید. بعد از ایالت «اوهایو» به ایالت «ورجینیا» نقل و مکان نمود و در رادیو صدای امریکا به نطایق پرداخت.

در زمانی که آقای نبیل مسکین یار تلویزیون آریانا را در امریکا فعال ساخت وی همراهی باخانم انیسه لطیف درانی هفته یک بار در پروگرام تلویزیون آریانا همکاری نمودند هم چنان در یک اداره جدید اکادمی برای کمک افغانهای مهاجر سهم فعال گرفت.

در سال 1373 ش- 1994 میلادی که مجاهدین تحت ریاست استاد ربانی در افغانستان حاکم بود در کنفرانس بین المللی زنان که در شهر پکن (چین) برگزار گردید از طرف دولت اسلامی برای هیچ زن افغان اجازه اشتراک داده نشد محرومیت و محدودیت زنان افغان

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

و حتی کنترل پوشیدن لباس شان تحت بررسی دولت قرار داشت و حق هیچ گونه فعالیت را نداشتند. این عمل غیرعدالانه از طرف تمام افغان های مقیم خارج تقبیع گردید و در همین زمان وی به همکاری زنان رسالتمند دیگر دست با ایجاد انجمن زنان " نوای افغان" زدند از طریق همین انجمن صدای زنان افغانستان را بگوش جهانیان رسانیدند.

انجمن نوای افغان بحیث یک انجمن خود کفا در رشد و انکشاف استعداد زنان و جوانان افغان فعالیت های چشمگیر انجام دادند. از فعالیت های انجمن همیشه در تلویزیون آریانا افغانستان نیز گزارش داده میشد.

این انجمن یک تعداد زنان را برای کارهای فرهنگی تحت پرورش قرار داد که در رشته های مختلف نطای، کمره، لایت، راپورتاژ، تهیه پروگرام های مختلف و فرهنگی طی کورس ها تحت تربیت قرار میدادند و یک تلویزیون را نیز بنام تلویزیون نوای افغان ایجاد نمودند. با تهیه و نشر برنامه های جالب که همه کارمندان آن را زنان احتوا میکرد مردم تلویزیون نوای افغان را بنام تلویزیون زنان می شناختند.

تلویزیون نوای افغان هفته یک ساعت برای (13) سال فعالیت مستقلانه داشت که به چند ایالت محدود امریکا بخش میگردد و خوشبختانه از آغاز سال (2007) برنامه نوای افغان از طریق

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

شبکه جهانی تلویزیون آریانا افغانستان در تمام امریکا و سرتاسر دنیا نشر می‌گردد.

خانم نفیسه مانند مفهوم اسمش ابتکارات نفیس در کار های فرهنگی داشته و از نظر نیروی جسمی خیلی فعال و پرتلاش میباشد. انجمن زنان تحت رهبری او اولین انجمن بود که صدای زن افغان را به کانگرس ایالت متحده امریکا و بخصوص بگوش سناتور (داین فاین ایسین) که خود زن بود ورنج زنان را درک میکرد ، رسانید هم چنان این انجمن مکتوب های مکرر مبنی بر بی عدالتی هایکه در حق زنان افغان صورت میگرفت به ریس جمهور ( کارتر وکلینتن ) و وزیر خارجه ایالت متحده امریکا بنام مدلین البریت

Madline Albright

که او هم یک زن بود و به سرمنشی ملل متحد کافی عنان ارسال نمودند.

وی گرچه در سر زمین کابل تولد گردیده است مگر زادگاه پدریش شهر زیبای کندهار میباشد بدین منوال به زبان های دری ، پشتو و انگلیسی روان نطافی مینماید

پوهنتون هاورد در شهر باستن ایالت مسیوچوسس

Harvard UNIVERSITY

از یک گروپ افغان های دانشمند دعوت کردند تا در باره باز سازی افغانستان از نظر سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی طی یک پلان کوتاه مدت و طویل المدت نظریات پیشنهادات و راه های بیرون رفت از

مشکلات را طرح و طی یک پلان به پوهنتون ارايه بدارند. خانم محمود غوروال نیز عضو گروه تعلیمی بود و نظریات همه گروه ها جمع اوری و از طریق پوهنتون به قصر سفید انتقال داده شد. او در همه حالات موضوع آزادی زنان را هیچ گاه فراموش نکرده و پرچم آزادی و دموکراسی زنان را در اهتزاز نگهداشته است. خانم نفسیه محمود همراهی دیلوم انجینر عبدالقدیر غوروال در سال 1356 ش- 1977 میلادی ازدواج کردند و ثمر ازدواج شان دو فرزند بنام های عمر غوروال و جنی غوروال میباشند. با تاسف همسر عزیز اش (عبدالقدیر غوروال) را در سال (1374) ش- مطابق (1995) میلادی بنا بر مریض یکه عاید حالش بود، از دست داد و خودش مسولیت پدري و مادري را در دیار غربت بدوش گرفت و فرزندانش را با دانش و تحصیلات عالی به جامعه تقدیم نموده است. نفسیه مانند مادرش که در صفحات فوق تذکر یافت با تلاش و پشت کار به همه مشکلات زندگی شجاعانه مبارزه نموده و از فضیلت اش، فرزندانش، جامعه و زنان افغان مستفید گردیده اند ..

نسرین محمود



در 1333 ش- در شهر کابل تولد  
گردید و مانند خواهرش نفسیه  
محمود مکتب ابتدائیه را در  
مستوره غوری تمام و شامل لیسه  
عایشه درانی شد. زمانیکه متعلم  
صنف سوم مکتب مستوره  
غوری بود یک هییت از رادیو  
افغانستان تحت سرپرستی محترم  
مهدی دعاگوی جهت پیدا کردن  
اطفال با استعداد برای پروگرام  
های اطفال رادیو افغانستان آمده  
بودند تا استعداد کوکان را بررسی  
وبه پروگرام اطفال جذب نمایند  
او از کودکی با (صدا) سروکار پیدا کرد و سرنوشتش با صدا  
"نطاقی" رادیو گره خورد، در برنامه های اطفال با قرائت پارچه  
های کوچک ادبی و شعرگویندگی را آغاز نمود و زمانیکه صنف  
نهم لیسه عایشه درانی بود از پروگرام اطفال به مدیریت نطافاق

رادیو افغانستان معرفی گردید و قرائت پروگرام های مختلف چون جوانان، کاروان سحر، ماوشنوندگان و دکلمه شعر پرداخت. در طول روز اخبار پنج دقیقه ایی راساً را نیز قرائت کرد. در 1351 ش- از عایشه درانی فارغ وشامل انیستیتوت اداره صنعت گردید. بعداز اتمام تحصیل اولین کار رسمی او به صفت معلم در لیسه جمهوریت بود وبعداً به حیث سرمعلم آن مکتب تقرر حاصل نمود و بر علاوه کار اداری سرمعلمیت مسوول نوشتن کنفرانس های مکتب و بررسی ومراقبت از کنفرانس ها وکنترول جریده مکتب را نیز پیش میبرد. زیرا لیسه جمهوریت یک لیسه مسلکی بود وبا پولی تخنیک کابل پروگرام ها وکنفرانس های مشترک داشتند تمام گوینده گی را در پولی تخنیک خانم نسرین محمود به عهده داشت ودرکنار مصروفیت هایش در لیسه جمهوریت، دربانک رهنی وتعمراتی بعد از ظهر کورس های تایپ دری، پشتو وانگلیسی را تدریس مینمود. شاگردان آن کورس بعد از کسب مهارت و ختم کورس در تمام ادارت دولتی معرفی وبکار جذب میگردد.

خانم محمود عزیزی بر علاوه نطاقی در رادیو تلویزیون ملی وکار رسمی درلیسه جمهوریت با طراوش قلمش روز نامه ها وجراید کشور - را نیز رنگین میساخت. با تغیر اوضاع سیاسی در 1357 ش- یک تعداد اعضای فامیلش ترک وطن کردند وبدبختانه شوهرش (صالح محمد عزیزی) نیز داعیه اجل را لیبیک گفت وی با اطفالش در افغانستان تنها ماند، چون وضع امنیتی هرروز خرابتر

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

میشد سرانجام در سال (1369) ش- مطابق (1990) میلادی افغانستان را ترک گفت و مدت یکسال به پاکستان زندگی کرد و بعد در ایالت ورجینیا امریکا با فاملیش پیوست. در ورجینیا اول به تدریس علوم دینی و زبان دری اطفال مهاجر افغان در مسجد مصطفی پرداخت. در انوقت تلویزیون سیمای افغان به همت محترم عبید ملک خیل، جمال معصومی، جلیل معصومی، فوزیه اکبر و حامد نوید بفعالت آغاز کرده بودند و از وی تقاضای نطایقی نمودند. تلویزیون سیمای افغان اول برای نیم ساعت و بعداً برای یک ساعت از طریق تلویزیون دولتی امریکا (چینل ده) در ردیف برنامه های مختلف دیگر زبان ها و ملیت ها نشر میگردد که صرفاً ایالت ورجینیا آن را تماشا کرده میتواندست و بس. مگر نسبت نداشتن بنیه اقتصادی بعد از دو سال نشرات از بین رفت. آخرین شب نشرات بنام برنامه خدا حافظی با نیندگان تهیه کرده بودند. بیننده ها در استدیو تیلیفون میکردند، با ناله و فریاد میگریستند و میگفتند که یگانه امید ما را در سرزمین غربت یاد وطن را برای ما زنده نگهداشتن، همین تلویزیون است و بس. وی در جریان که مصروفیت فرهنگی با تلویزیون سیمای افغان داشت، بعد از یک مدت کوتاه مسوولین رادیو صدای امریکا به سراغ این نطق مستعد و سابقه دار افغان آمدند. او بعد از سپری نمودن امتحان که عبارت بود از نوشتن و خواندن واگاهی روش سیاسی امریکا و دانستن زبان انگلیسی و قبول پالیسی

## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

و مقرارت ان، به رادیو صدای امریکا جذب گردید و تا اکنون که این کتاب را مینویسم صدای مقبولش نواز شگر گوش ها و مطالب جالب برنامه هایش لذت بخش دلهاست.

هم چنان تلویزیون آریانا که متصدی آن محترم نبیل مسکین یار بود از وی تقاضای همکاری نمود مگر نسبت مصروفیت و مشکلات زندگی نتوانست همکاری نماید زیرا هم زمان با خواهرش نفیسه محمود که مصروف تربیه کردن یک گروپ زنان افغان در رشته برادکاستنگ تلویزیون بودند، هم کاری مینمود زیرا در تربیه ورشد استعداد جوانان و زنان مهاجر افغان نسبت تجربه نشراتی که داشت سهم فعال و ارزنده را ایفا مینمود، با خواهرش بخش عمده این اکادمی را پیش میبردند تا بعد از یک مدت همه آن نوجوانان و خانم ها استعداد شان را در برادکاست تلویزیون نوای افغان بگوش و چشم هم وطنان شان در امریکا رساندند، پروگرام های تلویزیون نوای افغان کاملاً از تجربه کار نشراتی پروفشنل پیروی میکرد که بیننده ها را با بخش برنامه های دلچسپ هنری و ادبی اخبار دری و پشتو تبصره های سیاسی و هم چنان بخش تبصره های زبان انگلیسی، بخود مجذوب ساخته بود. در تلویزیون برنامه (گنجینه های جاویدان) و (گلبرگ های معانی) توسط نسرين محمود تهیه و نطایق میشد بر علاوه قرائت اشعار شعرا و معرفی شخصیت های معروف ملی پرداخته میشد و هم چنان با نشر آواز نطاقان سابقه رادیو



## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

افغانستان منحیث سرمایه های ملی و خاطرات ان ایام را برای بیننده ها زنده میساخت.

در این تلویزیون کورس های اشپزی و آموزش سیستم جدید زندگی و خانواده و تربیت اطفال در دنیای غرب و غیره توسط کارکنان تلویزیون که همه شان خانم ها بودند تهیه و نشر میشد که بعد ها در بین مردم بنام تلویزیون زنان شهرت بسزای کسب کرد، از آغاز سال (2007) میلادی تلویزیون نوای افغان نشرات خود را از طریق شبکه تلویزیون جهانی آریانا افغانستان که از لاس انجلس امریکا نشر میشود نشر جهانی اختیار کرده است. نباید فراموش کرد که رادیو صدای امریکا ایجاد برنامه گنج شایگان رانیز از نشرات تلویزیون نوای افغان الهام گرفته است. زیرا کارمندان رادیو صدای امریکا از جمله بیننده گان دایمی و خوب تلویزیون نوای افغان بودند. تلویزیون نوای افغان برای مهاجرین تازه وارد خدمات ارزشمند انجام داده است بگونه مثال عادی ساختن افغانان با سیستم امریکا، تشریحات مسایل حقوقی، مادی و بیمه صحتی، گرفتن وقت ملاقات برای اجرات اداری با ارگان های مسوول و غیره که همه یک پدیده جدید برای افغانها بود از طرف دیگر نداستن زبان انگلیسی برای مردم در امور یومیه مشلات جدی بشمار میرفت. انجمن زنان که همردیف با تلویزیون نوای افغان کار میکرد متشکل از خانم های متبکر و آگاه بودند که همه انها تمام امور را دوشادوش هم و طنان شان به ادارت مختلف میرفتند و تازه واردان را قوت قلب می

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

بخشیدند از کار و اجرات مفید انجمن در تلویزیون نوای افغان هم انعکاس داده مشد. اعضای انجمن عبارت بودند از:

شاد روان رقیه حبیب ابوبکر، جمیله رهین، بلقیس سدوزی، نفیسه محمود، شیوا عالمی، داکتور شهلا جهانفر، نسرين محمود عزیزی، لیلمای حبیب، بلقیس حبیب، عایشه حیدر، فوزیه شاه، نجیبه، فرشته عزیزی، مریم محمود، بهار علومی، صفیه محمود، و یداعالمی بودند که همه ثمره فعالیت پیگیر و زحمات خسته گی ناپذیر خواهرن مبتکر افغان ما، رشد استعداد و زکات و پستکار زنان افغان را به اثبات رسانیدند و چهره واقعی زن افغان را به جهان معرفی نمودند.

همه این افتخارات از نظم و دسیلین خاص که در انجمن زنان پیروی میگردید - میباشد زیرا نظم و پابندی به تعهدات، حاضری متداوم، عشق به کار و صرف نظر از شهرت طلبی عجولانه، و کار رضایی و وجدانی بود. انجمن از نظر صفات فوق الزکر به شهرت رسید زمان ایجاد تلویزیون صدای امریکا در سال (2006) و رادیو اشنا صدای امریکا از اعضای انجمن زنان تقاضای همکاری کردند و بعضی ایشان را بکار جذب نمودند که اعضای فعال تخیکی تلویزیون و رادیوی از همان گروپ تربیت شده تلویزیون نوای افغان و انجمن زنان میباشد که در امریکا به ابتکار خانم نفیسه محمود و اعضای رضا کار ان انجمن به فعالیت آغاز کرد بودند.

## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

نسرین محمود به کار های رضایی وبدون مزد درتلویزیون نوای افغان وسیمای افغان نیز همت گماشته وبخش عمده برنامه های تلویزیون را تهیه وگوینده کرده است که مصداق این ادعا نشرات تلویزیون دولتی چینل دهم امریکا میباشد.

نسرین محمود عزیزی زمانیکه در رادیو صدای امریکا به نطای شروع کرد محترمه لطیفه کبیر سراج متقاعد گردیده بودند و همه شنونده گان- گمان داشتند که نسرین دختر لطیفه کبیر سراج میباشد در اثر تقاضای زیاده شنونده ها خود را مفصلا ، مکرراً معرفی مینمود اما باز هم مردم میگفتند که او دختر شفیقه محمود حبیبی میباشد. در حالیکه وی یکی از جمله شاگردان شقیفه حبیبی در زمان کورسهای نطای رادیو بودند.

خانم محمود به آوازخانم لطیفه کبیر سراج ، شفیقه محمود حبیبی ، شکریه رعد، خواهرش نفیسه محمود علاقه زیاد دارد وشيوه کار انها را تعقیب میکند واز نطاقان اقایان به آواز مهدی ظفر، ویاند، علی جلالی علاقه داشته است.

نسرین محمود عزیزی از زندگی مشترک با همسرشان زند یاد صالح محمد عزیزی دارای چهار فرزند بنام های فرشته عزیزی، سلیم عزیزی، فهیم عزیزی وفیصل عزیزی میباشد.

## تورپیکي "سنگین" خادم



استاد قیام الدین "خادم" شخصیت  
برازنده مطبوعاتی، نویسنده  
معروف، شاعر توانا، سناتور و استاد  
پوهنتون کابل بودند.  
از مرحوم استاد خادم نه تنها آثار  
علمی و کتب مقالات بی شمار در  
مطبوعات کشور بجا مانده بلکه  
فرزندان ادیب، دانشمند و مطبوعاتی  
که اکثراً پیشه پدر بزرگوار شان  
تعقیب مینمایند، به جامعه تقدیم نموده  
است از جمله تورپیکي خادم فرزند  
چهارمین ایشان را بمعرفی  
میپردازم.

تورپیکي خادم در سال (1335) -

ش مطابق 1956 میلادی بدنیا آمد در سن شش ساله گی نظربه  
خواهش پدر بزرگوارش بخاطر تقویه زبان مادری "پشتو" مکتب  
ابتدائیه خود را در ولایت ننگرهار، در لیسه آلائی شهر جلال آباد

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

بپایان رسانید، دوباره بکابل برگشت در صنف هفتم لیسه عایشه درانی شامل گردید.

استاد خادم در رابطه به انکشاف زبان پشتو در ساحه مطبوعات کشور مصدر خدمات شایان گردیده است، برای فرزندانش چون دکتورس ثریا اجازه نطایقی اخبار رادیو را دادند و به تعقیب آن دختران دیگرش چون تورپیکی خادم نیز با اقامت دوباره اش در کابل قدم در ساحه رادیو افغانستان گذاشت. او مانند سایر نطاقان از پروگرام اطفال شروع بکار نمود، یعنی بعد از امتحان صدا توسط آقای کمال بهزادی و آقای نبی پاکتین برای کسب تجارب به پروگرام اطفال رادیو معرفی گردید؛ بعد از چند سال کار در برنامه های اطفال نسبت قلیل ممثلین اناث وی به اداره هنر و ادبیات معرفی شد. در درام ها و داستانها و در عموم برنامه های هنری و ادبی رادیو تمثیل و گویندگی نمود تجربه کافی گویندگی کسب کرد. خانم تورپیکی خادم در صنف دهم مکتب بود که یک گروپ استادان مسلکی کشورالمان برای تربیه افراد مسلکی در رشته های مختلف رسانه های جمعی بکابل آمدند و کورس های نطاقان را نیز در کنار سایر کورسها تدریس نمودند، او در کنار سایر نطاقان از تدریس کورسهای استادان المانی مستفید گردید.

در تمام برنامه ها همکاری بی دریغ خود را انجام داد مگر علاقه شخصی او به دکلمه شعر بود. بدین دلیل در برنامه های اداره هنر و ادبیات مخصوصاً زمزمه ها، از هرچمن سمنی، و پروگرام

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

های خاص بمناسبت های مختلف تهیه میکردید، بخش شعر را قرائت میکرد.

بعد از تجربه چند سالآماده قرائت اخبار راساً گردید و از اخبار کوتاه چند دقیقه‌ای آغاز و سرانجام نطق برجسته اخبار شب شد. ناگفته نماند که نطق شدن در آن زمان کار دشوار بود. هر نطق باید همچون مراتب را می‌پیمود، تجربه کافی، استعداد شخصی، جرائت، وسواد کافی و معلومات آفاقی بکار داشت.

تورپیکى خادم نطق خوش آواز و با استعداد رادیو شد چون از استعداد ثمیل و نطقی برخوردار بود ریاست افغان در دوبلاژ فیلم‌ها از وی تقاضای همکاری نمودند تا فیلم‌های خارجی را بر زبان پشتو دوبله نمایند. او در یک فیلم بنام "گلان و خندیدل" نام داشت که دایرکتر آن آقای ولی لطیفی بود در مقابل مرحوم داوود فارانی گوینده بی‌رقیب کشور بخوانش گرفت که در سرتاسر افغانستان و مخصوصاً شهر کابل هنگامه ایجاد کرده بود.

به همین ترتیب خانم خادم سنگین همکاری خود را در چندین فیلم‌های دیگر به زبان‌های دری و پشتو دوام داد و در جهان سینما نیز سر زبانها افتاد. در سال 1357 - ش با کودتای نظامی "حفیظ الله امین" روند زندگی همه مردم بکلی تغییر خورد در آغاز کودتا استاد قیام الدین خادم که در سن کهولت بسر میبرد، زندانی گردید این عمل ناشایسته تاثیر ناگوار بالای تمام اعضای فامیلش گذاشت و مرحوم خادم بعد از رهایی زندان به رحمت حق پیوست، اعضای

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

خانواده ایشان در سال 1359-ش - ترک وطن کردند . با آنهم تورپیکی خادم با همسرش آقای محمد خان سنگین بکار خود ادامه دادند. مگر نظر به اخطار های مکرر گروپ های مجاهدین وعدم استقرار امنیت، نا گذیر خانم سنگین ازساحه رادیو تلویزیون کار خود را تبدیل و در ریاست هنر وکلتنر وزارت اطلاعات ایفای وظیفه نمود سرانجام با ترک گفتند همه اعضای فامیلش، او نیز با همسر واطفالش در سال 1365- ش 1986 -میلادی ترک وطن کرد. بعدازیک ونیم سال اقامت در پشاور، از طریق ملل متحد در کشور سوئیس بحیث پناهنده قبول گردیدند.

درسوئیس به احیای زندگی مجدد پرداخت، ابتدا نسبت داشتن اطفال خورد سن، مدتی درکنار آنها سپری نمود تا از محبت مادر سرشار گردند و بعد با فرا گرفتن کورسهای زبان بر علاوه مصروفیت مادر بودن دست به ایجاد یک قرطاسیه فروشی شخصی زد. مدت ده سال از ساعت 6 صبح تا 8 شب وهفت روز در هفته این کار شاقه را ادامه داد. بعد از خسته گی زیاد دوکان قرطاسیه فروشی را بفروش رسانید وفعلا یک دکان "بوتیک " لباس فروشی که آنهم تجارت شخصی میباشد مصروفیت دارد. بر علاوه در انجمن افغان های مقیم سوئیس در بخش های فرهنگی سهم فعال دارد ، در تقویه هویت ملی وتربیه نسل های جوان که دور از وطن نمو می نمایند از هیچ گونه مساعی دریغ نه نموده است.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

خانم تورپیکي «سنگین» خادم در سال (1354) ش- با محترم انجینر محمد خان سنگین تشکیل خانواده دادند و ثمر زندگی مشترک ایشان چهار فرزند میباشد. فرزندان شان هریک میرویس سنگین، زمرک سنگین، یما سنگین و یگانه دختر شان مُسکا سنگین که هرکدام ایشان دارای تحصیلات عالی تا سطح دکتورا میباشند، است و از نعمت هردو زبان ملی (دری و پشتو)، انگلیسی، فرانسوی و جرمنی نیز برخوردار میباشند.

### کریمه (غزل) ویدا



بتاریخ (30) دلو سال (1333) ش- در شهر مزار شریف مربوط ولایت بلخ افغانستان یعنی سرزمین غزل و مثنوی مولانا و دیاردو بیتی ها و چار بیتی های عاشقانه یی رابعه بلخی چشم به جهان کشود. او در لاله زار میهن با روح فراخ تحت تاثیر غزل و مثنوی رفت از جوانی با اشعار مولانای بلخ و بیدل از طریق پدر و پدرکلانش



آشنایی حاصل نمود و به سرودن شعر پرداخت. سروده هایش را در روزنامه بیدار مزار شریف بچاپ میرساند و بعد از ختم تحصیل بکلوریا از لیسه سلطان رضیه مزار شریف شامل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل گردید و در همین سال به حیث گوینده اخبار دری در رادیو افغانستان انوقت پذیرفته شد. بعد از ختم تحصیل و اخذ دیپلوم لیسانس به حیث مامور رسمی رادیو افغانستان تقرر حاصل نمود بر علاوه نطایق اخبار دری برنامه های مختلف را تهیه مینمود از جمله برنامه های ادبی زمزمه های شب هنگام مورد علاقه خاص او قرار داشت. در همین سالها یک اثر شعری اش بنام (طلوع) حایز جایزه مطبوعاتی شد البته در آن زمان طهوری تخلص مینمود.

خانم غزل ویدا در آن عصر از جمله نطایق وگوینده موفق و سرشناس کشور بحساب میرفت. در سال (1356) ش- زمانیکه پروژه تلویزیون آماده بهره برداری میگردد برای کسب دانش پرودیوسری و دایرکتری تلویزیون در یک گروپ (15) نفری عازم کشور جاپان شد و بعد از آن بحیث متصدی برنامه های ادبی مشعلدارن هنر در بخش نشرات تلویزیون تقرر حاصل کرد.

بعد از مقاومت چندین ساله در برابر اشغال کشورش توسط ارتش سرخ شوروی، در سال 1364 ش- مجبوراً با دو کودک خورد سالش ترک وطن گفت و بعد از یک سال سرگردانی در 1365 ش- در امریکا اقامت گزید. او در امریکا بتحصول ادامه داد به گرفتن

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

ماستری در رشته "ادبیات و رفتار انسانی" از دانشگاه "نیوپورت" شهر نیوپورت بیچ کالیفورنیا»  
California, Newport Beach «موفق گردید. بر علاوه شهرت نطایقی یکی از مشهور ترین شعرای کشور ما نیز میباشند و اکثراً اشعار او را هنرمندان سرشناس کشور سروده اند .  
" ای یار خوب من اولین عشق من تو بودی  
اخرین شام آشنایی ما که نخستین جدایی بود  
به صدای دلنشین احمد ظاهر فقید سروده شده  
رفتی ای عشق ز شهر دلم من کوچیدی  
دلم میشه که چو کودک بگیریم  
سر دو راهی غم به آواز محترمه سیما ترانه  
زندگی یک راه دور است، گفתי در انتظارم  
با بهار آدمم ز راه سفر، تو به اوج و من به ژرفا  
کسیکه عاشق مانده گار است ، قصه ما قصه عشق  
به آواز ترنم موسیقی خانم پرستو  
امشب شده ام مهمان تو یار بصدای وحید قاسمی سروده شده است  
شایان یاد اوریست که شعر "او یک شب بارانی آمد بخانه من"  
با صدای نرتم موسیقی خانم پرستو یکی از مشهور ترین آهنگ های روز گردید.  
از خانم کریمه ویدا تا حال چندین مجموعه شعری اقبال چاپ یافته  
است که عبارت اند از { آیه های منسوخ، غزل غزلها، نگاه آینه،

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

اضطراب فصلها، جنازه های بی تابوت، پشت درهای بسته،  
خنجر و خواب، آب و باغ خار { میباشند.  
وی در امریکا نیز کارهای فرهنگی خویش ادامه داد به تهیه  
و گویندگی مجله رادیویی از طریق رادیو (24) ساعته افغان ها که به  
همت خانم فریده انوری تهیه و تربیب میگردید، پرداخت. اوبعداً به  
نشرات مجله تلویزیونی بنام (پنجره) پرداخت که از طریق شبکه  
نشرات جهانی تلویزیون (24) تحت رهبری یک گروپ ایرانی  
ها با بودجه ملل متحد فعالیت مینماید، نشر میشود. هم چنان  
برنامه پنجره از طریق اینترنت نیز بدسترس هموطنان قرار  
گرفته است. نمونه کلام خانم کریمه ویدا که به آواز خانم پرستو  
سروده شده است.

او یک شب بارانی آمد بخانه من  
پرکد از عطر تنش فضای لانه من  
شب پاهیزی بود      باران میزد به شیشه  
در گلدان دل من      عشق او میکد ریشه  
در دلم توفانی بود      با خود داشتم اندیشه  
که این عشق ثمرنمیشه      که این عشق بارورنمیشه  
حالا شبهای بارانی      یادش مییایه خانه  
لیک نقش او مدامست      در قلبم جاویدانه  
او یک شب بارانی آمد بخانه من  
پر کد از عطر تنش فضای لانه من

## فریده شایان "پاکتین"



فریده دختر محمد نعیم شایان متولد  
شهرکابل میباشد. او در ایام کودکی  
شامل برنامه های اطفال رادیو  
افغانستان گردید. بعد از آموزش  
اساسات گویندگی با اداره هنر و ادبیات  
در بخش های مختلف برنامه های  
رادیو گویندگی نمود. بخش تمثیلی  
کورنی ژوند را همراهی محترم امان  
اشکریز همه روزه پیش میبرد. بعد  
بمدیریت نطقان بصفت نطق برنامه  
های سیاسی و اجتماعی و اخبار را سآ  
تبدیل گردید. در رادیو همراهی محترم

نبی احمدزی معرفت حاصل نمود و معرفت ایشان به ازدواج  
انجامید.

در زمان ریاست جمهوری سردار محمد تخلص های قومی و منطقوی  
منع قرار داده شد، نبی احمد زی و فریده شایان هردو تخلص پاکتین  
را اختیار کردند.

بعد این زوج فرهنگی نظر به تحکیم دوستی و روابط فرهنگی بین  
دولت افغانستان و اتحاد شوروی وقت برای انجام کارهای

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

ژورنالیستی به ماسکو رفتند و بعد از مدتی طولانی در سال 1360 ش- دو باره بوطن برگشتند و به رادیو و تلویزیون بوظایف خویش ادامه دادند. در سال 1370 ش- نظر بمقرارات وضع شده احزاب اسلامی ، شرایط کار و زندگی برای ایشان محدود گردید ، بناچار بمزارشریف در ولایت بلخ نقل و مکان نمودند . متأسفانه فریده پاکتین در آنجا نسبت مریضی سرطان وفات نمود.  
روحش شاد باد. انالله وانا الیه راجعون

### پلوشه فقیری



### پلوشه فقیری و شریف فقیرزاده

پلوشه فقیری در سال 1337 شمسی (1958)م در شهر نوکابل تولد گردید و متعلق به خانواده هنر دوست بوده است. او تعلیمات ابتدایی را در مکتب سپین و ثانوی را در لیسه رزغونه و تحصیلات عالی را در پوهنتون کابل تا سطح لسانس، رشته ژورنالیست به پایه اکمال رسانیده است. وی از آوان جوانی که هنوز شانزده سال داشت و متعلم صنف دهم مکتب بود علاقه و دل بستگی به هنر زیبای گوینده گی داشت و همکاری خود را با رادیو افغانستان به حیث کارمند اجیر بلاالمقطع با مدیریت نطاقان شروع نمود.

در برنامه های ادار هر روزه «سیاسی و اجتماعی»، برنامه های مدیریت اطلاعات و برنامه های هنر و ادبیات و همچنان دوبلاژ (نریشن های فیلم در ریاست افغان فیلم سهم فعال گرفت.) وی با اندختن تجربه کافی به نطاقی (اخبار) سرویس های خبری شب مبادرت ورزید. بعد از ختم تحصیل به حیث کارمند رسمی در مدیریت عمومی ثبت و بررسی پروگرام های تلویزیون مقرر گردید و فعالانه در گوینده گی برنامه های مختلف رادیو و تلویزیون ملی و ظایف فرهنگی خود را انجام داد.

در سال (1986) میلادی نظر به لزوم دید کمیته دولتی رادیو تلویزیون و مقام وزارت اطلاعات و کلتور محترم شریف فقیر زاده و پلوشه فقیری برای نطاقی و خبرنگاری به اتحاد شوروی سابق به رادیو ماسکو فرستاده شدند. تا اخیر سال (1990) در ماسکو پسری

کردند. باتغیر اوضاع سیاسی افغانستان و جنگ های دوام دار آنها را امان نداد تا دوباره بوطن برگردند. دست تقدیر آنها را به کشور المان (جرمنی) مانند هزاران هزار هم وطن دیگر ما رقم زد از اخیر سال (1990) تا الحال که این کتاب را مینویسم ، خانم پلوشه فقیری و خانواده اش در غربت اباد شهر فرانکفورت جرمنی مسکن گذین میباشند.

پلوشه فقیری و محترم شریف فقیرزاده این زوج ژورنالیست کشور ما در خارج از وطن هم برای تقویه فرهنگ اصیل افغانستان برای جوانان که دور از آغوش میهن بزرگ میشوند به کار های فرهنگی پرداختند و اقدام با ایجاد تلویزیون بنام آئینه در شهر فرانکفورت نمودند تا از این طریق خدمتی به هم وطنان نیازمند به زبان و فرهنگ پر بار و رسم و آداب شایسته و پسندیده اقوام مختلف کشور کرده باشند.

خوشبختانه به اثر سهم گیری حلقه های وسیع فرهنگیان کشور در جرمنی این تلویزیون از جمله تلویزیون های انگشت شمار بیرون مرز افغانی بشمار میرود و از (1998) میلادی تا الحال که (2007) میباشد، بفعالیست نشراتی خود با مسولیت تخنیکی و نشراتی محترم شریف قفیرزاده با کمال خوشبختی ادامه میدهند. این زوج فرهنگی در دیار هجرت بخاطر زنده نگهداشتن فرهنگ میهنی شان دین ژورنالیستی خود را چه در قدم و چه در قلم برای هم وطنان شان ادا نموده اند.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

نا گفته نماند که این تلویزیون از بدرقه و استقبال بی دریغ هم وطنان ما در جرمنی برخوردار می باشد .  
پلوشه فقیری و محترم شریف فقیر زاده از ازدواج میمون شان یک دختر بنام سرود و پسر بنام حدیث دارند.  
این دو نور دیده های جوان مصروف تعلیم و اندختن دانش میباشند.

### زرغونه "عطا" ژواک



تا زمانیکه قلب پر تپش انسان در  
قفس وجود می تپد و تا زمانیکه نسل  
بشر در زمین ادامه دارد مبارزین  
راستین و قلم بدستان صدیق در  
تلاش و پژوهش بوده برای بهبود  
زندگی اسنانی، عاری از تبعیض  
وبی عدالتی میرزمنند، این گونه  
نویسندگان در کشور ما اندک نیستند  
که از جمله میتوان علامه، استاد  
محمد دین ژواک را نامبرد. استاد  
ژواک شخصیت ملی مبارز راستین  
و شاعر دو زبان دری و پشتو  
و نویسنده بی نظیر کشور ما بودند.



## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

از مرحوم ژواک پنج فرزند بدنیا مانده است که هر کدام ایشان از تحصیلات عالی برخوردار اند، از جمله زرغونه ژواک فرزند اول مرحوم ژواک را بمعرفی میگیریم.

او متولد سال 1332ش- میباشد و او را از دوران مکتب عایشه درانی می شناسم. او در حالیکه خیلی جوان بود مگر درک و احساس انسانی که از پدر برایش به ارث رسیده بود، انسان عظیم جلوه میکرد. دیده ژرف، و وسعت نظرش نسبت به سن و سالش بروی سنگینی مینمود، در همان سن و سال از عالی ترین شیوه مردم داری و انسان دوستی برخوردار بود.

وی بعد از ختم لیسه عایشه درانی در 1352ش- برای کسب تحصیلات عالی شامل پوهنتون کابل گردید و در فاکولته اقتصاد رشته انکشاف و تجارت را موفقانه ختم نمود.

در سال (1355) در حالیکه محصل بود، برنامه های هنری و فرهنگی فاکولته اقتصاد را در بخش زبان پشتو نطایق مینمود. در پوهنتون کابل برنامه ها فرهنگی درباره مسایل مهم تاریخی، اجتماعی در یک رقابت مثبت بخاطر تبارز استعداد ها محصلین راه اندازی میگردید و از طرف مسولین وزارت اطلاعات آن وقت مورد بررسی و نظارت قرار میگرفت.

پوهنهی اقتصاد در همان سال برای مدت دو هفته برنامه ویژه داشت و محترم دکتور محمد اکرم عثمان از جمله اراکین وزارت اطلاعات و کلتور وقت پروگرام فاکولته اقتصاد بررسی کردند.

استعداد نطّاقی خانم زرغونه را کشف و از وی نقاضا نمودند تا به رادیو تلویزیون ملی همکاری نماید. وی بعد از مشوره پدر بزرگوارش، کار ژورنالیستی و نطّاقی را با رادیو تلویزیون ملی آغاز نمود. وی بعد از ختم پوهنتون به وزارت تجارت عز تقرر حاصل کرد و بعد در سازمان دموکراتیک زنان افغانستان ایفای وظیفه نمود و در کنار وظایف رسمی در رادیو به نطّاقی پرداخت. در (1359) ش- به حیث کارمند رسمی رادیو تلویزیون تقرر حاصل کرد. او علاوه بر نطّاقی اخبار شب در برنامه های مختلف هنری، اقتصادی، سپورت، تبصره های سیاسی، برنامه های جوانان و به ویژه برنامه زن و جامعه را گوینده گی و بعضاً تهیه می نمود و از طریق پروگرام زن و جامعه درد های خواهران هم وطنش را که ناشی از نابرابری ها جامعه سنتی بود، انعکاس میداد. خانم ژواک مبارزه بی امان خود را در احیای حقوق حقه زنان از طریق رسانه های جمعی بگوش و چشم مردم میرسانید. بر علاوه انیکه گوینده و نطّاق خوب پشتو بود در نوشتن و تهیه و ترتیب پروگرام ها از استعداد فوق العاده برخوردار بود و قلم توانایش همیشه در محور عدالت اجتماعی میچرخید.

بعد از تشکیل دولت اسلامی در سال (1371) ش- و ابلاغ حکم ظالمانه در مورد کار و فعالیت زنان که گویا زنان مربوط به حصار خانه اند، او نیز فعالیت ژورنالیستی خود را قطع نمود. زیرا روز های تاریک در زندگی مردم و مخصوصاً زنان رنج دیده و بلا کشیده

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

کشور ما آغاز گردید و وطن زخمی ما درسالهای (1371 و 1372) ش- مطابق (1992) میلادی به میدان معرکه گروپ های متخاصم اسلامی به تنور داغ مبدل گردیده بود. در شب هشت ثور (1371) ش- اوظیفه نطاقي اخبار شب را بدوش داشت در آن شب فراموش نا شدنی کابل قلب مادر وطن نشانه تیر راکت های حزب اسلامی و شورای نظار گردید و به جز دود و شعله آتش چیزی دیگر در چشم مردم ستمدیده کابل جلوه نمیکرد. برای کارمندان و نطاقان رادیو تلویزیون که در محل کار مصروف بودند اجازه بیرون رفتن داده نمیشد و ارتباط تيلفون ها نیز قطع گردیده بود. تمام کارمندان رادیو تلویزیون شب را در یک خط مرگ وزندگی دراستدیوهای رادیو تلویزیون سحر نمودند، آن شب نوازش گرگوشهای هم وطنان ما جز شیندن صدای دلخراش سلاح ثقیل چیزی دیگری نبود. یاد آن شب برای همه کسانی که در محل وظیفه قرار داشتند و تمام شهریان کابل فراموش نا شدنی است. گرچه تکرار آن شب ها و روز های سیاه و تاریک در تاریخ کشور فراوان دیده شده است مگر آن شب آروز هر فرد افغان پایان جنگ خانمانسوز، آرامی مردم فقیر و دردمند و شگوفانی کشور ویران ما بود، اما برعکس چنان نشد. باران راکت ها کشتاربی رحمانه مردم بی دفاع و ایجاد وحشت همه مردم را متواری ساخت. خانم زرغونه ژواک نیز دامن هجرت گرفت، بطرف سرنوشت

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

نامعلوم در حرکت افتاد و سرانجام کشتی طوفانی او و خانواده اش را در کشور المان به حیث پناهنده سیاسی مسکن گزین ساخت. بر علاوه خاطرات تلخ دوره جنگ، خاطرات فراموش ناشدنی خوب از همکارن عصرش در رادیو تلویزیون ملی دارد مخصوصاً از شهید صایمه مقصودی زن مهربان و دلسوز و نطق خوب ما، که یگانه مشوق و مشاور راستین او در وظیفه محوله بود که متأسفانه قربانی خشنود و زهنی گری های سیاه که تا امروز هم برضد حقوق حقه زنان از طرف باند های سیاه و تاریک جریان دارد، گردید.

زرغونه ژواک در سال 1360-ش با احمد نجیب عطا ازدواج نمود اما با تأسف که در ماه جون 2006 میلادی همسر عزیزش را بنابر حادثه ئی از دست داد. این شیر زن مبارز کشور با چهار فرزندش هریک خیر عطا، هیله "لیلا"، آرش عطا و مینه "یلدا عطا در کشور المان با مسوولیت بزرگ، تربیت و پرورش فرزنداناش زندگی مینماید.



### سیما شادان



سیما فرزند محمد  
عثمان خان در سال  
1334 ش- در خانواده  
روشن ضمیر بدنیا آمد.  
در سال 1352 ش- از لیسه  
زرغونه فارغ گردید. بعد  
فراغت از مکتب در جهان  
هنری سینما قدم گذاشت، در  
فیلم معروف رابعه بلخی  
"نقش رابعه" را بازی

نمود. و یکی از اولین دست آورد های هنری او می باشد.  
در سال 1355 ش بصفت کارمند رسمی به اداره هنر و ادبیات رادیو  
افغانستان مقرر گردید، در سال 1356 ش- جهت آموزش و پرورش  
در بخش های تهیه و ترتیب و دایرکتوری برنامه های تلویزیون در یک  
گروپ 36 نفری با کارمندان رادیو همراه با خانم ثریا زلمی به  
کشور ایران رفتند. بعد از تکمیل شش ماه کورس با اخذ دیپلوم  
و جایزه بوطن برگشت و مدت طولانی در بخش های مختلف رادیو  
و تلویزیون ملی افغانستان خدمت نمود.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

در کار فرهنگی نه تنها علاقه داشت بلکه با عشق و احساس قلبی به برنامه سازی میپرداخت، گوینده توانا، متصدی متبکر و صاحب ذوق بود، هر برنامه را با لطافت زبان و ریزه کاری های هنری بگوش شنونده و بچشم بیننده مجسم ساخته و گوشها را نوازش میداد. او در پروگرام های فیستوال (اردوگاه) ماسکو اشتراک کرد و مسایل فلکلور افغانستان را با ظرافت های خاص افغانی معرفی مینمود. مدتی مدیر عمومی موسیقی نشرات تلویزیون افغانستان بود خدمات ارزشمند و ابتکارات بی نظیر در ثبت آهنگ های موسیقی تلویزیون انجام داد که تا اکنون بدان سلیقه و ابتکار، آهنگ در تلویزیون ثبت نگردیده است.

برنامه از هر چمن سمنی را با ذوق خاص تهیه و نطایقی نموده و هم چنان در بخش تلویزیون پرودیوسر و گوینده برنامه های زن و جامعه، هفت شهر هنر، مجله تلویزیونی، و برنامه کتاب بوده است.

«خانم سیماعثمان» بیشتر از (1500) آهنگ تلویزیونی برای هنرمندان سرشناس کشور دایرک نموده است که عبارت از گروه باران، شاین، گل سرخ، بزم محلی، بزم خانقا میباشند، مخصوصاً برنامه بزم خانقا که رسم و آئین شهر کهنه کابل بود و اکثر مردم کابل به خانقا عقیده خاص داشتند، این ابتکار او را در قلب مردم جا داد، و با ایجاد هم چون برنامه ها ابتکاری در سبک کار گردانی تلویزیون شیوه جدید را بوجود آورد.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

در سال (1362)ش- از طرف وزارت اطلاعات و کلتور بخاطر فعالیت ها و ابتکارات چشم گیرش مستحق جایزه شناخته شد و همچنان در سال (1365) ش- دپلوم افتخاری کارگردانی آهنگ های تلویزیونی را از طرف اتحادیه هنرمندان افغانستان نصیب گردید.

در سال 2005 م- در فیستوال فلم Three Continents (سه قاره) در شهر نانتس فرانسه سفر کرد و سفرهای رسمی و غیر رسمی به کشورهای پاکستان، هندوستان، ایران، اتحاد شوروی وقت، جرمنی، فرانسه، ایتالیا، اسپانیه، کانادا و امریکا داشته است.

سیما فرزند محمد عثمان خان با محترم عبدالله شادان ژورنالیست شناخته شده شاعر و نویسنده توانای کشور ازدواج نمود و تخلص شادان را اختیار کرد. ثمر ازدواج این زوج فرهنگی دو فرزند بنام های "دکتور صدف شادان و محترم مامون شادان" میباشند.

در سال (1371) خورشیدی (1992) م- زمینه فعالیت برای همه مردم کشور و بخصوص زنان روشنفکر که در ساحه نشرات جمعی ورشد فرهنگ کار میکردند، محدود و حتی از بین رفت و حیات روشنفکران به خطر مواجه گردید، از اغوش وطن جدا شد و در کشور انگلیستان پناه برد. خانم شادان در آنجا نیز دست بکار فرهنگی زد و تا اکنون در انگلستان برنامه های خوب رادیو بی بی سی را تهیه و گویندگی مینماید که عبارت انداز:

"برنامه های پنجشنبه ها با شنوندها و خاطره ها ترانه ها و برنامه صدا و سرود" میباشند، هر برنامه او تازه و ابتکار دیزه دارد برنامه

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

هایش با شرایط زمان " روز های بین المللی کتاب، صحت، زن، طفل، تباکو " و غیره با پیام های آموزند بازتاب میگردد. او عاشق شعروادب زبان دری میباشد در قرائت شعر وخوانش داستانهای ادبی زوق ویژه بخرچ میدهد. خانم شادان دارای شخصیت آرام و مودب بوده احترام بر همه گان جزکرکترعالی او بشمار میرود.

### جمیله وردک شفق تصویر یک چهره هنری، در آینه شکسته زمان

در مورد هنرمندی مینوسیم که سی سال عمر عزیزش رادر خدمت مردم و در تلاش برای ارتقا وتعالی فرهنگ مردمش، بسیار زیبا و بسیار پربار وثمربخش ، بدون ریا وقف نمود. بلی از هنرمندی صحبت میکنیم که طفولیتش را بنابر آزادی خیال واستقلال کرکترش با وجود لطافت زنانه با چهره ظاهرا بچه گانه، ( بچه گانه پوش) سپری کرده و با اصطلاح غربی ها هنوز وارد سن *Teenagers* ها نوجوانها نشده بود که با همان کرکتر نیمه بچه گانه اش وارد دوران طلاییکارزار هنری جامعه اش شد. بلی از جمیله وردک شفق میگوئیم، او در بهار سال ۱۳۵۲ خورشیدی از طریق برنامه ذهنی به رادیو افغانستان راه یافت، در جمع اول نمره های مکتبش در یکی



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

از برنامه های مسابقه ذهنی رادیو اشتراک کرده و نظر به لیاقت و جرأت فوق العاده ای که از خود ظاهر ساخت، از طرف مسئولین اداره هنر و ادبیات رادیو (در آن زمان هنوز *TV* تلویزیون، وجود نداشت) محترمه فریده انوری و محترم مرحوم استاد فضلی به همکاری در برنامه های هنری- ادبی این اداره دعوت گردید که هنوز متعلمه صنف هفتم مکتب بود، و برای شخص حادثه ساز چون جمیله وردک پذیرش همچو یک پیشنهاد نه تنها به آسانی قابل قبول و پذیرفتن بود، بلکه بهترین راه برای رسیدن به آرمان ها و تخیلات طفلانه و ظریفیش نیز بود که در قلب پرتپش این نوجوان آزاد اندیش و سنت شکن موج میزد و او برای رسیدن به آنها به بالهای پروازی چون امواج رادیو به آن شدیداً نیاز داشت.

جمیله وردک "شفق" در سال ۱۳۳۹ شمسی در دروازه لاهوری شهرکابل در یک فامیل روشنفکر بحیث پنجمین فرزند خانواده به دنیا آمده و پدرشان سالها قبل از به دنیا آمدن جمیله بنابر حساسیت بیش از حدیکه در برابر فساد اداری و ارتشاً مروج در جامعه، در روح و روان این مرد صوفی مشرب شکل گرفته بود، ترک مسلک قضا کرده مصروف مشاغل شخصی بود. جمیله وردک تعلیمات ابتدائیه را در مکتب میرمن خجو در شهرکابل و دوره ثانوی را در لیسه عالی عایشه درانی کابل در سال ۱۳۵۷ش- به پایان رسانید، تحصیلات عالی را در رشته های تربیه کودک تا سویه صنف ۱۴ در سالهای (۱۳۵۸ - ۱۳۵۹) و بعداً در رشته طب در سال های بین

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

۱۹۹۴ تا ۲۰۰۰ میلادی در افغان پوهنتون شهرپشاور به پایان رسانید و هنوز چندماهی از کارهای عملی اش در این رشته سپری نشده بود که بنابر شرایط ناگواری که در ماحولش قرار داشت همراه با اعضای خانواده اش که متشکل از شش فرزند و شوهرش می باشند راهی دیار غربت گردیده و به کشور جمهوری آیرلند در شهر دوبلین مهاجرت نمودند. واز جنوری " ۲۰۰۲ " م تاکنون درین شهر مقیم هستند.

در رابطه با فعالیت های فرهنگی و هنری اش گفتنی ها زیاد است، آنده از هموطنان ما که در سالهای بین ۱۳۵۲ ش. تا قوس ۱۳۷۲ ش. یعنی تا زمانی که خانه و کاشانه و دارائی محصول یک عمر زنده گی این خانم مستقل و آزاده و وفادار به امر میهن و مردم از طرف سارقین و دزدان سازمان یافته مسلط برکشور و خاصتا شهرکابل در آن زمان به تاراج و یغما نرفته بود، بدون هیچگونه وابستگی به گروه ها و دل بستگی های نظامی - سیاسی دیروز و امروز، مردانه وار در کشور پائید و تا آخرین ساعات روز چپاول منزلش که ۱۷ قوس سال ۱۳۷۲ بود بالای وظیفه اش درکودکستان سیلو بحیث معلمه کودکستان ودرتلویزیون جمهوری افغانستان بحیث برنامه ساز و گرداننده بخش پشتوی برنامه اطفال (ماشومانو خپرونه) بالای وظیفه اش حاضر بوده و آخرین کلمات بی ریای صمیمانه و دلپذیرش را از لابلای آهنگ ملیح وموزون (گلالیو ماشومانو) به شنونده گان و بیننده گان معصوم و بهشتی اش نذرانه کرده است.

## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

در ردیف کارهای عمده و چشمگیری که در مطبوعات و فرهنگستان پربار کشور به جان برابری در داخل کشور انجام داده است میتوان از تصدی های چون پرودیوسر رادیو درام ها، نویسنده و گوینده برنامه های معلوماتی- تفریحی ترانه ها و سخن ها، دژوندلار، گلپانی، نوشته و تمثیل در درامه های بلند هنری در چوکات اداره هنرو ادبیات رادیو و سهمگیری در نمایشات متعدد هنری و تمثیلی تلویزیونی و پیشبرد و گرداندگی برنامه ماشومان در تلویزیون را نام برد، که طی سالهای متمادی و بصورت بلا انقطاع توسط شان مدت بیست سال در داخل کشور در بخشهای فرهنگی افغانستان انجام داده اند. اودر خارج از کشور در دیار غربت و شرایط دور از میهن نیز به رسالت و مسئولیتی که در برابر مردم، زبان و فرهنگ خویش داشته اند متوجه بوده و همواره در جهت ارتقای شخصیت فرهنگی و علمی خویش در تلاش بوده اند. ادامه دادن، به ثمررسانیدن تحصیلات عالی در رشته طب در هنگام مهاجرت در پاکستان و سهمگیری فعال در بنیادگذاری و تأسیس برنامه های *BBC-AED* و *BBC-AEP* از سال ۱۹۹۳ تا ختم سال ۲۰۰۱ برای مدت نه سال در پشاور پاکستان و به تعقیب آن ایجاد و پیشبرد برنامه مستقل فرهنگی رادیو برای پشتو و فارسی زبانان مقیم آیرلند از طریق *Sunrise Radio Dublin* در شهر دوبلین از جمله کارهایست که هر افغان باورمند به قدسیت و احترام ارزشهای ملی را، وامیدارد، تا بر کارایی و استعداد و وفاداری و صداقت عملکرد این خانم به امر

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

میهن، مردم، زبان و فرهنگ مردمش، مه‌رتائید بگذارد. و او را یکی از مبارزین راستین رسیدن به اهداف بلند و عالی انسانی چون آزادی و رفاه، صلح و دموکراسی، محبت و اعتماد به حساب آورده قدردانی نماید.

قابل تذکر میدانم که خانم جمیله شفق با محترم عنایت شفق هنرمند شناخته شده و پرو دیسر توانا و وژورنالیست موفق ازدواج نمود شش طفل ایشان (جمیله جان و عنایت جان) سه دختر و سه پسر می باشند، و قسمیکه تناسب و هماهنگی و زیبایی در همه ابعاد زنده گی شان بصورت گسترده مشهود بوده است، خداوند (ج) ودیعه اولاد را نیز به ایشان بصورت موزون و متناسب به هدیه داده است.

طوریکه طفل اول شان (هیله نسیم شفق) دختر، دومی پسر، سومی دختر، چهارمی پسر و پنجمی دختر و ششمی و آخر نیز پسر بوده اند. حالا دیگر درجن عایلو ی این زوج موزون به یاری خداوند متعال به پایه اکمال رسیده و قسمیکه میگویند آخرین طفلش رفعت الله شفق در ماه فبروری 2007 میلادی شانزده سالگی شانرا جشن خواهند گرفت و قرار معلوم نمره بوت رفعت جان دو نمره کلانتر از نمره بوت پدرش عنایت "شفق" می باشد.

"مشکل بزرگ برای خریدن بوت دارند".

### خانم رجنی «کمار» پران



با اظهار سپاس از همکار عزیز و دوست دیرین دیار نازنینم رجنی باجی که با شنیدن آواز مقبولش در تلیفون یک دنیا محبت برایم بخشید، پیدا کردن این دوست نازنین هم کار سهل نبود زیرا چنان مصروفیت دارد که با تلیفون های مکرر او را در خانه نمی یافتم، بهر حال زمانیکه بعد از مدت ها جدایی و دوری باهم صحبت کردیم، نمیتوانستیم از هم دل برکنیم و خدا حافظی نمایم.

بعد از تماس، در اولین هفته فوتو خویش را بایک جلد کتاب "ما باشندگان دیرین این سرزمین" مولف جوان و گرامی هموطن ما آقای

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

ایشرداس را برایم فرستاد و آنچه را در موردش مطالعه میفرمانید و از همان کتاب نقل کرده ام.

{خانم رجنی پران بهسین یگانه خانم از هندوان وسکه های افغان است که در رادیو افغانستان وظیفه نطایقی را انجام میداد طوری که از تخلص او پیداست دختری مرحوم پران ناته غنمیت میباشد. او در سال 1951 م مانند لکشمی (ثروت) به خانه پدر در گذر پایان چوک کابل بدنیا آمد.

در سال 1970 م از لیسه زرغونه فارغ گردید هم ردیف مکتب زرغونه مکتب آسمایی را جهت فراگیری زبان هندی و علوم دینی نیز تعقیب کرد. در فعالیت و برنامه های مکتب نیز اشتراک می ورزید و سهم می گرفت.

خانم رجنی می خواست انجیری ساختمان را تحصیل نماید مگر دشواری های مالی پدرش که در اثر حریق که به آن مواجه شده بود نگذاشت آرزوی این دوشیزه برآورده گردد. او چند سالی با فامیلش در کشور هندوستان سپری کرد مگر چنانچه مولانای بلخ گفته است:

هرکسی کو دور ماند از اصل خویش

باز جوید روزگار وصل خویش

آنان واپس به زاد گاه شان « افغانستان » برگشتند رجنی از دیر زمانی در حلقه خویشاوندان نامزد بود چند بعد پی بختش رفت و با آقای آشوک کمار بهسین پیوند زندگی بست پسانتر خواست از چهار دیواری منزل بیرون آید در رادیو افغانستان در برنامه زبان اردو

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

گوینده شد دوازده سال به این کار ادامه داد افزون برین در مکتب آسمایی نیز به تدریس می پرداخت چندی هم در وزارت مالیه به صفت تایپست انگلسی کارکرد.

رجنی پران سفرهای به هندوستان داشته و هر بار کست هایی از اواز خوان های هندی با خود آورد و بدین صورت در غنای آرشیف موسیقی رادیو افغانستان کوشیده است. بعد از ترک اجباری وطن با شوهر و سه طفل نازنینش در ایالت متحده امریکا اقامت دارد. نا گفته نباید گذاشت که آقای ایشرداس این مصاحبه را از مجله "میرمن که خانم رجنی در کابل همراهی ژورنالیت کشور محترم ببرک احساس انجام داده بود درج کتاب خود نموده است {

**رجنی با جی** دوست دیار نازنینم و رفیق همسفرم در سرویس رادیو که مامورین را بعد از ختم وظیفه به خانه شان انتقال میداد- میبانشد یاد آن ایام خجسته گرامی باد.

او مصروفیت خارج از منزل، تدریس کورس دریورری و تربیه دریوران لایق را بدوش دارد، یک خانم، پرتلاش، زحمت کش، صادق، و وظیفه شناس میبانشد. او افتخار استاد بودنش را در سر زمین امریکا نیز حفظ کرده است اکنون دریور تربیه مینماید.

Shining  
Driving School  
این کورس در ایالت نیوریاک امریکا میبانشد.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

من بخاطر پیدا کردن خانم رجنی پران در کشور هندوستان، انگلستان، جرمنی، و بسیار از کشورهای دیگر اروپا و در کانادا و امریکا، در شهرهای تورنتو، مانتریا، در شهرهای مختلف امریکا برای هر دوست تیلیفون میکردم و او را می پالیدم. هیچ کس از او سراغ نداشت خیلی مایوس شدم فکر کردم هر آنچه خودم در باره اش میدانم می نویسم خوشبختانه دوست عزیز و گرامی در کانادا نمبر تیلیفون اش را داشت و بدست رسم گذاشت از دوست ارجمند منمونی میباشم.:

{ آب در کوزه من تشنه لبان میگردد  
یارد در خانه من گرد جهان میگردد }

همین شعر در باره پیدا کردن خانم پران صدق میکند. او در نیویارک و من در کانادا حیات بسر میبریم و در همسایگی دو کشور قرار داریم. خانم پران بر علاوه آنچه در فوق مطالعه کردید، او یک شعر خوب زبان اردو نیز میباشد و بعضاً به زبان دری نیز شعر سروده است.



## دکتور شریفه شریف

خانم شریف در سال 1331 ش- در ولایت زابل متولد گردیده است. وی دوره های کودکی خود را نسبت مصروفیت پدر ارجمندش در ولایات مختلف کشور سپری نموده است و تصویر از مناظر طبیعی، کوه پایه های بلند هندوکش، سلیمان، سفید کوه و سیاه کوه و- ودادی



های سرسبز دامان مادر وطن با محبت مردم فقیر افغانستان که از ابتدائی ترین معشیت زندگی بر خوردار نبودند و هر آنچه داشتند، صفای قلب پاک شان بود که نثار یکدیگر مینمودند، در زهن شریفه نقش جاویدان بسته بود. اوبا آن روح آزاد و سرشار که زاده طبیعت سرسبز کشور ماست بزرگ گردید و آزادانه با خواهران و برادرانش در هر ولایت که پدرشان

وظیفه داشتند به کسب علم و دانش پرداخته است. در آن زمان اکثریت مردم به مکتب عقیده نداشتند و حتی پسران خود را اجازه رفتن بمکتب را نمیداند و مکاتب پسران را به آتش میکشیدند.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

مگر پدر فاضل ایشان اطفالش بخاطر کسب علم به مکتب پسران اجازه میدادند چنانچه در ولایت سمنگان شریفه با خواهرانش در مکتب پسران تدریس گردیده اند.

سالهای اخیر تحصیلی خود را در لیسه زر غونه شهر کابل تمام نمود و شامل پوهنتون گردید، رشته ادبیات پشتو را در فاکولته آموخت. در سالهای که محصل بود با استفاده از تصاویر ذخیره زهنش دست به نوشتن داستان های کوتاه زد و هم زمان بکار نطّاقی در رادیو افغانستان پرداخت. خانم شریف از جمله نطّاقان خوب دری و پشتو در زمانش بشمار میرفت.

در ایام کودکی به اندوختن علم و دانش علاقه مفرط داشت روی همین علاقه مندی برای تحصیلات ماستری خود در سال 1357 شمسی که آغاز ماجرا های سیاسی در افغانستان بود به ایالات متحده امریکا سفر کرد بعد از ختم ماستری طالب فضیلت علمی بیشتر گردید و برای بدست آوردن دکتورا تحصیلش را ادامه داد.

اودکتورای خود را در رشته سیاست (پالسی) تعلیم و تربیه در دانشگاه از شهر الونای امریکا بدست آورد و در 1385 ش- بحیث مشاور مطبوعاتی ریس جمهور افغانستان، (اقای حامد کرزی) بکار آغاز نمود و فعلا به حیث مشاور ریس جمهور در امور بین المللی میباشد.

### زکیه کهزاد



در 1360 ش- زمانیکه بحیث آمر  
کلوپ در ریاست شاروالی کابل  
ایفای وظیفه مینمود، رادیو  
تلویزیون ملی نظر به ضرورت  
از این هنرمند معروف  
تقاضای همکاری نمود و در  
مدیریت ارتباط خارجه رادیو،  
تلویزیون تبديلا مقرر گردید. در  
سال 1362 خورشیدی به حیث  
مدیر عمومی ملیت های برادر و  
خدمتی در مدیریت نطقان تقرر  
حاصل کرد.

آواز مقبولش زینت بخش  
پروگرام های مختلف رادی و

تلویزیون افغانستان گردید. او بر علاوه نطقی در سرویس های  
خبری در پروگرام های مشعل داران هنر و دانش، کتاب، مجله  
تلویزیونی، هفت شهر هنر و سایر پروگرام های فوق العاده شبهای  
عید، سال نو خورشیدی، تجلیل از مناسبت های ملی و بین المللی پیام  
آور خوشی هم وطنان ما بود. همچنان با شیرینی کلامیکه داشت،

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

انانسر فوق العاده برنامه های موسیقی نوای کهسار، کنسرت های بزم غزل، کنسرت های گروه باران و غیره محافل هنری را رنگین ساخته و از بدرقه بی دریغ اشتراک کنندگان برخوردار بوده است. خانم کهزاد انانسر متبکر، لطیفه گو، حاضر جواب و هکاهت بود. مخصوصاً برای تشویق آواز خوان مردم را با کنایه های مودبانه و لطافت زبان و دار به کف زدن مینمود.

"در 1365 ش- "یکروز به تالار وزارت صمت عامه کنسرتی به مناسبت جمع آوری اعانه برای آن وزارت راه انداخته شده بود ایشان انانسر پروگرام بودند، باهمان شیرینی کلام کسرت را اعلان کرد (هنرمند سوم و یا چارم یک آواز خوان مرد بود که شکوه و شکایت از یار بی وفا خود میکرد و در ضمن تخیل میکرد که با یار بی وفای خود در قرغه و پغمان چکر میزند) آهنگ بسیار طولانی بود و مردم فاجه میکشیدند، خانم کهزاد به ستیج آمد تا هنرمند بعدی را معرفی بدارد. با فکاهیات خوش مزه خود چنین گفت (تشکر از این هنرمند محبوب که چقدر دل افگار از یار خود دارند و مگر مه تشویش دارم که با یار بی وفای خود به قرغه و پغمان میرود خدا کند که سینه و بغل نشوند) چون زمستان بسیار شدید بود همه مردم می خندیدند و او را در اوج احساسات بدرقه میکردند و باعث آن شد هنرمند مذکور چندین پارچه دیگر را- نیز اجرا نماید"

خانم ذکیه کهزاد در هر پروگرام با محبت و صمیمیت شنونده و بیننده را مخاطب قرار میداد و در اجرای برنامه مهارت خاص داشت ،

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

شنوندگان و بنندگان را به تماشاه ویا به شیندن مجذب مینمود. و با همه کارمندان، نطاقان و تمام مامورین و کارگران رفتار خیلی نیکو صمیمی که جز کرکتر خیلی عالی او بود، داشت .  
با هر انسان مطابق فهم و سویه آن شخص خیلی زود صمیمی میگردید که یکی از رازهای موفقیت او در حیات اجتماعی اش بشمار میرود.

شایان یاد آوریست که او یگانه نطاق بود که در چنان شرایط داغ سیاسی اخبار را سا راز حافظه بدون غلطی قرائت میکرد. این استعداد سرشار و سعادت بعد از زنده یاد مهدی ظفر نصیب او بوده است و بس .

خانم کهزاد عضویت اتحادیه ژورنالیست های افغانستان را نیز داشت و همراه با شفیقه محمودحبیبی و سهیلا اضغری حایز جایزه مدال طلا شناخته شدند.

در سال (1992) با فامیلش و همسر عزیز اش محترم استاد محمد یوسف کهزاد شاعر، نویسنده و نقاش شناخته شده وطن به کشور هندوستان پناه بردند و در سال (2000) م-به امریکا اقامت گذدند و ثمر ازدواج این زوج هنرمند یک پسر بنام کنشکا کهزاد و سه دختر میباشند .

## ثریا "امیرزی" پکتیانی



در سال 1358 ش-در حالیکه متعلم لیسه عایشه درانی بود بحیث نطق رادیو تلویزیون عقد قرارداد نمود. او بر علاوه قرائت سرویس های خبری پشتو در پروگرام های جوانان، زن و جامعه، سپورت، و برنامه های ادبی، دکلمه اشعار پشتو، برنامه زمزمه های شب هنگام را گویندگی نمود. دوبلاژ فلم های تلویزیونی، تبصره های سیاسی، مروری برواقعایی هفته را نیز قرائت میکرد در پروگرام های که از طریق رادیو کابل صرفاً برای شهریان کابل نشر میشد نیز همکاری دایمی داشت

در (1360) ش- با محمد هاشم پکتیانی نطق معروف رادیو عقد ازدواج بست و پکتیانی تخلص نمود.

در سال 1992 عیسوی به پاکستان هجرت نمود و برای رادیوی بی بی سی به حیث راپور ترخبری کمپ های بیوه گان افغان و وضع صحیح اطفال افغانی راپور تهیه مینمود، بنا بر فعالیت فوق العاده یی که داشت از طرف بی بی سی در رشته ژورنالیزم کاندید بورس

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

گردید و عازم کشور سویدن شد. اودر دانشگاه کلمهر سویدن در رشته ژورنالیزم تحصیل کرد.

هنوز در دانشگاه «مصرف تحصیل University of kalmar بود، شوهرش در پاکستان از طرف مردم بی فرهنگ به قتل رسید. وی بعد از ختم تحصیل در کانال دوم رادیو دولتی سویدن برای یکسال اجرای وظیفه نمود و همچنان برای سه سال در همین کانال برنامه های زبان دری و پشتو برای مردم افغانستان در رادیو سویدن مسوولیت داشت.

تلویزیون سویدن برای اولین بار برنامه معیوبین ایجاد شد " ثریا " یکی از گوینده و تهیه کننده ان برنامه بشردوستانه بزبان سویدنی بود در برنامه های فارسی ایرانی همراهی محترم (وحید صبغتی) در باره کلچر و کلتور افغانی و ایرانی و سویدنی همکاری کرد و بعداً در صلیب سرخ سویدن به حیث مشاور در بخش کمکها با مهاجرین فعالیت نمود تا مصدر خدمت برای افغانان تازه وارد در سویدن گردد. هم چنان در رشته زبان سویدنی و انگلیسی تحصیل خود را در پوهنتون ( فولک ) Folk University در شهر گوتنبرگ تکمیل نمود .

ثریا پکتیانی بزبان های دری، پشتو، انگلیسی، سویدنی و روسی با مهارت تکلم و تحریر میدارد. اکنون بحیث ترجمان در یکی از ادارت دولتی سویدن ایفای وظیفه مینماید. ثریا از ازدواج اش با مرحوم محمد هاشم پکتیانی دو طفل یک دختر و یک پسر دارد.

### خانم نبیله همایون

نبیله فرزند محترم محمد همایون خان در سال 1344 ش- در شهر کابل تولد گردید و در 1350 ش- در سن شش ساله گی در پروگرام های اطفال رادیو سهم گرفت و کم و بیش در آن برنامه برای اطفال قصه، شعرو دیگر مطالب را قرائت میکرد. وی به زود ترین فرصت متصدی و گوینده دایمی برنامه اطفال رادیو افغانستان گردید والی سال 1357 هـ- آن مسوولیت را ادامه داد.

در سال (1360) ش - در مدیریت نطقان به حیث گوینده و دکلماتور پروگرام های ادبی بخش رادیو بفعالیات آغاز کرد و در سال 1368-ش در بخش تلویزیون برنامه های ادبی قرائت مینمود. او در اواخر سال 68-ش به نطقی اخبار شب پرداخت. این نطق خوش صدا در قرائت برنامه های ادبی خیلی موفق بود. زیرا آواز خیلی گرم و صمیمی داشت. همچنان در برخورد با همکاران، نطق، پرودیسران، انجیران، و کارمندان اداری رفتار صمیمی داشت و مخصوصاً در باره رعایت قانون و مقررات خیلی دقیق بود پابندی بوظیفه، عشق بوطن و مردم وی را محبوب قلب همه گان ساخته بود. این نطق ارجمند مانند همه مردم کشور از حوادث



## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

سالهای تسلط مجاهدین خاطرات خیلی تلخ دارد . سرانجام در سال 1371 ترک وطن کرد و در کانادا متوطن گردید.

### خاتم نیره «راهی» همایون

اوماند «نبیله» خواهرش اساسات نطاقی راز پروگرام اطفال آموخت . در سال 1357 ش- زمانیکه نبیله خواهرش بمدیریت نطاقان تبدیل گردید ، وی در برنامه اطفال گوینده دایمی اطفال و جاگزین خواهرش شد.

زمانیکه صنف دهم لیسه سوریا بود ، بمدیریت نطاقان تبدیل گردید. در اوایل اخبار راساً را در طول روز قرائت مینمود و در تلویزیون ملی برنامه شماره (18) را پیش میبرد. وی بر خلاف خواهرش به قرائت اخبار و مطالب برنامه های جدی علاقه داشت ، برنامه های جدی را عالی قرائت میکرد. نسبت همان استعداد در 1362 ش- نطاق دایمی اخبار رادیو در طول روز گردید و بعداً در برنامه ابتکاری شماره "18" تلویزیون که مستقیماً با بیننده ها به گفت و شنود میپرداخت ، خیلی شهرت کسب نمود و محبوب دلها گردید. و بعداً در برنامه شماره 18 مستقیماً با بیننده ها به گفت و شنود میپرداخت ، شهرتش نهایی گردید ، زیرا این برنامه ابتکاری برای مردم خیلی دلچسپ بود متصدی برنامه با ابلاغ موضوع دلچسپ داغ روز و یا هفته برنامه خود را با افکار و نظریات بینندگان

پیش میبرد بناً تمام بینندگان تلاش میکردند تا با افتخار صحبت را با متصدی «خانم نیره همایون راهی» برنامه داشته باشند و با حصول تماس به گفت و شنود میپرداختند و مباحثات میکردند. گرچه او یک نطّاق خوب و معروف اخبار و مطالب جدی بود با همان آواز گیرادر برنامه شماره 18 شهرت فوق العاده کسب نمود و محبوبیت بیشتر کمایی کرد.

خانم راهی نیزمانند خواهر در رعایت قانون و پابندی به حاضری و وظیفه شناسی در جمع نطّاقان معروف بود.

البته قابل یادآور است که رعایت قانون و عشق به وظیفه را از پدر بزرگوار شان آموخته است. زیرا پدر گرامی شان آموخته اند زیرا پدر گرامی شان «اقای همایون خان» سالیان متمادی در ادارات دولتی صادقانه ایفای وظیفه نمودند.

نیره همایون با محترم جاوید راهی هنرمند محبوب و نطّاق خوش صدا و از یکتان از جمله آواز خوان های گروی باران عروسی کرد و ثمر عروسی شان یک دختر میباشد.

این فامیل هنرمند در زمان حاکمیت مجاهدین در افغانستان یعنی سال 1992 م- ترک یار و دیار کردند و در دیار هجرت از کار های فرهنگی فاصله گرفتند و مصروف زندگی عادی در کشور کانادا میباشند.

### صفیه اشکرینز



در سال (1340) ش- (1961) م در شهر کابل تولد گردید هم زمان با شمولیت در مکتب ابتدائیه ستاره، راه رادیو افغانستان را نیز درپیش گرفت. در پروگرام های اطفال رادیو همکاری خود را آغاز کرد. تا تحت نظر متصدی آن پروگرام برای گوینگی و آماده شود. وی بعد از ختم مکتب ابتدائیه شامل لیسه جمهوریت گردید و بکلوریا را ختم نمود، در سال (1356-ش) که (16) سال داشت در مدیریت نطقان

قرارداد نطقی را امضا نمود او برای خوانش برنامه های ادبی خیلی علاقه داشت در برنامه های زمزمه های شب هنگام، از هرچمن سنمی، و بعضی پروگرام های اداره روزنه "سیاسی و اجتماعی" را فرائت میکرد. زمانی که تلویزیون افغانستان بفعالیت شروع کرد او از جمله اولین گویندگان برنامه های مختلف تلویزیون گردید. بعد متصدی و گوینده برنامه اطفال، زن و جامعه در تلویزیون شد.

برنامه "راه زندگی" را با محترم غوث زلمی و ترانه ها و سخن ها با محترم درمحمد نوری و محترم اسماعیل فروغی یکی از خوبترین و جالب ترین برنامه بود و "نشرات مستقیم داشت" به علاقه خاص گویندگی مینمود. برنامه کاروان هله که به همت و ابتکار فهمیه انوری تهیه میشد، نیز قرائت مینمود. همچنان از تمام همکاران همان دوره که در رادیو تلویزیون بودند. خاطرات خوش و فراموش نا شدنی دارد و از نطاقان به آواز محترمه لطیفه کبیر سراج و محترم کریم روهینا علاقه خاص داشت.

خاطرات همه نطاقان درامور نشراتی خیلی جالب است. خانم صفیه عزیز خاطرات خود را برای مطالعه دوستان چنین نوشته است.

{یکروز که اعلانات فوتی را میخواندم بجای آنکه وفات مادر یکتان از هم وطنان را اعلان کنم، وفات خودش را اعلان کردم. چون نشرات مستقیم بود چاره جز تکرار اعلان را، نداشتم، متعاقباً سه بار اعلان مرحومه را ریگان به نشر رسانیدم تا دوستان بدان که" مادر اسماعیل وفات نموده نه خودش " زیرا در افغانستان نام خانم ها را حتا بعد از مرگش هم افشا نمی کردند و میگفتند مادر اسماعیل، مادر آصف و یا مادر رحیم و غیره من هم متوجه کلمیه مادر نشده بودم وفات اسماعیل خوانده بودم}

خاطره دوم: {زمانیکه پروگرام ترانه ها و سخن ها را با همکارم محترم درمحمد نوری میخواندم و آنهم مستقیم نشر میشد روی کدام

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

موضوع مرا خنده گرفت هر قدر کوشش کردم دوباره به حالت عادی گپ زده نمی توانستم و همکارم در محمد نوری به تنهایی گپ زده میرفت و فوراً تذکر داد که شنوشنده های عزیز بیا بید که یک پارچه موسیقی بشنویم . من در همان حالت که میخندیدم فکر کردم که همکارم شنونده ها را نیز به خنده دعوت میکند ، خنده من انقدر بلند شد که همه شنونده از طریق امواج رادیو استماع کردند. هیچ گاه فراموشم نمی شود. بعداً هر بار با آقای نوری پروگرام میخواندم برایم میگفت : « متوجه باشید که شنونده ها را برای خند دعوت نمی کنم» {

صفیه اشکریز از کودکی به مطالعه کتاب خیلی علاقه داشت و دارد ورنج دوری از فامیل، دوستان، را با مونس شب و روزش (کتاب) بدست فراموشی میگذارد.

همچنان خانم اشکریز به سفر نیز علاقه مند است و معتقد است که از تجربه سفر انسان مکمل میگردد و پدیده های جدیدی را در زندگی می آموزد. وی در سال (1362) برای یکسال جهت تحصیل پرودسری عازم کشور (چک) گردید

در سال (1363) بعد از اخذ سند تحصیلی مقدماتی و تکمیل زبان چکی در دانشگاه CHARLES در شهر پراگ به دانش ژورنالیزم پرداخت. و از سال (1364 تا 1370) هـ.ش- مطابق (1985 تا 1991) عسوی بعد از ختم تحصیل موفقانه بوطن برگشت و بصف ترجمان و سکرتر در سفارت چک مقیم افغانستان در کابل ایفای

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

خدمت نمود، در کار دفتر داری کسب تجارب نمود اما بدبختانه که شرایط زندگی و ادامه کار برای همه مردم و مخصوصاً برای زنان در اثر جنگ های خانه ویران داخلی محدود گردید و دوام زندگی در زیر باران راکت ها تحمل ناپذیر شد. از طرف دیگر تعصب وزن ستیزی در برابر خانم های تحصیل از میزان تصور خیلی بلند بود. ناچار ترک وطن کرد و به کشور انگلستان پناه برد و فعلاً در لندن زندگی مینماید. خانم صفیه اشکریز خواهر استاد امان اشکریز و خواهر ذکیه حقیرست اشکریز میباشد.

### فاطمه "جمال" صیامی

با رسیدن مژده بهار، وزیدن نسیم بهاری افسردگی زمستان بدست یغما پسرده میشود هرگاه آن نسیم روح پرور توام با نعمیت ماه صیام باشد مژده اجر دارد، در بهار سال 1336 ش- در ماه مبارک رمضان در فامیل درانی دختری فرزانه یی قدم در گیتی پهناور گذاشت و او را فاطمه نام گذاشتند. وی دوره مکتب ابتدائیه را در آمنه فدوی به پایان رسانید و شامل لیسه رابعه بلخی



گردید. در نوجوانی احساس شعری در قلبش بارور گردید، همانا طبع شعری، او را به ساحه فرهنگی می کشاند. استعداد و علاقه فراوان، او پیوند ناگسپستنی با مطبوعات پیدا کرد این استعداد در دوره مکتب ابتدائیه پایه گذاری شده بود و در لیسه رابعه بلخی به اوج رسید. زیرا سهم گیری او در کنفرانسهای مکتب مصداق این ادع می باشد در سال 1353 ش-رسمآ بحیث خبرنگار در روزنامه انیس تقرر حاصل نمود و با نوشتن مطالب ادبی و هنری در روز نامه و تهیه راپور تاژها، مصاحبه ها و نوشتن اشعار در صحفات مختلف روزنامه در ان ایام زندگی با نشاط را استقبال میکرد.

مخصوصاً مصاحبه با شخصیت های بزرگ ملی کشور یکی از پر کیفیت ترین کارهای فرهنگی اش بشمار میرود که از جمله میتوان مصاحبه او را با محترمه لطیفه کبیر سراج شخصیت نامدار فرهنگی و خانم پیشتاز نهضت دموکراسی نسوان و مصاحبه اوبا خانم اندرا گاندی صدرالعظم وقت کشور هند وستان یاد آورشد.

فعالیت های ژورنالیستی خانم صیامی تنها در محدوده روزنامه انیس منحصر نماند بلکه در مجلات : ژوندون، میرمن، مجله آواز، کمکیانوانیس وزورنامه هیواد برزبان پشتو نیز گسترش پیدا کرد. اشعار او در صفحات مجلات فوق به اسم مستعار " زیبا بهانه " اقبال چاپ یافته است و اولین شعرش در مجله پشتون ژغ ارگان نشراتی رادیو افغانستان بنام "زیبایم و زیبا تر از آنم که تو دانی" نشر شد.



در تصویر فوق فاطمه صیامی در حال مصاحبه با خانم لطیفه کبیر سراج دیده میشود .

بعد بعض از اشعارش مورد تشویق دوستان قرار گرفت و با تشویق دوستان توانست استعداد خود را بیشتر تبارز بدهد و اشعارش در صفحه گلبرگها روزنامه ها و مجلات یکی پی دیگر بدست نشر بسپارد. در سالهای 1355 و 1356 هـ-ش در هریپانزده روز محفل باشکوه به اشتراک نویسندگان، هنرمندان، شاعران، قصه نویسان در فضای سالون فرهنگی گویتة انستیتوت کابل با هیاهوی هیجان



انگیز و با صفا و صمیمیت ادیبان براه انداخته میشد این محفل تحت رهبری شخصیت بزرگ شاعر معروف کشور ما محترم استاد عبدالطیف ناظمی دایر میگردید. خانم صیمامی در چنین محفل بزرگ چند پارچه شعر خود را بخوانش گرفت و مورد استقبال همه اشتراک کنندگان مواجه شد این استقبال یگانه مایه برای بارور شدن استعدادش گردید. در سال (1357) -هش= با فعال شدن نشرات تلویزیون به آرزو دیرین خود که به هنر گوینده گی داشت رسید و بر علاوه فعالیت قلمی که با مطبوعات داشت، به حیث گوینده برنامه های تلویزیونی در صفحه تلویزیون در مقابل کمره چشم مردم میهنش قرار گرفت. با آغاز فعالیت نشرات تلویزیون رابطه او با برنامه های مختلف برقرار گردید مگر رابطه قلبی اش با دنیای اطفال و نو جوانان مستحکم شد و با عشق و علاقه خاص با روحیه صمیمی و مهربان برنامه اطفال تلویزیون را گوینده کرد و نوشت.. بر علاوه مصروفیت و کار پرتلاش ژورنالیستی فارغ از اندیشه ادامه تحصیل نبود در سال 1365 -هش- چنگ بدامن تحصیل زد در دانشگاه کابل در فاکولته زبان و ادبیات رشته زبان شناسی دیپلوم لسانس خود را اخذ نمود. کارنویسندگی و عضویت در اتحادیه ژورنالستان یکی از دوره های پرخاطره در حیاتش بشمار میرود. عضویت خود را در اتحادیه ژورنالستان «کانون فرهنگی» تکمیل کننده راه کار های فرهنگی خود میداند.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

خانم صیامی به پاس کارهای فرهنگی اش موفق به دریافت جوایز کوچک و متفخر به اخذ نشان افتخار از اتحادیه ژورنالستان افغانستان همراه با «شادروان خانم ذلیخا فخری و خانم آمنه زمان» گردیده است.

خانم صیامی در سال 1371 هـ.ش - 1992 م - از وطن سفر کرد در کشور هالند بسر میبرد. فاطمه صیامی همراهی محترم جمال الدین جمال ازدوج نمود و دارای پنج فرزند که عبارت اند از: میلاد جمال، رزما جمال، الاهی جمال، مسیح جمال و سلما جمال میباشند نمونه از شعر خانم جمال صیامی

### نیاز عشق

نبیند جز برویت چشم تنازیکه من دارم  
بود سویت نگاهی ناوک اندازیکه من دارم  
زبس خیزد نوایی عشق تو از رگ رگ جانم  
همه عالم برقص آید زین سازیکه من دارم  
جهانی گشته، آخرین عشق رسوایم  
کجا پنهان نوام کرد رسوا، رازیکه من دارم  
منال از ناز و تمکینم که این از شدت مهرباست  
نیاز عشقت افزون میکند نازیکه من دارم

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

بصد افسون "بهانه" گرچه عشق تو کند پنهان  
ولی رسوا شوم زین اشک غماریکه من دارم

### مینہ بکتاش

مینہ در سال 1359 هـ.ش - مطابق 1980 میلادی گویندگی را با رادیو و تلویزیون ملی افغانستان آغاز نمود در ابتداء برنامه کورنی ژوند را در رادیو گویندگی نمود و در تلویزیون به صفت انانسر برنامه ها بکار آغازید. در شروع کارش از استعداد فوق العاده ژورنالیزم برخوردار بود و بیشتر پروگرام های سیاسی، اخبار شب را قرائت مینمود. با صدای رسا و دلنشین اش هر نوع برنامه سیاسی را دلچسپ میساخت و شنونده و بیننده را مجذوب مینمود. شنوندگان و بینندگان هر بار که صدایش را در اخبار می شنیدند فکر میکردند که خبری خیلی مهمی باشد. در حالیکه در اخبار شب مطابق تقسیم اوقات مدیریت نطقان برای همه نطقان یکسان پلان می گردید. چون تبصره های سیاسی را نسبت (تون) صدایش خیلی خوب وجدی



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

قرائت مینمود برای شنوندگانش چنین مفهوم گردیده بود. زندگی نطاقان ارجمند پراز خاطره های فراموش ناشدنی وتاریخی است یک روز صدای نطاق عزیز را در برنامه های هنری وروزی در برنامه تراژیدی وهم روزی در یک روی داد تاریخی که واقعات را به سمع مردم کشورش میرساند مردمش می شنوند، خانم مینه بکتاش چنین برنامه ها را زیاد از طریق رادیو وتلوزیون بگوش ما رسانده است که تصویر فوق با «محمد ظاهر شاه» شاه اسبق افغانستان مصداق ادعای ماست.

اواستعداد سرشارگویندگی داشت وبه زود ترین فرصت به پخته گی رسید، برنامه های هنری وادبی، مجله رادیویی، شهرقصه، ترازوی طلایی، سرود وسخن، آئینه روز، مجله تلویزیونی، ومشعل داران هنر را به فرصت بسیار کم با صدای رسا قرائت کرد. زیرا گویندگی همچون پروگرام ها برای نطاقان تازه کاران از اهمیت فوق العاده برخوردار بوده و کمتر برای نطاقان تازه کار فرصت آن میسر میگردد.

برنامه های سرویس خبری اخبار شب در رادیو وتلوزیون وبرنامه اختصاصی مانند معرفی قانون اساسی جدید را همیشه قرائت می نمود. در سال (1371) هـ ش - (1992) میلادی با به قدرت رسیدن احزاب اسلامی زمینه فعالیت زنان محدود ویا کاملاً قطع گردید. و از نظر امنیت زندگی برای مردم نامساعد شد. وی با خانواده اش به انگلستان پناه برد ودر رادیو بی بی سی کار ژورنالیستی وفرهنگی

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

خود را آغاز کرد. در دسمبر 1994 میلادی همکاری خود را با بخش دری و پشتو سرویس خبری جهانی بی بی سی آغاز نمود. او تهیه کننده اکثر برنامه های خبری سیاسی، مجله آسیا میانه، و برنامه های دری بی بی سی برای افغانستان، صحبت اهل نظر، صدای شما و جهان در هفته گذشته، شامل مصاحبه با رهبران و شخصیت



سیاسی افغان از جناح ها، احزاب و تنظیم های مختلف تهیه و نطایقی نمود از جمله مصاحبه های تاریخی با روسا و رهبران سیاسی برایش خیلی با اهمیت و پرخاطره و پر تجربه میباشد. اولین مصاحبه رادیویی بزبان دری

با حامد کرزی ریس جمهور افغانستان بلا فاصله پس از انتصاب او در سمت رئیس اداره موقت افغانستان در سال 2001 م- بوده است زیرا در آن وقت امنیت بطور قطعی وجود نداشت اما دوشیزه جوان و شیر دل افغان به افغانستان سفر کرد و راپور و معلومات مکمل از

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

تحول آن زمان برای  
جهان گذارش تقدیم نمود.  
تهیه و اجرای برنامه  
گفتگوی شخصیت های  
شناخته شده یی افغان  
در خارج از افغانستان را  
نیز انجام داده است.  
مصاحبه با رهبر جدید



دولت افغانستان (حامد کرزی)

یک سال پس از ایجاد اداره موقت افغانستان و مصاحبه اختصاصی  
بامحمد ظاهر شاه پادشاه پیشین افغانستان در سه بخش در ماه می ، سال  
2003 میلادی تهیه و از طریق رادیو بی بی سی و صفحات اینترنتی  
نیز نشر گردید.

خانم مینه بکتاش مکتب ابتدائیه را در نازوانا، بکلوریا را در لیسه  
رابعه بلخی تمام نموده است و تحصیلات عالی را در فاکولته حقوق  
و علوم سیاسی پوهنتون کابل و همچنان در اکادمی علوم فدراسیون  
روسیه ختم نموده است و ماستری خود را در رشته حقوق بین المللی  
بدست آورده است.

بر علاوه لسان دری و پشتو به زبان های انگلیسی و روسی تکلم  
مینماید. خانم مینه ازدواج نموده است، دو پسر بنامهای پامیر  
بکتاش و ودیر بکتاش دارد .

## زهرة يوسف داوود



در سال 1334-هش مطابق 1955 میلادی در یک خانواده بزرگ هشت نفری در شهر کابل بدنیا آمده است. او پنجمین طفل خانواده «داکتر محمد يوسف و خانم ذکيه سراج» میباشد. مکتب ابتدائیه و ثانوی را در لیسه ملالی بدرجه اول به پایان رسانیده است. در سال 1355-هش 1976 م - از پوهنتون کابل در رشته زبان و ادبیات دیپلوم خود را اخذ نمود و همچنان تصدیق نامه زبان فرانسوی را از دانشگاه نیز

«suibone» بدست آورد.

زهرة يوسف در دوره تحصیل به گویندگی مسابقات زهني راديو افغانستان که یکی از مشهور ترین برنامه های رادیویی آن زمان بود که در حدود 500 تا 600 نفر تماشاچی در هر برنامه اشتراک میکردند، همکاری خود را آغاز نمود. این پروگرام در هفته یکبار در کابل ننداری دایر و ثبت میگردد و از طریق راديو نشر میشود. خانم زهرة يوسف بنام زهرة مسابقه زهني کسب شهرت کرد.

در سال 1351 هـ.ش- 1972 میلادی زهره یوسف از جمله دختران برگزیده در جمع 150 نفر کاندان مرکز شهر کابل و ولایات بعد از گذشتادن امتحانات موفق گردید. این پروگرام به ابتکار خانم شکریه رعد مدیر مسول مجله پر بار ژوندون طرح ریزی گردیده بود. طرح این برنامه در تاریخ کشور ما برای اولین بار صورت گرفت که تا حال چنین پروگرام در مطبوعات کشور بازتاب نگردیده است. سروصدا این پروگرام فضای خوش برای کاندان و مردم ایجاد نموده بود. از جمله 150 نفر کاندیدان بعد از طی چندین امتحان توسط هیئت مطبوعاتی مراحل نهائی خود را پیمود. البته این انتخاب تنها زیبایی کاندیدان مطرح نبود بلکه دانش علمی، معلومات آفاقی، و زیبایی در نظر گرفته شده بود. گزارش کار هیئت جوری در تمام اخبار و جراید نشر میگردد، مردم همه بی صبرانه منتظر اعلان نهایی را از طریق اخبار رادیو جراید و روزنامه ها بودند و هر شب از طریق اخبار تعقیب مینمودند. همه روزه ژورنالستان بدرو کلپ مطبوعات که محل برگزاری محفل انتخابات بود صف می بستند و برای مصاحبه هر کدام از کاندیدان با اخذ فوتوشان امادگی داشتند و در جراید بنشر می سپردند. سرانجام کار انتخابات مراحل نهائی خود را پیمود، محفل با شکوه در هوتل انتر کانتین انتال تدویر یافت. نطق و مجری این برنامه تاریخی و با شکوه زند یاد مهدی ظفر نطق برجسته رادیو افغانستان بود که با تمام جزئیات محفل را گرداننده گی میکرد.



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

تصدیق نامه ها توسط شادخت بلقیس دختر محمد ظاهر شاه شاه سابق افغانستان برای پنج دختر شایسته توزیع گردید. بعد از انتخاب، دختران برگزیده از طرف کشور همسایه ایران برای سفر کوتاه با هیئت معیتی شان دعوت بعمل آمد مگر نظر به مسایل سیاسی که بخاطر موضوع آب هلمند بین افغانستان و ایران روابط جانبین در دوره صدارت موسی شفیق چندان دوستانه نبود از سفر ایران صرف نظر و در عوض سفر داخلی برای باز دید از سه ولایت کشور هرات، بلخ و کندهار تهیه گردید. هیئت از مناطق طبیعی، آثار باستانی، مکاتب دختران، و زندانهای زنان دیدن کردند. آگاهی از وضع زنان که بخاطر کوچترین جرم، بهترین ایام زندگی شان را عقب میله های زندان سپری میکردند، خیلی تکان دهنده و غم انگیز بود. زیرا بزرگترین گناه که مرتکب شده بودند فرار از خانه شوهر، فرار از ظلم و جفای برادر و یا ترس پدر بود. یک تجربه تلخ و فراموش ناشدنی برای تمام هیئت آنزمان میباشد. هیئت مذکور تحایف که با خود داشتند برای زنان زندانی توزیع و با ایشان احساس نوع پروری نمودند. خانم زهره یوسف بعد از فراغت پوهنتون کابل برای مدت کوتاه در نشرات خارجی و زارت اطلاعات و کلتور تحت مدیریت محترم دکتور اکرم عثمان ایفای خدمت نمود. در این ایام خجسته کسب تجارب از اندخته های علمی و تجارب کاری همکاران چون محترم اکرم عثمان و دیگران برایش خیلی ارزشمند بوده است. بعد از آن

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

باز هم زهره مسابقه زهنی گردید مگر این بار در تلویزیون ملی افغانستان بود او متصدی وگوینده پروگرام مسابقات زهنی که از موفقترین پروگرامهای تلویزیون بشمار میرفت، بود. در سال 1379 خورشیدی 1980 میلادی که افغانستان توسط قوای سرخ روسیه اشغال گردید رخت سفر بست و روانه کشور المان شد و بعد به ایالات متحده امریکا اقامت گزید. حدود بیشتر از دوسال در ایالت وریجینیا زندگی کرد و در رادیو صدای امریکا تقاضای کار نمود. بعد از سپری نمودن امتحان موفقانه، مگر در تقررش اقدام عملی صورت نگرفت بعد از انتظار سرانجام بر ملا گردید که در عدم تقررش مداخله و برخورد های زهنیگرانه یکعده افغانها در میان بوده است. برای آموزش زبان انگلیسی با وجود داشتن اطفال خورد سالش مصروفیت و مسولیت های فامیلی گاه گاهی به کالج رفت و انگلیسی آموخت. او گرچه قبل از مهاجرت سفر های در امریکا داشت مگر این بار تفاوت جدی در اقامتش حس میکرد زیرا این بار از دیده یک مهاجر به او نگریسته میشد و درد بیوطنی خاطرش را افسرده میساخت. در سال 1372 ش- 1983 میلادی به ایالت کلفورنیا شهر لاس انجلس تغیر اقامت داد این مادر جوان بر علاوه داشتن یک پسر با تولد دو دخترش در امریکا زندگی پر بارتر و پر مسوولیت تر را نصیب گردید و منحیث یک مادر در تربیه فرزندانش پرداخت. مگر بخاطر زنده نگهداشتن هویت ملی، تقویه فرهنگ و وطنش در مراسم فرهنگی و کلتوری افغانان فعالانه سهم گرفت. مصداق این ادعا ایجاد انجمن

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

زنان افغان است که باچند خانم رسالت مند دیگر افغان در کلفورنيا دست بدین ابتکار زدند.

این انجمن در سال 1375ش- 1996 میلادی برای کمک برای افغانان شمال کلفورنيا ایجاد گردید که مورد استقبال گرم مردم قرار گرفت، انجمن برای بلند کردن صدای زنان افغان نظر به ارزش های فرهنگی، اسلامی تلاش زیاد نموده است. زنان این انجمن نخستین زنان بودند که در باره بسته شدن مکاتب دختران با گروپ طالبان ملاقات نمودند و انتقادات جدی در باره عمل حق تلفانه دختران کشور ابراز و عمل غیر اسلامی و دور از انصاف طالبان را محکوم کردند. در سال 1377ش- 1998 میلادی مشکلات اقتصادی و اجتماعی مردم افغانستان را بررسی و مخالفت سریع خویش را منبى بر پوشیدن چادری زنان، عدم داشتن صحت، سواد که بزرگترین مصیبت اجتماعی زنان را تشکیل میداد محکوم نمودند و صدای اعتراض خویش را بگوش مقامات مسوول افغانی و جهانی از طریق رسانه های جمعی رسانید بعد از حادثه یازدهم سپتمبر سال 2001 میلادی همه رسانه های جهانی افغانستان را سرخط اخبار خویش قرار دادند، همان بود که از خاکستر بلند منزل های نیویارک اشعه امید برای مردم فراموش شده افغانستان تجلی کرد. انجمن زنان شمال کلفورنيا هرچه سریعتر برای شناخت هویت اصلی و تاریخ کهن افغانستان برای جهان طی جلسات، گذارشات، مصاحبه ها در تمام رسانه های تلویزیونی و اخبار و جراید سهم گرفتند. برای

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

مردم جهان از تاریخ کهن افغانستان فرهنگ غنی، هنر و ادبیات و شهامت و قهرمانی های تاریخی و دست آورد های بزرگان وطن گذارش دادند. بعد از بر ملا ساختن واقعیتها تمام ژورنالیست های امریکایی بسراغش آمدند و بنام مسس افغانستان

### Miss Afghanistan

طی چندین مصاحبه در تلویزیون، رادیو و اخبار و مجلات سوانیح وی را بشر سپردند و بیشتر از (50) ژورنالیست خانم زهره مصاحبه های تلویزیونی انجام دادند. این بانوی رسالت مند درفش مبارزه برحق دموکراسی و عدالت اجتماعی زنان ستم دیده ء افغانستان را به اهتزاز درآورد. بدین ترتیب زهره مسابقه زهنی، زهره برگزیده سال 1351 هـ ش - زهره جهانی گردید. وی در تقویت فرهنگ کشور و دفاع از حقوق زنان و کودکان میهنش را وظیفه و رسالت وجدانی خود میداند. بدین منظور برنامه های تلویزیونی او در محور عدالت، تساوی حقوق زنان و کودکان و بر ملا ساختن مظالم زنان که از طرف حکومت در حال حاضر و قبلا بالای شان تحمیل گردیده است، میچرخد. برنامه تلویزیونی مذکور رسالت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خویش را برای تحکیم روابط دوستی ملیت ها مختلف افغانستان و وحدت ملی و تامین صلح و آرامش در سطح جهانی انعکاس داده است. شایان یادآوریست که خانم زهره یوسف بازبانهای دری، پشتو، فرانسوی و انگلیسی تکالم مینماید.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

Miss Afgjansitan



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

زهرة يوسف در سال 1355 خورشیدی 1976 میلادی با محترم محمد داوود پیلوت معروف شرکت هوای اریانا در کابل ازدواج نموده و سرمایه بزرگ زندگی مشترک شان دو دختر و یک پسر میباشد. محترم محمد داوود فعلا هم یکی از پیلوت های برجسته کمپنی امریکائی بنام ( United ) یونای تید ایرلین مصروف وظیفه میباشد.

پسر شان سیلمان داود تحصیلات عالی خود را در رشته کمپیوتر تمام نموده و فعلا در یکی از کمپنی های فیلم در لاس انجلس کار میکند. وانه جان و سارا جان دخترانش فعلا در دانشگاه ( Northridge Sandford ) مصروف تحصیل میباشند



## آمنه زیرک زمان



آمنه زمان در قریه مرزاخیل ولسوالی محمد آغه ولایت لوگر در سال (1348) خورشیدی تولد گردید و تا صنف سوم دوره ابتدائیه را در قریه محل زسیت خود فرا گرفت و بعد در کابل اقامت گذراند و متباقی دوره ابتدائیه را در مکتب آقاعلی شمس چهل ستون به اتمام رسانید و دوره ثانوی را در لیسه عایشه درانی در سال (1356) ش - پایان رسانید. در زمان که متعلم هشت مکتب بود در مراسم و محافل فرهنگی در خوانش مقاله سهم

گرفت او در صنف هشتم مکتب قطعه شعری را در باره مادر در تجلیل از روز مادر قرائت نمود که از طرف مسوولین و معلمین مکتب و بخصوص خانم معصومه عصمتی وردک (سابق وکیل مردم

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

کندهار در پارلمان افغانستان) مورد تقدیر و تشویق قرار گرفت و از آن طریق به رادیو افغانستان معرفی گردید.

وی از طرف محترمه فریده انوری مدیر عمومی هنر و ادبیات به مدیریت درام و داستان پشتو به حیث ممثل مقرر گردید، در داستان‌ها و رادیو درام‌های پشتو سهم فعال گرفت و از انجائیکه به نطایقی علاقه مفرط داشت در بسیار پروگرام به صفت انانسر گوینده گی کرد در سال (1357) ش- نخستین بار اخبار را بطور مستقیم قرائت نمود بدین ترتیب اسمش در لیست نطقان درج گردید.

خانم زمان در سال (1359) بر علاوه نطایقی به حیث پردودیسر برمنامه‌های (ترشنه آسمان لاندی، دسباوون پیغام، دشیپی غژونه، کره کتنه، شعرونه او بهیرونه، را تهیه و تریب و گوینده گی نمود و اخبار شب را که آخرین منزلت نطایقی بود هم قرائت میکرد، اواز طرف اتحادیه ژورنالستان افغانستان همراه با محترمه فاطمه صیامی، مرحوم زلیخا فخری مستحق مدال نشان افتخار شناخته شد.

در سال (1365) به حیث عضو رسمی در مدیریت عمومی نطقان تبدیلأ مقرر گردید. در طول روز در برنامه‌های مختلف رادیو و تلویزیون و هم چنان نریشن و دوبلاژ فیلم‌های خارجی بر زبان پشتو نقش مهم را ایفا و از طرف شب مطابق پروگرام تنظیم شده مدیریت نطقان اخبار شب پشتو را قرائت مینمود در سال (1369 ش-)

(1990 میلادی در دولت اسلامی باز هم به نطایقی خود ادامه داد تا به



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

اثر بمباردمان شدید و انفجارات راکت و جنگ های تنظیمی مجبور به ترک وطن گردید.

او با شوهر و اطفال خود به پشاور پناه برد و در آنجا نیز به فعالیت فرهنگی خود ادامه داد و تا سال (2001) میلادی در رادیو بی بی سی در برنامه های (نوی ژوند او نوی کور، خانه نوو زندگی نو) که برای افغانستان تهیه و نشر میگردید {کرکتر یک نرس بنام گلالی} برای مدت هشت سال ایفای نمود در آنجا نیز از پیگرد گروه طالبان در امان نبود و خطر حیات برایش متصور بود.

در اواخر سال (2001) میلادی به کشور انگلیستان به حیث پناهنده قبول گردیدند و در بریتانیا به رادیو صدای افغانستان که از طرف سید جان اغا پایه گذاری گردیده بود به حیث نطق دری و پشتو فعالیت های فرهنگی خود را از سر گرفت، مگر متأسفانه رادیو مذکور بعد از فعالیت کوتا سقوط نمود و فعلاً که این کتاب را تحریر میدارم، خانم زمان زیرک مصروف تربیه اطفال خود در منزلش میباشد. محترمه آمنه زمان در سال (1359) خورشیدی مطابق (1980) میلادی با محترم نام حق زیرک یک تن از پردیوسران خوب بخش پشتو اداره هنر و ادبیات رادیو تلویزیون، ازدواج کرد و دارای دو پسر و دو دختر میباشد. او اکنون با فامیل محترمش در شهر لندن انگلیس زندگی مینماید.

### پروین هاشم منصور



پروین دختر دکتور قربانعلی منصور در (1332) - هـ - در ولسوالی چهاردهی غوربند ولایت پروان در خانواده روشنفکر بدنیا آمد، دوره مکتب ابتداییه را در چهاردهی غوربند و بعداً نسبت تبدلی وظیفه پدر بزرگوار شان در تفحصات نفت و گاز شبرغان و

دوره مکتب متوسطه و ثانوی را در مکتب میرمین خدیجه جوزجان و بعداً هم نسبت تبدلی وظیفه پدرش در ولایت بلخ در لیسه سلطان رضیه در سال (1352) پایان رسانید. پروین دارای کرکتر آزاد و فصیح الزبان و خوش برخورد بود و در اولین ملاقات با هر دوست خیلی صمیمی میگردید مگر صمیمیت با دوستنش زودگذر نبود بلکه

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

از اولین ملاقات تا سالهای سال محبت او از دوستانش کاسته نمیشد، جسارت، اخلاق نیکو و برخورد صادقانه اش قلب همکارانش را تسخیر با روحیه آزاد منیشانه خود با همه همکاران برخورد میکرد اکثریت خانم ها بعد از ازدواج تغییر کرکتر میدهند مگر او بعد از ازدواج به همان کرکتر سرشار، شاداب و آزادمنش که خواسته کرکتر زاتی او و زنان آزاده افغان است، میباشد او همان طوریکه دراسمان تخیلات اش بلند پرواز بود با محترم محمد هاشم که خود عضو با شهرت تیم ملی فوتبال افغانستان بود، در سال (1354) هجری شمسی ازدواج نمود و بعد از پسری نمود مدت دو سال دوره "عسل" طولانی در سال (1356) ش در وزارت امور تجارت بکار ماموریت پرداخت. در شعبات مختلف کسب تجارب نمود و در سال (1371) ش -نظر به سابقه کاری بحیث مدیر عمومی ارتباط خارجه آن وزارت مقرر گردید. از دوره های مکتب به رشته ژرونا لیزم و بخصوص نطای و گویندگی علاقه خاص داشت اما از انجایکه پدر عزیزش وظیفه مهم داکتری داشت ایام طولانی در

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

ولایات کشور اجرای وظیفه مینمود و در آن زمان تشکیلات رادیو هم خیلی محدود بود و منحصر به شهر کابل بود و استدیوهای تولیدی در ولایات وجود نداشت، او نمیتوانست به بدامن آرزویش چنگ بزند تا اینکه بعد از ازدواج در کابل اقامت دائمی پیدا کرد و در سال (1358) شش زمانی که رادیو تلویزیون نسبت تراکم برناکه حجم نشرات بلند رفت، ضرورت اشد برای نطقان انات پیدا گردید. خانم پروین نیز آرزو دیرینه اش برآورده شد. وی بعد از سپری کردند امتحان نطاقی، به گوینده موفق پذیرفته شد. ابتدا بخوانش اعلانات تجارتي و برنامه های کورنی ژوند گویندگی را آغاز و بعد از مدت کوتاه به قرائت اخبار راساً از طرف عصر از عقب مکرفون هم وطنانش را مخاطب قرار داد. اوبه زود ترین فرصت به ستيج آخر نطاقی که قرائت اخبار مهم شب را دیو و تلویزیون رسید.

"تون" صدای پروین برای قرائت اخبار و مطالب جدی خیلی عالی بود اخبار رافصیح، با جدیت قرائت میکرد، قابل توجه مردم

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

قرار میگرفت. وی برای بلند بردن سطح آگاهی خویش در داخل و خارج کشور تلاش زیاد نمود و از کورسهای کوتاه مدت و طویل المدت در کشور چک (چکوسلواکیا) مستفید گردیده است و هم چنان با مطالعه کتب و آثار نویسندگان بزرگان جهت ارتقای دانش خود بهره برده است.

پیوند زندگی او با همسرش روی فضیلت و خوشبختی استوار بوده و همسرش را یگانه مشوق و ممد در امور زندگی اجتماعی و خانوادگی خویش میداند. این ازدواج میمون با داشتن چهار فرزند پسر و دختر و خوشبخت تر گردید. در سال (1371) با آمدن «مجاهدین» که خود را مبارزین راه حق و عدالت میگفتند، خانه و کاشانه او چور و چپاول گردید و ناچار بطرف شمال کشور نقل مکان نمودند. نا گفته نباید گذاشت که با آمدن مجاهدین آنچه مردم آرزو داشتند، ختم جنگ بود، چنان نشد بلکه با ادامه جنگ خون ریزی بیشتر گردید خانه و کاشانه اهل ادب، فرهنگ و بخصوص ژورنالستان، نطقان چور و چپاول و به آتش کشیده شد. نام فرهنگ دموکراسی

## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

در گلو خفه گردید و برای همه مردم خطر حیات متصور گردید. خانم پروین هاشم منصور ناچار بخاطر حفظ شرف و عزت خود و فرزندانش از کابل متواری شدند. چون جنگهای داخلی بخاطر تقسیم قدرت دوامدار شد، نظم و امنیت وجود نداشت، گروپهای مختلف تحت نام جهاد در میدان معركة بالای تقسیم قدرت کابل زخمی را به کشتی خون تبدیل کردند و همه مردم از وحشت جنگ و باران مرمی و راکت ترک یارو دیار کردند. خانم پروین هاشم منصور نیز ابتدا بطرف شمال کشور مهاجر شد، چونکه امکان برگشت بکابل را نداشت، ترک وطن کرد. سرنوشت او و خانواده عزیزش در کور آلمان رقم خورد و تا اکنون در آلمان زندگی مینمایند

## جليله توخى

خانم جلیله توخی در سال (1333) خورشیدی در شهر کابل تولد گردید. مکتب ابتداییه را در مستوره غوری به اکمال رسانید و بعد شامل لیسه زرغونه شد.

از آنجاییکه ازدواج های قبل از وقت مشکلات بعدی را برای خانم ها بوجود میآورد، جلیله تیز در زندگی با مشکلات زیاد دست و پنجه نرم کرد او متعلم صنف دوازدهم لیسه زرغونه بود که با محترم محمد رحیم عروسی کرد و یک مدت از تحصیل کنار رفت اما از زکات و استعداد شایان برخوردار بود بعد از یک سال وقفه دوبار برای سپری کردن امتحان حاضر گردید و موفقانه سند فراغت بکلوریا را بدست آورد و در کمپنی کمک های خانواده از طرف ملل متحد و ایالات متحده امریکا در کابل فعالیت داشت، شامل کارگردید. از طریق همین کمپنی برای آموزش و پرورش کوتاه مدت به کشور ایران سفر کرد و بعد از بازگشت از ایران دوباره "انجمن رهنمای خانواده" بکارش ادامه داد.

خانم جلیله با وجود که بقدر کفایت عاید ماهانه داشت اما از آوان کودکی به گوینده گی برنامه های ادبی رادیو عشق داشت، اما شرایط ازدواج و مادر شدن او را از آن عشق دور نگهداشت، با زندگی خوش که همراهی شوهر عزیزش داشت محبت خانواده گی او را چنان مصروف ساخت که برای نطایقی تلاش نکرد. مسرت خانواده گی

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

چندان زیاد دوام نکرد این پیوند میمون در اثر انفجار یک بالون گاز شوهرش را برای ابد از او گرفت، از هم پاشید یعنی جلیله بعد از پنج سال ازدواج بیوه شد.

از آنجاییکه زنان با همت افغان همیشه زندگی خود را وفق تربیه اولاد های شان نموده اند اواز همان جمله مادران با شهادت بحساب میرود که در جوانی کمر همت بست برای نفقه اطفالش زحمت زیاد را متقبل گردید بعد از کودتای هفت ثور (1357) -ش- وبا تغیر اوضاع سیاسی در کشور کمک های ایالات متحده امریکا قطع گردید. تشویش بیکاری برای همه کارمندانیکه در کمپنی های خارجی مصروفیت داشتند، هویدا گردید مخصوصاً او که خانم بیوه و تنها بود جز خودش کسی نفقه فرزندان را تهیه نمیکرد.

در سال (1359) -شی- رادیو تلویزیون برای پذیرفتن نطقان جدید اعلان نمود و جلیله آن عشق گمشده خود را باز یافت برای امتحان نطقی شتافت و به حیث نطق قرارداد بکار نطقی شروع کرد مگر خلاف زوق اش بعوض برنامه های ادبی، به خواندن اخبار و برنامه های جدی و تبصره های سیاسی مقرر گردید زیرا آواز اش برای خواندن هم چو پروگرام های خیلی خوب و مساعد بود.

وی در زندگی خود به دو مسلک علاقه داشت یکی مطب و دیگری نطقی اما زندگی با او چنان بازی کرد که با از دست دادن شوهرش نتوانست به تحصیل دوام بدهد اما از سوی دیگر همان شرایط دشوار زندگی او را به عشق نطقی اش رساند. وی با معاش ناچیز



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

که داشت برای تربیه و تحصیل اطفالش بخصوص در شرایطی جنگ و با بلند بودن اسعار، دست بمسلك خیاطی زد و از این طریق برای تحصیل جگر گوشه هایش مصدر خدت گردید و بمشکل از زحمت بازو و همت بلند و پیشه مقدس مشکلات اقتصادی زندگی خود را مرفوع مینمود بعد از یک سال نطاقی (1360) خورشیدی بکمک محترم سیف الرحمن ابراهیم خیل که مدیر نطاقان رادیو تلویزیون بودند، بحیث مامور رسمی رادیو تلویزیون اقبال تقرر یافت. وظیفه نطاقی او تا سال ((1370)) -ش- مطابق (1991) میلادی ادامه پیدا کرد. خانم توخی در برخورد شخصی یک کرکتر عالی، آرام و بی ضرر بود و از آن جایکه بعضی مردم افغانستان با خصلت عقب مانده در باره بیوه جوان تبصره ناشایست نه نمایند، خیلی گوشه گیر و انزوا پسند بود، با رنج هایش به تنهایی رسیدگی میکرد. با آمدن مجاهدین در کشور، خطر جدی امنیتی برای خانم ها بوجود آمد مخصوصاً خانم های که در رسانه های جمعی کار میکردند و از طرف دیگر او یک مادر تنها بود و نفقه اطفالش را بدوش داشت، ناچار با وطن وداع کرد و به کشور هند رفت و از آنجا در (1997) میلادی بکشور هالند اقامت گذرد. جلیله توخی این فولاد ابدیده و مادر مهربان که شجاعانه جوانی خود را وقف تعلیم، تربیه و نفقه سه طفل نازنین اش هریک فریبا، وکتوریا و فریدون نمود. فرزندانش را با افتخار و با تحصیلات عالی تقدیم جامعه کرده است.

## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

واقعاً محبت مادر گنجینه پربهاست و پرورش در دامن مادری چون جلیله نعمیت بزرگ برای فرزندان عزیزش میباشد.

برای پیدا کردن این دوست نازنین در حدود سه متواتر در کشور های گوناگون به جستجو پرداختم ، بالاخره او را در کشور شاهی هالند پیدا کردم. زمانیکه برایش تلفون کردم باورش نمیشد کسی سراغش را بگیرید، او خود را یک نطق فراموش شده حساب کرده بود.

در کشور ما کار و فعالیت زنان نسبت بی توجه یی مقامات در طول تاریخ ، در رسانه های جمعی اخبار و روزنامه و جراید انعکاس پیدا نمیکرد، روی همین دلیل از کار های بزرگ که در جامعه انجام داده اند سپاس صورت نمی گرفت.

خانم توخی بعد از دریافت موضوع با بایک دنیا محبت برایم اجازه داند تا زندگی نامه شان را درج کتاب آوای ماندگار زنان افغانستان نمایم. او زمانیکه قصه های تراژیدی زندگی اش را برایم بازگو مینمود ، میدانستم که تمام صحنه های درد آور گذشته در پیش چشمش مجسم گردیده است ، فشار زورگار گلایش را میفشرد. چقدر خوب خواهد بود که دردها و زحمت ها ورنج های این مادر قهرمان را دیگران نیز مطالعه نمایند و بروی و نجابتش افرین گویند. افتخار به خانم جلیله توخی مادر مهربان و خانم فدا کار.

### سهیلا اصغری "وردی"



در سال ( 1342 ) ش ( 1963 )  
میلادی در شهر زیبای قندهار  
در خانواده- روشنفکر دیده به  
جهان کشود.

سهیلا جان در شهر گردیز  
ولایت پکتیا روانه مکتب شد  
والی صنف هفتم در آن شهر به  
تحصیل پرداخت زمانیکه  
خانواده شان به کابل نقل و مکان

کردند در لیسه عایشه درانی و لیسه رزغونه به تحصیل پرداخت .  
در سال 1359 هـ ش زمانیکه متعلم مکتب بود، یک گروپ از نماینده  
گان رادیو تلویزیون جهت دریافت استعداد های جوانان در لیسه های  
شهر کابل، برای نطایقی تلاش کردند. اواز جمله جوانان با استعداد،  
آنزمان بود که توسط هیئت انتخاب گردید و روانه رادیو تلویزیون  
ملی افغانستان شد و از خواندن اعلانات و پروگرام های فرمایشی  
شروع به نطایقی کرد مگر استعداد خارق العاده او تنها در یک و یا دو  
پروگرام معین باقی نماند بلکه در فرصت کم در پروگرام های  
مختلف را به دو زبان دری و پشتو نطایقی نمود در عین زمان مکتب

را ختم و شامل انستتوت پولی تخنیک کابل گردید مگر قبل از ختم پولی تخنیک جهت نطای از طرف رادیو تلویزیون به ماسکو رفت در آنجا به تهیه و نطای پروگرام های دری و پشتو پرداخت . بعد از ختم وظیفه دو باره بوطن برگشت و جهت ادامه تحصیل در پوهنتون کابل در فاکولته ادبیات رشته ژورنالیزم شامل گردید و لسانس خویش را بدست آورد.

خانم اصغری وردک بر علاوه گوینده گی در رادیو تلویزیون در جراید کشور مطالب مینوشت و هم وطنان اثار ادبی او را در مجله هنر، سباون، جوانان، هیواد و غیره جراید کشور مطالعه فرموده اند. در مدت بسیار کوتا در اثر نظر خواهی به ابتکار مجله پشتون ژغ (مجله اواز) ارگان نشراتی رادیو تلویزیون به حیث گوینده سال انتخاب گردید و از طرف اتحادیه ژورنالستان افغانستان همراه با محترمه شفیه حبیبی و محترمه زکیه کهزاد مستحق مدال طلا شناخته شد و یک بار هم به حیث گوینده درجه اول حایز جایزه درجه اول گردید و سه بار مدال کارمند شایسته را حاصل نمود. در سال (1986) میلادی با محترم داکتر فرید ازدواج نمود و ثمر ازدواج شان سه دختر و یک پسر میباشد، بعد از ازدواج سهیلا اصغری وردک بنام سهیلا (حسرت نظمی) شهرت حاصل نمود. در سال (1371) هـ (1992) م دامن هجرت گرفت و در کشور المان با همسر و اطفالش زندگی دارد.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

خانم نظمی برای مدتی در تلویزیون آریانا که در کشور آلمان تهیه و نشر میشد با یکتعداد همکار دیگر رادیو تلویزیون اسبق به کار فرهنگی پرداخت اما نسبت عدم بودجه کافی تلویزیون آریانا از فعالیت باز ماند، فعلا در کلینک داکتر فرید شوهرش همکاری مینماید .



سهیلا اصغري وردک (نظمی)

## لطیفه قریشی



خانم قریشی متولد شهر زیبای کابل میباشد، او بعد از ختم تحصیلات ثانوی شامل دانشگاه کابل گردید و رشته حقوق و علوم سیاسی را تمام کرد، و به حیث مشاور حقوقی در انسستیتوت قانون گذاری وزارت عدلیه برای مدت هشت سال ایفای خدمت نمود.

زمانیکه درسمستر دوم و سال چهارم دانشگاه حقوق بود همکاری خود را به صفت نطق دری با رادیو تلویزیون ملی افغانستان شروع نمود به خوانش و گویندگی برنامه های مختلف پرداخت و اخبار مهم شب را نیز در رادیو قرائت نمود. در سال 1372 خورشیدی مطابق 1993 عسوی دیگر مجال حضورش در وطن نسبت جنگهای داخلی نا مساعد گردید. بنا رخت سفر بست و به کشور المان با همسر و سه طفلش پناه برد. بعد از تحمل مشکلات هجرت و ستم بی زبانی، با تلاش خسته گی نا پزیر لسان جرمنی را آموخت و بعد از تکمیل زبان دوباره به تحصیل پرداخت. برای مدت سه سال دوره آموزش مالیاتی را موفقانه ختم

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

کرد و از آن به بعد دریکی از دفاتر رسمی کشور المان به حیث کارمند مالیاتی ایفای وظیفه مینماید.  
لطیفه قریشی خانم دانشمند و متفکر است و همیشه برای کسب دانش در هر سن و سال و در هر گونه شرایط برای بلند بردن دانش مسلکی خود تلاش زیاد نموده است.  
این خانم آزاده برای زنان ستم دیده وطن خود همیشه می اندیشد و همیشه آرزوی باگشت و خدمت گزاری در وطن آبائی خود را دارد تا بتواند با اندوخته هایی علمی و مسلکی مصدر خدمت به مردم و مخصوصاً برای زنان و نوجوانان گردد.

### زرغونه رسا



در سال (1341) خورشیدی (1962)-  
م- در ولایت قندهار متولد گردید و الی  
صنف دهم در لیسه زرغونه انا ولایت  
قندهار درس خواند و متباقی تحصیلش  
را در لیسه عایشه درانی کابل به پایان  
رسانید و در زمان که متعلم بود با  
رادیو تلویزیون ملی افغانستان  
همکاری خود را آغازید.  
اومانند تخلص اش صدای رسا داشت،

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

بر علاوه قرائت اخبار شب در پروگرام های مختلف نقش فعال گرفت. خانم رسا شعر را خیلی عالی زمزمه میکرد. زمانی که در امتحان کانکور پوهنتون کابل موفق گردید میخواست تحصیل اش را در پوهنتون آغاز نماید از طرف رادیو تلویزیون بنا بر قرارداد های فرهنگی برای نطای پشتو در رادیو ماسکو ضرورت احساس گردید و خانم رسا روانه ماسکو شد. در سال (1364) هـ (1985) کارهای ژورنالیستی خود را در ماسکو آغاز کرد و در سال (1986) با محترم محمد فقیر میوند کمره مین فعال رادیو تلویزیون ملی ازدواج نمود.

خانم رسا و آقای میوند از ازدواج میمون شان یک دختر بنام هیله و پسر بنام پاتریک دارند.

وی در سال (1373) -ش- (1994) ایام کارش با رادیو ماسکو ختم شد اما روزنه امید برای بازگشت بوطن نسبت جنگ های داخلی برویش مسدود شد ناگزیر باهمسر و اطفالش به انگلستان پناه برد، در خارج از کشور یک لحظه از فکر زنان کشور غافل نبوده هموار با کار فرهنگی و ژورنالیستی خود وضع زنان افغان را از طریق برنامه های مختلف در رسانه های جمعی بریتانیا و از طریق اینترنت بگوش و چشم مردم جهان رسانیده است. هم چنان در کمیته افغانان مقیم انگلستان به خاطر زنان رنج کشیده و اطفال معصوم افغانستان جنگ زده در پروگرام های ممالک بعد از جنگ، فعالیت چشمگیر داشته و بخاطر رهائی زنان از یوغ برده گی و استثمار مرد سالاری



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

شجاعانه مبارزه میکند.

او چند بار به افغانستان سفر نموده و فیلم های مستند از وضع زنان کشور تهیه و از طریق رسانه های انگلستان (لندن) نشر نموده است بخاطر حقوق زنان افغانستان با کمیته های حقوق بشر نیز کارهای مثمر انجام داده است .

وی با رادیو بی بی سی نیز نقش فعال ژورنالیستی خود را نیز حفظ نموده و همواره در باره زنان و اطفال و طنش در جستجوی راه بیرون رفت از مشکلات زنان و اطفال است، فوتوهایش فعالیت او را نشان میدهد.



### پروگرام های ملیت های برادر

برای اولین بار به تاریخ 10 میزان سال (1350) هـ - رادیو افغانستان درکنار دیگر نشرات - نشر برنامه زبان های محلی را افزود این پروگرامها بنابر تقاضای نماینده گان مردم و وکلای شورای ملی (ولسی جرگه) از دولت به نشر میرسید. در برنامه های مذکور مطالب اجتماعی، تربیتی، دینی، ادبی، فرهنگی، زراعت و مالداری، صحت، برنامه جوانان، ادبیات عامیانه، ماوشنوندگان، وصحفه از تاریخ کشور نشر میگردد مسوول و امر این پروگرامها محترم داکتر فیض الله ایماق بود با همکاری عده دیگر از هم وطنان محلی تجارب بیشتر کسب نمود، تا سال 1352 هـ - یعنی تاختم رژیم شاهی ادامه داشت. در زمان ریاست جمهوری سردار محمد داود بدون کدام دلیل قانع کننده به نشرات این برنامه ها خاتمه داده شد و بعد از یک وقفه در سال (1357) هـ - به نشرات خویش دوباره آغازید. که شامل برنامه های زبان های اوزبیکی، ترکمنی، پشه یی، بلوچی، نورستانی بودند، با حجم یک ساعت بنشرات میپرداختند صرفاً پروگرامهای پشه یی، نورستانی و بلوچی نشرات نیم ساعت (30) دقیقه ئی داشتند. باید گفت از آغاز نشرات محلی در رادیو افغانستان زنان و دختران در پهلوی مردان به کار آغاز کردند که عبارت بودند از:

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریادارو

---

پروگرام اوزبیکي :

عالیه قرداش، ماری امید سرخابی، نسیمه رشید، انابت ایماق  
ودیگران.

پروگرام ترکمني، رابعه قرداش

روگرام " پشه یی شایسته عطا زاده

" نورستانی شیرین تاج شلماچ

" بلوچی محترمه پردلی « دختر پردلی»

" ازیکی رشیده ژاله (نطاق و آواز خوان)

" ازیکی پروین جوزجانی

" ازیکی نجیبه قاسمی و لطافت

هر کدام این خانم ها در قسمت نطاقی و تهیه و ترتیب پروگرامها به  
زبانهای مادری شان سهم فرهنگی خویش را- ادا کردند.

### انابت "ایماق" اکبری

فرزند الحاج احمد علی  
اکبری در سال (1337)  
هش به تاریخ 21 مارچ  
سال 1958 عیسوی  
در شهر کابل چشم به دنیا  
گشوده، وی برای  
تحصیلات ثانوی شامل  
لیسه عایشه درانی گردید.  
در سال (1355) -ش- که  
شاگرد صنف 10 بود، با  
داکتر فیض الله ایماق آمر



و موسس پروگرامهای محلی و نطق پروگرام اوزبیکي راديو  
افغانستان ازدواج کرد، همان سال « 1355 » همکاری خویش را با  
پروگرام اوزبیکي راديو نیز شروع نمود بعد از ازدواج به لیسه  
"میرمنو تولنه" به تحصیل ادامه داد و در سال 1357 به اتمام رسانید.  
انابت ایماق اخبار راديو را که به شکل زنده پخش میگردد، بدون  
اغلاط به فصاحت زبان بخوانش میگرفت.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

وی همچنان در تهیه و ترتیب برنامه های ادبی، ادبیات عامیانه مبادرت ورزیده، پروگرامها ادبی و اشعار را به صدای گیرا دکلمه میکرد. در سال 1360 ش- با شوهرش جهت تحصیل اسپیرانتوری به جمهوری اوزبکستان شهر (تاشکند) اعزام گردیدند و فاکولته ژورنالیزم را در یونیورسیتی ملی به نام الغبیگ تاشکند ختم نمود، ضمناً با رادیو تلویزیون و اوزبیک فیلم همکاری داشته، در دبلار ده فلم مستند و هنری به زبان دری همت گماشت.

وی بعد از ختم تحصیل در سال "1366" ش "1987" م- به کابل عودت کرد نخست با پروگرام اوزبیکی، بعداً "با نشرات خارجی رادیو افغانستان ایفای وظیفه نمود.

در سال "1370" ش 1991 میلادی نسبت دوام جنگ های داخلی و خرابی وضع سیاسی کشور دوباره عازم جمهوری اوزبکستان گردید و به حیث نطق دری در نشرات رادیوی تاشکند برای افغانستان بکار آغاز نمود.

وی در سال "1378" ش 1999 موفق به دریافت تقدیرنامه از ریاست عمومی رادیو تلویزیون جمهوری اوزبکستان گردد.

خانم ایماق نه تنها با پروگرام دری رادیو تاشکند همکاری میکرد بلکه با برنامه های پشتو و اوزبیکی نیز همکاریهای دایمی داشت. در "1384" هـ 2005 میلادی به کشور کانادا در شهر تورنتو اقامت گزیدند.

### ماری "امید" سرخابی



هرگاه نام از هنر و هنرمند به  
زبان آوریم، جای آن دارد،  
از مرحوم غلام علی امید  
نویسنده، شاعر، آواز خوان  
معروف، نقاش موفق،  
شخصیت روشن و متفکر،  
یادی نمایم و به روحش  
استدعای رحمت نمایم.  
غلام علی امید که از کودکی  
سرنوشت هنری داشت با هنر  
نقاشی نویسندگی روحاً و جسماً  
پیوند ناگسستنی پیدا کرد.

او نزد مامایش پروفیسر غلام محمد میمینه گی مانند سایر هنر مندان  
به کرسی شاگردی نشست هنر را از مامایش آموخت و به فرزندان  
چون حشمت امید، ماری امید، و دیگر اعضای فامیلش به ارث  
گذاشت.

ماری یکتا از فرزندان او بوده در سال 1328 ش متولد گردید

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

تحصیلات ابتدائیه و ثانوی را در لیسه ستاره ولایت فاریاب به اتمام رسانید و در پوهنتون کابل رشته ادبیات را فرا گرفت. بعد از ختم تحصیل در بانک انکشاف رزاعتی بصفت مدیر عمومی تبلیغات رسماً بکار آغاز نمود هم چنان در سال 1356 هـ.ش. به تشویق حشمت امید برادرش که او خود عضو اداره هنر و ادبیات رادیو تلویزیون ملی بود، به صفت ممثل در اداره هنر و ادبیات کار فرهنگی خود را آغاز نمود. بعداً که اداره ملیت های محلی به فعالیت نشراتی دو باره خویش آغاز نمود به حیث نطق ازبیکه از همکاری خود با آن اداره نیز دریغ نکرد و در ساحه هنری گام های استوار برداشت. در ریاست افغان فیلم در بعضی فیلم ها نقش های کوچک و بزرگی را بازی نمود، زمانیکه از وطن سفر نمود و در اکرائین مدتی بسر برد و بعد در کشور کانادا مسکن گزین گردید. وی در افغانستان به ارتباط کار های فرهنگی، مفتخر به اخذ مدال افتخار گردیده است. ماری امید سرخابی دو باره ازدواج کرده است، از ازدواج اولش سه پسر و دو دختر دارد.

نجیبه سارا بیابانی ابراهیم خیل



یکی از چهره های معروف  
و شاعر توانا و اهل ادب  
و فرهنگ کشور ماست.  
نجیبه سارا در سال  
1342-هش- 1963 میلادی  
در ولسوالی پغمان ولایت  
کابل بدنیا آمد. او دومین  
فرد از فامیل نه نفری  
میباشد. پدرش یکی از  
افسران اردوی ملی  
افغانستان بود بنا بر  
مصرفیت و وظیفوی

پدر عزیزش، مکتب ابتدائیه را در چند ولایت تعقیب کرد و سرانجام  
از مکتب آلائی ولایت ننگرهار از دوره ابتداییه فارغ التحصیل  
گردید.

زمانیکه مقیم کابل گردیدند شامل پروگرام های اطفال رادیو شد و به  
لیسه رابعه بلخی به تحصیل ادامه داد، در آن زمان در ده بوری کابل  
همسایه در بدیوار منزل صایمه مقصودی شهید بودند و پدرش آرزو



داشت که روزی دخترش مثل صایمه مقصودی نطق و ممثل خوب باشد، روی همین تشویق پدرش در پروگرام های اطفال گوینده خوب گردید و جایزه هم بدست آورد.

از دواج های قبل از وقت که در کشور ما معمول بود نجیبه جان هنوز در صنف هشتم مکتب بود با آقای محمد اسمیعل بیابانی پیوند زندگی نمود و بعد از آن تخلص (بیابانی) اختیار کرد.

بدلیل از دواج متباقی دروس مکتب را تحت نظر استاد بیابانی در خانه ادامه داد و بشکل سامع در امتحانات نهایی در لیسه رابعه بلخی بمکتب حاضر میشد. در عین زمان همکاری او به رادیو ادامه پیدا داشت. در سال 1352 ش- از برنامه اطفال به اداره هنر و ادبیات معرفی و به صفت ممثل قرار داد نمود.

بخاطر تقویت استعداد نطقی، به کورس سه ماهه نطقان تحت نظر آقایان مثل" ویاند، سیف الرحمن ابراهیم خیل، نبی پاکتین و خانم صایمه مقصودی اساسات نطقی را فرا گرفت و رسماً به صفت نطق اجازه داشت که برنامه های مختلف را در کنار تمثیل نطقی نماید.

اولین برنامه که نطقی کرد برنامه {حرف خوش، خبر خوش، اهنگ خوش} بود که با دیگر نطقان چون محترم عنایت شریف، فریده پاکتین، شریفه شریف، سیف الرحمن ابراهیم خیل و عبدالرحیم سیلی بودند. بعداً مدیریت پشتونستان از وی نیز دعوت کرد تا برنامه های پشتونستان را که در آن وقت شامل اشعار رزمی و تبصره های

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

سیاسی و اخبار بود به خوانش گرفت و در عین زمان مادر هم بود و درس هم میخواند تا سند تحصیلی حاصل نماید.

در سال 1360 خورشیدی سند تحصیلی فراغت بکلوریا را از لیسه رابعه بلخی حاصل نمود و به صفت مامور رسمی در اداره هنر و ادبیات رادیو مقرر گردید و برنامه های {جمعه اوزموژدلی، دحانوانو ولولی، دشومدم هنگامی} را تهیه و نطایق نمود.

در سال 1363 خورشیدی استاد محمد اسمعیل بیابانی همسرش زندانی گردید، وی با چهار طفلش تنها ماند، هر روز برای پیدا کردن سرنوشت شوهرش سرگردان بود روی این دلیل با رادیو همکاری خود را قطع و به صفت معلم در پرورشگاه وطن (د وطن پالنه) از طرف شب کار میکرد و روز عقب دریافت سرنوشت شوهرش به دفاتر مربوط سر میزد.

در سال 1368 هـ برای امتحان کانکور پوهنتون امادگی گرفت و در پوهنهی ژرونا لیزم به تحصیل پرداخت.

در سال 1369 ش- در وزارت اطلاعات گلتور در اداره فرهنگ مردم ایفای وظیفه نمود، در سال 1370 شرایط سیاسی و اجتماعی وزندگی برایش خیلی دشوار گردید و به اتهام جلب و جذب و سازمان دهی علیه سیاست جاری وقت تحت تعقیب قرار گرفت، بناً با یک طفل پنج ساله اش طرف پشاور حرکت نمود و دیگر فرزندان را در کابل بی سرنوشت رها کرد، با وجودیکه با لباس کهنه ژولیده خود را ملبس کرده بود با آن هم خطر توقف دادن سرویس مسافری از طرف

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

گروپهای مختلف مجاهدین او را تهدید مینمود. حینیکه به پشاور رسید آقای علم یوسفزی یکتن از اقارب خویش را پیدا نمود بکمک یوسفزی به سران قوم پشتون رابطه پیدار کرد به کمک ایشان شامل کار شد. این مادر فدا کار که از شوهرش چهار فرزند به یاد گار داشت، کمر همت بست شب و روز از فیض قلم توانایش زمنیه تحصیل فرزندانش را مهیا کرد. او در روزنامه هیواد، پامیر و وحدت چاپ پشاور مضامین نوشت و هم چنان در رادیو پشاور نطّاقی را آغاز نمود. در آن وقت رادیو بی بی سی کدام دستگاه برای نشرات در پشاور نداشت در اثر تماس وی با آقای گوهر رحمان راپور تر- رادیو بی بی سی رابطه وی با رادیو بی بی سی لندن همراهی آقای داکتر اکبر اکبر برقرار گردید و از وی تعهد گرفتند در صورت پیدا کردن افراد شایسته کار و سابقه مطبوعاتی بی بی سی حاضر است یک مرکز نشرانی برای مردم افغانستان در پشاور ایجاد نمایند. شرایط زندگی همه کارمندان رادیو و تلویزیون در افغانستان نسبت قدرت مجاهدین خراب و خطر حیات برایشان متصور بود، همه به پشاور نقل مکان کرده بودند خانم بیابانی همه آنها را پیدا نمود و آقای داکتر اکبر اکبر به پشاور آمدند، رادیو بی بی سی افتتاح و نشرات بی بی سی بنام خانه نو زندگی نو {نوی کور او نوی ژوند} آغاز گردید و همه همکاران مهاجر فرهنگی بکار مسلکی آغاز کردند و نجیبه جان خود نیز در نقش رابعه گل برای پنج سال با

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

رادیو بی بی سی درپشاور کار نمود، بر علاوه مصروفیت با رادیو بی بی سی، رادیو، رادیو پشاور و خوانش اعلانات تجارتي درتلویزیون پشاور به نوشتن مضامین، شعر در صفحه گلبرگها ویا گل پانی، روزنامه هیواد صفحه (شُخی) زنان در پامیر، نیز هم کاری مینمود به تربیه اطفالش کوشید واز عرق جبین و زحمت شباورزی او چهار فرزندش به تحصیل پرداختند.

درپشاور تعداد افغانها هرروز افزوده میشد و افغانان مهاجر دست به ایجاد یک مرکز علمی زدند تا اطفالشان از فیض علم بهره مند گردند بنام {دانش سنتر} یاد میشد بعض روز های ملی افغان ها نیز طی محافل در دانش سنتر برگزار میکردند.

در سال 1378 ش- 1999 میلادی بخاطر تجلیل از استقلال افغانستان از وی دعوت بعمل آمد تا در محفل سخنرانی نماید. در سخنرانی که از طرف وی ایراد گردید در باره استقلال و استقلال زنان و محکوم کردن شرایط طالبان بنا بروضعیت زنان افغانستان و مداخلات بی شرمانه ممالک بیگانه "پاکستان" بود.

فردای آن روز توطعهء از بین بردن این خانم رسالتمند برچیده شد ودر سرک عام بالایش فیر گردید الحمدالله که تیر به هدف نرسید و به کمک دوستان و همکاری ملل متحد در نیمه شب با چهار فرزندش از پشاور به اسلام آباد منتقل گردیدند در همان سال 1999 به کشور ناوری پناه بردند، تا اکنون در کشور ناوری زندگی دارند.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

این زن قهرمان افغان وظیفه مادری و پدری را از جوانی بدوش گرفت و فرزندانش هر کدام به پوهنتون های مختلف رشته طب، تعلیم و تربیه، و غیره مصروف تحصیل میباشند و همسر عزیزش استاد بیابانی تا امروز لادرک باقی مانده است.

خاطرات خوش زمان کار با رادیو تلویزیون ملی افغانستان از همکاران چون صایمه مقصودی که { او را استاد خود میدانند، از ستوری منگل و از غوث زلمی، لیطفه ایر نورستانی و فریده هوت { خیلی زیاد دارد، همچنان دین بزرگ بگردن او لاد هایش گذاشته است که تا زنده اند احترام غوث زلمی را منجث یک شخصیت بزرگ داشته باشند زیرا { در شرایطی که همسرش لادرک بود، خانم بیابانی خانه بدوش بود برای گروی خانه به یک مقدار پول گداز ضرورت داشت غوث زلمی در آن شرایطی او را با پرداخت پول گداز کمک رسانیده است و اقای غوث زلمی قرار گذاشته است تا زمانی که دو فرزند بیابانی ( احمد نجیب و احمد مجیب) شخصاً کمایی نکرده اند پولش را تقاضا نمیدارد {

بدترین خاطره ترک کردن خانه و کاشانه اش از کابل بطرف پشاور بود، زمانی که در سرویس نشسته و به سر نوشت نامعلوم طرف پشاور میرفتند در رادیو هدایت الله خواننده میسراید { نشسته دمنزل زما چرته زه روان یمه { این آهنگ احساسات مادر سرگردان را تحریک به ریختن اشک نموده بود { ترک خانه و کاشانه او بار دوم

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

ازپشاور بطرف ناروی که به زحمت زیاد زندگی را مهیا کرده  
بود، جز لباس جانش چیزی برنداشت {  
سوز و گداز سینه اش را تحت نظم در قالب شعر بیان میدارد او یک  
شاعر درد ورنج روزگار جنگ میباشد، بر علاوه زبان پشتو  
ودری بر زبان ناروژی نیز شعر سروده است و نشر گردیده، این  
دوست نازنینم سه نمونه کلام خود را برایم فرستاده که از زبان  
ناروژی آن صرف نظر کردم و نمونه دری و پشتو را جهت  
مطالعه شما عزیزان زیلا مینگارم.  
عزل پشتو را در بازگشت نا امیدانه از زندان پلچرخی بخاطر  
شوهرش سروده است.

ستا په مینه کې مې زړه په چاودون راغی  
خور وطنه په تا څنگه گردون راغی  
ستا میرویس ستا احمد شاه نه پیدا کېږي  
ستا په پاچه لمن څنگه شبخون راغی  
د نازو او زرغونې سپینې لمن ته  
د سرو وینو په داغونو بدلون راغی  
د شېرشاه او اکبر خان ځای چا و نه نیو  
د افغان ملت نن هسې زبون راغی  
نه یې مور لویه ادې شوه نه گلناره  
د نااهلو بچو غږ له بیرون راغی

د ملالې غږ په کور کې ایسار شوی  
ای وطنه نن د جهل آزمون راغی  
چې بنديان د جهالت گرځو تور تم کې  
نه مو کور نه گور مالوم شو افسون راغی  
په پردي دیار کې ناست یو بې وطنه  
په وطن کې بې وطنه تړون راغی  
د افغان ملت په لوی تېر مې خدایه  
رحم وکړې مصیبت په پښتون راغی  
د غفلت له خوبه څوک ویښ کړم چې ویښ شه  
پردېسی «سارا» وطن ته طاعون راغی

غزل دری  
به یک ساغر دوصد را چي هزار دیوانه میسازم  
نگیر دستم ای ساقی که من افسانه میسازم  
به رویم کعبه و بتخانه یکسان است در عشقت  
تلاش سجده دارم من که این پیمانه میسازم  
محبت گر رسد با عشق کمال آدمی شاید  
رسد با انتهای جان که من جانانه میسازم  
همینکه نام من جان است و با جانان درگیر است

امید با جان رسد جانان چو من کاشانه میسازم  
اگر با اهل محفل می به دست میخانه میایم  
به فضل تو هوشیار را دیوانه میسازم  
به داغ نامرادی ای فلک رحمی مه سوزانم  
به سوز و ساز تو «سارا» ز جان پروانه میسازم

### ثریا صدیق



ثریا صدیق در 1336 هـ.ش-در  
خانواده روشن ضمیر تولد گردید،  
در آوان کودکی به زبان وادبیات  
علاقه داشت او در مکتب ابتدائیه  
ولیسہ رابعہ بلخی بر علاوہ دروس  
مکتب به خواندن کتاب علاقہ مند  
بود واین علاقہ مندی تا زمانیکہ  
تحصیلش را به پایان رسانید دوام داد  
و وسیلہ خوبی برای ارتباط گرفتن  
در مراسم فرهنگی لیسہ رابعہ بلخی  
و رشد استعداد ادبی او گردید. بعد  
روی همان علاقہ مندی در فاکولتہ



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

ادبیات رشته دری دانشگاه کابل تحصیلات خود را تمام کرد و در یکی از مکاتب شهر کابل به صفت آموزگار به تدریس شاگردان پرداخت بعداً به حیث عضو مسلکی زبان دری در مکتب ایفای خدمت نمود سپس به حیث معاون مجله (ژوندون) ارگان نشراتی انجمن شعرا و نویسندگان افغانستان تقرر حاصل نمود، مدتی در روز نامه انیس و مجله وطن مصروفیت فرهنگی داشت و همزمان بحیث گوینده برنامه های مختلف در رادیو تلویزیون ملی ایفای خدمت می نمود.

در آغاز سال (1371) هـ ش - مطابق (1992) میلادی بنا بر ماموریت شوهرش محترم عبدالواسع صدیق عازم کشور ایتالیا گردید بعد از مدت کوتاه اقامت در ایتالیا، شرایط و اوضاع سیاسی در کشور خراب شد و امید باز گشت برون وطن را از دست داد، ناگزیر با شوهر و اطفالش پناهنده کشور انگلیستان گردید، با رسیدن در لندن طفل سوم (مروارید) دخترش بدنیا آمد که با داشتن سه طفل مجال ادامه تحصیل برایش میسر نبود اما باز هم زبان انگلیسی را بشکل اکادمیک فرا گرفت و بعد از آموزش زبان در رشته محاسبه مدت سه سال تحصیل نمود، مگر در حال حاضر به صفت ترجمان ایفای وظیفه مینماید.

فرهنگ و ادبیات کشور را به فراموشی نسپرده است. به شعر، موسیقی، کتاب، و فیلم علاقه مند است و سفر نیز دوست دارد او از کلمه دوست و دوست داشتن لذت میبرد.

## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

خانم ثریا صدیق از دواج نموده است دوطفلش بنام های مریم و مسیح هر دو زاده سرزمین افغانستان میباشد و طفل سومی زاده سرزمین انگلستان میباشد.

وی در افغانستان همکاری خود را با رادیو تلویزیون ملی هم زمان با کار تدریسی اش آغاز نمود و بهترین برنامه های اداره هنر و ادبیات را نطای میگرد مانند: برنامه ترازوی طلایی، گذرگاه شعر، و دکلمه اشعار در پروگرام های ادبی و غیره...

خانم صدیق با این باور بود که در دکلمه شعر باید تکیه های ویژه را بکار برد مگر گاهی ملتفت میشد که کار درستی نبوده است حال که روزگار زیبا از آن ایام سپری گردیده است میداند که دکلمه شعر مقرارت خاص ندارد در عمق شعر باید فرو رفت و واژه واژه آنرا باید لمس کرد و چشید، و بعد بشکل خودش بخوانش گرفت زیرا دکلماتور باید احساس شاعر در سرودن شعرش درک نماید. در طول مدت کار نطای خود در رادیو از خوانش برنامه های نثری لذت زیاد برده است زیرا با خواندن برنامه های مورد علاقه اش سعادت خود را تکمیل میدانست.

نویسنده گان مورد علاقه او عبارت اند از استاد عبدالطیف ناظمی، زلمی بابا کوهی، عزیز اسوده و دیگران که خوب ترین برنامه های ادبی را می مینوشتند.

بهترین برنامه که هیچ گاه فراموش خاطرش نمیگردد و آنرا خیلی زیبا خوانده بود برنامه ترازوی طلایی "عزیز اسوده" آنرا نوشته

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

بود و دیگری برنامه ویژه در سوگ زنده یاد احمد ظاهر بوده است. در دیار غربت یاد آن ایام خجسته را که با همکاران فرهنگی در ساحه مطبوعات کشوریای خدمت نموده اند، گرامی پنداشته و همه همکارانش را احترام بی پایان قایل است و همه را دوست میدارد هر چیز یکه با واژه دوست پیوند گردد، در قلبش جا دارد.

### مستوره یوسفی



مستوره یوسفی فرزند محمد  
ابراهیم در سال (1338)-  
هش مطابق  
(1959) میلادی  
در شهر کابل متولد گردید.  
وی بعد از مکتب ابتدائیه  
حلیمه درلیسه عایشه درانی  
تحصیل خود را تا سویه  
بکلوریا تمام کرد و خیلی  
ارزو داشت تا سطح  
لسانس در رشته ژورنالیزم  
و ادبیات دری تحصیل

نماید اما متأسفانه در امتحان کانکور پوهنتون موفق نگردید مگر علاقه خود را از دست نداد یار و یاور کتاب گردید و دانش خود را تقویت کرد و در خانه همیشه اخبار را با صدای بلند قرائت میکرد و یعنی تمثیل از نطایقی می نمود. روی همین علاقه مندی بکمک محترم نثار فریاد که او خود هم یک نطایق ورزیده و کارمند سابقه دار رادیو تلویزیون بود، در سال "1356" شمسی 1977 میلادی به رادیو تلویزیون جهت پسری کردن کورس نطایقی مراجعه کرد.

امتحان نطایقی را موفقانه سپری و بعد از اكمال کورس به گویندگی پروگرام های جوانان و برنامه فلکلوریک آغاز کرد. زمانیکه تلویزیون ملی به فعالیت آغاز نمود از جمله اولین خانم های انانسر در برنامه های مختلف تلویزیون گردید- بدین ترتیب به آروزی گویندگی رسید و با تلاش فروان خود را در آخرین نتیج نطایقی که خواندن اخبار مهم شب بود، رسانید. نظر به تقاضای سن و سالش به خواندن برنامه جوانان خیلی علاقه داشت و از طرف دیگر و مسایل فلگلور وطن را دوست داشت روی همین دلیل بود که این دو برنامه را بدون وقفه قرائت مینمود هرگاه روی کدام علل در برنامه های خود غایب میبود تمام شنونده های دو برنامه طی نامه های فراوان تشویقی علت غیابتش را می پرسیدند. او از جمع نطاقان به اواز خانم فریده انوری خیلی علاقه داشت و بدون شنیدن پروگرام زمزمه ها بخواب نمیرفت.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

از نطقان ذکور آواز مرحوم نثار فریاد و محترم در محمد نوری را دوست داشت.

روی داد هفت ثور «1357» هـ تمام زندگی او را تغیز داد و مورد اذیت و آزار رژیم جدید قرار گرفت و حتی حیاتش بخطر مواجه شد، خاطرات تلخ آن دوره بالایش تاثیر ناگوار گذاشته است که قلم از تحریر آن عاجز است. بنابراین دلیل عزم هجرت نمود به سرنوشت نامعلوم با دیده پراشک با مردم و مادر وطن از طریق برنامه هایش وداع کرد، خاطرات آن ایام را که انانسر تلویزیون امتحانی بود و مردم در پارک های و مراجع پرازدهام شهر کابل به تماشای تلویزیون انتظار میکشیدند و او هموطنان عزیز را به معرفی برنامه مخاطب قرار میداد، حسرتیست که هیچگاه فراموش نمیشود. خانم مستوره یوسفی با محترم خلیل ولی زاده ازدواج نموده است و دارای یک پسر بنام علی رضا و یک دختر بنام مریم میباشد و در کشور کانادا زندگی مینماید.

خانم مستوره یوسفی مانند هزاران هموطن دیگر ما در غربت آباد کانادا برای احیای زندگی مجدد تلاش مرزید و با همکاری همسرش زندگی خوشی برای فرزندان تهیه نمودند. در کنار کارهای شاقه برای تقویه زبان و فرهنگ و طنش در تلویزیون آریانا و تلویزیون آینه افغان در شهر ونکور کانادا باز هم به صفت نطق به قرائت اخبار پرداخت.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---



با تاسف خانم مستوره یوسفی بتاريخ 11 جون 2008 با مرگ طبیعی چشم از جهان پوشید.



## جمیله مجاهد



نطاق و خبر نگار موفق، چهره شناخته ملی و بین المللی، را در ایام جوانیش که در رادیو به گویندگی پروگرام اطفال پرداخت می‌شناختم. در اوایل جمیله تندزی تخلص مینمود و بعد از ازدواج با آقای «مجاهد» که او هم یک نویسنده و ژورنالیست موفق رادیو بود، جمیله تخلص مجاهد را اختیار نمود.

با تماس های مکرر و تیلفونهای بیش از حد، فرستادن پیغام و بالاخره با ارسال نامه از کانادا به ادرس این دوست گرامی موفق شدم ایمیلی از ایشان بدست آورم، خوشحالم از

فعالیت های این جسور زن افغان که بخاطر نجات زنان از اسارت و بردگی در داغ ترین روزها که هنوز دامن مادر وطن در شعله های آتش خشم سیاه دلان میسوخت، چنان با جسارت و شیردلی از عقب میز نطاق در استودیوهای رادیو ملی افغانستان به گویندگی

## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

پرداخت و برای زنان که مدت طولانی تحت فشار های متعصبین از کارهای اجتماعی کنار رانده شده بودند و بخصوص در طی پنج سال دوره طالبان که خواهران ما کاملاً روحیات خود را از دست داده بودند، جرائت برآمدن از خانه را بدون محرم شرعی نداشتند، این جملیه بود که مژده "سقوط طالبان" را از طریق رادیو بگوش مردم رسانید. با انانس های پیهم از خانم ها دعوت مینمود که نترسید از خانه بدون چادری برآید و او به مردم خطاب میکرد که دست بدست هم دهید و وطن را از این بحران نجات بخشید و برای تحکیم وحدت ملی دست بکار شوید. صدای رسای این شیرزن افغان در اولین روز سقوط طالبان در سرتاسر مملکت طنین انداخت.

این دوست نازنینم طی ایمیل شمعہ از ابتکارات و افتخارات خود را برایم تحریر نمود.

جمیلہ دختر حاجی شیر محمد خان در 1343 شمسی یک خانواده روشن ضمیر در شهر کابل تولد گردیده، هنوز در صنف نهم درس میخواند همکاری خود را با رادیو افغانستان در پروگرام اطفال شروع کرد و از گویندگی در پروگرام اطفال لذت میبرد. او بعد از ختم بکلوریا از لیسه عایشہ درانی در سال 1360 شمسی رسماً در رادیو تلویزیون ملی افغانستان بکار ژورنالیستی آغاز کرد. در اوایل بصفت ممثل در اداره هنر و ادبیانت مدیریت درام های پشتو بکار آغازید و بعد از مدت بسیار کوتاه بصفت نطق مستعد به خوانش برنامه های مختلف پرداخت: مانند برنامه زن و جامعه،



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

جوانان، اطفال، کورنی ژوند، برنامه های سیاسی و اجتماعی، ونطاقی اخبار مهم شب، تبصره های سیاسی. خانم مجاهد در همان زمان که هنوز بسیار جوان بود برای وحدت، یکپارچگی و برای نجات زن از اسارت، برای تامین عدالت، تلاش مینمود و تساوی حقوق زنان را در جامعه تقاضا داشت. جمیله مجاهد دارای کرکتر آزاد، خوش برخورد، متبسم، همکار دلسوز بود، جدیت و پشتکار در ایفای وظیفه را محترم میشمرد و برای ارتقای دانش، تبارز استعدادش سرحد را نمی شناخت. وی از قدرت قلم نیز برخوردار است در حالیکه در برنامه های مختلف نطایق میکرد بخاطر بلند بردن سطح دانش ژورنالیستی خود تلاش میورزید تا با استفاده از استعداد و مسلکی خود مصدر خدمت برای مردمش گردد. زمانیکه طالبان در افغانستان مسلط گردیدند وظیفه اش را از دست داد مانند میلون زن دیگر خانه نشین گردید. برای او که روزانه از (8 تا 12) ساعت خارج از منزل در اجتماع بزرگ کار میکرد خانه نشستن خیلی سخت تمام میشد مگر در حصار خانه هم بیکار نبود از توانایی قلم خود کار گرفت راجع به وضع زنان تحت مظالم طالبان بنوشتن مضامین و به سرودن شعر پرداخت. چون مضامین و اشعار او برضد اعمال غیر عادلانه طالبان و در مورد زنان بود در بیرون مرز افغانستان در کشور همسایه "پاکستان" به طبع و نشر میرسید. نشستن در خانه و پوشیدن چادری برایش که هیچ یک از اعضای

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

فامیلش آنرا نپوشیده بودند، خیلی سخت تمام میشد. زمانیکه در های علم و دانش بروی دختران بسته واز دانش آموزی محروم گردیدند، دست به اقدام جدی زد یک خانه را در مرکز شهر کابل به کرایه گرفت و مخفیانه به تدریس دختران هموطنش پرداخت. خانم مجاهد درک میکرد که تدریس مخفیانه خلاف اندیشه غیر انسانی طالبان بوده وخطر مرگ را در قبال دارد. مگر بی هراس بخاطر ارمان مقدس سواد آموزی و آزادی رزمید.

در سال 1380 شمسی 2001 میلادی که عساکر بین المللی تحت رهبری قوای ایالات متحده امریکا به رژیم طالبان خاتمه دادند در اولین دقایق خود را به رادیو ملی افغانستان رسانید چون دستگاه تلویزیون توسط طالب ها تخریب گردیده بود، او از طریق رادیو خبر سقوط طالبان به سمع هموطنان در سرتاسر افغانستان رسانید در حالیکه هنوز جنگ دوام داشت وفاداران رژیم طالبان و افراد مخالف بکار و فعالیت زنان (زن ستیزان) هنوز می جنگیدند، دلیرانه به نطایق پرداخت.

مردمیکه هنوز از سقوط طالبان آگاهی نداشت با شنیدن آواز یک زن از امواج رادیو که بعد از مدت طولانی (یازده) سال نشر میشد دانستند که طالب ها سقوط کرده است همه از خانه های شان بی هراس برآمدند، همه مردم، زن و مرد کشور برایش طی نامه، تلیفون، پیغام فرستادند و تقاضا میکردند که بکار نطایق خود دوام

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

بدهد تا دیگران نیز روحیه بگیرند، زیرا در این مرحله اساس تاریخی آزادی زنان خیلی مهم مطرح بود. در سال 1381 شمسی 2002 میلادی در فکر طبع مجله ملالی گردید به تیراژ (500) شماره طبع و بدسترس مردم قرار داد، تمام مطالب آن مجله در باره آزادی زنان تساوی حقوق شان و تشویق دختران برای تدریس بمکتب و مسایل صحیحی زنان نوشته میشد، مجله ملالی اولین مجله بود که بعد از ستوط طالبان سرسختانه از حقوق زنان دفاع کرد نویسنده آن خانم مجاهد بود که از قلم توانایش برای مادران و خواهران میهنش مینویشت، مجله ملالی رول مهم را دراگاهی زنان، از آزادی، حق کار و حق سواد شان بازی نمود مانند کلی بود که در های بسته را بروی زنان می گشود و بعداً به تیراژ (5000) شماره طبع و بمركز و پنج ولایت دیگر کشور توزیع گردید.

باوجودیکه این مجله اثرات مهم در زندگی مردم و مخصوصاً زنان گذاشت اما از انجایکه اکثریت زنان از سواد بهره مند نیستند در تفکر ایجاد یک دستگاه رادیو برای زنان گردید تا تمام مسایل مربوط به زنان را از زبان زن بگوش شان برساند و سطح رشد واگاهی ایشان را بیشتر ارتقاع بخشد. روی این منظور با کمیسیون های متخلف ملل متحد تماس گرفت .

یونیسکو UNESCO

بعضی از وسایل دستگاه رادیویی را در اختیارش قرار دادند.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

یکسال بعد از انتشار مجله ملالی (در طول هشتم مارچ 1382 شمسی 2003 میلادی) بحیث تحفه بزرگ در هشت مارچ برای زنان افغانستان با پیام ها و تبریکات برای زنان رنج دیده افغانستان آغاز به نشرات رادیو نمود. این رادیو در کابل و بعضی از ولایات نزدیک شینده میشد نشرات این رادیو بنام رادیو زنان کسب شهرت نموده است این رادیو نه تنها زنان را آگاهی سیاسی و اجتماعی میدهد بلکه خشم مرد سالاران و زن ستیزان را نیز تحریک نموده است و چندین بار برایش را اخطار دادند تا از نشرات این رادیو خوداری نماید زیرا نشرات رادیوی زنان در باره مسایل عمده از قبیل صحت، سواد، تربیه طفل و رزش آگاهی سیاسی و اجتماعی، تشویق بکار برون منزل، تساوی حقوق با مردان، مطالب هنری، تفهیم و تدریس حقوق زنان مطابق مواد قانون اساسی و صد ها مطلب دیگر میباشد که همه از قلم زن با آواز زن و برای زن ابلاغ می گردد. نشرات این رادیو شور و هیجان زیاد برای زنان ایجاد نمود و آنها را برای وحدت، صلح و همبستگی ایجاد یک نیروی قوی در برابر مظالم اجتماعی، خشنوت مرد سالاری، واداشته است. نشرات رادیو زنان بر علاوه زنان افغانستان از پیشتیبانی بی دریغ مردان منور و ترقی خواه نیز برخوردار است.

در سال 2007 میلادی تلاش برای نشر سرتاسر رادیو زنان بخرج داده است تا رادیوی مذکور در تمام نقاط کشور پخش و شینده شود. او توانست از طریق رادیو تمام زنان را از نقاط مختلف کشور با هم

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

نزدیک ساخته تا درباره مشکلات شان باهم دسته جمعی عمل کنند، برای رفع نواقص تدابیر همه جانبه سنجیده و تصمیم اتخاذ بدارند.

خانم مجاهد بر علاوه نشرات رادیو و مجله ملالی، در فکر ایجاد تلویزیون زنان نیز گردیده است تا بتواند از طریق چشم و گوش مطالب مربوط را برای مردم برساند و آگاهی شانرا ارتقاع بخشد، او در تلاش است تا پول مصارف ایجاد دستگاه تلویزیون زنان را سازمان دهی بدارد.

خانم مجاهد در سال 1382 شمسی 2003 میلادی در اولین لویه جرگه بعد از تاسیس دولت موقت اشتراک نمود تا در باره حقوق زنان مطالب درج قانون گردد هم چنان در سال 1383 شمسی 2004 میلادی از طرف یکتعداد مردم در کمیته انسجام و تدارک بحیث معاون مدیر و سخنور زنان در لویه جرگه نام نهاد گردید تا صدای زنان را بگوش اعضای لویه جرگه برساند و تقاضای ثبت حقوق مساوی، عدالت اجتماعی زنان در اسناد قانونی گردد.

بخاطر بدست آوردن بیست و پنج فیصد کرسی زنان در پارلمان افغانستان و ایجاد مکاتب دختران در سرتاسر کشور و توجه جدی در باره صحت زنان و دیگر مطالب مربوط به زن درج قانون شود. در سال 1384 شمسی 1005 بخاطر انتخابات ریاست جمهوری، کمیته های ملی و بین املی در پارلمان افغانستان برای سازمان دهی انتخابات آمادگی گرفتند.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

اوبخاطر کسب معلومات و تجربه در سال 2004 زمان انتخابات کشور هندونیزیا به جاکارتا رفت تا با استفاده از تجارب، یک عمل صادقانه ودموکراتیک در انتخابات ریاست جمهوری سال 2005 افغانستان نیز تطبیق گردد.

در سال 2005 دو نفر از ملل "مرد و زن" بخاطر مشاهده مراحل انتخاباتی ریس جمهور در افغانستان آمده بودند و در محاصره مخالفین قرار گرفتند اواز طریق نشرات رادیو موضوع گروگان ها را افشاء نمود وبگوش دولت ومردم رسانید واعلان نمود بخاطر تطبیق درست وبرسی ملل متحد از کار انتخابات، خودش حاضرگردید که بعوض نماینده ملل متحد در گرومخالفین قرار گیرید، این موضوع از شهادت ودلیری یک افغان نمایندگی میکرد تمام کمیته های بین المللی را متحیر ساخته ودر اثر تبلیغات وسروصدا رادیو زنان دولت بعفالت شدید آغاز نمود واز این عمل تحریک امیز بنا بررهایی اعضای ملل متحد تمام کمیته های نظارت کننده بین المللی، گروگان های رها شده، ومردم افغانستان از خانم مجاهد با اظهار تشکر ممنونیت شان را ابراز کردند. برخلاف از طرف افراد مخالف ومخصوصاً طالبان برایش اخطار نامه های فراوان رسید اما بی هراس از تمام جریانات انتخابات ریاست جمهوری از هر گوشه وکنار در رادیو اعلان میکرد وتمام جزئیات بررسی شده را بخاطر تطبیق درست انتخابات و مبرا از هر گونه خلاف رفتاری استفاده جوئی به اطلاع مردم میرسانید تا

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

متخلفین متوجه باشند که همه امور تحت کنترل رسانه های جمعی قرار دارد.

بنا بر جسارت و فعالیت ژورنالیستی این شیر زن افغان ممالک مختلف از زندگی او مطالب در کشور های شان نشر کردند و ارز جمیله مجاهد فلم مستند تهیه نمودند.

زیرا او یگانه خانمی بود که موفق بدریافت هفت تقدیر نامه از کشورهای امریکا، جرمنی، جاپان، ایتالیا، اسپانیه، انگلستان و فرانسه گردید و همچنان بدریافت دعوت های رسمی از کشورهای مانند امریکا، اسپانیه، فرانسه، جرمنی، هالند، جاپان، هندونیزایا موفق گردید تا با رهبران انکشورهای ملاقات بدارد.

در آغاز نشرات رادیو زنان خانم مجاهد بخاطر جسارت ودلیری از دوکشورمانند جرمنی و جاپان تقدیر نامه بین المللی بدست آورد.

در داخل کشور بخاطر شرح مسایل ومشلات زنان با ریس جمهور "کرزی وخانمش" تماس های برقرار نموده ودر باره مشکلات نیم پیکر جامعه توجه ایشان را جلب نموده است واز طرف ایشان نیز مورد نوازش قرار گرفته است.

جمیله مجاهد با چنان تلاش، پشتکار، جدیت، وجسارت توانست که فعالیت های ژورنالیستی خود در کشور ودر جهان ثابت سازد ویک ژورنالیست شناخته ملی وبین المللی گردد.

چنین شیر دختران را مادر وطن در دامنش پرورش داده است اما بدبختانه که در قیودات سنتی و کهنه گرایی برای رشد همچو

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

استعداد ها زمینه داده نشده است و از طرف دیگر به شهامت و جسارت خواهران ما نیز تعلق دارد که حقوق حقه شانرا از راه مبارزه صلح آمیز بدست بیاورند. جسارت خانم جمیله مجاهد در آن زمانیکه ترس و وحشت همه مردم را از پروسه دموکراسی ناامید ساخته بود، قابل قدر میباشد. باید جسارت و خلاقیت زنان وطن ما که در دشوارترین لحظات تاریخی راه گشای دیگران گردیدند، ثبت تاریخ شود تا از تجارب خواهران و مادران گرامیکه در شرایط جنگ بفعالیت های فرهنگی پرداخته اند، نسل های بعدی کشور نیز اطلاع حاصل نمایند.





## زهـره قـیام



درسال 1342 - ش- در یک  
خانواده روشنفکر چشم به دنیا  
گشود. پس از فراغت لیسه رابعه  
بلخی شامل فاکولته ادبیات  
( دیپارتمنت ژرنالیزم) پوهنتون  
کابل گردید، در جریان تحصیل با  
نوشتن پارچه های ادبی، اشعار  
وطنی از قلم قیامت برپا کرد و از  
جمله شاگردان ممتاز صنفش  
محسوب میگردید.

پس از فراغت از دانشگاه کابل به  
حیث آمر دیپارتمنت دری لیسه

جمهوریت شهر کابل ایفای وظیفه نمود و همزمان با مطبوعات  
کشور در شهرکابل همکاری قلمی اش را با نگارش مقالات ادبی،  
داستان کوتاه و طنز ادامه داد. خانم قیام در زمانیکه محصل بود  
همکاری خویش را با خوانش مقالات ادبی و دکلمه اشعار گویندگی با  
برنامه های ادبی رادیو افغانستان چون " پیام صبحگاهان، ازهر چمن  
سمنی، زمزمه های شب هنگام و راه زنده گی" آغاز نمود و این

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

مسلک مقدس را تابه قدرت رسیدن مجاهدین باعشق و صداقت انجام داد.

در سال 1992 در اثر جنگهای داخلی مجبوراً وطن را ترک و به کشور آلمان «جرمنی» متوطن گردید.

خانم قیام در آنجا نیز همکاری فرهنگی خود را با تلویزیون محلی هندوکش از سر گرفت.

خانم قیام بر علاوه گویندگی در تلویزیون هندوکش با نوشتن پارچه های ادبی و طنز در سایت های اینترنتی نیز قیامت برپا کرده است.

### فوزیه شهاب

فرزند محترم امان الله خروتی  
در اول جوزای سال 1341-ش- در  
شهر کابل تولد یافت و در هفت  
سالگی با هم قطارانش شامل مکتب  
نیک بختی گردید. بعد از ختم  
مکتب ابتدائیه در سال 1352-ش-  
در لیسه اریانا افتخار شمولیت پیدا  
کرد.  
مگر بعد از یک سال آموزش نظر



به وظیفه پدرش روانه ولایت ننگرهار گردید. زیرا پدرش بحیث مستوفی ولایت ننگرهار ایفای وظیفه میکرد او از صنف هشتم تا صنف دهم را در لیسه آلالی شهر جلال آباد آموزش دید و در سال 1357 هجری شمسی نسبت تبدیلی وظیفه پدر دو باره بکابل آمد و شامل لیسه عالی سوریا شد. بعد از فراغت از لیسه سوریا امادگی امتحان کانکور را گرفت و در فاکولته اقتصاد موفق گردید و همچنان در دوره لیسه سوریا از صنف یازدهم نظر به تشویق مادر مهربانش مامایش انجینیر عبدالصبور در برنامه های پشتو رادیو تلویزیون همکاری خود را به صفت گوینده آغاز کرد. وی نسبت عدم علاقه برشته اقتصاد از تحصیل در پوهنتون صرف نظر نمود و به نطای خود ادامه داد.

خانم فوزیه در سال 1359 ش - با محترم شاپور شهاب که بصفت معاون انجینیر در بخش تخنیک تلویزیون در مدیریت لایت ایفای وظیفه مینمود، ازدواج کرد وی در همین سال در مدیریت نطاقان رادیو تلویزیون به صفت نطاق رسمی تقرر حاصل نمود.

بعد از ازدواج محترم شاپور شهاب مشویق ثانی او در رشته نطای گردید. این زوج مطبوعاتی جوان، زمانی که اولین دختر شان بنام فرشته بدنیا آمد در آن زمان مادر های که وظیفه خارج از منزل داشتند، بنا بر نگهداری طفل شان مشکلات زیاد موجود بود زیرا کودکان های محل زیست خیلی محدود بود و کودکان های محل کار هنوز ایجاد نگردیده بود. این مادر جوان با کودک خود بوظیفه

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

میامد زیرا کسی در خانه نداشت تا از طفلش مراقبت نماید. هرزمانیکه عقب مکروفون در استودیو ثبت ویا نشر اخبار قرار میگرفت همکاران در مدیریت نطقان از طفلش مراقبت میکردند و خانم شهاب صدای گریه طفلش را در استودیو استماع میکرد. با در نظر داشت همان مشکل و ضرورت خانم شهاب بوظیفه ، در حقیقت فرشته جان کودک با عث ایجاد کودکان محل کار در ریاست رادیو تلویزیون گردید، زیرا وظایف شباروزی کارمندان در رادیو تلویزیون و آمدن فرشته کوچک در محل کار با پدر و مادرش توجه مسولین رادیو تلویزیون را جلب نمود و اقدام به ایجاد شیر خوار گاه و کودکان محل کار گردیدند.

این نطق خوش صدا در عرصه نطقی شهید صایمه مقصودی را استاد خود میداند و هم چنان از همکاری و رهنمای های صادقانه محترم سیف الرحمن ابراهیم خیل، محترم نجیب نصیر نطقان ورزیده وسابقه دار رادیو تلویزیون در رشد استعداد خود با قدرانی از ایشان منمون میباشد.

خانم شهاب بعداً در مدیریت نشر و انسجام رادیو، به حیث عضو بررسی پروگرام های رادیو، عضو انسجام و نشر برنامه های تلویزیون، ایفای خدمت نمود بر علاوه کار های اداری شعبات فوق در خواندن برنامه های مختلف رادیو، تلویزیون و اخبار ساعت هشت شب که نشرات مستقم داشت، همکاری مینمود.

## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

هم چنان برای مدت سه سال مجری برنامه رادیو صدای مردم همراه با محترم احمد غوث زلمی بود، برنامه گلبرگها، ترانه ها و سخن ها، کورنی ژوند، پاسخ چیست، آزمون گاه ذهن، برنامه زن وجامعه را برای مدت یازده سال صادقانه پیش برده است. زمانی که طفل دوم اش بدنيا آمد کودکانستان در محل کار فعال گردیده بود همه خانم های رادیو تلویزیون باخاطر راحت با اطفال شان توسط ترانسپورت دولتی از خانه های شان به رادیو انتقال میگردیدند و با آرامش روحی بکار شبا روزی شان دوام میدادند در این مورد همه کارمندان رادیو تلویزیون مدیون فرشته شهاب کوچک بودند.

فامیل شهاب با وظایف پرمسولیت کهداشتند ، همه روزه با دوطفل شان در محل وظیفه بودند وشبها بعداز ختم اخبار طفلک های خواب الودشان را به شانه می انداختند وتوسط ترانسپورت موظف رادیو به خانه شان منتقل میگردیدند، بدین ترتیب یازده سال خدمت در زیر بارن مرمیها بوظیفه خود ادامه دادند وشاهد پرتاب هزاران راکت های کور از طرف کور دلان بالای دستگاه رادیو تلویزیون بودند. در حادثه سوم حوت سال 1359 هجری شمسی (قیام مردم کابل علیه اشغال قوای سرخ روسیه شوروی ) خانم شهاب مدت سه شبانه روز با سایر نطاقان وهمکاران در رادیو تلویزیون سپری کردند.

خاطرات زیاد از دوره کار در شرایط جنگ در زهنش نقش بسته است. روزی با خانم فهمیه نورزاد بخاطر ثبت برنامه کورنی ژوند عقب مکروفون در استودیو قرار داشت، چنین گفت:

{خانم فهمیه نورزاد نامه تراژید یک خانم رنجدیده هموطنم را میخواند و من در کنار فهمیه برای خوانش بخش پشتو برنامه قرارداشتم نامه ئی را که فهمیه جان میخواند من در حالیکه سر تا پا به شنیدن نامه گوش میدادم و ضمناً نامه را از زیر چشم خط به خط تعقیب میکردم، چون خیلی تحت تاثیر نامه قرار گرفته بودم، فهمیه جان برای نفس تازه کردن یک مکث کوچک نمود و من بدون توجه متباقی نامه را بلند خواندم که باعث تعجب فهمیه جان وسکتگی در جریان ثبت برنامه گردید. با خنده همکاران متوجه شدم که متباقی نامه دری را بخوانش گرفته ام، یاد فهمیه جان بخیر با خنده پرسید فوزیه جان فکر کردی من در خواندن نامه ها خسته شدم که مرا کمک کردید؟

شما باید نامه های پشتو را بخوانید { فضای پر محبت رادیوتلوویزیون، روابط صمیمانه با همه همکاران فنی، نشراتی، پردیوسران برنامه ها، دختران جوانیکه در بخش تخنیکی تازه بکار شروع کرده بودند، همکاران بخش اداری، همه و همه چنان با صفا و صداقت بود که رادیو تلوویزیون را به یک خانواده بزرگ مبدل ساخته بود هر کدام همکاران در قلبش چون عضو خانواده جا دارند.

تلخ ترین خاطره از دوران کار او که به یقین از همه همکاران رادیو تلویزیون نیز خواهد بود، شهادت نطق ورزیده ممثله برجسته، شهید گلگون کفن (صایمه مقصودی) می باشد که جایش برای ابد خالیست.

کارمندان رادیو تلویزیون با همه پرابلم ها، با همان راکت ها و ژاله و باران مرمی وطن شان را دوست داشتند و از آغوش مادر وطن خارج نشدند تا زمانی که شرف و ناموس مردم به خطر مواجه گردید. خود کشی دختران جوان بخاطر حفظ شرف و حیثیت شان که از چند منزله های مکروریان خود را پرتاب نمودند. «مانند ناهید شهید» و صلیب زدند روشفکران در درختان بلاک های مکروریان، مردم مجبور به ترک وطن گردیدند.

تلخ ترین خاطره تاریخ 16 سپتمبر 1992 میلادی 1371-ش- بود که از پل حیرتان عبور کردند.

{وقتی که به عقب نگاه کردم دیدم که مادر وطنم را با زخم هایش تنها گذاشتم. همه هستی، وطن آبایم آن طرف دریا آمو ماند، خودم با دست خالی، اطفال معصوم و شوهرم دامن دیار بیگانه گان را گرفتیم و وطن گدایی کردیم. مدت 15 سال است که قلبم در پنجه غم فشرده میشود و سرانجام در سال (2006) بعد از گذشت تلخی های زمان و بی وطنی بدیار نازنینم برگشتم وقتی که در سرحد تورخم رسیدم با دیدن بیرق ملی و سربازان سرحدی وطنم، ما زن و شوهر چنان های های گیرستیم که همه سربازان دور ما جمع شدند و علت گریه ما را

## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

می پرسیدند و دریور حامل مسافرین برای شان گفت این زن وشوهر بعد از 15 سال بوطن آمده اند، دیدم درچشم همه مسافرین اشک حلقه شد وبا تسلی برادرانه وقلب پر لطف از ما استقبال کردند{ راستی که شاد روان احمد ظاهر چه خوش زمزمه کرده است . دو موجود زهستی گرامی تراست – یکی مادرودیگرش میهن است. خانواده شهاب بعد ازدوازه سال زندگی در ازبکستان درسال 1383-ش- 2004 میلادی با فرزندان عزیز شان هریک فرشته ،بهشته، مروه ، مدینه و امیده که عظیم ترین سرمایه زندگی شان میباشد به ایالات متحده امریکا بجیث مهاجرپذیرفته شدند ودر ایالت کریلینای جنوبی اقامت گذدند. فرزندان خانم شهاب از تحصیلات عالی برخوردارهستند به زبان های پشتو، دری، ازبکی، روسی وانگلسی روان تکلم کرده میتوانند. از جمله مروه و مدینه مانند مادر عزیز شان علاقه خاص در رشته نطایق دارند و تلاش مینمایند تا در آینده مانند مادرمهربان شان گوینده معروف باشند.



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---



### الیس نیکزاد ناشر

خانم الیس ناشر دختر محترم جنرال غلام صدیق نیکزاد متولد سال 1337 ش، شهر کابل میباشد. وی را در زمانیکه به رادیو جهت نطای میآمد می شناختم ، او زاده ای دامن والدین منور بوده است پدر ومادر مهربانش از سر شناس ترین خانواده های صاحب تحصیل ودانش در کشور ما

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

میباشند. این فامیل دارای افتخارات زیاد در بخش های مختلف اجتماعی، فرهنگی و ساحه اردوی افغانستان میباشند. غلام صدیق نیکزاد پدرش یک شخصیت بزرگ، جنرال تحصیل کرده (قوای مسلح افغانستان) و هم چنان دانشمند پر افتخار که در مکتب حربی تعداد زیاد شاگردان را تربیه کرده است. آقای نیکزاد بعد از اخذ لسیانس از پوهنتون کابل، ماستری خود را در رشته سانیس (کمیا و فزیک) از کشور سویس بدست آوردند. نوریه نیکزاد مادر مهربانش از جمله خانم های تحصیل کرده که ذهن و ضمیرش با زیور علم اراسته بوده است، میباشد. وی از جمله فارغان لیسه عالی رزغونه شهر کابل بود و یا بهتر بگوییم که نام جنرال عبدالغنی خان مشهور به (قلعه بیگی) که در کشور ما از افتخارات زیاد برخوردار است، برای همه آشنا است. نوریه دختر جنرال عبدالغنی (قلعه بیگی) میباشد. جنرال غلام صدیق نیکزاد با خانم نوریه «نیکزاد - ازدواج نمودند و ثمر پر بار زندگی مشترک شان سه فرزند تحصیل دیده، روشن ضمیر میباشند عبارت اند از دکتور عبدالمتین نیکزاد، خانم لیلا نیکزاد سلطانی و خانم الیس نیکزاد ناشر. الیس نیکزاد تحصیلات ابتدائیه و ثانوی را در لیسه عالی ملالی در سال 1355 ش-تمام نموده است و بعد وارد پوهنتون کابل جهت کسب تحصیلات عالی گردید در سال دوم تحصیلاتش نظر به علاقه مفرط، دست به کار های فرهنگی و نطایقی زد و از طرف

دیگر در فاکولته زبان و ادبیات تحصیل میکرد، علاقه او را در کسب تجربه عملی در کار های فرهنگی بیشتر ساخته بود. او مانند والدین خود از فیض علم و کرامت عالی انسانی بهره مند بوده است. خانم الیس در سال 1357 خورشیدی 1978 میلادی راه مدیریت نطقان رادیو، تلویزیون را پیش گرفت. برای مدت ششماه در برنامه های مختلف رادیو نطقی نمود و بعد از مدت کوتاه شش ماهه آماده قرائت اخبار مهم شب که راساً نشر میشد-گردید مطابق تقسیم اوقات مدیریت نطقان شامل لیست نطقان مهم شب گردید و هفته سه روز برای خوانش اخبار شب به رادیو و تلویزیون همکاری میکرد. زمانی که تحصیلات خود را از پوهنتون کابل تمام کرد در وزارت امور خارجه افغانستان به صفت مامور رسمی تقرر حاصل نمود و همچنان همکاری خود را با رادیو تلویزیون حفظ کرد مگر در آن دوره کار های فرهنگی مشکلات بخصوص خود را داشت و اکثراً نطقان، هنرمندان تمثیل رادیو، تلویزیون، تیاتروسیمنا مورد تهدید گروپ های مجاهدین قرار میگرفتند او نیز مورد تهدید قرار گرفت مخالفین شبنامه های تهدید آمیز در خانه اش ارسال میکردند که باعث تشویش همه اعضای فامیل گردیده بود. بناً با مشوره پدر عزیزش و حفظ شرف و ناموش خانواده که مبادا بخاطر نطقی در چنگ افراد بی فرهنگ گرفتار آید و باعث ابرو ریزی فامیل گردد، رابطه خود را با کار نطقی قطع نمود. با وجود مدت کوتاه خدمت

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

در امور نطّاقی از شهرت و محبوبیت خاص شنونده ها و بیننده های تلویزیون برخوردار بود و عدم همکاری او برای سرویس های خبری دری و پشتو رادیو تلویزیون یک ضایعه پنداشته شد. وی از جمله نطّاقان آواز و کرکتر عالی محترم کریم روهینا و عقیده راسخ وی بخاطر انسان و انسانیت داستی می پسندد ، یقانیاً این عقیده را همه همکاران در مورد آقای روهینا خواهند داشت زیرا وی از جمله کارمند مطبوعاتِ خیلی سابقه دار کشور میاشد و نزد همه همکاران محترم بودند.

خانم نیکزاد ناشر از برنامه های زمزمه های شب هنگام خیلی لذت میبرد و اشعار شعرای مانند حافظ ، سعدی ، بیدل ، مولانای بلخ ، وقهار عاصی را دوست داشت و از جمله شاعر دوست داشتی او شهید قهار عاصی بود.

خانم نیکزاد خاطرات خوشی از تمام همکاران رادیو تلویزیون دارد و هم چنان یک خاطره فراموش ناشدنی او در رابطه با کار نطّاقی اش در تلویزیون ملی افغانستان از اینقرار است:

{ برای اولین بار با وجود تجربه کافی نطّاقی در رادیو ، وظیفه خواندن اخبار تلویزیون را داشتم بعد از آرایش سرو صورتی از آرایشگاه تلویزیون طرف استودیو برای قرائت اخبار شب رفتم و عقب میز نطّاقی قرار گرفتم ، زمانیکه لایت "چراغ" استودیو روشن شد و من بالا نگاه کردم که همه همکاران نشر و متصدی

اخبار انجیران و مسولین تخنیکي شدیداً متوجه من هستند و چند ثانیه بعد باید قرائت اخبار را شروع کنم. مگر چنان تحت تاثیر رفته بودم که تمام روحیات خود را از دست دادم و میز نطق را ترک گفتم و قتی که از استودیو برآمدم. در آن زمان مامایم اشرف گردیزی نیز مسولیت های در تلویزیون داشت، برایم گفت «شرماندی ما» زنده یاد مامایم تا که حیات داشت، مرا آزار میداد که «همه ما را شرماندی».

نطاقان خاطرات بسیار جالب در زمینه کار های شان دارند. بخصوص در زمان نشر راساً که همه مردم تماشاگر نطق است. الیس خود از زیبایی طبیعی بقدر کافی برخوردار است. خانم نیکزاد ناشر مدت بیست سال میشود که در کشور انگلستان با همسر عزیزش و اطفالش زندگی دارد و شما فوتوی فاملی شان را در فوق مشاهده میفرماید.

همسرش محترم توران ناشر از تحصیل عالی کشور انگلستان برخوردار است و دو فرزندش محمد ناشر 18 سال دارد شامل کالج است و سحر ناشر (15) سال دارد هنوز متعلم مکتب میباشد. خانم نیکزاد در کشور انگلستان وظیفه مقدس معلمی را بدوش دارد و هم زمان با وجود مسولیت های مادری و تدریسی در مکتب، خودش نیز محصل است در رشته تعلیم و تربیه برای ماستری خود تحصیل مینماید.

### رشیده آمو



رشیده در شهر زیبا قندهار متولد گردیده است. بعد از فراغت لیسه زرغونه انا قندهار بکابل نقل و مکان کردند. خانم آمو در ریاست احصائیه مرکزی مربوط وزارت پلان گزاری شامل کار گردید. در سال 1360 ش- همکاری خود را به صفت نطق پشتو با رادیو آغاز نمود ابتدا پروگرام های ثبتی را به خوانش گرفت و بعداً اخبار شب را راساً قرائت نمود.

برنامه های را که خانم رشیده آمو گوینده گی میکرد عبارت بود از کره کتنه، (ترازوی طلایی) زمزمه های شب هنگام، از هرچمن، پیام بامدادی، ماو شنوندگان، و برنامه های (اف ام) رادیو بود. وی در سال (1368) ش- (1988) م- افغانستان را ترک گفت و در کشور المان اقامت دارد.

## فریبا شمال



خانم شمال در سال (1347) -  
ش 1968 م - در شهر کابل متولد  
گردید.

وی تحصیل ابتدائیه را در مکتب  
لامعه شهید وبکلوریا را در  
عاشیه دارنی بپایان رسانید وبعد  
شامل انستیتوت پولی تخنیک  
کابل گردید، در رشته مورد  
علاقه خود بخش "رادیو تلویزیون  
" برای یک سال به تحصیل  
ادامه داد . مگر علاقه خاص او  
رشته ادبیات زبان دری بود  
یعنی از صنف پنجم مکتب یکی  
از همکاران قلمی رادیو

افغانستان بودند که با ارسال مطالب ادبی از تراویش قلمش در  
برنامه های اطفال و برنامه مختلف رادیو افغانستان حایز جوایز  
نیز گردیده بودند . وی از همان زمان عشق به گویندگی و نطایق

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

داشت و هم چنان از دوره مکتب به پروگرام اطفال رادیو نیز همکار بود و در خواندن بعضی مطالب در برنامه اطفال حصه می‌گرفت. در سال 1365 ش 1986 میلادی در مدیریت آرشیف و رادیو بصفت مامور رسمی، تقرر حاصل نمود و در گویندگی و تهیه برنامه های « اف ام » حصه گرفت و استعدادش تبارز کرد و بعداً مدیریت نطقان از وی تقاضای همکاری بیشتر نمودند و برای سه سال در برنامه های مختلف مانند: کاروان حله، دنیای جوانان، صدای سرباز، کارگر وزن و جامعه در بخش رادیو و تلویزیون ایفای خدمت نمود.

خانم شمال در اواخر سال ( 1369 ) ش 1990 میلادی ترک وطن کرد و در کشور المان اقامت گزید و تا اکنون در شهر هامبورگ جرمنی زندگی دارد.

خانم شمال در آنجا نیز بفعالیت های فرهنگی پرداخت برای مدت ده سال در تلویزیون محلی شهر هامبورگ همکاری نمود و هم چنان در محافل فرهنگی و کنسرت های هنرمندان افغانی در بخش گویندگی نقش فعال داشته است و بخاطر آزادی و دموکراسی زنان عضویت شورای زنان افغان مقیم هامبورگ را حاصل نمود. در اخیر سال 2006 میلادی نظر به دعوت تلویزیون شبکه جهانی آریانا افغانستان بریاست « محترم بیات » عازم کابل گردید و با ظاهر شدن در صفحه تلویزیون هموطنان را با قرائت اخبار شاد باش



## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

گفت . خانم شمال از تشویق و استقبال بی نهایت مردم عزیزش برخوردار گردید و این همکاری ادامه خواهد داشت.  
خانم فریبا شمال عظیمی رفیق کتاب و عاشق مسلک نطّاقی میباشد او از کودکی بمطالعه کتاب پرداخته است و هم اکنون در شرایط هجران رنج دوری وطن و کمبود محبت دوستان را با مطالعه کتاب مرفوع میدارد.  
خانم شمال با محترم احمد ضیا عظیمی ازدواج نمود و دارای دو فرزند بنام رومان جان و عمر اجان میباشد.



## نجیبه خلیل



زنان با همت افغان در هر سرزمین  
که زندگی دارند بخاطر بلند بردن  
سطح دانش و زندگی خود تلاش  
فراوان نموده اند چنانچه شما دوستان  
در هر صفحه این کتاب از زحمات  
خواهران هم وطن تان مطالعه  
فرمودید که با همت عالی خود از  
پیشرفت های جوامع مترقی عقب  
نمانده اند.

نجیبه خلیل یکی از همچون خانم های  
پرتلاش دیگر کشور ما میباشد.  
او مکتب ابتدائیه خود را در نازوانا  
به پایان رسانید تحصیلات ثانوی را  
در لیسه زرغونه ختم کرد بعد از

فراغت لیسه زرغونه در رادیو تلویزیون ملی شامل کار شد و برای  
سه سال در برنامه های مختلف نطایقی نمود.

در سال 1376-ش- 1997 میلادی با محترم صمد سلام ازدواج نمود  
وبعداً نسبت مشکلات جنگهای داخلی وطن را ترک گفتند و در  
جرمنی مسکن گزیدند این زوج فرهنگی جوان در کشور المان تشکیل

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

خانواده دادند، با تولد دو دختر دوگانگی بنام های هیلی جان و هوسی جان به اتعداد فامیل افزودند .

خانم خلیل بعد از دوسال زندگی در المان به ایالات متحده امریکا نقل مکان کرد.

خانم نجیبه خلیل با وجود مسولیت طفل های دوگانگی دوباره کرسی شاگردی اختیار نمود و در رشته ژورنالیزم تحصیلات خود را به سویه ماستری در امریکا ختم کرد و مدت چهار سال در رشته کپیوتر کسب منفعت نمود .

در سال 1382 خورشیدی 2003 میلادی در رادیو (اشنا) صدای امریکا در بخش دری بکارنطاقی آغاز نمود و هم چنان متصدی برنامه یک ساعته صحت در رادیو اشنا مسولیت او را نیز احتوا میکند.

نجیبه خلیل با استفاده از وظیفه ژورنالستی از طریق برنامه های صحتی بخاطر آگاهی از وقایع امراض و جلوگیری از سرایت امراض با تلاش زیاد برنامه های مفید تهیه مینماید.

صحت یکی از مهم ترین نعمیت برای هر سن و سال انسان به شمار میرود پس باید گفت اگر او خود دکتور طب نیستند مگر خوبترین خدمت گذار در جامعه بخاطر سلامتی انسان میباشد زیرا رسانه های جمعی یگانه وسیله آگاهی برای مردم است این بانوی پرتلاش و فرهنگی خوشبختانه با همسر عزیزش که ژورنالست خوب دیگری میباشد با اتفاق نظر در همه امور با هم یار و یارو اند و زندگی پر

سعادت را استقبال میدارند ناگفته نباید گذاشت که فرزندان شان نیز از تحصیلات عالی در شته حقوق جزائی برخوردار میباشند. نجیبه خلیل در هر سرزمین که زندگی داشته یک لحظه هم تصویر زنان رنجکشیده کشور را از ذهنش خارج نکرده او همیشه بخاطر حقوق بشر وبخصوص رهایی زن از ستم و حق تلفی از طریق خدمات اجتماعی مبارزه نموده است.

خانم خلیل بخاطر انجام وظیفه در کشورهای کانادا، فرانسه، چین، انگلیستان، هند، هانکانگ وتایوان سفر های زیاد داشته است. اوبه سپورت نیزعلاقه خاص دارد زیرا سپورت یکی از بهترین وقایه صحی بوده، ومدت هفت سال در تیم باسکتبال لیسه زرغونه وکلپ پوهنتون کابل حصه داشت و در مسابقات سپورتي نقش ارزنده را ایفا نموده است.

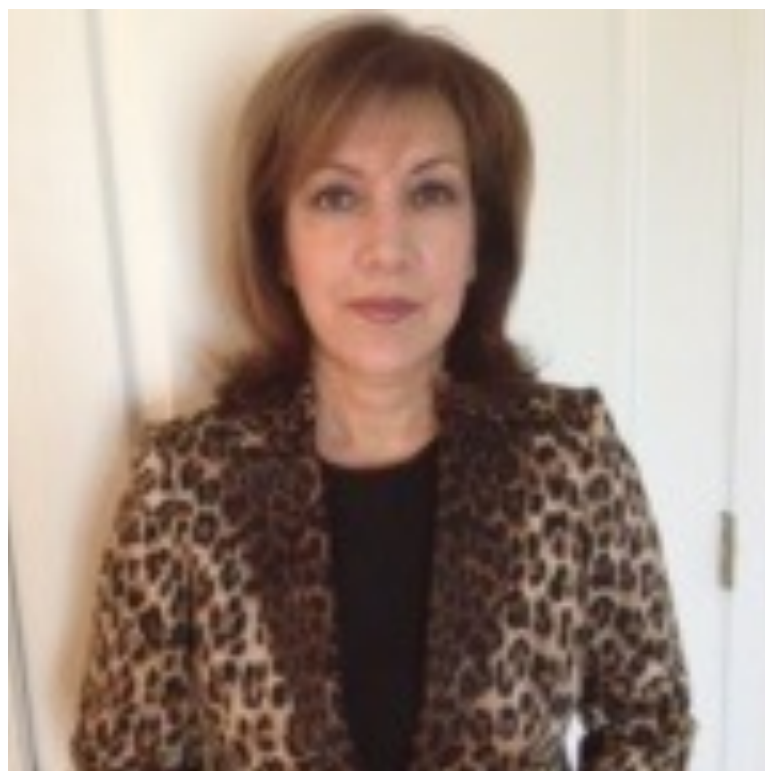
خانم خلیل ازجمله نطاقان به آواز وسبك نطاقی زنده یاد مهدی ظفرعلاقه خاص داشت و درمورد مهدی ظفر چنین نوشته است: { نه تنها سبك نطاقی آقای مهدی ظفر را دوست داشتم بلکه حاکم بودنش را نیز که یکی از صفات او بود ، وی را درجمع نطاقان برازنده تر جلوه میداد. یادم است زمانیکه براخوانش اخبار به استودیو میرفت گاهگاهی خبرها را از پشت "ورق" میخواند یک وقتیکه من با وی خبر میخواندم او درجریان خبرخواندن بند های بوتش را بسته میکرد که این خود بیانگرحاکم بودنش در قرائت اخبار راساً بود. }

## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

زمانیکه نجیبه خلیل به نطّاقی آغاز نمود هژده سال داشت و دران سن جوانی اخبار راساً شب را به جراعت قرائت نمود به بسیار زودی فوتوهایش در پشتی مجله پشتون ژغ به طبع رسید و بنام نطّاق جوان و رزیده مصاحبه انجام دادند.

به یقین که در جوانی همکاری با رادیو و قرائت اخبار و آنهم با نطّاقان چون زنده یاد مهدی ظفر دل و جرائت میخواهد که خوشبختانه آن جرائت نصیب حال نجیبه جان خلیل بود.



## فوزیه میترا



فوزیه اولین فرزند خانواده خود بوده در سال (1343) ش- در شهر کابل تولد گردیده است او در مکتب ابتدائیه بی بی شمسو درس خواند و بکلوریا ی خود را آمنه فداوی پایان رسانید. در دوره مکتب و جوانی کار گویندگی را راساً به تلویزیون ملی افغانستان شروع نمود. در سال 1358 ش- تلویزیون ملی به نطقان بیشتر نیاز داشت و برای جذب استعداد ها هیت از طرف رادیو تلویزیون در مکاتب فرستاده شد تا جوانان با استعداد را جستجوی برای جذب

نطاقی به تلویزیون معرفی نمایند. خانم فوزیه یکی از آن جمله جوانان لیسه آمنه قدوی بود که به تلویزیون جذب گردید.

بهر حال آغاز کارش به نطّاقی تصادفی نبود بلکه او همیشه ارزورا داشت که یکروز صدای خود را از ورای امواج رادیو بشنود بلی چنان هم شد، بعد از سپری نمودن امتحان نطّاقی در حضور داشت هیت متشکل از پردیوسران، ژورنالستان ودایرکتران تلویزیون، راساً به خوانش برنامه های تلویزیونی پرداخت . او در آغاز کار راساً به تعمیر تلویزیون میرفت وبعد از ختم پروگرام به خانه برمیکشت و اصلاً نمیدانست که دفتری بنام مدیریت نطّاقان وجود دارد، یکروز زنده یاد هاشم پکتیانی او را در صحن رادیو دید و از وی پرسید : {توکجا هستی ما صرفاً ترا از طریق تلویزیون می بنیم و بس در اینجا اداره بنام نطّاقان وجود دارد و همه نطّاقان در آن مدیریت حظری دارند و طبق تقسیم اوقات به برنامه های رادیو و تلویزیون همکاری مینمایند به خواندن یک و یا دو برنامه تلویزیون نطّاق نشده نمیتوانی اگر میخواهی برای همیشه نطّاقی کنی بیا بدفتر در همه برنامه های رادیو سهم بگیر و از تجربه دیگران بیاموز} خانم فوزیه فکر کرده بود که به بزرگترین ارزش رسیده است مگر بی خبر از آنکه تجربه که دیگران در این رشته کمایی کرده اند او تا هنوز در آن جاده قدم نگذاشته است. هراس و هوس و هیجان سرپایش را فراگرفته بود که چطور بدفتر نطّاقان داخل شود و قته بدفتر نطّاقان رفت مورد استقبال همه نطّاقان و مدیر نطّاقان آقای گل شاه محرابی قرار گرفت. از لطف و تشویق فامیل، همکاران، معلمین و متعلمین مکتبش و همکاری صادقانه پردیوسران ودایرکتران

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

توانست که از آن نبرد موفق بدر آید و تا آخرین معیار طاقی که قرائت نشرات مستقیم (اخبار شب) بود، برسد. او گوینده خوب برنامه های مختلف هنری، ادبی، تفریحی، زن و خانواده، سیاسی، و نظامی رادیو و تلویزیون گردید، همه برنامه ها را خوب میخواند آواز گیرایش بدل ها چنگ میزد مگر برنامه فرهنگ مردم را در تلویزیون با شوق و هیجان اجرا میکرد. مخصوصاً در مورد قالین بافی زنان سمت شمال کشور را چنان با زوق قرائت میکرد تا ارزش کار و زحمات زنان کشور را در اقتصاد خانواده و اجتماع انعکاس بدهد و هدفمندانه نقش اساسی زنان را در همه امور منزل، اجتماع، اقتصاد به چشم بنینده ها زنده میساخت. بعداً همین پروگرام فرهنگ مردم، تلویزیون افغانستان جایزه منطقه آسیا میانه تاجکستان، ازبکستان و افغانستان را بدست آورد.

خانم فوزیه مانند دیگر نطاقان شامل کورس نطاقی نیز گردید و از رهنمود های خانم شفیقه حبیبی، آقای دکتور اسدالله حبیب، آقای سیف الرحمن ابراهیم خیل، آقای دکتور اکرم عثمان، زنده یاد دکتور پوهاند عبدالاحمد جاوید که مسوولیت پرورش نطاقان را داشتند، بهره مند گردیده است.

زمانکه از لیسه آمنه فدوی فارغ گردید به صفت مامور رسمی در دفتر اطلاعات تلویزیون تقرر حاصل نمود و برنامه های مختلف از قبیل دنیا سیاست و رویدادها، جام وجم، مروری بر وقایع مهم هفته



را تهیه مینمود و هم در کنار این همه مصروفیت ها به انیستیتوت اداره پیداگوژی برای کسب دانش علمی به تحصیل میپرداخت و در سال 1370-ش- از آن انستیتوت، فارغ وبصفت معلم زبان دری در لیسه ابوالقاسم فردوسی به تربیه وتعلیم اولاد معارف همت گماشت. خانم فوزیه میترا اصل زندگی را احترام بر بزرگان، شفقت بر کودکان ودستگیری از افتادگان میداند روی همین عقیده تا آخرین روز های دشوار دامن مادر وطن را رها نکرد با وجود آنکه در زمان مجاهدین تصویر زنان از صفحه تلویزیون قطع گردیده بود وبرای خانم هایکه اخبار رادیو وتلویزون قرائت مینمایند ذکر اسمای رهبران مجاهد، بوسیله زنان از طرف حکومت وقت حرام پنداشته میشد، تصویر او نیز از صفحه تلویزیون قطع گردید. روزهای دشوار شرایط جنگ داخلی را بخاطر دارد که صدای فیر راکت ها دراستودیو شینده میشد مگر نطاقان با حالت عادی اخبار را قرائت میکردند تا باشندگان شهر کابل را روحیه بدهند. نطاقی با رادیو وتلویزیون در شرایطی جنگ کار ساده نیست، جرائت ودل شیر میخواهد که شیر زنان افغانستان «نطاقان» از همچون شهامت برخوردار بودند. خانم فوزیه از خطر دو انفجار انفجار دراستودیو رادیو که از طرف مخالفین درمیز نطاق «بم» گذاری شده بود جان بسلامت برده است. فقط چند ثانیه بعد از قرائت برنامه اش «بم» منفجر گردید.

مگر این خانم با شهامت، فردا به همان لبخند صمیمانه و روحیه قوی تر با همسر عزیزش آقای میترا بوظیفه شان ادامه دادند. در هشت ثور 1371 که مجاهدین وارد کابل گردیدند شب خونین و فراموش ناشدنی بود تمام کارمندان در رادیو تلویزیون مصروف اجرای وظایف شان بودند از رادیو برآمده نتوانستند، صرفاً اطفال را از کودکانستان گرفته در زیرزمینی های تعمیر رادیو شب را زیر باران راکت های شورای نظار، جمعیت اسلامی و دیگر گروپها متخاصم سحر کردند.

در زمان که طالبان قدرت را از کف مجاهدین ربودند، کسانی که مسوولیت نشرات رادیو تلویزیون را داشتند بالای وظیفه شان، جانبازانه حاضر بودند و صدای فیرها را از فاصله چند متری استماع میکردند اما با یک روحیه عالی بکار شان دوام میدادند بالاخره یکتن از همکاران از استودیو جهت نظاره حوادث برآمد، دید که موظفین مسلح رادیو و تلویزیون سلاح ها و لباس های عسکری شان را در دهلیز رها کرده فرار نمودند، بعد همه کارمندان چند دقیقه قبل از اشغال رادیو-تلویزیون توسط طالبان، کودکان شان را از کودکانستان گرفته و از راه عقبی تعمیر رادیو تلویزیون فرار نمودند. در باره شهامت خانم های نطق در شرایط جنگی هر قدر بنویسم باز هم کم نوشته ام زیرا کار فرهنگی در چنان شرایط کمتر از سنگر داغ نبرد نبوده و به یک کتاب خلاصه نمی شود باید ثبت تاریخ کشور گردد.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

فوزیه میترا در سال (1361) خورشیدی با محترم حسین میترا ژورنالیست معروف رادیو تلویزیون، ازدواج و تشکیل خانواده داد که ثمر این پیوند میمون چهار فرزند هریک مریم جان یگانه دختر، احمد مسیح، احمد میلاد، احمد بلال میباشند. سرانجام در سال 1381 ش 2002 میلادی ترک وطن کردند و اکنون در کشور هالند زندگی دارند.

### لطیفه "ایر" نورستانی



لطیفه فرزند نور زمان خان از سرزمین سرسبز و پر غرور نورستان افغانستان می باشد. وی بعد از ختم بکلوریا از لیسه آلائی ولایت ننگرهار شامل پوهنتون کابل گردید و از فاکولته زبان و ادبیات در رشته ادبیات پشتو لسانس خود را اخذ کرد و بعد به حیث کارمند رسمی در اداره هنر و ادبیات رادیو افغانستان تقرر حاصل کرد. خانم لطیفه تهیه کننده و گوینده برنامه های "کره کتنه"، دشو مدم هنگامی، و غیره برنامه های هنری و ادبی "رادیو

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

بودند. او از قدرت عالی قلم برخوردار بود در نوشتن برنامه های رادیویی با استعداد سرشار ادبی خویش برنامه های جالب مینوشت و با آوازگیرایش تقدیم شنوندگان مینمود. او همچنان در سرودن اشعار پشتو و نورستانی، شاعر توانای زمان خود بود.

وی دارای کرکتر آرام مودب، صمیمی و خوش برخورد بود و همیشه لبان متبسم داشت، چشمان سبز دریائی او جلایش بخصوص داشت، در زبان نورستانی چشم سبز را "ایر" به معنی آسمان سبزویا "دشنه آسمان" میگویند چون در خانه همه اعضای فامیل او را "ایر" صدا میکردند بناً "ایر" را تخلص رسمی خود انتخاب کرد.

خانم "ایر" تا سال 1370 ش- در رادیو تلویزیون به کار های فرهنگی اشتغال داشت مگر با حاکمیت احزاب اسلامی در افغانستان، از فعالیت های فرهنگی دست کشید و در یکی از مکاتب شهر کابل بحیث معلم در خدمت اولاد وطن قرار گرفت. اما امنیت روز تا روز در اثر جنگ های احزاب اسلامی خراب تر شد و مکاتب هم به سقوط مواجه گردید وی بطرف ولایت بلخ رفت و در یکی از مکاتب نسوان بصفت معلم زبان پشتو ایفای وظیفه نمود. در تاریکی، دوره طالبان وظیفه معلمی را نیز از دست داد، با سقوط طالبان دوباره به تربیه اولاد وطن همت گماشت و فعلاً در ولایت بلخ در یکی از مکاتب بصفت معلم خدمت مینماید و با فامیلش در آن ولایت زندگی دارند.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

### سهیلا «نثار» بسام



خانم نثار در سال 1339-  
ش-1960 م-در کابل  
تولد گردید، بعد از اكمال  
مكتب ابتدائيه شامل  
ليسه ملالي شد وبعد از  
ختم بكوريا براي  
تحصيلات عالي به  
ماسكو رفت مگر نسبت  
مريضى كه عايد حالش  
گردید بعدا از يك يكسال  
تحصيل دو باره بوطن  
برگشتودر پوهنتون كابل

در رشته ژورناليزم به تحصيلش ادامه داد.  
در سال 1958 با محترم صنعت بسام ازدواج نمود.  
در سال (1364)ش-(1985)ميلادى بعد از ختم تحصيل بوظيفه  
معلمى دريكي از مكاتب شهر كابل و همزمان كار گويندگى رادر  
راديو افغانستان آغاز نمود- در نخست برنامه هاى راديو را گويندگى  
ميكرد بعد با كسب تجربه به گويندگى در بخش هاى تلويزيون نيز

پرداخت او زیادتیر پروگرامهای مسابقات زهنی تلویزیون و برنامه جوانان و تبصره های سیاسی در تلویزیون را نطای می کرد. بعداً بخواندن اخبار راساً پرداخت مگر در سال 1993 میلادی با ایجاد ممانعت های غیر عدلانه احزاب اسلامی همه فعالیت هایش را نقطه پایان گذاشت و راهی کشور هالند گردید. وی در کشور میزبان به آموزش زبان پرداخت بعد از تکمیل زبان در میدان هوایی شهر آمستردام در یک رستوران بحیث آمر حسابی آن مقرر گردید در سال 2000 میلادی به همکاری همسر عزیزش یک کلپ سپورتی بلیارد را ایجاد نمودند. وی بمطالعه آثار ادبی و فرهنگی وطنش علاقه فراوان داشته و شعر را خیلی دوست دارد" مرحوم رازق فانی "از جمله شاعران و محترم دکتور اکرم عثمان از جمله نویسندگان شخصیت های دوست داشتنی او میباشند. روی همین علاقه مندی وظیفه فرهنگی خود را در کشور هالند نیز فراموش نکرده است با وجود همه مصروفیت های که دارد با مجله قانون که از طرف اتحادیه افغانهای هالند نشر میگردد همکاری قلمی دارد. وی بر علاوه بخش های ادبی و فرهنگی رسوم و عنانات پسندیده افغانی را در قید تحریر میآورد و هم چنان از روی دادهای مهم مربوط به زنان کشور چه در داخل افغانستان و چه در کشور میزبان در مجله بارتاب میدهد و از مقرارات و قوانین هالند جهت آگاهی هموطنانش در مجله قانون قلم میزند.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

اودر باره تقویه فرهنگ ووطنش ازهیچ نوع همکاری با هموطنان دریغ نکرده چنانچه از همکاری های او در فیلم سایه مرگ که به همت وپشت کار آقای صبور سرباز "طوفان" تهیه شده بود و فیلم دیگری که به همت محترم کریم تنویر تدارک گردیده بود، اشتراک کرد چنانچه پرودیوسران فیلم ها از وی وهمسرش اظهار شکران نموده اند.

درسال 2007 میلادی سفری بکابل داشت واز آثار تاریخی افغانستان قبل از جنگ و بعد از جنگ واز اعمار مجدد افغانستان بعد از سقوط طالبان فیلم مستند تهیه نمود واز طریق تلویزیون ملی هالند نشر گردید .

در این فیلم شهنامه فردوسی را از شعر به نثر ودرامه در آورده و تصاویر تاریخی مانند تخت رستم قبل از جنگ و بعد از جنگ و ویرانی های جنگ را -آماده نمایش ساخته است که در تلویزیون هالند چند بار اقبال نشر یافت ومورد استقبال مردم قرارگرفت. سهیلا نثار و آقای صنعت بسام از ازدواج میمون شان دارای دو فرزند بنام های لیمه بسام که تحصیل خویش را در رشته حقوق قضایی در آمستردام ختم کرده است وفرزند دومی شان بنام سمیر بسام که هم اکنون مصروف تحصیل است - میباشند زندگی خوش برای شان آرزو مندیم.

### لیلما احمدی



لیلما احمدی فرزند حاجی محمد  
در سال 1346 ش- دیده بدنیا باز  
کرد. در سال 1379 ش- از لیسه  
مریم خیرخانه کابل فارغ و شامل  
انستیتوت تخنیک گردید و رشته  
تخنیک رادیو موفقانه ختم کرد، لیلما  
جان در سال 1362 ش- بایک  
گروپ 14 نفری، دختران مسلکی  
برای اولین بار در بخش تخنیکی رادیو  
بحیث معاون انجنیر بکار آغاز کردند.  
خانم احمدی در بخش های مختلف  
ثبت و نشر رادیو بصفت کار مند  
مسلکی وفنی خدمت نمود مگراز

جوانی هوا نطق شدن را در سرداشت. زمانیکه در ساحه رادیو  
بکار آغازید احساس نمود، کار تنها در بخش تخنیکی برایش بسنده  
نیست باید در بخش گویندگی نیز استعداد خود را تبارز بدهد، روی  
همین علاقه شخصی خود تلاش نمود تا در جمع نطقان کشور



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

نیز حساب گردد. برای عمل کرد این آروز استعداد نطای خود را آزمود و عقب میز نطای قرار گرفت. خانم احمدی یک چهره شناخته شده ژورنالیست فعال در حال حاضر در کشور ما می باشد. او در بخش های مختلف فرهنگی سهم گرفت و بفکر طبع و نشر مجله بنام (روز) گردید و از سال 1381 تا 1383 ش- نویسنده و متصدی "مجله روز" بوده است. با نشر موضوعات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مخصوصاً موضوعات مربوط به زنان کشور مجله روز مورد علاقه خوانندگان قرار گرفت. از سال 1383 تا سال 1385 ش- مسوول و انعکاس دهنده بازسازی افغانستان در بخشهای مختلف، نشرات جمعی بوده است و هم چنان در سال 1383 ش- مسوول و تهیه و پرورش کورس های فوتو ژورنالیزم گردید. لیلماجان برای ارتقاع سویه و تقویه استعدادش در بخش ژورنالیزم از کورسهای کوتاه مدت کشور های خارج استفاده برده و تجارت بیشتر اندوخت مثلاً

Video and photo journalism production Held by  
Associate professor of journalism Boston University  
and journalism courses Held by BBC ,DWRFI and  
AINA Organization

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریادارو

---

او از طرف بسیار ارگان ها و موسیسات خارجی مانند فرانسه، سویدن، ترکیه و جرمنی تقدیر نامه ها دریافت نموده است و هم چنان دعوت نامه از طرف پادشاه عربستان سعودی " شیخ ملک فیاد " جهت ادای فریضه حج فرض بخاطر خوبترین نطق و اناسر زن در افغانستان را دریافت کرد. دعوت نامه دیگر از طرف دولت ایالات متحده امریکا برای اشتراک در کنفرانس

### U. S .A .Press Meeting

در ماه اگست 2007 دریافت نمود. خانم لیما احمدی بزبان های دری، پشتو، و انگلیسی روان صحبت میدارد.

## زکیه اشکریز حقپرست

خانم زکیه در سال 1343 ش-  
در محل باغ علیمردان شهر کابل  
تولد گردیده است.

زمانیکه هفت ساله بود روانه مکتب  
گردید و همزمان روانه اجتماع  
بزرگ فرهنگی، رادیو افغانستان  
وقت نیز گردید. دقیقاً زمانیکه  
اقای استاد امان اشکریز برادرش  
در رادیو برای اطفال بنام کا کا  
منجانی قصه میگفت. در حقیقت  
استاد امان اشکریز مشوق هر دو  
خواهرش (صفیه جان و زکیه جان)  
بکارهای فرهنگی بوده است. در  
آن زمان موتر رادیو اطفال را



از منازل شان گرفته به رادیو انتقال میداد و دو باره به محل زیست  
شان میرساند.

اقای احد عزیززاده که اندک بزرگتر و سابقه دارتر پروگرام اطفال  
نسبت به دیگران بود، احساس مسولیت میکرد و دست زکیه را

گرفته از سرک میگزشت و برایش میگفت هوشته بگیر که بازگوشی نکنی مستقیماً به خانه بروی. و این کار را مکرراً انجام میداد. خانم زکیه اشکریز اساسات گویندگی را از پروگرام اطفال رادیو اموخت و در سال 1355-ش- از طریق برنامه اطفال مانند اکثریت نطقان دیگر به مدیریت نطقان معرفی گردید.

همکاری وی با برنامه های مختلف رادیو شروع شد او مانند سایر نطقان در پروگرام های هنری، ادبی، سپورت، برنامه های زن و زندگی و غیره سهم فعال گرفت.

خانم اشکریز از تجربه و حسن همکاری سایر نطقان مانند خانم غتی خاوری، خانم فوزیه شهاب، خانم ستوری جان، خانم سهیلا اضغری وردک، زنده یاد هاشم پکتیانی، آقای انوش، در محمد نوری، شهید صایمه مقصودی و خانم فوزیه میترا - و دیگران تجربه اندوخت و محبت های همکاران از جمله خاطره های فراموش ناشدنی او بحساب میرود.

خاطره زکیه جان اشکریز در امور نطقی :  
خاطره جالب دوره کار نطقی او با یک سوتفاهم و یا غلط فهمی بود که در در بخش نشر برنامه مستقیم فرمایشی رخ داد است.  
« خانم زکیه مسوولت قرائت اخبار ساعت پنج عصر را داشت و در مدیریت نطقان منتظر پوره شدن وقت بود تا اخبار قرائت نماید که قد وقامت آقای عزیز غزنوی متصدی برنامه فرمایشی در مدیریت نطقان نمایان گردید و از وی خواش کرد تا پروگرام فرمایش آن

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

روز را بخواند. خانم زکیه نیز پذیرفت و پروگرام از دست آقای غزنوی گرفت و در مدیریت نطقان گذاشت و در عوض اخبار را با خود گرفته هر دو روانه استودیو گردیدند و قتیکه عقب میز گوینده گی قرار گرفتند برنامه فرماشی هم مستقیماً نشر میگردید صرفاً با یک مرور قبلی میدانست که آهنگ اول فرمایشی آن روز به آواز احمد ظاهر میباشد.

گفت شنوندگان فرمایشی سلام عرض میکنم و کاغذ های پروگرام را میپالید حیران بود که کی ها آهنگ احمد ظاهر فرمایش داده است معمولاً آهنگ های احمد ظاهر زیاد ترین فرمایش دهنده را داشت و به عجله دو باره گفت، آهنگ اول فرمایشی امروز ما به آواز احمد ظاهر است.

از عقب شیشه استودیوی نشر به به اطاقانجینر تخنیکی نظر انداخت همه کارکنان که در آن طرف شیشه دیده میشدند بنام فرمایش دهنده از ایشان با ادرس مختلف نام گرفت و بالای حافظه خود فشار میآورد که اگر بتواند چند نامی دیگر را نیز به زبان بیاورد، در آن موقع احمدشاه حسن « آواز خوان » در استودیو « اطاق تخنیکی » وارد شد و زکیه فوراً گفت "واحد شاه حسن از شاه شهید "ع" خواهش نشر آهنگ احمد ظاهر نموده است. در موقع نشر آهنگ به آقای غزنوی و دیگر همکاران گفت من عوض پروگرام فرمایشی اخبار با خود با استودیو آورده بودم واحد شاه

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

حسن نیز حیران بود که چه وقت نامه به پروگرام فرمایش فرستاده است»

خانم حق پرست تا اکنون که آهنگ احمد شاه حسن را در دیار غربت میشنود خاطره همان روز برایش زنده می‌گردد و افسوس آن دروان را مینماید.

در سال 1360 ش- با رادیو قطع رابطه نمود دلیل آن شرایط نا مساعد امنیتی و عدم اعتماد بین دولت و رعیت بود زیرا نسبت مسائل امنیتی کارمندانیکه بداخل استودیو میشد از سر تا پا از طرف خانم مسوول تلاشی باید تلاشی می‌گردیدند گرچه این وضعیت شامل حال تمام کارمندان بود. مگر به عقیده خانم زکیه، تلاشی ها عدم اعتماد را در بین دوستان و همکاران بوجود آورده بود زیرا او از سن هفت سالگی در آن محیط با فضای آزاد- انس گرفته بود تلاشی را یک نوع تحقیر و بی اعتمادی پنداشت و از طرف دیگر روحیه تمام برنامه بنفع (حزب و دولت خلق و پرچم) بود، برایش غیر قابل قبول بود بنا رادیو را ترک و بر قصد ادامه تحصیل شامل پوهنتون گردید و در رشته شریعت لسان خود را بدست آورد و بعد در لیسه رابعه بلخی بصفت معلم به تربیه اولاد معارف پرداخت. زمانی که مجاهدین کابل را تصرف کردند و در حق زنان جفای غیر قابل انتظار صورت گرفت، باعث آن شده تا ترک یار و دیار نماید همانا در کشور هالند پناه برد و زندگی جدید را آغاز نمود، از آن چه در کشور هالند رنج برده است ندانستن زبان، قوانین، کلتور

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

و فرهنگ کشور میزبان بود در جمع باشندگان اصلی آنها خود را بی سواد احساس میکرد.

مگر زکیه که از نامش پیداست با تلاش و زکات فراوان زبان هالندی را آموخت و خود را از حالت بیسوادی و بی زبانی بیرون کشید بعد از ختم کورس های آموزش زبان به کالج رفت و در کالج رنج دیگری برایش دست داد.

زیرا سن و سال وی با دیگر محصلین خیلی تفاوت داشت و آنها با زبان مادری شان با سویه بلند تر درس میخواندن مگر شیر دخترافغان از دیگران عقب نماند، بعد از سه سال تحصیل فعلا در مکتب که خورد ترین دخترش و برادر زادهایش متعلم اند به صفت اسستانت معلم (معاون معلم) تدریس مینماید، او دیگر بی سواد نیست، خود را مسرور احساس میدارد وی همراهی احمد شاه حقیرست از دواج نموده و دارای شش فرزند سه دختر و سه پسر میباشد.

### شنکی "یوسف" گردیزی



خانم شنکی گردیزی  
فرزند جنرال  
دکتور محمد یوسف،  
خواهر زهره یوسف  
داوود میباشد.  
جنرال محمد یوسف  
تحصیل طب را در  
دانشگاه "کلمبیا" شهر  
نیویارک امریکا تمام  
کرد، بعد به حیث  
سرطبيب در قوای  
مرکز « اردوی  
افغانستان » اجرای  
وظیفه نمود. بیاس  
خدمات ارزشمند او در  
اردوملی، تا رتبه جنرالی ارتقا نمود.



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

دکتور محمد یوسف با محترمه زکیه کبیر سراج یکی از نه دختران مرحوم کبیر سراج ازدواج کرد، تشکیل خانواده بزرگ سه پسر و چهار دختر را نمودند.

چهارهی انصاری وات شهر کابل که محل تولد و دوره کودکی و جوانی خانم شنکی بوده خاطرات خوش با منظره های مقبول کوچه های شهر نو در زهنش برای همیشه باقیست، او لایق ترین شاگرد مکتب ملالی و خانواده خود بوده، در تمام دوره های مکتب در ردیف شاگردان ممتاز قرار داشت. بعد از ختم لیسه ملالی شامل فاکولته اقتصاد پوهنتون کابل گردید.

در سال 1357 شمسی 1978 میلادی در دوره تحصیل پوهنتون موفق به اخذ سکا لرشپ گردید و برای مدت چهار ماه با یکتعداد محصلین ممتاز دیگر عازم ایالت متحده امریکا شد. هدف از آن پروگرام معرفت بیشتر زبان انگلیسی و آشنائی به فرهنگ و کلتور امریکا و تبادل تجارب برای محصلین بود. بعد از برگشت سفر چهار ماهه و ختم موفقانه تحصیل پوهنتون در سال 1358 شمسی 1979 میلادی در رشته اقتصاد ملی و پلان گذاری به اخذ لسانس نایل گردید.

خانم شنکی گردیزی با محترم بریالی گردیزی که از جمله فارغ التحصیلان المان در رشته انجنیری بود، ازدواج کرد و نسبت وظیفه محترم بریالی گردیزی در نساجی گلپهار در ولایت کاپیسا اقامت گزیدند و خانم شنکی برای یکسال به حیث معلم در لیسه

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریادارو

---

نسوان گلبهار زبان دری و تاریخ را تدریس کرد. در بازگشت بکابل در لیسه ملالی برای مدت سه سال بحیث معلم تاریخ، جغرافیه و زبان دری به تدریس دختران جوان وطنش همت گماشت.

از انجاییکه علاقه زیاد به زبان و فرهنگ داشت، در کنار ماموریت و مصروفیت های معلمی، علاقه مندی بر او غلبه کرد و او را بسوی رادیو تلویزیون برای نطای کشانید. مدتی بحیث نطای پروگرام های مسابقات زهنی خدمت نمود. در سال 1363 شمسی 1984 میلادی در شعبه انکشاف زراعت سازمان ملل متحد در کابل بحیث سکرتر در بخش پلان گذاری و توسعه زراعت در بانک زراعتی خدمت نکرد. وبعد از آن بحیث اسیستانت در شعبه انکشاف تجارت ملل متحد در وزارت تجارت شامل خدمت گردید.

در سال 1365 شمسی 1986 میلادی نسبت عدم استقرار صلح و امنیت با دوطفل خویش وارد کشور هند وستان گردید و مدت یکسال در هند پسری نمود. در 1366 شمسی 1987 میلادی وارد کشور کانادا شد و در شهر تورانتو اقامت گذدند. در شروع هجرت مانند سایر مهاجرین بکار های شاقه تن داد بعد از تثبیت لیاقت و سپری نمود امتحانات در سال 1367 شمسی 1988 میلادی در مورد پلان گذاری، محاسبه و اداره بخش های مختلف کیویتر، بحیث اسیستانت در شعبه پلان گذاری مورد تعلیمی

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

تورانتو کشور "کانادا" اجرای وظیفه میدارند بر علاوه، مسوول کاردنیتور Coordinator پروگرام های زبان تامیل Tamil که بخش از فعالیت های مورد تعلیمی شهر تورانتو میباشد، سهم فعال گرفته و اجرای وظیفه مینماید. خانم گردیزی در زمینه رشد و تقویه زبان دری تهیه مواد درسی و کتب که هم جز از وظایف مورد تعلیمی شهر تورانتو میباشد، اطفال افغان را نیز تدریس مینماید. در زندگی شخصی خود نیز مادر فعال بوده دارای دوفرزند بنام های صدف جان و پسر لمر جان میباشد. صدف گردیزی در شته طب از دانشگاه تورانتو فارغ گردیده است در یکی از شفا خانه های آن شهر مصروف خدمت میباشد و محترم لمر گردیزی با اخذ لسانس از دانشگاه تورنتو فارغ و به منظور بدست آوردن دکتورای، در رشته سانیس بحتصیل ادامه میدهند. محترم انجینر بریالی گردیزی فعلا بحیث آمر تولیدی در یکی از موسسات آلمان اجرای وظیفه میدارند.

### عادلّه "شاداب" صفا زاده



خانم شاداب فرزند غلام قادر خان «گرد» در سال 1340 ش - در قریه القانی کلان ولایت سرپل تولد گردیده است . وی ابتداییه خود را در مکتب ابتدائی تجربوی شهر مزار شریف درس خواند و تحصیل ثانوی خود را در لیسه خدیجه جوزجانی اکمال نمود، بعد شامل انستیتوت پیداگوژی شیرغان گردید. مگراز جوانی علاقه به مسلک ژورنالیزم داشت، در 1360 ش- فامیل ایشان به کابل نقل و مکان نمودند او خواست به مسلک دلخواه خود دسترسی پیدا نماید. بکمک آقای عارف همدن نطق برجسته

رادیو تلویزیون آن وقت به رادیو راه پیدا کرد و در امتحان نطقی موفقیت گردید. اول گویندگی برنامه های رادیو آغاز کرد و بعد برنامه های دهقان، برنامه جواب نامه های سربازان ، نوای

کھسار و بعضی برنامه های دیگر را گویندگی نمود. همزمان با کار فرهنگی در فاکولته ژورنالیزم دانشگاه کابل شامل گردید. او قبل از اكمال تحصیل نسبت مشکلات محل زیست که در ده دانا و چهاردهی کابل زندگی میکردند و مردم محل از کار وی در رادیو اطلاع حاصل نمودند. گروپ های مجاهدین با ارسال اختاریه ها شب نامه ها، چوروچپاول دارای و آتش زدن دکان برادرانش، وی را مانع ادامه کار و تحصیل شدند. پدر بزرگوار شان آقای غلام قادر "گرد" که خود یک شخصیت علمی و با فضیلت معارف بود و در دانشگاه امریکایا در کشور لبنان، شهر بیروت به سویه ماستری از تحصیل عالی برخوردار بود و مدت چهل سال در معارف کشور مصروف تدریس زبان انگلیسی برای جوانان وطنش بود، مگر بخاطر حفظ شرف و ناموس، نام و حیثیت فامیل دخترش را بدون در نظر داشت توافق روحی و انتخاب وی، عاجل خانه بخت فرستاد. بعد از ازدواج در کشور ما، مادر شدن یک امر حتمی و قبول شده است وی نیز مادر شد و با تولد اولین طفلش، تحصیل و کار با رادیو ختم گردید، زمانیکه از رادیو وداع نمود، چنان میگریست که طفل از مادرش جدا گردد. خانم شاداب بعداً به صفت معلم زبان دری و انگلیسی در مکتب تجربوی بی بی مهر و، و مکتب نسوان بی بی مهر و قدم های پدرش

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

را در ساحه معارف کشور تعقیب نمود و به تدریس اولاد وطن پرداخت.

این دوشیزه جوان با تلاش و پشت کار در همه امور منزل و کار خارج از منزل رسیدگی میکرد و غبار خسته گی برخسار نداشت مانند تخلصش همیشه شاداب بود.

اما ازدواج قبل از وقت و اجباری، ناراحتی های جنگها در وطن او را افسرده ساخت.

در جنگ های داخلی هر خانواده یکی و دو قربانی داده است وی نیز برادر جوانش را که مصروف خدمت زیر بیرق بود از دست داد و متعاقباً شوهرش نیز دو برادر جوانش را که در ادای دین مادر وطن سربازی میکردند، از دست دادند.

در سال (1375- )ش (1996-) میلادی در زمان تسلط طالبان در کشور، با قربانی سه تن از جوانان فامیل دامن وطن را ترک گفتند، بعد از سه سال اقامت در اسلام آباد در سال (1999) میلادی در ایالات متحده امریکا به ایالت کلفورنیا مسکن گزین شدند.

خانم شاداب در سال 1361 ش با آقای دکتور جمشید صفا زاده ازدواج نموده است و از زندگی مشترک شان سه پسر و دو دختر منحصیث سرمایه بزرگ نصیب گردیدند.

وی در تربیه جگر گوشه هایش از هیچ نوع تلاش دریغ نورزیده و هم چنان در حفظ زبان دری و کلتور وطن آنها را مددگار بوده است و خود نیز بخاطر بلند بردن سویه تحصیل شامل کالج گردید بعد از

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

سه سال تحصیل در یکی از مکاتب در شهر لاس انجلس بصفت معاون معلم مصروف خدمت مییاشد .

همچنان در اوقات فراغت به تدریس زبان دری اطفال هموطنانش میپردازد زیرا عشق تدریس را از پدر بزرگوارش به میراث گرفته است. مصداق این ادعا سهم گیری دخترش تهمنه جان در بخش های ادبی تلویزیون افغانها قرائت اشعار دری مییاشد.

خانم شاداب صفا زاده تمام بشاشیت و خاطرات خوش ولذت زندگی را مربوط ایام کارش در رادیو تلویزیون میداند . زیرا با تلاش فراوان به آرزوی دیرین خویش رسیده بود اما سعادت همیشه زود گذر است.

زمانیکه نقطه ختم در کار رادیو ادامه تحصیل ژورنالیزم نسبت شرایط فوق الزکر، گذاشت وبه ازدواج اجباری تن داد، آرامش روحی نداشته وبا استفاده از تابلیت های مسکن اعصاب زندگی را استقبال مینماید.

وی از جمله نطاقان هم دوره کارش به آواز ونطاقی شهید مهدی ظفر، فوزیه شهاب خیلی علاقه داشت واز هنرمندان آواز هما "رابعه احمدی" دوست دارد و فرد، فرد همکاران رادیو تلویزیون را بدیده قدر نگرسته واحترام قلبی برای همه ایشان قایل است.

## زرغونه فقیریار

زرغونه فرزند دکتور فقیرالله «فقیریار» و محترمه معلمه نورجهان فقیریار، متولد سال 1337 ش- شهر کابل میباشد.

او از قوم محمدزائی و اجداد و نیاکالانش از سرزمین ولایت کندهار بوده است. زرغونه جان دوره مکتب ابتدائیه را نسبت وظیفه پدرش در ولایت تخار و خان آباد تکمیل نمود و دوره متوسطه را در شهر کابل درلیسه سوریا، در سال 1354 ش- به پایان رسانید.

آغاز ماموریتش در ریاست مطابع دولتی بحیث عضو تحریرات آنریاست بوده است.

در سال 1356 ش- از مطابع دولتی تبدیلا در

اداره روزنه رادیو افغانستان به حیث همکار پروگرام جوانان بکار آغاز کرد و در سال 1357 ش- با فعال شدن تلویزیون در افغانستان بحیث پرودیوسر و انانسر برنامه کودک و انانسر پروگرامهای مختلف تلویزیون بفعالیت پرداخت.





## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

خانم فقیریار بعد از کسب تجارب ، گوینده دایمی برنامه کودک در نشرات تلویزیون گردید. بعد از اشغال افغانستان توسط قوای سرخ شوروی فضای مادر وطن از رونق پیشین باز ماند و دوام زندگی با تنفس دود مسموم کننده باروت جنگ برایش غیر تحمل شد. در سال 1365 ش- با فامیلش دامن هجرت گرفت و در کراچی پاکستان با مشکلات پنجه نرم کرد.

سرانجام در سال 1366 ش- مطابق 1987 میلادی خانم فقیریار در کشور جرمنی اقامت گزید.

خانم زرغونه فقیریار در سال 1368 ش- مطابق سال 1989 م با محترم حفیظ الله سخی ازدواج کرد و ثمر ازدواج شان دوپسر و یک دختر بنام های حارث سخی فقیریار، نیلاب سخی فقیریار و میلاد سخی فقیریار میباشد.

خانم زرغونه فقیریار اکنون در کشور میزبان در مرکز طفل و مادر ایفای وظیفه میدارد.

خاطرات : از خاطرات خوش دوره کارش باراديو تلویزیون محبت ، حسن نیت نیک ، فضای صمیمی همکاری با همکارانش بوده و تاکنون با همان احساس قلبی روابط خویش را با ایشان در سراسر گیتی حفظ نموده است.

خاطرات تلخ از اذیت کمیته حزبی رادیو تلویزیون بنابر عدم توافق سیاست جاری آن وقت میباشد.

### ایجاد شعبات ضروری

در سال 1357 ش-زمانیکه نشرات تلویزیون بفالیت آغاز کرد در بخش نشرات تلویزیون یک تعداد شعبات مسلکی نیز بنا بر ضرورت ایجاد گردید و افراد مجرب درشته خطاطی، نقاشی، نجاری، مکیاژ و آرایش نیز بفعالیت آغاز نمودند.

محترم نجیب الله سلطانی مدیر مکیاژ  
محترم حسین وداع عضو مدیریت آرت و گرافیک و خطاط  
خانم مریم عضو مدیریت خطاطان و مکیاژ

خانم فرخنده عضو = = مکیاژ

محترم نصرالله سلطانی عضو = = مکیاژ

خانم مریم صدیق مسول شعبه آرایش و آرایشگر

خانم حبیبه آرایشگر

خانم عالیه آرایشگر

خانم سهیلا نجوا آرایشگر

خانم آصفه غیائی آرایشگر

خانم فضیله آرایشگر

در این کتاب تاریخ فعالیت های هنری و فرهنگی خانم های ارجمند سرزمین آریانا باستان و خراسان قدیم (افغانستان) کنونی تا جایکه ادرس و یا نمبرتلفون دوستان را پیدا کرده توانستم ، تذکر بعمل آمد . شایان یاد آوری میدانم که اولین انجیران و معاونین انجیران از طبقه

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

انات در رادیو تلویزیون در سال (1362 ش) شامل خدمت گردیدند عبارت بودند از :

خانم ثریا انصاری انجینیر

خانم ناهید واحدی انجینیر

تعداد خانم هایکه بحیث معاون انجینر ایفای خدمت کرده اند

خانم خیریه مریال

خانم زکیه باسق

خانم زریما احمدی

خانم لیلما احمدی

خانم زبیده سعیدی

خانم راحله قیوم حنیفی

خانم فهیمه جان

دوستان و خواهران گرامی که در غنا بخشیدن فرهنگ و ادبیات کشور خدمات ارزشمند انجام دادند، برای انعکاس فعالیت های ایشان که درج این کتاب گردد، تلاش زیاد نمودم با آنهم یک تعداد ایشان را پیدا کرده نتوانستم صرفاً با ذکر نام ایشان از خدمات با ارزش شان تقدیر و تشکر مینمایم . امیدوارم مرا با بزرگی شان عفو تقصیر نمایند.

خانم نورجهان فارنی یکی از اولین ژورناست های طبقه انات در سال 1343 ش-افغانستان بود ومدت طولانی در رادیو افغانستان با

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

همسر عزیزشان شادروان داوود فارانی خدمت فراوان نمودند ، هر دو نخبگان فرهنگی کشور مابودند. خدمات ارزشمند خانم نورجهان فارانی بیک سطر خلاصه نمیشود او از جمله اولین فارغان رشته ژورنالیزم ، دانشکده زبان و ادبیات پوهنتون کابل بودند. قبل از آن دختران در رشته تعلیم و تربیه و زبان و ادبیات بیشتر علاقه داشتند و نسبت شرایط سنتی والدین بیشتر در همین رشته فرزندان شان را تشویق مینمودند اما در سال 1339 ش- برای اولین بار دانشکده زبان و ادبیات دیپارمنت ژورنالیزم بیست و چهارمحصل را تربیه کرد که در سال 1343 ش- فارغ گردیدند و از انجمله چهار تن آنها دختران چون خانم نورجهان فارانی ، شکریه جان رعد، مهریه مستمندی<sup>۱</sup> و مستوره جان بودند . متأسفانه ادرس شان را پیدا کرده نتوانستم تا شرح مفصل درباره فعالیت‌های فرهنگی شان تذکر داده میشد.

خانم فهیمه نورزاد نیز مدت طولانی در تهیه و ترتیب پروگرام کورنی ژوند خدمت بزرگ برای خانواده های هموطنش انجام داده است . اکنون در کشو هالند زندگی مینماید بنده چند بار هم‌رایش تماس گرفتم نسبت مریض که عاید حالش بود، نتواست با من همکاری نماید . صحت برایش آرزو میدارم.

دکتور حسینه عثمان نطق تلویزیون با شکسته نفسی از درج زندگی نامه شان نسبت اینکه مدتی کوتاهی با تلویزیون همکار بودند

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

صرف نظر نمودند از ایشان متشکرم. نطاقانی را که پیدا کرده نتوانستم .

|                                                 |                         |
|-------------------------------------------------|-------------------------|
| خانم آمینه ملک زاده اولین نطاق زن در رادیو بود. | خانم زینت شایگان        |
| خانم شیرین مجروح                                | خانم قمر سعید           |
| خانم گلجان حنان                                 | خانم مهریه رفیق مستمندی |
| خانم قمر میوندی                                 | خانم نجیبه حیدر         |
| خانم شمیم ربانی نطاق اردو                       | خانم آمنه پوپل          |
| خانم دکتور فریده هوت                            | خانم ملالی ظریف         |
| خانم پروین علی                                  | خانم خاور نطاق اردو     |
| خانم حسنیه سروری                                | خانم پروین اوسا         |
| خانم صدیقه ظفر                                  | خانم زهره رهگزر         |
| خانم نفسیه عباسی                                | خانم خورشید پایا        |
| خانم زینت گلچین                                 | خانم صالحه انوری        |
| خانم مستوره اصیل وزیری                          | خانم پروین حبیبی        |
| خانم نسیمه احمدی                                | خانم راحله پایا         |
| خانم منوره زریاب                                | خانم لیلا صبری          |
| خانم بصیره خاطره                                | خانم حمیرا زرمنده       |
| خانم برشنا بهار                                 | خانم غتی نوری           |
| خانم زینت فرشید                                 | خانم صبا سحر            |
| خانم انجیلا شمسی                                | خانم فریده همراه        |
| خانم نسیمه شکیب                                 |                         |

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

|                      |                     |
|----------------------|---------------------|
| خانم درخانی          | خانم ماری مسکین یار |
| خانم ستاره امنی      | خانم سیوتا          |
| خانم زیرکه           | خانم ندیمه          |
| خانم پشتنه           | خانم سپوژمی         |
| خانم صالحه حارث      | خانم رابعه اکبری    |
| خانم زردیوه پلار     | خانم جمیله متین     |
| خانم فوزیه وهاب زاده | خانم محبوبه رسول    |
| خانم پروین ملال      | خانم ملالی «س» جلال |

### خواننده عزیز :

با کمال افتخار متذکر میشوم که تعداد زیاد خواهران ما بحیث پرودیوسران خدمت چشم گیر در تهیه و ترتیب برنامه های رادیویی و تلویزیونی انجام داده اند و همه نطقان از تروایش قلم توانای ایشان کسب شهرت کردند . خدمات ارزشمند شان برای همه ما قابل قدر و یاد آوری میباشد.

با کمال تاسف یک عده نطقان و ممثلین با شهرت، که هم اکنون مصروف کارهای فرهنگی در رسانه های داخل کشور و بیرون از کشور میباشند، با تماس های مکرر تلفونی ، ایمیلی برای درج خدمات شان ، علاقه مندی نشان دادند. مگر بنده را در انتظار بلا

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

تکلیف قرار داند، در خم و پیچ این جاده فرهنگی گام عملی برنداشتند  
روی این دلیل از ذکر نام ایشان صرف نظر گردید.

### سرانجام

قلم چه حکمتیست که روی صفحه می‌لغزد  
که خاطرات جهان ز حک حکمت اوست (ماریا)

دوستان گرانقدر :

نوشتن این کتاب انگیزه درونی من است، به پاس ارج گذاری به خانم  
های ارجمند که در دوره های مختلف در بخش های مختلف  
فرهنگی کشور فعالیت نموده اند، بخاطر ادای احترام بمقام ولای  
زنان کشورم وبالاخره بخاطر زحمات شبا روزی آنها که برای  
تنویر از هان عامه رنج ها، تحقیر ها، مخالفت های خانواده و جامعه  
را متقبل شدند و برای ارمان مقدس برابری عدالت اجتماعی و بر  
تبارز دادن شخصیت زنان در جامعه سنتی و عقب مانده، چون  
ستارگان تابناک در آسمان مطبوعات کشور درخشیدند، افتخار دارم  
که قادر به نوشتن چند سطر، جهت ادی دین، اجر زحمات شان  
شده باشم.

## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---

دانشمندان کتاب را بهترین اختراع بشریت میدانند زیرا مونس راستین شب و روز انسان بوده روزنه های نا مکشوف را بروی انسان می‌گشاید در مورد این مونس بی همتا و بی آزار باید اندیشید. کتاب متضمن شخصیت و اندیشه های خلاق انسان است. دانش انسان بدون مدرک اساسی (کتاب) حاصل نمی‌گردد پس بی‌آید زهن خود را از زیر ابرهای خشم، کینه و کدورد، سرگرمی های غیبت و به هم اندازی دیگران، توطئه، تفتین کنار کشده و در روشنائی علم خواندن کتاب و آموختن از تجربه زندگی دیگران قرار بدهیم. تنگ نظری، تعصب، زن ستیزی اعمال ناشیسته کسانیت که نیش گزدم وار شان قلب نازک و پر محبت زنان را می‌گذند، بخاطر رفع این نقصیه باید از خود دفاع نمایم و شجاعت، فدا کاری، تحمل جفای جامعه و برده باری، اندوه طاقت فرسای زنان را روی کاغذ بکشیم تا اندک از تجربه دیگران بیاموزیم و آیندگان کمک نمایم.

زمانیکه به نوشتن این کتاب آغاز کردم دریافتم که بعضی از دوستان در میان ما نیستند، قلبم فشرد و اشک در چشمانم جمع گردید ای کاش در زمان حیات شان چند سطری برای شان مینوشتم، با وجودیکه از کار های فرهنگی شان یک مقدار انعکاس داده شده است مگر بر حال شان تاثیر گذار نیست. روح شان شاد باد. ملت ما از فرهنگ بسیار ابتدائی بهره مند است هرگاه برای ثقیل کردن زهن شان اندک همت گمارند طلا نا یاب می‌گردند، برای آگاهی،



## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

دانستن علم و مطالعه سن و سال و مونت و مذكر مطرح نیست، انگیزه مطرح است انگیزه هم جناح مثبت و منفی خود را دارد. منفی گرائی، خشنوت و جهل اضلاع اولیه هویت اسنان تشکیل میدهد که خواهی خواهی طرف خرافات، کینه توزی، تنگ نظری، پرابلم های خانوادگی و انتقام جویی میلان پیدا میکند و انسان را به جدال و بدبختی میکشاند.

اضلاع دومی انسان همان ثقیل زهن است. درسرزمین ما فرهنگ، خواندن قصه و قصه نویسی، محافل شعر خوانی از شکل اولیه و ابتدائی تبارز نکرده است. در گذشته های دور در بار شاهان وجود داشت و الیه تا دهه هشتاد به شکل خانقا منحصر بود که در آن یک قشر محدود اشتراک مینمودند و از که از نعمیت دانش لذت میبردند. اما زنان بکلی محروم بودند. بنا زنان بخاطر سرگرمی و خوشیهای شان عقیده " نذرونیاز" را دامن میزدند جای آنکه در محافل فرهنگی برای اندختن هنر و فرهنگ اجتماع کنند.

آوردن این فرهنگ بسته به قشریست که ضمیر شان با نور علم منور شده باشد، بدبختانه جامعه ما از این ناحیه در محدودیت قرار دارد، برای پیاده ساختن این فرهنگ استقامت، مقاومت، خودگذری و قربانی ها ضرورت است که زنان کشور ما از قرن ها این قربانی ها را داده اند و هم اکنون جانهای شریں شان فدای خواسته های نامعقول زن ستیزان میگردد.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

قشر بیمار جامعه ما دل به تنفگ بسته و راه سعادت و روشنائی را با دود تنفگ مسموم میسازند، کوردلان خون را از دماغ شان تبخیر نمیدهند بلکه خون دیگران را می ریزند، شرف بشری و حیثیت هنری را از عینک گناه تماشاه میکنند واقعیت بنی علمی ندارند، ژورنالیستان، هنرمندان، نطاقان، شعرا، نویسندگان را که فرزندان صدیق و خدمت گذاران جامعه هستند، با فیر تنفگ فتوا میدهند. من از آغاز تا انجام این کتاب از خانم های شجاع که در هرگونه شرایط نیش زبان گردیده اند و با پرابلم ها دست و پنجه دادند شما را بمطالعه فراخواندم مگر آنچه که سرنوشت برای زنان سرزمین ما تعیین نموده است (بربریت در عصر اتم است) دسته دسته شگوفه های دامن فرهنگ میهن ما بدست انسان های کور دل و قصاب وحشیانه پرپر میگردد و یا به برده گی کشانده میشوند، زیرا آنها زوال خود را در رشنائی علمی و فرهنگی خواهران ما می بینند. در این قرن 21 افغانستان در زن ستیزی به سرخط اخبار جهان قرار دارد خواهران هم وطن ما که نسبت انواع مختلف خشونت دست به خودکشی، خود سوزی میزدند، آمار و ارقام درشت در دفتر حقوق بشر ثبت گردیده است. زنان بخاطر حفظ ناموس و شرف خود، از بلند منزل ها خود را پرتاب کردند تا مورد تجاوز قرار نگیرند، مانند ناهید شهید در سال «1992» در مکررویان کابل.

آنانیکه بخاطر حق مشروع زندگی فارغ از اسارت و بردگی به لت و کوب و خشنوت تن ندادند ، محکوم به سنگسار میشوند و یا بی رحمانه از طرف شوهران ، پدران، ویا برادران شان بقتل رسیده اند مانند امه در بدخشان ، نادیا انجمن "شاعر" در هرات و با بعض ایشان بخت یاری کرد از خانه (زندان) شوهر پا بفرار گذاشتند مانند گلثوم که در سن چهار سالگی عروسی نمود و از ظلم فامیل شوهر فرار و فعلا در یتیم خانه های شهر کابل بسر میبرد و کسانیکه بخاطر خدمات فرهنگی و اجتماعی بی رحمانه هدف فیر تفنگ قرار گرفتند مانند صفیه "عمه جان" در کندهار و آنانکه در رسانه های جمعی بخاطر گفتن واقعیت ها جان های شریں شان را از دست داند، شیما رضایی در سال 2004 عیسوی ، شکیا سانگه آماج وزکیه زکی در سال 2007 عیسوی که هر کدام شان در شاداب ترین مرحله زندگی قرار داشتند.

علت کشتار ژورنالست ها و بخصوص زنان بخاطر سیت که ژورنالست ها فرزندان صدیق، خدمتگذار جامعه و دنبال کرد واقعت ها و بر ملا ساختن رازهای سرپوشیده میباشند.

بی مورد نیست که نوشتن این کتاب انگیزه در وجودم تولید نمود و حس تتبع و تحقق ام را تحریک کرد تا باشید که از کار نامه خانم های عزیز و گرانقدر طی چند سطری یاد و ادای احترام بنمایم. امید وار هستم که این کتاب بتواند جوابگو کار نامه های پرتنر و حماسه افرین مادران و خواهران عزیز وطنم که در شرایط دشوار

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

به فعالیت های فرهنگی پرداخته اند و مورد استفاده نسل های آینده کشورم قرار گیرد.

سپاس فراوان و احساس قلبی خود را خدمت دوستان ارجمند و گرامی که مرا در نوشتن این کتاب یاری رسانیده اند، در پیدا کردن نمرات تلفون، ادرس پستی، ادرس ایمیل نطاقان، هنرمندان لطف فراوان نمودند، ابراز میدارم.

داکتر فیض الله ایماق در معرفی نطاقان پروگرام های میلتهای برادر مرا کمک نمودند جهانی سپاس، محترم وحید الله مریال (لا لا وحید) که با حوصله مندی فراوان همکار راستین برای نوشتن این کتاب بودند، دوست نهایت عزیز آقای بهاولالدین متمعد ارشیف رادیو تلویزیون ملی افغانستان از موجودیت نطاقان و هنرمندان کابل صادقانه مرا مژده وصل داند و با هر کدام ایشان تماس های مرا برقرار ساختند. محترم عنایت الله شفق همکار عزیزم که از هیچ نوع همکاری دریغ نفرمودند. ، خانم الیس نیکزاد ناشر و خانم سیما شادان که مژده ادرس ، نطاقان و هنرمندان مقیم کشور انگلیستان را با حوصله مندی برایم ایمیل نمودند. خانم نسرين شهيم و خانم فاطمه جمال صیامی که جستجوی نطاقان و هنرمندان بخش اروپا را وظیفه گرفتند. خانم ستوری منگل دوست و همکار نازنینم که با حوصله مندی یک لیست نام نویس ممثلین، نطاقان را برایم تهیه و تلفونی مرا یا داشت داده اند. خانم نجیبه سارا بیابانی که و در نوشتن کتاب مرا زیاد تشویق کردند و اسناد و فوتو های هنرمندان

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

ونطاقان را در دسترش قرار داشت به اختیارم گذاشتند. خانم زلیخا نگاه، نطاقان و هنرمندان را در ایالات متحده امریکا همه روزه با حوصله مندی و تلاش پیدا و مرا کمک کردند. محترم سید مقصود برهان همکاران عزیز دوره های کارم در رادیو تلویزیون، در تکمیل لیست کارمندان رادیو تلویزیون یاری رسانیده اند. محترم عظیم بابک بایک عالم محبت فوتوهای شاه امان الله خان و همسر ملکه ثریا و اولین رئیس جمهور محمد داوود خان را برایم فرستادند. محبت و تشویق محترم ظاهر جلالی و لیلیا جلالی که با ارسال مطالب فامیل محترم نورانی مرا محنت گذاشتند. محترم عبدالله رحمانی فعلاً کارمند مدیریت مامورین رادیو تلویزیون، در عالم نا شناسی مرا همکار بوده و تمام نطاق و هنرمندان را پی گیرانه حین امضای حاضری یاد آوری و اسناد ایشان را برایم ایمل نموده است. خانم انیسه لطیف درانی با ارسال فوتوهای دختران برگزیده سال (1351) ش در تزهین کتابم افزودند. دوستان و همکاران کانادائی بنده چون : Thersa Snook & Naoko Takaya &

Kathy Dempsey

همواره مرا مددگار بودند. با این همه کمک ها و لطف های دوستان جز میتوانم از تهی قلب اظهار سپاس نمایم، زیرا هر کدام ایشان در تکمیل این کتاب سهم گرفته اند یک جهان ممنون.

پایان

کانادا سال 2008 میلادی - Canada 2008

## آوای ماندگار زنان افغانستان      ماریا دارو

---



ماریا دارو

خانم ماریا فرزند الحاج محمد ابراهیم «بها» در شهر پلخمری مربوط ولایت بغلان دیده به جهان گشود. مکتب ابتداییه را در لیسه بی بی حوای پلخمری الی صنف دوم و در لیسه آمنه فدوی ختم نمود وی از جمله فارغ التحصیلان لیسه عالی عایشه درانی میباشد.

## آوای ماندگار زنان افغانستان ماریا دارو

---

وی در صنف دوم مکتب اولین پارچه تمثیلی نوشته «محمد ناصر غرغشت» را در حضور داشت سردار محمد داوودخان که جهت بررسی مکاتب بولایت سفر کرده بود، اجرا نمود. زمانی که دوباره بکابل کوچیدند، رابطه خود را با ارسال پارچه های ادبی با رادیو افغانستان آغاز کرد. در صنف هشتم مکتب بود که بکمک زنده یاد محمد هاشم ارشادی به اداره هنر و ادبیات رادیو افغانستان معرفی شد و به تمثیل آغاز کرد. بعد از ختم تحصیل به اداره هنر و ادبیات بصفت مامور رسمی تقرر حاصل نمود، مدت طولانی در شعبات مختلف رادیو افغانستان، ریاست هنر و فرهنگ وزارت اطلاعات و کلتور، کتابخانه های عامه کابل، کوپراتیف های دهقانی و در ریاست جمهوری افغانستان بحیث کارمند اداری ایفای خدمت نموده است. وی با محمد یوسف دارو ازدواج کرد و دارای چهار فرزند میباشد. او شوهرش را از دست داد و با فرزندانش بکشور کانادا هجرت نمود.

خ ت م